



MAX-PLANCK-STIFTUNG

für Internationalen Frieden und
Rechtsstaatlichkeit • gemeinnützige GmbH

قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان





MAX-PLANCK-STIFTUNG

für Internationalen Frieden und
Rechtsstaatlichkeit • gemeinnützige GmbH

Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland



پیشگفتاری بر نسخه دوزبانه آلمانی-فارسی

نسخه پیشرو از قانون اساسی آلمان به دو زبان آلمانی و فارسی، در چهار چوب فعالیت‌های پروژه‌ای بنیاد ماکس-پلانک تهیه شده است. هرچند فرائد آن از این چهارچوب بسیار فراتر می‌رود. این نسخه می‌تواند خصوصاً در تبادلات میان حقوق‌دانان و سیاستمداران، اندیشمندان و شهروندان ایران، افغانستان و نیز آلمان خدمات ارزنده‌ای ارائه دهد. برای آنکه استناد به آن در گفتگوها تسهیل شود، متن فارسی در کنار متن آلمانی آن درج شده است.

ملاک ما برای ترجمه، فارسی معیار بوده است، چرا که این سبک در بسیاری از نواحی – خصوصاً در افغانستان - قابل فهم است. البته گفتنی است که برخی اصطلاحات حقوقی ممکن است در هر ناحیه‌ای به طور متفاوتی به‌کار برود. در این موارد می‌توان به لغتنامه‌های حقوقی فارسی مراجعه نمود.

آقای شمس‌الحق مایل پیش‌نویس اولیه‌ای از ترجمه کامل متن تهیه کردند. دکتر غزاله فریدزاده این ترجمه را با نازک‌اندیشی علمی بازنویسی نموده و واژگان علمی واحدی را تثبیت کرده است. بنیاد از هر دو این افراد بی‌نهایت سپاسگزار است.

نسخه آلمانی-فارسی قانون اساسی آلمان برای کلیه مصارف غیر تجاری در دسترس همگان قرار می‌گیرد. استفاده از آن در تمامی انواع نشر مستلزم کسب موافقت کتبی بنیاد ماکس-پلانک است.

دکتر تیلمن جی. رودر

سردبیر

Vorwort zur deutsch-persischen Ausgabe

Die vorliegende deutsch-persische Ausgabe des Grundgesetzes entstand im Rahmen der Projektarbeit der Max-Planck-Stiftung. Ihr Nutzen geht allerdings weit darüber hinaus. Sie kann vor allem im Austausch zwischen Juristen und Politikern, Wissenschaftlern und Bürgern aus Iran und Afghanistan sowie Deutschland wertvolle Dienste leisten. Damit die Bezugnahme im Dialog leicht fällt, ist der persische Text neben dem entsprechenden deutschen Text abgedruckt.

Die Wahl fiel auf das iranische Farsi, da es in vielen anderen Ländern – insbesondere Afghanistan – verstanden wird. Es sei aber darauf hingewiesen, dass sich manche Rechtsbegriffe im lokalen Gebrauch unterscheiden können. Diese sollten in iranischen Rechtswörterbüchern nachgeschlagen werden.

Schamzelhaq Mayel hat einen ersten vollständigen Entwurf der Übersetzung angefertigt. Dr. Ghazaleh Faridzadeh hat diesen mit wissenschaftlicher Akribie überarbeitet und dabei eine einheitliche Terminologie entwickelt. Beiden ist die Stiftung zu tiefem Dank verpflichtet.

Die deutsch-persische Ausgabe des Grundgesetzes steht für jede nichtkommerzielle Verwendung frei zur Verfügung. Ein Abdruck in Publikationen jedweder Art bedarf der schriftlichen Zustimmung der Max-Planck-Stiftung.

Dr. Tilmann J. Röder
Herausgeber

درباره بنیاد ماکس-پلانک برای صلح بین‌المللی و حاکمیت قانون

بنیاد ماکس پلانک برای صلح بین‌المللی و حاکمیت قانون یک مؤسسه عام‌المنفعه است. این مؤسسه به مشاوره حقوقی و برگزاری دوره‌های کارآموزی و آموزش ضمن خدمت در مناطق جنگی و مورد منازعه و در کشورهایی که در مرحله گذار به سر می‌برند، می‌پردازد. این بنیاد به صورت صددرصد به انجمن ماکس پلانک آلمان وابسته بوده و مقر آن نیز در شهر هایدلبرگ آلمان است.

وظائف اصلی این بنیاد حمایت از صلح و حاکمیت قانون و حقوق بشر است. همچنین این بنیاد حمایت از درک متقابل فرهنگ‌های حقوقی آن سوی مرزها را وظیفه خود می‌داند. از میان اصول اساسی منشور حرفه‌ای این بنیاد می‌توان از اصل «علمی بودن»، اصل «بی‌طرفی سیاسی»، و اصل «استقلال» نام برد.

این بنیاد به دولت‌ها کمک می‌کند تا بتوانند ساختارهای حاکمیت قانون خود را توسعه داده و به کار بندند. برای نیل به این هدف، برای مثال، به مجالس مؤسسان قانون اساسی، وزارتخانه‌ها، پارلمان‌ها و دادگاه‌های عالی مشاوره داده می‌شود. این بنیاد در کنار حمایت از نهادهای دولتی از سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر کنشگران مستقل از حکومت‌ها نیز حمایت می‌کند. فعالیت‌های مشاوره‌ای این بنیاد عمدتاً با پروژه‌های کارآموزی و آموزش‌های ضمن خدمت مرتبط است. این بنیاد برای ارائه مشاوره‌های کارآمد، از منظر روش‌شناختی، از ابزار حقوق تطبیقی بسیار بهره می‌گیرد. این بنیاد علاوه بر حمایت از توسعه و اجرایی کردن ساختارهای بومی حاکمیت قانون در منازعات نیز میانجیگری می‌کند.

بنیاد ماکس پلانک برای صلح بین‌المللی و حاکمیت قانون در کنار پروژه‌های مشاوره و آموزش، به پژوهش‌های بنیادی نیز می‌پردازد و از این راه به سهم خود به نظریه‌پردازی در حوزه‌های «حمایت از صلح» و «ترویج حاکمیت قانون» یاری می‌رساند.

Über die Max-Planck-Stiftung für Internationalen Frieden und Rechtsstaatlichkeit

Die Max-Planck-Stiftung für Internationalen Frieden und Rechtsstaatlichkeit ist eine gemeinnützige GmbH, die juristische Beratung und Fortbildungen in Konfliktgebieten und Transformationsstaaten durchführt. Sie wurde im Januar 2013 als hundertprozentige Tochter der Max-Planck-Gesellschaft mit Sitz in Heidelberg gegründet.

Zentrale Aufgaben der Stiftung sind die Förderung von Frieden, Rechtsstaatlichkeit und Menschenrechten und des Verständnisses von Rechtskulturen über Grenzen hinweg. Zu ihren handlungsleitenden Grundsätzen gehören Wissenschaftlichkeit, politische Neutralität und Unabhängigkeit.

Die Stiftung unterstützt Staaten dabei, rechtsstaatliche Strukturen zu entwickeln und durchzusetzen. Dies erfolgt beispielsweise durch Beratung von verfassungsgebenden Versammlungen, Ministerien, Parlamenten und obersten Gerichten, aber auch von Akteuren aus der Zivilgesellschaft. Die Beratungstätigkeit ist häufig mit Aus- und Weiterbildungsprojekten verbunden. Methodisch nimmt dabei die Rechtsvergleichung eine wichtige Rolle ein. Neben der Unterstützung bei der Entwicklung und Durchsetzung rechtsstaatlicher Strukturen bietet die Stiftung auch Vermittlung in Konflikten an.

Ergänzend zu den Beratungs- und Weiterbildungsprojekten betreibt die Max-Planck-Stiftung Grundlagenforschung und leistet damit Beiträge zur Theoriebildung im Bereich der Friedens- und Rechtsstaatsförderung.

قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان

تاریخ تصویب: ۱۹۴۹/۰۵/۲۳

مشخصات کامل:

قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان بر اساس نسخه اصلاحی که در روزنامه رسمی فدرال، بخش ۳، با شماره ترتیبی ۱-۱۰۰ به چاپ رسیده است و آخرین بار توسط اصل ۱ قانون ۲۳ دسامبر ۲۰۱۴ (روزنامه رسمی فدرال، بخش ۱، صفحه ۲۴۳۸) تغییر یافته است.

آخرین تغییرات: اصلاح شده توسط اصل ۱ قانون ۲۳/۱۲/۲۰۱۴ - ۱ - ۲۴۳۸

سر آغاز

شورای پارلمانی در بیست و سوم می‌ماه ۱۹۴۹ در شهر بن کنار راین در یک نشست عام تصریح نمود که قانون اساسی برای جمهوری فدرال آلمان مصوب شورای پارلمانی در هشتم می‌ماه ۱۹۴۹، در هفته میان شانزدهم تا بیست و دوم می‌ماه ۱۹۴۹ با بیش از دو سوم آراء نمایندگان مردم، مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس این تصریح، رئیس شورای پارلمانی به نمایندگی از شورا، قانون اساسی را تکمیل و اعلام نمود. بدین وسیله قانون اساسی حاضر مطابق اصل ۱۴۵ بند ۳ در روزنامه رسمی فدرال منتشر می‌گردد:

Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland

Ausfertigungsdatum: 23.05.1949

Vollzitat:

"Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland in der im Bundesgesetzblatt Teil III, Gliederungsnummer 100-1, veröffentlichten bereinigten Fassung, das zuletzt durch Artikel 1 des Gesetzes vom 23. Dezember 2014 (BGBl. I S. 2438) geändert worden ist"

Stand: Zuletzt geändert durch Art. 1 G v. 23.12.2014 I 2438

Eingangsformel

Der Parlamentarische Rat hat am 23. Mai 1949 in Bonn am Rhein in öffentlicher Sitzung festgestellt, daß das am 8. Mai des Jahres 1949 vom Parlamentarischen Rat beschlossene Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland in der Woche vom 16. bis 22. Mai 1949 durch die Volksvertretungen von mehr als Zweidritteln der beteiligten deutschen Länder angenommen worden ist.

Auf Grund dieser Feststellung hat der Parlamentarische Rat, vertreten durch seine Präsidenten, das Grundgesetz ausgefertigt und verkündet.

Das Grundgesetz wird hiermit gemäß Artikel 145 Abs. 3 im Bundesgesetzblatt veröffentlicht:

مقدمه

ملت آلمان با وقوف به مسئولیت خود در برابر خداوند و انسان و با این نیت که به عنوان عضوی برابر در اروپایی واحد، در خدمت صلح جهانی واقع گردد، با اتکاء به نیروی تقنینی خود این قانون اساسی را وضع نمود. آلمانی‌ها در ایالت‌های بادن و ورتنبرگ، بریمن، هامبورگ، هسن، مکلنبورگ - فورپومرن، نیدرزاکسن، نوردراین ویست فالن، راینلند فالتس، زارلند، زاکسن، ساکسن آنهالت، شلیزویگ هولشتاین و تورینگین، در تصمیمی مستقل و آزاد، وحدت و آزادی آلمان را به اتمام رساندند. بدین ترتیب قانون اساسی حاضر برای تمام ملت آلمان معتبر است.

Präambel

Im Bewußtsein seiner Verantwortung vor Gott und den Menschen, von dem Willen beseelt, als gleichberechtigtes Glied in einem vereinten Europa dem Frieden der Welt zu dienen, hat sich das Deutsche Volk kraft seiner verfassungsgebenden Gewalt dieses Grundgesetz gegeben. Die Deutschen in den Ländern Baden-Württemberg, Bayern, Berlin, Brandenburg, Bremen, Hamburg, Hessen, Mecklenburg-Vorpommern, Niedersachsen, Nordrhein-Westfalen, Rheinland-Pfalz, Saarland, Sachsen, Sachsen-Anhalt, Schleswig-Holstein und Thüringen haben in freier Selbstbestimmung die Einheit und Freiheit Deutschlands vollendet. Damit gilt dieses Grundgesetz für das gesamte Deutsche Volk.

فصل اول: حق‌های بنیادین

اصل ۱

- (۱) کرامت انسان مصون از تعرض است. رعایت و حفاظت از آن تکلیف تمام قوای دولتی است.
- (۲) بر این اساس ملت آلمان خود را پایبند به حقوق بشر خدشه‌ناپذیر و غیرقابل واگذاری می‌داند و آن را بنیاد هر جامعه انسانی، صلح و عدالت در جهان می‌شناسد.
- (۳) حق‌های بنیادین ذیل، قوای مقننه، مجریه و قضائیه را به منزله مقرراتی که بلاواسطه نافذند، مقید می‌سازد.

اصل ۲

- (۱) هر فردی حق تکامل آزادانه شخصیت خود را دارد، با این شرط که به حقوق دیگران تجاوز نکرده و نظم قانون اساسی و یا موازین اخلاقی جامعه را نقض ننماید.
- (۲) هر فردی دارای حق حیات و حق مصونیت بدنی است. آزادی فرد از تعرض مصون است. دخالت در این حقوق تنها می‌تواند به حکم قانون صورت گیرد.

I. Die Grundrechte

Art 1

(1) Die Würde des Menschen ist unantastbar. Sie zu achten und zu schützen ist Verpflichtung aller staatlichen Gewalt.

(2) Das Deutsche Volk bekennt sich darum zu unverletzlichen und unveräußerlichen Menschenrechten als Grundlage jeder menschlichen Gemeinschaft, des Friedens und der Gerechtigkeit in der Welt.

(3) Die nachfolgenden Grundrechte binden Gesetzgebung, vollziehende Gewalt und Rechtsprechung als unmittelbar geltendes Recht.

Art 2

(1) Jeder hat das Recht auf die freie Entfaltung seiner Persönlichkeit, soweit er nicht die Rechte anderer verletzt und nicht gegen die verfassungsmäßige Ordnung oder das Sittengesetz verstößt.

(2) Jeder hat das Recht auf Leben und körperliche Unversehrtheit. Die Freiheit der Person ist unverletzlich. In diese Rechte darf nur auf Grund eines Gesetzes eingegriffen werden.

اصل ۳

(۱) همهٔ افراد نزد قانون با هم برابرند.

(۲) مردان و زنان دارای حقوق برابر هستند. دولت اجرای واقعی تساوی حقوق زن و مرد را حمایت نموده و برای از بین بردن نواقص موجود اقدام می‌نماید.

(۳) هیچ کس نباید به دلیل جنسیت، نسب، نژاد، زبان، تبار و زادگاه، عقیده، دیدگاه مذهبی و یا سیاسی خود مورد تبعیض قرار گیرد یا از مزیتی بهره‌مند گردد. هیچ کس نباید به خاطر معلولیتش مورد تبعیض واقع شود.

اصل ۴

(۱) آزادی ایمان، وجدان و آزادی اظهار عقیدهٔ مذهبی و جهان‌بینی مصون از تعرض است.

(۲) اجرای بدون مانع مناسب مذهبی تضمین می‌گردد.

(۳) هیچ کس نباید بر خلاف وجدانش به جنگ مسلحانه وادار شود. جزئیات بیشتر را قانون فدرال تنظیم می‌کند.

اصل ۵

(۱) هر فردی حق دارد عقیدهٔ خود را آزادانه به‌وسیلهٔ گفتن، نوشتن و تصاویر بیان داشته و منتشر سازد و بدون مانع، از منابعی که در دسترس همگان است، معلومات کسب کند. آزادی مطبوعات و آزادی نشر اخبار توسط امواج صوتی و تصویری تضمین می‌شود. سانسور صورت نمی‌گیرد.

I. Die Grundrechte

Art 3

- (1) Alle Menschen sind vor dem Gesetz gleich.
- (2) Männer und Frauen sind gleichberechtigt. Der Staat fördert die tatsächliche Durchsetzung der Gleichberechtigung von Frauen und Männern und wirkt auf die Beseitigung bestehender Nachteile hin.
- (3) Niemand darf wegen seines Geschlechtes, seiner Abstammung, seiner Rasse, seiner Sprache, seiner Heimat und Herkunft, seines Glaubens, seiner religiösen oder politischen Anschauungen benachteiligt oder bevorzugt werden. Niemand darf wegen seiner Behinderung benachteiligt werden.

Art 4

- (1) Die Freiheit des Glaubens, des Gewissens und die Freiheit des religiösen und weltanschaulichen Bekenntnisses sind unverletzlich.
- (2) Die ungestörte Religionsausübung wird gewährleistet.
- (3) Niemand darf gegen sein Gewissen zum Kriegsdienst mit der Waffe gezwungen werden. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

Art 5

- (1) Jeder hat das Recht, seine Meinung in Wort, Schrift und Bild frei zu äußern und zu verbreiten und sich aus allgemein zugänglichen Quellen ungehindert zu unterrichten. Die Pressefreiheit und die Freiheit der Berichterstattung durch Rundfunk und Film werden gewährleistet. Eine Zensur findet nicht statt

فصل اول: حق‌های بنیادین

- (۲) محدوده این حق‌ها را مفاد قوانین عمومی و مقررات قانونی مربوط به حمایت جوانان و حق مصونیت از حیثیت فردی تعیین می‌کند.
- (۳) هنر و دانش، پژوهش و آموزش آزاد است. آزادی آموزش رافع پایبندی به قانون اساسی نیست.

اصل ۶

- (۱) ازدواج و خانواده تحت حمایت ویژه قوانین دولت قرار دارند.
- (۲) پرورش و آموزش کودکان حق طبیعی پدر و مادر و عمدترین وظیفه آنهاست. مجموعه دولت بر نحوه اجرای آن نظارت دارد.
- (۳) جدا کردن کودکان از خانواده علیرغم میل کسانی که واجد حق تربیت آنها هستند، تنها به موجب قانون امکان‌پذیر است، آن‌هم مشروط به اینکه اولیاء از عهده وظائف خود برنمایند و یا کودکان به دلالتی دیگر در خطر اهمال و بی توجهی واقع شوند.
- (۴) هر مادری حق دارد از حمایت و مراقبت جامعه بهره‌مند شود.
- (۵) کودکان خارج از نکاح باید قانوناً برای تکامل جسمی، روحی و موقعیت اجتماعی خود از همان حمایتی برخوردار باشند که کودکان حاصل از نکاح از آن بهره‌مندند.

I. Die Grundrechte

(2) Diese Rechte finden ihre Schranken in den Vorschriften der allgemeinen Gesetze, den gesetzlichen Bestimmungen zum Schutze der Jugend und in dem Recht der persönlichen Ehre.

(3) Kunst und Wissenschaft, Forschung und Lehre sind frei. Die Freiheit der Lehre entbindet nicht von der Treue zur Verfassung.

Art 6

(1) Ehe und Familie stehen unter dem besonderen Schutze der staatlichen Ordnung.

(2) Pflege und Erziehung der Kinder sind das natürliche Recht der Eltern und die zuvörderst ihnen obliegende Pflicht. Über ihre Betätigung wacht die staatliche Gemeinschaft.

(3) Gegen den Willen der Erziehungsberechtigten dürfen Kinder nur auf Grund eines Gesetzes von der Familie getrennt werden, wenn die Erziehungsberechtigten versagen oder wenn die Kinder aus anderen Gründen zu verwahrlosen drohen.

(4) Jede Mutter hat Anspruch auf den Schutz und die Fürsorge der Gemeinschaft.

(5) Den unehelichen Kindern sind durch die Gesetzgebung die gleichen Bedingungen für ihre leibliche und seelische Entwicklung und ihre Stellung in der Gesellschaft zu schaffen wie den ehelichen Kindern.

اصل ۷

(۱) نظام آموزش و پرورش تحت نظارت دولت قرار دارد.

(۲) واجدین حق تربیت کودکان، حق دارند در مورد شرکت کودک در دروس مذهبی تصمیم بگیرند.

(۳) آموزش تعلیمات دینی در مدارس دولتی، به استثناء مدارس غیر مذهبی، جزء دروس رسمی‌ست. با حفظ حق نظارت دولت، تدریس تعلیمات دینی هماهنگ با اصول هر یک از فرق مذهبی صورت می‌گیرد. هیچ آموزگاری نباید بر خلاف میلش به تدریس علوم دینی وادار گردد.

(۴) حق تأسیس مدارس خصوصی تضمین می‌گردد. تأسیس مدارس خصوصی به جای مدارس رسمی، اجازه دولت را نیاز داشته و تابع قوانین ایالتی هستند. زمانی می‌توان برای مدارس خصوصی مجوز صادر کرد که این مدارس نسبت به مدارس دولتی از لحاظ اهداف آموزشی، تجهیزات و همچنین میزان تحصیلات علمی آموزگاران، در سطح پایین‌تری نبوده و نیز موجب تشدید تبعیض میان کودکان به خاطر تمول مالی والدین نگردند. چنانچه وضع اقتصادی و قانونی آموزگاران به قدر کافی تضمین نشده باشد، این مجوز صادر نخواهد شد.

(۵) تأسیس مدرسه خصوصی مردمی (در سطح ابتدایی) زمانی مجاز است که مدیریت آموزش و پرورش، منفعت تربیتی ویژه‌ای را در آن دریابد یا نظر به درخواست اولیاء کودکان، به عنوان مدرسه‌ای مشترک (میان همه سطوح و همه مذاهب)، مدرسه‌ای مذهبی و یا مدرسه‌ای مبتنی بر اعتقاد یا جهان‌بینی ویژه ایجاد گردد، با این شرط که مدرسه مردمی دولتی دیگری از این نوع در آن حوزه وجود نداشته باشد.

(۶) پیش‌دبستانی‌ها همچنان محل باقی می‌مانند.

I. Die Grundrechte

Art 7

- (1) Das gesamte Schulwesen steht unter der Aufsicht des Staates.
- (2) Die Erziehungsberechtigten haben das Recht, über die Teilnahme des Kindes am Religionsunterricht zu bestimmen.
- (3) Der Religionsunterricht ist in den öffentlichen Schulen mit Ausnahme der bekenntnisfreien Schulen ordentliches Lehrfach. Unbeschadet des staatlichen Aufsichtsrechtes wird der Religionsunterricht in Übereinstimmung mit den Grundsätzen der Religionsgemeinschaften erteilt. Kein Lehrer darf gegen seinen Willen verpflichtet werden, Religionsunterricht zu erteilen.
- (4) Das Recht zur Errichtung von privaten Schulen wird gewährleistet. Private Schulen als Ersatz für öffentliche Schulen bedürfen der Genehmigung des Staates und unterstehen den Landesgesetzen. Die Genehmigung ist zu erteilen, wenn die privaten Schulen in ihren Lehrzielen und Einrichtungen sowie in der wissenschaftlichen Ausbildung ihrer Lehrkräfte nicht hinter den öffentlichen Schulen zurückstehen und eine Sonderung der Schüler nach den Besitzverhältnissen der Eltern nicht gefördert wird. Die Genehmigung ist zu versagen, wenn die wirtschaftliche und rechtliche Stellung der Lehrkräfte nicht genügend gesichert ist.
- (5) Eine private Volksschule ist nur zuzulassen, wenn die Unterrichtsverwaltung ein besonderes pädagogisches Interesse anerkennt oder, auf Antrag von Erziehungsberechtigten, wenn sie als Gemeinschaftsschule, als Bekenntnis- oder Weltanschauungsschule errichtet werden soll und eine öffentliche Volksschule dieser Art in der Gemeinde nicht besteht.
- (6) Vorschulen bleiben aufgehoben.

فصل اول: حق‌های بنیادین

اصل ۸

- (۱) تمام افراد آلمانی حق دارند با رعایت آرامش و بدون حمل سلاح، اجتماع کنند، بی‌آنکه نیاز به اعلام قبلی و یا کسب مجوز باشد.
- (۲) برای تشکیل اجتماعات در فضای آزاد می‌توان این حق را توسط قانون یا با اتکاء به قانون محدود کرد.

اصل ۹

- (۱) همه افراد آلمانی از حق تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها برخوردارند.
- (۲) انجمن‌هایی که هدف یا فعالیت‌هایشان مخالف قوانین جزایی، نظم قانون اساسی و یا مضامین تفاهم بین‌المللی باشند، ممنوع‌اند.
- (۳) حق تشکیل کانون‌های صنفی به‌منظور حفظ و بهبود شرایط کاری و اقتصادی، برای هر فرد و تمام حرفه‌ها تضمین شده است. توافقاتی که این حق را محدود کنند و یا مانع آن شوند، بی‌اعتبارند و هر اقدامی در این راستا غیرقانونی است. اقدامات پیش‌بینی شده در اصول ۱۲ الف و ۳۵ بندهای ۲ و ۳، اصل ۸۷ الف بند ۴ و اصل ۹۱ نباید علیه هیچ یک از اعتراضات کارگری که برای تضمین و حمایت شرایط کاری و اقتصادی از جانب کانون‌های مذکور در جمله ۱ برپا می‌شوند، به‌کار گرفته شوند.

اصل ۱۰

- (۱) محرمانه بودن مکاتبات، مراسلات پستی و مخابرات مصون از تعرض است.

I. Die Grundrechte

Art 8

(1) Alle Deutschen haben das Recht, sich ohne Anmeldung oder Erlaubnis friedlich und ohne Waffen zu versammeln.

(2) Für Versammlungen unter freiem Himmel kann dieses Recht durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes beschränkt werden.

Art 9

(1) Alle Deutschen haben das Recht, Vereine und Gesellschaften zu bilden.

(2) Vereinigungen, deren Zwecke oder deren Tätigkeit den Strafgesetzen zuwiderlaufen oder die sich gegen die verfassungsmäßige Ordnung oder gegen den Gedanken der Völkerverständigung richten, sind verboten.

(3) Das Recht, zur Wahrung und Förderung der Arbeits- und Wirtschaftsbedingungen Vereinigungen zu bilden, ist für jedermann und für alle Berufe gewährleistet. Abreden, die dieses Recht einschränken oder zu behindern suchen, sind nichtig, hierauf gerichtete Maßnahmen sind rechtswidrig. Maßnahmen nach den Artikeln 12a, 35 Abs. 2 und 3, Artikel 87a Abs. 4 und Artikel 91 dürfen sich nicht gegen Arbeitskämpfe richten, die zur Wahrung und Förderung der Arbeits- und Wirtschaftsbedingungen von Vereinigungen im Sinne des Satzes 1 geführt werden.

Art 10

(1) Das Briefgeheimnis sowie das Post- und Fernmeldegeheimnis sind unverletzlich.

(۲) هر محدودیتی در این زمینه تنها می‌تواند به‌موجب قانون صورت گیرد. چنانچه محدودیتی در جهت حفظ مبانی نظام بنیادین آزاد و دموکراتیک یا در راستای کینونت یا حفظ دولت فدرال یا یکی از ایالات وضع شده باشد، قانون می‌تواند مقرر کند که افراد مشمول این قانون مطلع نگردند و به جای راه‌های معمول رسیدگی قضایی، بررسی آن به نهادها و یا هیئت‌های جایگزینی که از جانب نمایندگان مردم تعیین شده‌اند، سپرده شود.

اصل ۱۱

(۱) تمامی افراد آلمانی از آزادی اقامت و سکونت در سراسر قلمرو [آلمان] فدرال برخوردارند.

(۲) این حق را تنها می‌توان توسط قانون یا با اتکاء به قانون، آن هم صرفاً در مواردی محدود ساخت، که امکانات کافی برای زندگی فراهم نبوده و این امر موجب تحمیل هزینه سنگینی بر جامعه شود، و یا در مواردی که وضع محدودیت برای دفع خطری باشد که کیان کشور و یا نظام بنیادین آزاد و دموکراتیک دولت فدرال و یا یکی از ایالات را تهدید کند، یا به منظور مبارزه با خطر بیماری‌های همه‌گیر، بلایای طبیعی یا حوادث هولناک، یا به خاطر حفظ جوانان در برابر اهمال و بی‌توجهی و یا برای جلوگیری از اعمال مجرمانه، صورت گیرد.

اصل ۱۲

(۱) تمام افراد آلمانی حق دارند حرفه، محل کار و محل آموزش و تحصیل خود را آزادانه انتخاب کنند. جزئیات مربوط به ممارست به‌شغل را می‌توان توسط قانون یا با اتکاء به قانون تنظیم نمود.

(۲) هیچ فردی نباید به انجام کار خاصی وادار شود، مگر در قالب وظائف مربوط به خدمات عمومی متداول که به طور یکسان شامل حال همه می‌گردد.

I. Die Grundrechte

(2) Beschränkungen dürfen nur auf Grund eines Gesetzes angeordnet werden. Dient die Beschränkung dem Schutze der freiheitlichen demokratischen Grundordnung oder des Bestandes oder der Sicherung des Bundes oder eines Landes, so kann das Gesetz bestimmen, daß sie dem Betroffenen nicht mitgeteilt wird und daß an die Stelle des Rechtsweges die Nachprüfung durch von der Volksvertretung bestellte Organe und Hilfsorgane tritt.

Art 11

(1) Alle Deutschen genießen Freizügigkeit im ganzen Bundesgebiet.

(2) Dieses Recht darf nur durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes und nur für die Fälle eingeschränkt werden, in denen eine ausreichende Lebensgrundlage nicht vorhanden ist und der Allgemeinheit daraus besondere Lasten entstehen würden oder in denen es zur Abwehr einer drohenden Gefahr für den Bestand oder die freiheitliche demokratische Grundordnung des Bundes oder eines Landes, zur Bekämpfung von Seuchengefahr, Naturkatastrophen oder besonders schweren Unglücksfällen, zum Schutze der Jugend vor Verwahrlosung oder um strafbaren Handlungen vorzubeugen, erforderlich ist.

Art 12

(1) Alle Deutschen haben das Recht, Beruf, Arbeitsplatz und Ausbildungsstätte frei zu wählen. Die Berufsausübung kann durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes geregelt werden.

(2) Niemand darf zu einer bestimmten Arbeit gezwungen werden, außer im Rahmen einer herkömmlichen allgemeinen, für alle gleichen öffentlichen Dienstleistungspflicht.

(۳) الزام به کار اجباری تنها زمانی مجاز است که دادگاهی صالح حکم به سلب آزادی داده باشد.

اصل ۱۲ الف

(۱) مردان با تکمیل سن هجده سالگی می‌توانند در نیروهای مسلح، نیروی مرزبانی آلمان فدرال یا در یکی از دستگاه‌های دفاعی غیرنظامی مکلف به خدمت شوند.

(۲) کسی را که از روی باور وجدانی خود از خدمت نظامی مستلزم استفاده از سلاح خودداری می‌کند، می‌توان به خدمتی دیگر مکلف ساخت. مدت خدمت جایگزین نباید بیشتر از دوره خدمت نظامی باشد. جزئیات به وسیله قانونی تنظیم می‌شود که آزادی وجدان را محدود نساخته و خدمت جایگزینی را مقرر سازد، که هیچ ارتباطی با دستگاه‌های نیروهای مسلح و مرزبانی فدرال نداشته باشد.

(۳) مشمولین به خدمت نظامی که نظر به بند ۱ یا ۲ به خدمت فرا خوانده نشده‌اند، می‌توانند در وضعیت دفاعی (حمله به کشور) توسط قانون یا با اتکاء به قانون به خدمات غیرنظامی برای اهداف دفاعی، از جمله حفاظت از غیرنظامیان، به کار گماشته شوند؛ انجام کار در قالب خدمات حقوق عمومی صرفاً می‌تواند در راستای وظائف پلیس یا آن دسته از وظائف حکومتی ادارات عمومی دیگر باشد، که قانون، ایفاء آنها را تنها در یک رابطه کاری حقوق عمومی معتبر بداند. مناسبات کاری ذکر شده در جمله ۱ می‌توانند به عنوان کار در بخش تدارکات نیروهای مسلح و یا در بخش ادارات عمومی تعریف شود؛ ایفاء وظیفه در قالب مراقبت از غیر نظامیان تنها زمانی مجاز است که برای رفع نیازهای حیاتی آنها یا تضمین امنیت آنها صورت گیرد.

I. Die Grundrechte

(3) Zwangsarbeit ist nur bei einer gerichtlich angeordneten Freiheitsentziehung zulässig.

Art 12a

(1) Männer können vom vollendeten achtzehnten Lebensjahr an zum Dienst in den Streitkräften, im Bundesgrenzschutz oder in einem Zivilschutzverband verpflichtet werden.

(2) Wer aus Gewissensgründen den Kriegsdienst mit der Waffe verweigert, kann zu einem Ersatzdienst verpflichtet werden. Die Dauer des Ersatzdienstes darf die Dauer des Wehrdienstes nicht übersteigen. Das Nähere regelt ein Gesetz, das die Freiheit der Gewissensentscheidung nicht beeinträchtigen darf und auch eine Möglichkeit des Ersatzdienstes vorsehen muß, die in keinem Zusammenhang mit den Verbänden der Streitkräfte und des Bundesgrenzschutzes steht.

(3) Wehrpflichtige, die nicht zu einem Dienst nach Absatz 1 oder 2 herangezogen sind, können im Verteidigungsfalle durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes zu zivilen Dienstleistungen für Zwecke der Verteidigung einschließlich des Schutzes der Zivilbevölkerung in Arbeitsverhältnisse verpflichtet werden; Verpflichtungen in öffentlich-rechtliche Dienstverhältnisse sind nur zur Wahrnehmung polizeilicher Aufgaben oder solcher hoheitlichen Aufgaben der öffentlichen Verwaltung, die nur in einem öffentlich-rechtlichen Dienstverhältnis erfüllt werden können, zulässig. Arbeitsverhältnisse nach Satz 1 können bei den Streitkräften, im Bereich ihrer Versorgung sowie bei der öffentlichen Verwaltung begründet werden; Verpflichtungen in Arbeitsverhältnisse im Bereiche der Versorgung der Zivilbevölkerung sind nur zulässig, um ihren lebensnotwendigen Bedarf zu decken oder ihren Schutz sicherzustellen.

(۴) چنانچه در وضعیت دفاعی، نیاز به خدمات غیرنظامی از طریق نیروهای داوطلب در بخش کمک‌های بهداشتی و صحتی و یا بیمارستان‌های سیار نظامی در محلات ثابت، تأمین نشود، می‌توان توسط قانون یا با اتکاء به قانون زنائی را که سن آنها بین هجده سال تمام تا پنجاه و پنج سال تمام است به انجام چنین خدماتی فراخواند. زنان را نباید به هیچ‌وجه به خدمت مسلحانه ملزم ساخت.

(۵) در زمان پیش از وضعیت دفاعی، الزام [اشخاص مشمول] به انجام خدماتی که در بند ۳ ذکر شده است تنها در صورتی مجاز است که مستند به اصل ۸۰ الف بند ۱ باشد. برای کسب آمادگی اجرای خدمات مطابق بند ۳ که دانش و یا مهارت‌های ویژه‌ای ایجاد می‌کند، می‌توان شرکت در آموزش‌های مربوط را، توسط قانون یا با اتکاء به قانون، الزامی ساخت. در این حالت جمله ۱ اعمال نخواهد شد.

(۶) چنانچه در زمان حمله به کشور، نیاز به نیروی کار در بخش‌های یادشده در بند ۳ جمله ۲، توسط تعداد افراد داوطلب تأمین نشود، می‌توان برای برآوردن این نیاز، آزادی افراد آلمانی در انتخاب و یا ترک محل شغل خود را توسط قانون یا بر اساس قانون محدود کرد. در غیر از شرایط دفاعی، جمله ۱ بند ۵ جاری خواهد بود.

اصل ۱۳

(۱) مسکن از تجاوز مصون است.

(۲) بازرسی منزل تنها می‌تواند به دستور قاضی و یا در صورت خطر تأخیر، به دستور ارگان‌های دیگری که قانون مشخص نموده و صرفاً به ترتیبی که در قانون پیش‌بینی شده است، صورت پذیرد.

I. Die Grundrechte

(4) Kann im Verteidigungsfalle der Bedarf an zivilen Dienstleistungen im zivilen Sanitäts- und Heilwesen sowie in der ortsfesten militärischen Lazarettorganisation nicht auf freiwilliger Grundlage gedeckt werden, so können Frauen vom vollendeten achtzehnten bis zum vollendeten fünfundfünfzigsten Lebensjahr durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes zu derartigen Dienstleistungen herangezogen werden. Sie dürfen auf keinen Fall zum Dienst mit der Waffe verpflichtet werden.

(5) Für die Zeit vor dem Verteidigungsfalle können Verpflichtungen nach Absatz 3 nur nach Maßgabe des Artikels 80a Abs. 1 begründet werden. Zur Vorbereitung auf Dienstleistungen nach Absatz 3, für die besondere Kenntnisse oder Fertigkeiten erforderlich sind, kann durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes die Teilnahme an Ausbildungsveranstaltungen zur Pflicht gemacht werden. Satz 1 findet insoweit keine Anwendung.

(6) Kann im Verteidigungsfalle der Bedarf an Arbeitskräften für die in Absatz 3 Satz 2 genannten Bereiche auf freiwilliger Grundlage nicht gedeckt werden, so kann zur Sicherung dieses Bedarfs die Freiheit der Deutschen, die Ausübung eines Berufs oder den Arbeitsplatz aufzugeben, durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes eingeschränkt werden. Vor Eintritt des Verteidigungsfalles gilt Absatz 5 Satz 1 entsprechend.

Art 13

(1) Die Wohnung ist unverletzlich.

(2) Durchsuchungen dürfen nur durch den Richter, bei Gefahr im Verzuge auch durch die in den Gesetzen vorgesehenen anderen Organe angeordnet und nur in der dort vorgeschriebenen Form durchgeführt werden.

فصل اول: حق‌های بنیادین

(۳) اگر شواهد مشخصی، این ظن را تقویت نماید که شخصی مرتکب جرم معین و بسیار سنگینی شده است، می‌توان برای پیگرد جرم بر اساس دستور قضایی از ابزار فنی استراق سمع در اماکنی که احتمالاً محل سکونت شخص مظنون است، استفاده کرد، مشروط بر آن‌که هر گونه بررسی این امر به گونه دیگری، بسیار مشکل و یا قرین با عدم توفیق باشد. عمل مزبور مؤجل است. دستور فضایی به وسیله سه قاضی ذیصلاح صادر می‌گردد. در صورت خطر ناشی از هرگونه تأخیر، این دستور می‌تواند به وسیله یک قاضی نیز صادر شود.

(۴) جهت دفع خطرهای اضطراری برای امنیت عمومی، به‌ویژه خطری همگانی یا خطری حیاتی، می‌توان صرفاً بر اساس دستور قضایی از ابزار فنی برای دیده‌بانی از منازل استفاده کرد. اگر تأخیر موجب خطر شود، این دستور می‌تواند [ابتدائاً] توسط مرجع قانونی دیگری نیز صادر شود. حکم قضایی مورد نیاز باید بلافاصله پس از آن اتخاذ شود.

(۵) چنانچه به‌کارگیری ابزار فنی تنها برای حفاظت از جان مأمورینی باشد که برای انجام عملیات [بازرسی] در منازل فعالند، می‌تواند جواز استفاده از آن به‌وسیله مرجع قانونی صالح صادر گردد. استفاده از اطلاعات ضمنی که از این طریق کسب شوند، صرفاً در مواقعی مجاز است که به منظور تعقیب جرم و یا دفع خطر صورت گیرد، مشروط بر آن‌که قبلاً حکم به قانونی بودن این اقدام توسط قاضی صادر شده باشد؛ در صورت خطر تأخیر، حکم قضایی باید بلافاصله پس از آن اتخاذ شود.

(۶) دولت فدرال سالانه گزارشی را به مجلس فدرال، مطابق بند ۳، و در حدود صلاحیت فدرال طبق بند ۴ و تا آنجا که به بازرسی قضایی نیاز باشد طبق بند ۵، درباره استفاده از ابزار فنی ارائه می‌دهد. کمیته منتخب مجلس فدرال بر اساس این گزارش، بازرسی پارلمانی را انجام می‌دهد. ایالت‌ها نیز بازرسی پارلمانی مشابهی را تضمین می‌نمایند.

I. Die Grundrechte

(3) Begründen bestimmte Tatsachen den Verdacht, daß jemand eine durch Gesetz einzeln bestimmte besonders schwere Straftat begangen hat, so dürfen zur Verfolgung der Tat auf Grund richterlicher Anordnung technische Mittel zur akustischen Überwachung von Wohnungen, in denen der Beschuldigte sich vermutlich aufhält, eingesetzt werden, wenn die Erforschung des Sachverhalts auf andere Weise unverhältnismäßig erschwert oder aussichtslos wäre. Die Maßnahme ist zu befristen. Die Anordnung erfolgt durch einen mit drei Richtern besetzten Spruchkörper. Bei Gefahr im Verzuge kann sie auch durch einen einzelnen Richter getroffen werden.

(4) Zur Abwehr dringender Gefahren für die öffentliche Sicherheit, insbesondere einer gemeinen Gefahr oder einer Lebensgefahr, dürfen technische Mittel zur Überwachung von Wohnungen nur auf Grund richterlicher Anordnung eingesetzt werden. Bei Gefahr im Verzuge kann die Maßnahme auch durch eine andere gesetzlich bestimmte Stelle angeordnet werden; eine richterliche Entscheidung ist unverzüglich nachzuholen.

(5) Sind technische Mittel ausschließlich zum Schutze der bei einem Einsatz in Wohnungen tätigen Personen vorgesehen, kann die Maßnahme durch eine gesetzlich bestimmte Stelle angeordnet werden. Eine anderweitige Verwertung der hierbei erlangten Erkenntnisse ist nur zum Zwecke der Strafverfolgung oder der Gefahrenabwehr und nur zulässig, wenn zuvor die Rechtmäßigkeit der Maßnahme richterlich festgestellt ist; bei Gefahr im Verzuge ist die richterliche Entscheidung unverzüglich nachzuholen.

(6) Die Bundesregierung unterrichtet den Bundestag jährlich über den nach Absatz 3 sowie über den im Zuständigkeitsbereich des Bundes nach Absatz 4 und, soweit richterlich überprüfungsbedürftig, nach Absatz 5 erfolgten Einsatz technischer Mittel. Ein vom Bundestag gewähltes Gremium übt auf der Grundlage dieses Berichts die parlamentarische Kontrolle aus. Die Länder gewährleisten eine gleichwertige parlamentarische Kontrolle.

I. Die Grundrechte

(7) Eingriffe und Beschränkungen dürfen im übrigen nur zur Abwehr einer gemeinen Gefahr oder einer Lebensgefahr für einzelne Personen, auf Grund eines Gesetzes auch zur Verhütung dringender Gefahren für die öffentliche Sicherheit und Ordnung, insbesondere zur Behebung der Raumnot, zur Bekämpfung von Seuchengefahr oder zum Schutze gefährdeter Jugendlicher vorgenommen werden.

Art 14

(1) Das Eigentum und das Erbrecht werden gewährleistet. Inhalt und Schranken werden durch die Gesetze bestimmt.

(2) Eigentum verpflichtet. Sein Gebrauch soll zugleich dem Wohle der Allgemeinheit dienen.

(3) Eine Enteignung ist nur zum Wohle der Allgemeinheit zulässig. Sie darf nur durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes erfolgen, das Art und Ausmaß der Entschädigung regelt. Die Entschädigung ist unter gerechter Abwägung der Interessen der Allgemeinheit und der Beteiligten zu bestimmen. Wegen der Höhe der Entschädigung steht im Streitfalle der Rechtsweg vor den ordentlichen Gerichten offen

Art 15

Grund und Boden, Naturschätze und Produktionsmittel können zum Zwecke der Vergesellschaftung durch ein Gesetz, das Art und Ausmaß der Entschädigung regelt, in Gemeineigentum oder in andere Formen der Gemeinwirtschaft überführt werden. Für die Entschädigung gilt Artikel 14 Abs. 3 Satz 3 und 4 entsprechen

Fußnote

Art. 13 Abs. 3: Eingef. durch Art. 1 Nr. 1 G v. 26.3.1998 I 610 mWv 1.4.1998; mit GG Art. 79 Abs. 3 vereinbar gem. BVerfGE v. 3.3.2004 (1 BvR 2378/98, 1 BvR 1084/99)

اصل ۱۶

(۱) تابعیت آلمانی را نمی‌توان سلب کرد. سلب تابعیت تنها به حکم قانون امکان‌پذیر است و در مواقعی که خلاف اراده فرد مورد نظر باشد زمانی می‌تواند انجام یابد، که به موجب آن، شخص مذکور فاقد تابعیت نشود.

(۲) هیچ فرد آلمانی را نمی‌توان به خارج از کشور مسترد نمود. قانون می‌تواند برای استرداد افراد به یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا یکی از دادگاه‌های بین‌المللی استثناء قائل شود، مشروط بر آنکه مبانی حاکمیت قانون رعایت شده باشد.

اصل ۱۶ الف

(۱) افراد تحت تعقیب سیاسی از حق پناهندگی بهره‌مند می‌شوند.

(۲) فردی که از یکی از کشورهای عضو جامعه اروپا، یا از کشور سومی که در آن حقوق پناهندگی و پیمان حفظ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تضمین شده است، وارد کشور شود، نمی‌تواند به بند ۱ استناد کند. قانونی که نیازمند تأیید مجلس فدرال است، کشورهایی را که خارج از جامعه اروپا قرار دارند و واجد شرائط جمله ۱ هستند، معین می‌نماید. در موارد مذکور در جمله ۱، اقدامات مربوط به پایان دادن به اقامت را می‌توان با عزل نظر از هر شکایت قضائی که علیه آن در جریان است، انجام داد.

I. Die Grundrechte

Art 16

(1) Die deutsche Staatsangehörigkeit darf nicht entzogen werden. Der Verlust der Staatsangehörigkeit darf nur auf Grund eines Gesetzes und gegen den Willen des Betroffenen nur dann eintreten, wenn der Betroffene dadurch nicht staatenlos wird.

(2) Kein Deutscher darf an das Ausland ausgeliefert werden. Durch Gesetz kann eine abweichende Regelung für Auslieferungen an einen Mitgliedstaat der Europäischen Union oder an einen internationalen Gerichtshof getroffen werden, soweit rechtsstaatliche Grundsätze gewahrt sind.

Art 16a

(1) Politisch Verfolgte genießen Asylrecht.

(2) Auf Absatz 1 kann sich nicht berufen, wer aus einem Mitgliedstaat der Europäischen Gemeinschaften oder aus einem anderen Drittstaat einreist, in dem die Anwendung des Abkommens über die Rechtsstellung der Flüchtlinge und der Konvention zum Schutze der Menschenrechte und Grundfreiheiten sichergestellt ist. Die Staaten außerhalb der Europäischen Gemeinschaften, auf die die Voraussetzungen des Satzes 1 zutreffen, werden durch Gesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, bestimmt. In den Fällen des Satzes 1 können aufenthaltsbeendende Maßnahmen unabhängig von einem hiergegen eingelegten Rechtsbehelf vollzogen werden.

(۳) از طریق قانونی که نیازمند تأیید مجلس فدرال است می‌توان کشورهایی را معین نمود که به نظر می‌رسد در آنجا، با توجه به وضعیت حقوقی، اعمال قانون و شرایط سیاسی عمومی تضمین‌شده در آنها، هیچ‌گونه تعقیب سیاسی و مجازات یا برخورد غیرانسانی یا اهانت‌آمیزی صورت نمی‌گیرد. فرض بر آن است که تبعه چنین کشوری مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه او دلائلی ارائه دهد که طبق آن دلائل و برخلاف گمان مذکور، وی مورد تعقیب سیاسی قرار خواهد گرفت.

(۴) اجرای اقدامات مربوط به پایان دادن به اقامت در موارد موضوع بند ۳ و سایر مواردی که به‌وضوح غیرمستدل هستند و یا این‌گونه تلقی می‌شوند، تنها در صورتی توسط دادگاه به حالت تعلیق درمی‌آیند که تردید جدی راجع به قانونی بودن آن اقدامات وجود داشته باشد؛ می‌توان دامنه بازرسی را محدود کرد و ادعاهای تأخیری را نادیده گرفت. جزئیات باید به وسیله قانون تعیین گردد.

(۵) بندهای ۱ الی ۴ با پیمان‌های بین‌المللی که توسط دول عضو جامعه اروپایی منعقد می‌شود - اعم از اینکه این پیمان‌ها میان دول مزور با یکدیگر و یا با دولت ثالثی منعقد شده باشد - تعارض ندارد، منظور دولتهایی هستند که با توجه به تعهدات ناشی از پیمان مربوط به حقوق پناهندگان و پیمان حفظ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، که اجرای آن باید در کشورهای همپیمان تضمین شود، مقرراتی را به‌منظور تقکیک صلاحیت در بررسی درخواست‌های پناهندگی، از جمله به رسمیت شناختن متقابل تصمیمات پناهندگی، وضع می‌نمایند.

اصل ۱۷

هر کس حق دارد، به‌تنهایی یا همراه با جمع، درخواست و یا شکایت خود را به مقامات مسئول و یا نمایندگان مردم ارائه دهد.

I. Die Grundrechte

(3) Durch Gesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, können Staaten bestimmt werden, bei denen auf Grund der Rechtslage, der Rechtsanwendung und der allgemeinen politischen Verhältnisse gewährleistet erscheint, daß dort weder politische Verfolgung noch unmenschliche oder erniedrigende Bestrafung oder Behandlung stattfindet. Es wird vermutet, daß ein Ausländer aus einem solchen Staat nicht verfolgt wird, solange er nicht Tatsachen vorträgt, die die Annahme begründen, daß er entgegen dieser Vermutung politisch verfolgt wird.

(4) Die Vollziehung aufenthaltsbeendender Maßnahmen wird in den Fällen des Absatzes 3 und in anderen Fällen, die offensichtlich unbegründet sind oder als offensichtlich unbegründet gelten, durch das Gericht nur ausgesetzt, wenn ernstliche Zweifel an der Rechtmäßigkeit der Maßnahme bestehen; der Prüfungsumfang kann eingeschränkt werden und verspätetes Vorbringen unberücksichtigt bleiben. Das Nähere ist durch Gesetz zu bestimmen.

(5) Die Absätze 1 bis 4 stehen völkerrechtlichen Verträgen von Mitgliedstaaten der Europäischen Gemeinschaften untereinander und mit dritten Staaten nicht entgegen, die unter Beachtung der Verpflichtungen aus dem Abkommen über die Rechtsstellung der Flüchtlinge und der Konvention zum Schutze der Menschenrechte und Grundfreiheiten, deren Anwendung in den Vertragsstaaten sichergestellt sein muß, Zuständigkeitsregelungen für die Prüfung von Asylbegehren einschließlich der gegenseitigen Anerkennung von Asylentscheidungen treffen.

Art 17

Jedermann hat das Recht, sich einzeln oder in Gemeinschaft mit anderen schriftlich mit Bitten oder Beschwerden an die zuständigen Stellen und an die Volksvertretung zu wenden

Fußnote

Art. 16a: Eingef. durch Art. 1 Nr. 2 G v. 28.6.1993 I 1002 mWv 30.6.1993; mit Art. 79 Abs. 3 GG (100-1) vereinbar gem. BVerfGE v. 14.5.1996 I 952 (2 BvR 1938/93, 2 BvR 2315/93)

اصل ۱۷ الف

(۱) قوانین مربوط به خدمت سربازی و یا خدمت جایگزین آن می‌توانند تعیین نمایند که برای مشمولین ارتش و خدمات جایگزین طی دوره خدمت سربازی یا جایگزین آن، در حق بنیادین آزادی بیان و اظهار آزادانه عقیده از طریق گفتار، نوشتار و تصویر (اصل ۵، بند ۱، نیم‌جمله اول)، و در حق بنیادین تشکیل اجتماعات (اصل ۸)، و حق شکایت (اصل ۱۷) تا جایی که تسلیم دادخواست یا شکایات جمعی، مجاز دانسته شود، محدودیت‌هایی ایجاد گردد.

(۲) قوانینی که در مورد دفاع و نیز حفاظت از اشخاص غیر نظامی هستند، می‌توانند حقوق بنیادین آزادی اقامت و سکونت (اصل ۱۱) و مصونیت مسکن از تعرض (اصل ۱۳) را محدود کنند.

اصل ۱۸

هر کس از آزادی بیان عقیده، به‌ویژه آزادی مطبوعات (اصل ۵ بند ۱)، آزادی آموزش (اصل ۵ بند ۳)، آزادی تشکیل اجتماعات (اصل ۸)، آزادی تشکیل انجمن (اصل ۹)، محرمانه بودن مکاتبات، مراسلات، و مخابرات (اصل ۱۰)، حق مالکیت (اصل ۱۴) و یا حق پناهندگی (اصل ۱۶ الف) علیه نظام بنیادین آزاد و دموکراتیک، سوء استفاده کند، از حقوق بنیادین مزبور محروم می‌شود. حکم به محرومیت و تعیین میزان آن در صلاحیت دادگاه قانون اساسی فدرال است.

اصل ۱۹

(۱) تا جایی که با استناد به این قانون اساسی، حق بنیادین توسط قانون یا با اتکاء به قانون قابل تحدید باشد، باید قانون مذکور به‌نحو عام بوده و تنها به مصداقی خاص صدق نکند. به‌علاوه، قانون مزبور باید حق بنیادین مورد نظر را همراه با اصل مربوط به آن ذکر نماید.

(۲) به هیچ‌وجه نمی‌توان متعرض ذات و ماهیت یک حق اساسی شد.

I. Die Grundrechte

Art 17a

(1) Gesetze über Wehrdienst und Ersatzdienst können bestimmen, daß für die Angehörigen der Streitkräfte und des Ersatzdienstes während der Zeit des Wehr- oder Ersatzdienstes das Grundrecht, seine Meinung in Wort, Schrift und Bild frei zu äußern und zu verbreiten (Artikel 5 Abs. 1 Satz 1 erster Halbsatz), das Grundrecht der Versammlungsfreiheit (Artikel 8) und das Petitionsrecht (Artikel 17), soweit es das Recht gewährt, Bitten oder Beschwerden in Gemeinschaft mit anderen vorzubringen, eingeschränkt werden.

(2) Gesetze, die der Verteidigung einschließlich des Schutzes der Zivilbevölkerung dienen, können bestimmen, daß die Grundrechte der Freizügigkeit (Artikel 11) und der Unverletzlichkeit der Wohnung (Artikel 13) eingeschränkt werden.

Art 18

Wer die Freiheit der Meinungsäußerung, insbesondere die Pressefreiheit (Artikel 5 Abs. 1), die Lehrfreiheit (Artikel 5 Abs. 3), die Versammlungsfreiheit (Artikel 8), die Vereinigungsfreiheit (Artikel 9), das Brief-, Post- und Fernmeldegeheimnis (Artikel 10), das Eigentum (Artikel 14) oder das Asylrecht (Artikel 16a) zum Kampfe gegen die freiheitliche demokratische Grundordnung mißbraucht, verwirkt diese Grundrechte. Die Verwirkung und ihr Ausmaß werden durch das Bundesverfassungsgericht ausgesprochen.

Art 19

(1) Soweit nach diesem Grundgesetz ein Grundrecht durch Gesetz oder auf Grund eines Gesetzes eingeschränkt werden kann, muß das Gesetz allgemein und nicht nur für den Einzelfall gelten. Außerdem muß das Gesetz das Grundrecht unter Angabe des Artikels nennen.

(2) In keinem Falle darf ein Grundrecht in seinem Wesensgehalt angetastet werden.

فصل اول: حق‌های بنیادین / فصل دوم: فدراسیون و ایالت‌ها

(۳) حق‌های بنیادین در مورد اشخاص حقوقی داخل کشور نیز تا جایی که ماهیتاً بر آنها قابل اعمال باشد، اعتبار دارند.

(۴) چنانچه حق کسی توسط مقامات رسمی نقض گردد، آن فرد می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. صلاحیت رسیدگی به این دعاوی در اختیار دادگاه‌های عادی است، چنانچه مرجع ذی‌صلاح دیگری تعیین نشده باشد. اصل ۱۰ بند ۲ جمله ۲ به قوت خود باقی است.

فصل دوم: فدراسیون [دولت فدرال] و ایالت‌ها

اصل ۲۰

- (۱) جمهوری فدرال آلمان کشوری دموکراتیک، سوسیال و فدرال است.
- (۲) تمام قدرت حاکمیت ناشی از ملت است. این قدرت از طریق انتخابات و اخذ رأی و توسط ارگان‌های ویژه قوه مقننه، مجریه و قضائیه اعمال می‌گردد.
- (۳) قوه مقننه تابع نظم مبتنی بر قانون اساسی و قوای مجریه و قضائیه تابع حقوق و قانون‌اند.
- (۴) تمام آلمان‌ها در برابر هر کسی که برای از میان برداشتن نظم مبتنی بر قانون اساسی تلاش نماید، حق مقاومت دارند، در صورتی که چاره دیگری وجود نداشته باشد.

I. Die Grundrechte/II. Der Bund und die Länder

(3) Die Grundrechte gelten auch für inländische juristische Personen, soweit sie ihrem Wesen nach auf diese anwendbar sind.

(4) Wird jemand durch die öffentliche Gewalt in seinen Rechten verletzt, so steht ihm der Rechtsweg offen. Soweit eine andere Zuständigkeit nicht begründet ist, ist der ordentliche Rechtsweg gegeben. Artikel 10 Abs. 2 Satz 2 bleibt unberührt.

II. Der Bund und die Länder

Art 20

(1) Die Bundesrepublik Deutschland ist ein demokratischer und sozialer Bundesstaat.

(2) Alle Staatsgewalt geht vom Volke aus. Sie wird vom Volke in Wahlen und Abstimmungen und durch besondere Organe der Gesetzgebung, der vollziehenden Gewalt und der Rechtsprechung ausgeübt.

(3) Die Gesetzgebung ist an die verfassungsmäßige Ordnung, die vollziehende Gewalt und die Rechtsprechung sind an Gesetz und Recht gebunden.

(4) Gegen jeden, der es unternimmt, diese Ordnung zu beseitigen, haben alle Deutschen das Recht zum Widerstand, wenn andere Abhilfe nicht möglich ist.

اصل ۲۰ الف

دولت با توجه به مسئولیت خود در برابر نسل‌های آینده، منابع حیاتی و حیوانات را در چهارچوب نظم قانون اساسی توسط قوه مقننه و مطابق با قانون و حقوق، توسط قوه مجریه و قوه قضائیه محافظت می‌کند.

اصل ۲۱

(۱) احزاب سیاسی در تکوین اراده سیاسی مردم تأثیر گذارند. تشکیل آنها آزاد است. مقررات داخلی آنها باید مطابق اصول دموکراتیک باشد. احزاب موظفند منابع درآمد خود، چگونگی استفاده از آن و همچنین میزان دارایی خود را به اطلاع عموم برسانند.

(۲) احزابی که به دلیل اهداف خود یا عملکرد اعضاهاشان در صدد آسیب رساندن یا از میان برداشتن نظام بنیادین آزاد و دموکراتیک باشند یا ثبات جمهوری فدرال آلمان را با خطر روبرو سازند، در مغایرت با قانون اساسی هستند. تشخیص مغایرت با قانون اساسی با دادگاه قانون اساسی فدرال است.

(۳) جزئیات را قوانین فدرال تنظیم می‌نمایند.

اصل ۲۲

(۱) پایتخت جمهوری فدرال آلمان برلین است. نمایندگی تمام کشور در پایتخت، به عهده دولت فدرال است. جزئیات به وسیله قانون فدرال تنظیم خواهد شد.

(۲) پرچم فدرال به رنگ‌های سیاه، سرخ و طلایی است.

II. Der Bund und die Länder

Art 20a

Der Staat schützt auch in Verantwortung für die künftigen Generationen die natürlichen Lebensgrundlagen und die Tiere im Rahmen der verfassungsmäßigen Ordnung durch die Gesetzgebung und nach Maßgabe von Gesetz und Recht durch die vollziehende Gewalt und die Rechtsprechung.

Art 21

(1) Die Parteien wirken bei der politischen Willensbildung des Volkes mit. Ihre Gründung ist frei. Ihre innere Ordnung muß demokratischen Grundsätzen entsprechen. Sie müssen über die Herkunft und Verwendung ihrer Mittel sowie über ihr Vermögen öffentlich Rechenschaft geben.

(2) Parteien, die nach ihren Zielen oder nach dem Verhalten ihrer Anhänger darauf ausgehen, die freiheitliche demokratische Grundordnung zu beeinträchtigen oder zu beseitigen oder den Bestand der Bundesrepublik Deutschland zu gefährden, sind verfassungswidrig. Über die Frage der Verfassungswidrigkeit entscheidet das Bundesverfassungsgericht.

(3) Das Nähere regeln Bundesgesetze.

Art 22

(1) Die Hauptstadt der Bundesrepublik Deutschland ist Berlin. Die Repräsentation des Gesamtstaates in der Hauptstadt ist Aufgabe des Bundes. Das Nähere wird durch Bundesgesetz geregelt.

(2) Die Bundesflagge ist schwarz-rot-gold.

اصل ۲۳

(۱) جمهوری فدرال آلمان برای ایجاد اروپایی متحد، در توسعه اتحادیه اروپا سهیم می‌شود، اتحادیه‌ای که به اصول دموکراتیک، حکومت قانون، اصول اجتماعی و فدرال و اصل صلاحیت‌های تکمیلی [سوبسیداریته] پایبند بوده و حق‌های بنیادین را مانند قانون اساسی حاضر تضمین می‌نماید. بدین وسیله، فدراسیون می‌تواند از طریق قانون با تأیید شورای فدرال، صلاحیت‌های عالی خود را منتقل سازد. برای تأسیس اتحادیه اروپا، و همچنین برای تغییرات در میانی پیمان آن و مقررات مشابه که منجر به اصلاح و یا تکمیل نمودن محتوای این قانون شوند و یا چنین تغییرات یا اصلاحاتی را ممکن سازند، اصل ۷۹ بند ۲ و ۳ اعمال می‌گردد.

(۱ الف) مجلس فدرال [پارلمان] و شورای فدرال [شورای ایالات] این حق را دارند که علیه یک عمل قانون‌گذاری اتحادیه اروپا که اصل صلاحیت‌های تکمیلی را نقض می‌کند، در دادگاه عالی اتحادیه اروپا شکایت کنند. مجلس فدرال در این خصوص باید موافقت یک چهارم اعضاء خود را داشته باشد. به حکم قانونی که نیاز به تأیید شورای فدرال دارد، می‌توان برای داشتن حقوقی که طبق مبانی معاهده اتحادیه اروپا، به مجلس فدرال و شورای فدرال اعطا شده‌اند، استثنائاتی بر اصل ۴۲ بند ۲ جمله ۱ و اصل ۵۲ بند ۳ جمله ۱ قائل شد.

(۲) در مسائل مربوط به اتحادیه اروپا، مجلس فدرال و ایالت‌ها از طریق شورای فدرال، با هم مشارکت می‌کنند. دولت فدرال باید مجلس فدرال و شورای فدرال را به صورت فراگیر و در اسرع وقت مطلع سازد.

(۳) دولت فدرال قبل از هرگونه مشارکت تقنینی با اتحادیه اروپا به مجلس فدرال این فرصت را می‌دهد که نظر خود را در این مورد بیان کند. دولت فدرال موضع‌گیری مجلس فدرال را در مذاکرات مد نظر قرار می‌دهد. تفصیل آن را قانون تنظیم می‌کند.

II. Der Bund und die Länder

Art 23

(1) Zur Verwirklichung eines vereinten Europas wirkt die Bundesrepublik Deutschland bei der Entwicklung der Europäischen Union mit, die demokratischen, rechtsstaatlichen, sozialen und föderativen Grundsätzen und dem Grundsatz der Subsidiarität verpflichtet ist und einen diesem Grundgesetz im wesentlichen vergleichbaren Grundrechtsschutz gewährleistet. Der Bund kann hierzu durch Gesetz mit Zustimmung des Bundesrates Hoheitsrechte übertragen. Für die Begründung der Europäischen Union sowie für Änderungen ihrer vertraglichen Grundlagen und vergleichbare Regelungen, durch die dieses Grundgesetz seinem Inhalt nach geändert oder ergänzt wird oder solche Änderungen oder Ergänzungen ermöglicht werden, gilt Artikel 79 Abs. 2 und 3.

(1a) Der Bundestag und der Bundesrat haben das Recht, wegen Verstoßes eines Gesetzgebungsakts der Europäischen Union gegen das Subsidiaritätsprinzip vor dem Gerichtshof der Europäischen Union Klage zu erheben. Der Bundestag ist hierzu auf Antrag eines Viertels seiner Mitglieder verpflichtet. Durch Gesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, können für die Wahrnehmung der Rechte, die dem Bundestag und dem Bundesrat in den vertraglichen Grundlagen der Europäischen Union eingeräumt sind, Ausnahmen von Artikel 42 Abs. 2 Satz 1 und Artikel 52 Abs. 3 Satz 1 zugelassen werden.

(2) In Angelegenheiten der Europäischen Union wirken der Bundestag und durch den Bundesrat die Länder mit. Die Bundesregierung hat den Bundestag und den Bundesrat umfassend und zum frühestmöglichen Zeitpunkt zu unterrichten.

(3) Die Bundesregierung gibt dem Bundestag Gelegenheit zur Stellungnahme vor ihrer Mitwirkung an Rechtsetzungsakten der Europäischen Union. Die Bundesregierung berücksichtigt die Stellungnahmen des Bundestages bei den Verhandlungen. Das Nähere regelt ein Gesetz.

(۴) دولت فدرال باید برای تکوین اراده خود جهت اتخاذ تصمیم در سطح اتحادیه اروپا، شورای فدرال را در آن دسته از امور سهیم نماید، که در نظائر داخلی آن، شورا ملزم به مشارکت بوده و یا در اموری که نظائر داخلی آن در حیطه صلاحیت ایالات قرار دارد.

(۵) در اموری که از طرفی در حیطه صلاحیت انحصاری دولت فدرال قرار دارد و از طرف دیگر مربوط به منافع ایالات می‌شود، و یا در سایر اموری که فدراسیون می‌تواند وضع قانون کند، دولت فدرال موضع‌گیری شورای فدرال را مدنظر قرار می‌دهد. اگر محوریت موضوع راجع به صلاحیت قانون‌گذاری ایالت‌ها، ساختار نهادهای آنها یا رویه‌های اداری آنها باشد، باید در تکوین اراده فدراسیون عقیده شورای فدرال متناسباً مد نظر قرار گرفته شود؛ ضمناً مسئولیت فدراسیون برای کل کشور باید محفوظ بماند. در مورد اموری که می‌تواند به بالا رفتن هزینه و یا کاهش درآمد دولت فدرال منجر شود، موافقت دولت فدرال ضروری است.

(۶) اگر محور بحث حول صلاحیت ذاتی تقنینی ایالت‌ها در حیطه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ یا رادیو و تلویزیون باشد، در آن صورت، اعمال حقوق جمهوری فدرال آلمان به عنوان دولت عضو اتحادیه اروپا، توسط فدراسیون به یک نماینده ایالتی که از جانب شورای فدرال تعیین شده است، انتقال می‌یابد. اعمال حقوق باید با رأی و مشارکت دولت فدرال صورت گیرد؛ در این صورت مسئولیت عمومی فدراسیون باید محفوظ بماند.

(۷) جزئیات مربوط به بندهای ۴ الی ۶ از طریق قانونی که به تأیید شورای فدرال نیاز دارد، تنظیم می‌شود.

اصل ۲۴

(۱) فدراسیون می‌تواند توسط قانون، حق عالی حاکمیت را به دستگاه‌های بین‌المللی منتقل سازد.

II. Der Bund und die Länder

(4) Der Bundesrat ist an der Willensbildung des Bundes zu beteiligen, soweit er an einer entsprechenden innerstaatlichen Maßnahme mitzuwirken hätte oder soweit die Länder innerstaatlich zuständig wären.

(5) Soweit in einem Bereich ausschließlicher Zuständigkeiten des Bundes Interessen der Länder berührt sind oder soweit im übrigen der Bund das Recht zur Gesetzgebung hat, berücksichtigt die Bundesregierung die Stellungnahme des Bundesrates. Wenn im Schwerpunkt Gesetzgebungsbefugnisse der Länder, die Einrichtung ihrer Behörden oder ihre Verwaltungsverfahren betroffen sind, ist bei der Willensbildung des Bundes insoweit die Auffassung des Bundesrates maßgeblich zu berücksichtigen; dabei ist die gesamtstaatliche Verantwortung des Bundes zu wahren. In Angelegenheiten, die zu Ausgabenerhöhungen oder Einnahmeminderungen für den Bund führen können, ist die Zustimmung der Bundesregierung erforderlich.

(6) Wenn im Schwerpunkt ausschließliche Gesetzgebungsbefugnisse der Länder auf den Gebieten der schulischen Bildung, der Kultur oder des Rundfunks betroffen sind, wird die Wahrnehmung der Rechte, die der Bundesrepublik Deutschland als Mitgliedstaat der Europäischen Union zustehen, vom Bund auf einen vom Bundesrat benannten Vertreter der Länder übertragen. Die Wahrnehmung der Rechte erfolgt unter Beteiligung und in Abstimmung mit der Bundesregierung; dabei ist die gesamtstaatliche Verantwortung des Bundes zu wahren.

(7) Das Nähere zu den Absätzen 4 bis 6 regelt ein Gesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

Art 24

(1) Der Bund kann durch Gesetz Hoheitsrechte auf zwischenstaatliche Einrichtungen übertragen.

(۱ الف) در اموری که ایالت‌ها مسئول اعمال اختیارات دولتی و انجام وظائف دولتی‌اند، می‌توانند، با توافق دولت فدرال، حق حاکمیت را به نهادهای همسایه هم‌مرز انتقال دهند.

(۲) دولت فدرال می‌تواند برای تأمین صلح، در یک نظام امنیتی مشترک و متقابل سهیم شود، و در این امر، به محدود شدن حقوق حاکمیت خود رضایت دهد، تا نظم پایدار و صلح‌آمیز در اروپا و در میان ملل جهان ایجاد و تضمین گردد.

(۳) دولت فدرال برای حل اختلافات میان کشورها، به معاهدات داورى‌های حقوقی بین‌المللی که عام، همه‌جانبه و الزامی هستند، می‌پیوندد.

اصل ۲۵

قواعد کلی حقوق بین‌الملل جزء قانون فدرالند. آنها بر قوانین تقدم داشته و مستقیماً حقوق و مسئولیت‌های شهروندان آلمان فدرال را تعیین می‌کنند.

اصل ۲۶

(۱) رفتارهایی که قابلیت از بین بردن زندگی صلح‌آمیز ملل را داشته و به این قصد صورت گیرند و به‌ویژه برای پیشبرد یک جنگ تعرضی زمینه‌سازی کنند، مخالف قانون اساسی بوده و مستوجب کیفرند.

(۲) سلاح‌های مخصوص امور رزمی تنها می‌توانند با اجازه دولت فدرال ساخته و حمل شوند و مورد استفاده قرار گیرند. جزئیات را قانون فدرال تنظیم می‌کند.

II. Der Bund und die Länder

(1a) Soweit die Länder für die Ausübung der staatlichen Befugnisse und die Erfüllung der staatlichen Aufgaben zuständig sind, können sie mit Zustimmung der Bundesregierung Hoheitsrechte auf grenznachbarschaftliche Einrichtungen übertragen.

(2) Der Bund kann sich zur Wahrung des Friedens einem System gegenseitiger kollektiver Sicherheit einordnen; er wird hierbei in die Beschränkungen seiner Hoheitsrechte einwilligen, die eine friedliche und dauerhafte Ordnung in Europa und zwischen den Völkern der Welt herbeiführen und sichern.

(3) Zur Regelung zwischenstaatlicher Streitigkeiten wird der Bund Vereinbarungen über eine allgemeine, umfassende, obligatorische, internationale Schiedsgerichtsbarkeit beitreten.

Art 25

Die allgemeinen Regeln des Völkerrechtes sind Bestandteil des Bundesrechtes. Sie gehen den Gesetzen vor und erzeugen Rechte und Pflichten unmittelbar für die Bewohner des Bundesgebietes.

Art 26

(1) Handlungen, die geeignet sind und in der Absicht vorgenommen werden, das friedliche Zusammenleben der Völker zu stören, insbesondere die Führung eines Angriffskrieges vorzubereiten, sind verfassungswidrig. Sie sind unter Strafe zu stellen.

(2) Zur Kriegführung bestimmte Waffen dürfen nur mit Genehmigung der Bundesregierung hergestellt, befördert und in Verkehr gebracht werden. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

اصل ۲۷

تمام کشتی‌های تجارتی آلمان یک ناوگان بازرگانی واحد را تشکیل می‌دهند.

اصل ۲۸

(۱) نظم مبتنی بر قانون اساسی در ایالت‌ها باید موافق با اصول جمهوریت، دموکراسی و خدمات اجتماعی دولت قانون‌مدار در چارچوب مفاد قانون اساسی باشد. مردم در ایالت‌ها، حوزه‌ها و بخش‌ها باید دارای نمایندگانی باشند، که از طریق انتخابات همگانی، مستقیم، آزاد، برابر و محرمانه تعیین شده‌اند. در انتخابات حوزه‌ها و بخش‌ها، افرادی که تابعیت یک کشور عضو اتحادیه اروپا را دارند، مطابق قانون اتحادیه اروپا حق انتخاب نمودن و انتخاب شدن دارند. در بخش‌ها می‌تواند انجمن بخش (متشکل از تمامی شهروندان بخش) جایگزین شورای منتخب شود.

(۲) بخش‌ها باید این اختیار را داشته باشند که تمام امور جوامع محلی را در محدوده‌ای که قانون پیش‌بینی کرده است، با مسئولیت خود تنظیم نمایند. اتحادیه‌های بخش نیز در چهارچوب وظائف قانونی‌شان از حق خودمختاری متناسب با قانون بهره‌مندند. حق خودمختاری، شامل مبانی خودمختاری مالی نیز می‌شود؛ یکی از این مبانی، حق بخش‌ها نسبت به سهم مالیاتی آنها بر اساس برنامه اقتصادی داخلی است.

(۳) فدراسیون تضمین می‌نماید که نظم مبتنی بر قانون اساسی ایالت‌ها با حق‌های بنیادین و مفاد بندهای ۱ و ۲ مطابقت داشته باشد.

II. Der Bund und die Länder

Art 27

Alle deutschen Kauffahrteischiffe bilden eine einheitliche Handelsflotte.

Art 28

(1) Die verfassungsmäßige Ordnung in den Ländern muß den Grundsätzen des republikanischen, demokratischen und sozialen Rechtsstaates im Sinne dieses Grundgesetzes entsprechen. In den Ländern, Kreisen und Gemeinden muß das Volk eine Vertretung haben, die aus allgemeinen, unmittelbaren, freien, gleichen und geheimen Wahlen hervorgegangen ist. Bei Wahlen in Kreisen und Gemeinden sind auch Personen, die die Staatsangehörigkeit eines Mitgliedstaates der Europäischen Gemeinschaft besitzen, nach Maßgabe von Recht der Europäischen Gemeinschaft wahlberechtigt und wählbar. In Gemeinden kann an die Stelle einer gewählten Körperschaft die Gemeindeversammlung treten.

(2) Den Gemeinden muß das Recht gewährleistet sein, alle Angelegenheiten der örtlichen Gemeinschaft im Rahmen der Gesetze in eigener Verantwortung zu regeln. Auch die Gemeindeverbände haben im Rahmen ihres gesetzlichen Aufgabenbereiches nach Maßgabe der Gesetze das Recht der Selbstverwaltung. Die Gewährleistung der Selbstverwaltung umfaßt auch die Grundlagen der finanziellen Eigenverantwortung; zu diesen Grundlagen gehört eine den Gemeinden mit Hebesatzrecht zustehende wirtschaftskraftbezogene Steuerquelle.

(3) Der Bund gewährleistet, daß die verfassungsmäßige Ordnung der Länder den Grundrechten und den Bestimmungen der Absätze 1 und 2 entspricht.

اصل ۲۹

(۱) قلمرو آلمان فدرال می‌تواند مجدداً تقسیم‌بندی شود، تا ایالت‌ها بتوانند از لحاظ وسعت و ظرفیت‌شان وظایف سپرده شده را به طور مؤثر انجام دهند. برای این کار باید پیوندهای منطقه‌ای، مناسبات تاریخی و فرهنگی، اهداف اقتصادی و نیز مقتضیات تقسیم‌بندی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی محلی، مد نظر قرار گیرند.

(۲) تقسیم‌بندی جدید قلمرو فدرال را قانون فدرال تنظیم می‌نماید که نیاز به هم‌پرسی عمومی [رفراندوم] دارد. نظر ایالت‌های داخل در تصمیم باید لحاظ شود.

(۳) هم‌پرسی در ایالت‌هایی برگزار می‌شود که قرار است از قلمرو آنها یا قسمت‌هایی از قلمرو آنها یک ایالت جدید یا ایالت با مرزهای جدید تشکیل شود (ایالت‌های مشمول تقسیم‌بندی). سؤال رفراندوم این خواهد بود که آیا ایالت‌های مزبور باید همچنان به گونه فعلی باقی بمانند یا باید ایالت جدید و یا ایالتی با مرزهای جدید تشکیل گردد. رفراندوم برای تشکیل ایالت جدید یا ایالت با مرزهای جدید زمانی تصویب می‌شود که در قلمرو آن یا مجموعاً در قلمروها یا بخش‌هایی از قلمرو ایالت مربوطه وابستگی ایالتی‌شان به گونه‌ای تغییر یابد که با اکثریت تغییرات دیگر مطابقت داشته باشند. چنانچه در قلمرو یکی از ایالت‌های مطرح، اکثریت رأی‌دهندگان تغییرات را رد کنند، رفراندوم تصویب نمی‌شود؛ با وجود این، هرگاه دو سوم مردم بخشی که وابستگی‌شان با ایالت مطرح تغییر می‌یابد، اصلاحات را تأیید کنند، رد مزبور اعتباری نخواهد داشت، مگر اینکه در کل قلمرو ایالت مربوطه اکثریت دوسوم رأی‌دهندگان اصلاحات را رد نمایند.

II. Der Bund und die Länder

Art 29

(1) Das Bundesgebiet kann neu gegliedert werden, um zu gewährleisten, daß die Länder nach Größe und Leistungsfähigkeit die ihnen obliegenden Aufgaben wirksam erfüllen können. Dabei sind die landsmannschaftliche Verbundenheit, die geschichtlichen und kulturellen Zusammenhänge, die wirtschaftliche Zweckmäßigkeit sowie die Erfordernisse der Raumordnung und der Landesplanung zu berücksichtigen.

(2) Maßnahmen zur Neugliederung des Bundesgebietes ergehen durch Bundesgesetz, das der Bestätigung durch Volksentscheid bedarf. Die betroffenen Länder sind zu hören.

(3) Der Volksentscheid findet in den Ländern statt, aus deren Gebieten oder Gebietsteilen ein neues oder neu umgrenztes Land gebildet werden soll (betroffene Länder). Abzustimmen ist über die Frage, ob die betroffenen Länder wie bisher bestehenbleiben sollen oder ob das neue oder neu umgrenzte Land gebildet werden soll. Der Volksentscheid für die Bildung eines neuen oder neu umgrenzten Landes kommt zustande, wenn in dessen künftigem Gebiet und insgesamt in den Gebieten oder Gebietsteilen eines betroffenen Landes, deren Landeszugehörigkeit im gleichen Sinne geändert werden soll, jeweils eine Mehrheit der Änderung zustimmt. Er kommt nicht zustande, wenn im Gebiet eines der betroffenen Länder eine Mehrheit die Änderung ablehnt; die Ablehnung ist jedoch unbeachtlich, wenn in einem Gebietsteil, dessen Zugehörigkeit zu dem betroffenen Land geändert werden soll, eine Mehrheit von zwei Dritteln der Änderung zustimmt, es sei denn, daß im Gesamtgebiet des betroffenen Landes eine Mehrheit von zwei Dritteln die Änderung ablehnt.

(۴) هر گاه در یک منطقه مسکونی و اقتصادی مرتبط باهم که بخش‌های آن مربوط به ایالت‌های مختلف است و در آن حداقل یک میلیون نفر زندگی می‌نمایند، یک‌دهم واجدین حق رأی در انتخابات مجلس فدرال به وسیله درخواست همگانی خواستار ایجاد وابستگی ایالتی واحدی برای این منطقه شوند، در آن صورت باید قانون فدرال ظرف دو سال تعیین نماید که وابستگی ایالتی مطابق بند ۲ تغییر یابد و یا در ایالت‌های مزبور همه‌پرسی [رفراندوم] برگزار شود.

(۵) همه‌پرسی باید مشخص سازد که تغییر وابستگی ایالتی پیشنهادشده در قانون، مورد تأیید قرار می‌گیرد یا خیر. قانون می‌تواند پیشنهاد‌های مختلف ولی نه بیشتر از دو عدد را به همه‌پرسی بگذارد. اگر اکثریت آراء، تغییر در وابستگی ایالتی پیشنهاد شده را تأیید کند، در آن صورت قانون فدرال باید ظرف دو سال مشخص سازد که این وابستگی ایالتی مطابق بند ۲ تغییر می‌یابد یا خیر. هر گاه پیشنهادی که به همه‌پرسی گذاشته شده است، حمایت مطابق با شرایط بند ۳ جملات ۳ و ۴ را دریافت کند، در آن صورت باید ظرف دو سال پس از برگزاری همه‌پرسی، قانونی فدرال برای تشکیل ایالت پیشنهاد شده، تصویب شود بدون آنکه نیاز به تأیید همه‌پرسی داشته باشد.

(۶) اکثریت در یک تصمیم مردمی و یا همه‌پرسی، به معنی اکثریت آراء اخذ شده است، مشروط بر اینکه حداقل دربرگیرنده آراء یک‌چهارم از تعداد واجدین حق رأی در انتخابات مجلس فدرال باشد. جزئیات بیشتر راجع به تصمیم مردم، درخواست همگانی و همه‌پرسی توسط یک قانون فدرال تنظیم می‌گردد؛ این قانون نیز می‌تواند مقرر کند که درخواست‌های همگانی نباید تا پنج سال دیگر تکرار شوند.

II. Der Bund und die Länder

(4) Wird in einem zusammenhängenden, abgegrenzten Siedlungs- und Wirtschaftsraum, dessen Teile in mehreren Ländern liegen und der mindestens eine Million Einwohner hat, von einem Zehntel der in ihm zum Bundestag Wahlberechtigten durch Volksbegehren gefordert, daß für diesen Raum eine einheitliche Landeszugehörigkeit herbeigeführt werde, so ist durch Bundesgesetz innerhalb von zwei Jahren entweder zu bestimmen, ob die Landeszugehörigkeit gemäß Absatz 2 geändert wird, oder daß in den betroffenen Ländern eine Volksbefragung stattfindet.

(5) Die Volksbefragung ist darauf gerichtet festzustellen, ob eine in dem Gesetz vorzuschlagende Änderung der Landeszugehörigkeit Zustimmung findet. Das Gesetz kann verschiedene, jedoch nicht mehr als zwei Vorschläge der Volksbefragung vorlegen. Stimmt eine Mehrheit einer vorgeschlagenen Änderung der Landeszugehörigkeit zu, so ist durch Bundesgesetz innerhalb von zwei Jahren zu bestimmen, ob die Landeszugehörigkeit gemäß Absatz 2 geändert wird. Findet ein der Volksbefragung vorgelegter Vorschlag eine den Maßgaben des Absatzes 3 Satz 3 und 4 entsprechende Zustimmung, so ist innerhalb von zwei Jahren nach der Durchführung der Volksbefragung ein Bundesgesetz zur Bildung des vorgeschlagenen Landes zu erlassen, das der Bestätigung durch Volksentscheid nicht mehr bedarf.

(6) Mehrheit im Volksentscheid und in der Volksbefragung ist die Mehrheit der abgegebenen Stimmen, wenn sie mindestens ein Viertel der zum Bundestag Wahlberechtigten umfaßt. Im übrigen wird das Nähere über Volksentscheid, Volksbegehren und Volksbefragung durch ein Bundesgesetz geregelt; dieses kann auch vorsehen, daß Volksbegehren innerhalb eines Zeitraumes von fünf Jahren nicht wiederholt werden können.

فصل دوم: فدراسیون و ایالت‌ها

(۷) سایر تغییرات در ترکیب قلمرو ایالت‌ها می‌تواند بر اساس پیمان‌های دولتی میان ایالت‌های دخیل و یا توسط یک قانون فدرال با تأیید شورای فدرال صورت گیرد، مشروط بر آنکه ساکنین قلمروی که وابستگی ایالتی آن باید تغییر یابد، بیشتر از ۵۰۰۰۰ نفر نباشد. تفصیل آن را قانون فدرالی تنظیم می‌نماید که مستلزم تأیید شورای فدرال و اکثریت نمایندگان مجلس فدرال است. این تأیید باید نظرخواهی بخش‌ها و حوضه‌های مربوط را پیش‌بینی کند.

(۸) ایالت‌ها می‌توانند بخش‌بندی جدید قلمرو خود یا قسمت‌هایی از قلمرو خود را، بر خلاف مفاد بندهای ۲ الی ۷، توسط پیمان دولتی تنظیم نمایند. بخش‌داری‌ها و حوضه‌های مطرح باید مورد مشورت قرار گیرند. پیمان دولتی مستلزم تأیید عمومی (از طریق همه‌پرسی) در تمام ایالت‌های سهم است. اگر پیمان دولتی صرفاً متوجه قسمت‌هایی از قلمرو ایالت‌ها باشد، این تأیید می‌تواند به همه‌پرسی عمومی در همین نواحی محدود گردد؛ نیمه دوم جمله ۵ جاری نخواهد بود. همه‌پرسی عمومی مستلزم اکثریت آراء اخذ شده است، مشروط بر آنکه این اکثریت، یک‌چهارم آراء واجدین حق رأی در انتخابات مجلس فدرال را دربرگیرد. جزئیات را قانون فدرال تنظیم می‌کند. پیمان دولتی به تأیید مجلس فدرال نیاز دارد.

اصل ۳۰

اعمال اختیارات و ایفاء وظائف دولتی تا جایی که این قانون اساسی مقررات دیگری وضع ننموده و یا مجاز ندانسته است، بر عهده ایالت‌هاست.

اصل ۳۱

قانون فدرال بر قانون ایالات حکومت دارد.

II. Der Bund und die Länder

(7) Sonstige Änderungen des Gebietsbestandes der Länder können durch Staatsverträge der beteiligten Länder oder durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates erfolgen, wenn das Gebiet, dessen Landeszugehörigkeit geändert werden soll, nicht mehr als 50.000 Einwohner hat. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates und der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages bedarf. Es muß die Anhörung der betroffenen Gemeinden und Kreise vorsehen.

(8) Die Länder können eine Neugliederung für das jeweils von ihnen umfaßte Gebiet oder für Teilgebiete abweichend von den Vorschriften der Absätze 2 bis 7 durch Staatsvertrag regeln. Die betroffenen Gemeinden und Kreise sind zu hören. Der Staatsvertrag bedarf der Bestätigung durch Volksentscheid in jedem beteiligten Land. Betrifft der Staatsvertrag Teilgebiete der Länder, kann die Bestätigung auf Volksentscheide in diesen Teilgebieten beschränkt werden; Satz 5 zweiter Halbsatz findet keine Anwendung. Bei einer Volksentscheid entscheidet die Mehrheit der abgegebenen Stimmen, wenn sie mindestens ein Viertel der zum Bundestag Wahlberechtigten umfaßt; das Nähere regelt ein Bundesgesetz. Der Staatsvertrag bedarf der Zustimmung des Bundestages.

Art 30

Die Ausübung der staatlichen Befugnisse und die Erfüllung der staatlichen Aufgaben ist Sache der Länder, soweit dieses Grundgesetz keine andere Regelung trifft oder zuläßt.

Art 31

Bundesrecht bricht Landesrecht.

اصل ۳۲

- (۱) تأمین روابط با کشورهای خارجی وظیفه فدراسیون (دولت فدرال) است.
- (۲) پیش از بستن هر پیمانی که می‌تواند بر مناسبات ویژه ایالتی اثرگذار باشد، باید ایالت مذکور به موقع مورد مشورت قرار گیرد.
- (۳) ایالت‌ها در چهارچوب اختیارات قانونگذاری خود، می‌توانند با تأیید دولت فدرال، پیمان‌هایی را با کشورهای خارجی امضاء کنند.

اصل ۳۳

- (۱) هر فرد آلمانی در هر ایالتی حقوق و مسئولیت‌های سیاسی یکسانی دارد.
- (۲) افراد آلمانی بنا بر توانایی، شایستگی و کارایی حرفه‌ای خود، جهت دسترسی به تمامی مشاغل دولتی از حقوقی برابر برخوردارند.
- (۳) برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی و حق دسترسی به مشاغل دولتی، و نیز حقوق مکتسبه از خدمات دولتی، مستقل از عقاید مذهبی‌ست. هیچ کس نباید به خاطر وابستگی یا عدم وابستگی به مذهب و یا جهان‌بینی خاصی متضرر شود.
- (۴) اعمال اختیارات حاکمیتی به صورت مسئولیتی دائمی، قاعده‌تاً باید به کارمندان خدمات دولتی که خدمت و وفاداری آنها تابع حقوق عمومی‌ست، واگذار گردد.
- (۵) حق برخورداری از مشاغل دولتی باید با رعایت اصول تعیین‌شده برای کارمندان رسمی حرفه‌ای دولت، تنظیم و گسترش یابد.

II. Der Bund und die Länder

Art 32

(1) Die Pflege der Beziehungen zu auswärtigen Staaten ist Sache des Bundes.

(2) Vor dem Abschlusse eines Vertrages, der die besonderen Verhältnisse eines Landes berührt, ist das Land rechtzeitig zu hören.

(3) Soweit die Länder für die Gesetzgebung zuständig sind, können sie mit Zustimmung der Bundesregierung mit auswärtigen Staaten Verträge abschließen.

Art 33

(1) Jeder Deutsche hat in jedem Lande die gleichen staatsbürgerlichen Rechte und Pflichten.

(2) Jeder Deutsche hat nach seiner Eignung, Befähigung und fachlichen Leistung gleichen Zugang zu jedem öffentlichen Amte.

(3) Der Genuß bürgerlicher und staatsbürgerlicher Rechte, die Zulassung zu öffentlichen Ämtern sowie die im öffentlichen Dienste erworbenen Rechte sind unabhängig von dem religiösen Bekenntnis. Niemandem darf aus seiner Zugehörigkeit oder Nichtzugehörigkeit zu einem Bekenntnisse oder einer Weltanschauung ein Nachteil erwachsen.

(4) Die Ausübung hoheitsrechtlicher Befugnisse ist als ständige Aufgabe in der Regel Angehörigen des öffentlichen Dienstes zu übertragen, die in einem öffentlich-rechtlichen Dienst- und Treueverhältnis stehen.

(5) Das Recht des öffentlichen Dienstes ist unter Berücksichtigung der hergebrachten Grundsätze des Berufsbeamtentums zu regeln und fortzuentwickeln

اصل ۳۴

چنانچه شخصی حین انجام وظیفه‌ای دولتی که به وی واگذار شده است، تعهدات رسمی خود را نسبت به شخص ثالث نقض کند، مسئولیت آن اساساً بر دوش دولت یا ارگانی که در آن خدمت می‌کند قرار می‌گیرد. در صورت تخلف عمدی و با قصور شدید، حق رجوع به محاکم علیه کارمند دولت (مسبب) محفوظ است. برای مطالبه جبران خسارت و یا شکایت از مسبب، نباید مانعی برای رجوع به دادگاه‌های عادی وجود داشته باشد.

اصل ۳۵

(۱) تمام مقامات دولت فدرال و ایالت‌ها یکدیگر را با کمک‌های قانونی و اداری متقابل حمایت می‌نمایند.

(۲) هر ایالتی می‌تواند برای حفظ یا برگرداندن نظم و امنیت عمومی، در موارد بسیار مهم، خواهان ارسال نیرو و امکانات مرزبانی فدرال برای حمایت از پلیس شود، مشروط بر آنکه پلیس ایالت بدون این حمایت از انجام وظیفه خود عاجز باشد و یا این وظیفه را تنها با دشواری‌های بسیار بتواند انجام دهد. برای کمک‌رسانی در یک فاجعه طبیعی و یا حادثه بسیار جدی، ایالات می‌توانند از نیروهای پلیس سایر ایالت‌ها، نیرو و تجهیزات سایر ادارات، نیروی مرزبانی فدرال و یا نیروهای ارتش درخواست کمک نمایند.

(۳) اگر فاجعه طبیعی و یا حادثه‌ای قلمرو بیش از یک ایالت را به خطر بی‌اندازد، دولت فدرال می‌تواند، تا جایی که برای مقابله مؤثر لازم باشد، به دول ایالتی دستور دهد تا نیروهای پلیس خود را در خدمت ایالات دیگر قرار دهند و همچنین از واحدهای مرزبانی فدرال و نیروهای ارتش برای حمایت از نیروهای پلیس استفاده نمایند. اقدامات دولت فدرال مطابق جمله ۱ باید بلافاصله بعد از درخواست شورای فدرال، در غیر این صورت فوراً بعد از رفع خطر پایان یابند.

II. Der Bund und die Länder

Art 34

Verletzt jemand in Ausübung eines ihm anvertrauten öffentlichen Amtes die ihm einem Dritten gegenüber obliegende Amtspflicht, so trifft die Verantwortlichkeit grundsätzlich den Staat oder die Körperschaft, in deren Dienst er steht. Bei Vorsatz oder grober Fahrlässigkeit bleibt der Rückgriff vorbehalten. Für den Anspruch auf Schadensersatz und für den Rückgriff darf der ordentliche Rechtsweg nicht ausgeschlossen werden.

Art 35

(1) Alle Behörden des Bundes und der Länder leisten sich gegenseitig Rechts- und Amtshilfe.

(2) Zur Aufrechterhaltung oder Wiederherstellung der öffentlichen Sicherheit oder Ordnung kann ein Land in Fällen von besonderer Bedeutung Kräfte und Einrichtungen des Bundesgrenzschutzes zur Unterstützung seiner Polizei anfordern, wenn die Polizei ohne diese Unterstützung eine Aufgabe nicht oder nur unter erheblichen Schwierigkeiten erfüllen könnte. Zur Hilfe bei einer Naturkatastrophe oder bei einem besonders schweren Unglücksfall kann ein Land Polizeikräfte anderer Länder, Kräfte und Einrichtungen anderer Verwaltungen sowie des Bundesgrenzschutzes und der Streitkräfte anfordern.

(3) Gefährdet die Naturkatastrophe oder der Unglücksfall das Gebiet mehr als eines Landes, so kann die Bundesregierung, soweit es zur wirksamen Bekämpfung erforderlich ist, den Landesregierungen die Weisung erteilen, Polizeikräfte anderen Ländern zur Verfügung zu stellen, sowie Einheiten des Bundesgrenzschutzes und der Streitkräfte zur Unterstützung der Polizeikräfte einsetzen. Maßnahmen der Bundesregierung nach Satz 1 sind jederzeit auf Verlangen des Bundesrates, im übrigen unverzüglich nach Beseitigung der Gefahr aufzuheben.

فصل دوم: فدراسیون و ایالت‌ها

اصل ۳۶

(۱) کارمندان رسمی در ادارات عالی دولت فدرال از تمام ایالت‌ها به تناسب جمعیت انتخاب می‌شوند. افرادی که در سایر نهادهای فدرال اشتغال دارند، قاعدتاً باید از همان ایالتی باشند که در آنجا خدمت می‌کنند.

(۲) قوانین ارتش نیز باید تقسیمات ایالتی فدراسیون و مناسبات ویژه افراد بومی آن را رعایت کنند.

اصل ۳۷

(۱) هر گاه ایالتی مسئولیت‌های فدرالی خود را که طبق قانون اساسی یا قانون دیگر فدرال به او محول شده است، بر آورده نسازد، دولت فدرال می‌تواند با موافقت شورای فدرال اقدامات لازم را اتخاذ نماید تا آن ایالت را با اجبار حکومتی، به انجام وظائفش وادار نماید.

(۲) دولت فدرال یا اداره کارگزار او برای اجرای چنین اجبار حکومتی، حق صدور دستور به تمام ایالت‌ها و مقامات را دارد.

II. Der Bund und die Länder

Art 36

(1) Bei den obersten Bundesbehörden sind Beamte aus allen Ländern in angemessenem Verhältnis zu verwenden. Die bei den übrigen Bundesbehörden beschäftigten Personen sollen in der Regel aus dem Lande genommen werden, in dem sie tätig sind.

(2) Die Wehrgesetze haben auch die Gliederung des Bundes in Länder und ihre besonderen landsmannschaftlichen Verhältnisse zu berücksichtigen.

Art 37

(1) Wenn ein Land die ihm nach dem Grundgesetze oder einem anderen Bundesgesetze obliegenden Bundespflichten nicht erfüllt, kann die Bundesregierung mit Zustimmung des Bundesrates die notwendigen Maßnahmen treffen, um das Land im Wege des Bundeszwanges zur Erfüllung seiner Pflichten anzuhalten.

(2) Zur Durchführung des Bundeszwanges hat die Bundesregierung oder ihr Beauftragter das Weisungsrecht gegenüber allen Ländern und ihren Behörden.

فصل سوم: مجلس فدرال (پارلمان آلمان)

اصل ۳۸

(۱) نمایندگان مجلس فدرال آلمان با رأی گیری عمومی، مستقیم، آزاد، برابر و محرمانه انتخاب می‌شوند. آنها نمایندگان تمام مردم بوده، تابع هیچ دستور و هدایتی نبوده و به حکم وجدان خود کار می‌نمایند.

(۲) هر فردی که به سن ۱۸ سالگی رسیده باشد حق رأی دادن و هر فردی که به سن اهلیت قانونی [۱۸ سالگی] رسیده باشد حق انتخاب شدن دارد.

(۳) جزئیات را یک قانون فدرال تنظیم می‌کند.

اصل ۳۹

(۱) مجلس فدرال، مشروط به رعایت مقررات ذیل، برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌گردد. دوره انتخاباتی آن با تشکیل مجلس فدرال جدید خاتمه می‌یابد. انتخابات جدید، حداقل ۴۶ ماه و حداکثر ۴۸ ماه پس از آغاز کار مجلس برگزار می‌شود، در صورت انحلال یک مجلس، انتخابات در عرض ۶۰ روز پس از آن صورت می‌گیرد.

(۲) مجلس فدرال حداکثر ۳۰ روز پس از انجام انتخابات، دایر می‌گردد.

(۳) مجلس فدرال، پایان و ازسرگیری جلساتش را خود تعیین می‌کند. رئیس مجلس فدرال می‌تواند مجلس را قبل از زمان مقرر به تشکیل جلسه فراخواند. وی باید - در صورت درخواست یک سوم نمایندگان یا رئیس‌جمهوری فدرال و یا صدراعظم فدرال - اقدام به انجام این کار نماید.

II. Der Bundestag

III. Der Bundestag

Art 38

(1) Die Abgeordneten des Deutschen Bundestages werden in allgemeiner, unmittelbarer, freier, gleicher und geheimer Wahl gewählt. Sie sind Vertreter des ganzen Volkes, an Aufträge und Weisungen nicht gebunden und nur ihrem Gewissen unterworfen.

(2) Wahlberechtigt ist, wer das achtzehnte Lebensjahr vollendet hat; wählbar ist, wer das Alter erreicht hat, mit dem die Volljährigkeit eintritt.

(3) Das Nähere bestimmt ein Bundesgesetz.

Art 39

(1) Der Bundestag wird vorbehaltlich der nachfolgenden Bestimmungen auf vier Jahre gewählt. Seine Wahlperiode endet mit dem Zusammentritt eines neuen Bundestages. Die Neuwahl findet frühestens sechsundvierzig, spätestens achtundvierzig Monate nach Beginn der Wahlperiode statt. Im Falle einer Auflösung des Bundestages findet die Neuwahl innerhalb von sechzig Tagen statt.

(2) Der Bundestag tritt spätestens am dreißigsten Tage nach der Wahl zusammen.

(3) Der Bundestag bestimmt den Schluß und den Wiederbeginn seiner Sitzungen. Der Präsident des Bundestages kann ihn früher einberufen. Er ist hierzu verpflichtet, wenn ein Drittel der Mitglieder, der Bundespräsident oder der Bundeskanzler es verlangen.

اصل ۴۰

(۱) مجلس فدرال، رئیس، معاونین رئیس و منشی‌هایش را انتخاب می‌کند. مجلس فدرال برای خود آئین‌نامه داخلی تنظیم می‌نماید.

(۲) رئیس مجلس دارای اختیارات خاص داخلی و اختیارات پلیسی ساختمان مجلس است. بدون اجازه او هیچ گونه بازرسی و یا مصادره اموال در ساختمان مجلس فدرال صورت نمی‌گیرد.

اصل ۴۱

(۱) بررسی صحت انتخابات بر عهده مجلس فدرال است. سلب عضویت یک نماینده مجلس نیز در صلاحیت مجلس قرار دارد.

(۲) می‌توان علیه تصمیم مجلس فدرال به دادگاه قانون اساسی فدرال شکایت نمود.

(۳) جزئیات را قانون فدرال تنظیم می‌کند.

اصل ۴۲

(۱) جلسات مجلس فدرال علنی برگزار می‌شود. بنابر پیشنهاد یک دهم از اعضاء و یا طبق پیشنهاد دولت فدرال با تأیید دو سوم اعضاء می‌توان جلسه را علنی ساخت. این پیشنهاد در یک جلسه غیر علنی بررسی می‌شود.

(۲) مصوبات مجلس فدرال، در صورتی که قانون طور دیگری پیش‌بینی نکرده باشد، نیاز به اکثریت آراء دارد. در خصوص (سایر) رأی‌گیری‌های مجلس فدرال، آئین‌نامه داخلی می‌تواند استثناء قائل شود.

(۳) گزارش‌های صادقانه و حقیقی از جلسات عمومی مجلس فدرال و کمیته‌های آن، هیچ مسئولیتی را ایجاد نمی‌کند.

II. Der Bundestag

Art 40

(1) Der Bundestag wählt seinen Präsidenten, dessen Stellvertreter und die Schriftführer. Er gibt sich eine Geschäftsordnung.

(2) Der Präsident übt das Hausrecht und die Polizeigewalt im Gebäude des Bundestages aus. Ohne seine Genehmigung darf in den Räumen des Bundestages keine Durchsuchung oder Beschlagnahme stattfinden.

Art 41

(1) Die Wahlprüfung ist Sache des Bundestages. Er entscheidet auch, ob ein Abgeordneter des Bundestages die Mitgliedschaft verloren hat.

(2) Gegen die Entscheidung des Bundestages ist die Beschwerde an das Bundesverfassungsgericht zulässig.

(3) Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

Art 42

(1) Der Bundestag verhandelt öffentlich. Auf Antrag eines Zehntels seiner Mitglieder oder auf Antrag der Bundesregierung kann mit Zweidrittelmehrheit die Öffentlichkeit ausgeschlossen werden. Über den Antrag wird in nichtöffentlicher Sitzung entschieden.

(2) Zu einem Beschlusse des Bundestages ist die Mehrheit der abgegebenen Stimmen erforderlich, soweit dieses Grundgesetz nichts anderes bestimmt. Für die vom Bundestage vorzunehmenden Wahlen kann die Geschäftsordnung Ausnahmen zulassen.

(3) Wahrheitsgetreue Berichte über die öffentlichen Sitzungen des Bundestages und seiner Ausschüsse bleiben von jeder Verantwortlichkeit frei.

اصل ۳۴

- (۱) مجلس فدرال و کمیته‌های آن می‌توانند هر یک از اعضاء دولت فدرال را احضار نمایند.
- (۲) اعضاء شورای فدرال و دولت فدرال و نیز مأمورین موظف آنها، حق ورود به تمامی نشست‌های مجلس فدرال و کمیسیون‌های آن را دارند. نظراتشان باید همواره استماع شود.

اصل ۴۴

- (۱) مجلس فدرال حق، و بر طبق درخواست یک چهارم اعضاء خود، وظیفه دارد تا یک کمیسیون رسیدگی [تحقیق] را برای جمع‌آوری شواهد لازم در یک پروسه علنی موظف سازد. نشست می‌تواند علنی نباشد.
- (۲) قواعد آیین دادرسی کیفری حسب تناسب بر جمع‌آوری شواهد و دلایل اعمال می‌گردد. محرمانه بودن مکاتبات، پست و مخابرات مصون می‌ماند.
- (۳) دادگاه‌ها و مقامات اداری مکلف به ارائه کمک‌های قانونی و اداری هستند.
- (۴) تصمیمات کمیسیون‌های تحقیق از شمول نظارت قضایی خارج است. دادگاه‌ها در ارزیابی و قضاوت خود راجع به موضوع مورد تحقیق، آزادند.

II. Der Bundestag

Art 43

(1) Der Bundestag und seine Ausschüsse können die Anwesenheit jedes Mitgliedes der Bundesregierung verlangen.

(2) Die Mitglieder des Bundesrates und der Bundesregierung sowie ihre Beauftragten haben zu allen Sitzungen des Bundestages und seiner Ausschüsse Zutritt. Sie müssen jederzeit gehört werden.

Art 44

(1) Der Bundestag hat das Recht und auf Antrag eines Viertels seiner Mitglieder die Pflicht, einen Untersuchungsausschuß einzusetzen, der in öffentlicher Verhandlung die erforderlichen Beweise erhebt. Die Öffentlichkeit kann ausgeschlossen werden.

(2) Auf Beweiserhebungen finden die Vorschriften über den Strafprozeß sinngemäß Anwendung. Das Brief-, Post- und Fernmeldegeheimnis bleibt unberührt.

(3) Gerichte und Verwaltungsbehörden sind zur Rechts- und Amtshilfe verpflichtet.

(4) Die Beschlüsse der Untersuchungsausschüsse sind der richterlichen Erörterung entzogen. In der Würdigung und Beurteilung des der Untersuchung zugrunde liegenden Sachverhaltes sind die Gerichte frei.

اصل ۴۵

مجلس فدرال کمیسیون‌ری را در امور اتحادیهٔ اروپا تعیین می‌کند. مجلس فدرال می‌تواند به این کمیسیون صلاحیت دهد تا از حقوقش مطابق اصل ۲۳ در برابر دولت فدرال دفاع کند. همچنین، مجلس فدرال می‌تواند اختیاراتی را که طبق پیمان‌های بنیادین اتحادیهٔ اروپا به وی داده شده است، به این کمیته تفویض نماید.

اصل ۴۵ الف

(۱) مجلس فدرال یک کمیسیون امور خارجی و یک کمیسیون دفاع را تعیین می‌کند.

(۲) کمیسیون دفاع، از حقوق و اختیارات کمیسیون تحقیق نیز برخوردار است. با درخواست یک چهارم از اعضاء خود، کمیسیون موظف می‌گردد نسبت به رسیدگی و تحقیق راجع به مسألهٔ مورد نظر اقدام نماید.

(۳) بند ۱ اصل ۴۴ در امور دفاعی قابل اجرا نیست.

اصل ۴۵ ب

به منظور پاسداری از حقوق بنیادین و به عنوان یک ارگان کمکی برای مجلس فدرال در امر نظارت‌های پارلمانی، یک کارگزار دفاعی مجلس فدرال تعیین می‌گردد. جزئیات را قانون فدرال تنظیم می‌نماید.

II. Der Bundestag

Art 45

Der Bundestag bestellt einen Ausschuß für die Angelegenheiten der Europäischen Union. Er kann ihn ermächtigen, die Rechte des Bundestages gemäß Artikel 23 gegenüber der Bundesregierung wahrzunehmen. Er kann ihn auch ermächtigen, die Rechte wahrzunehmen, die dem Bundestag in den vertraglichen Grundlagen der Europäischen Union eingeräumt sind.

Art 45a

(1) Der Bundestag bestellt einen Ausschuß für auswärtige Angelegenheiten und einen Ausschuß für Verteidigung.

(2) Der Ausschuß für Verteidigung hat auch die Rechte eines Untersuchungsausschusses. Auf Antrag eines Viertels seiner Mitglieder hat er die Pflicht, eine Angelegenheit zum Gegenstand seiner Untersuchung zu machen.

(3) Artikel 44 Abs. 1 findet auf dem Gebiet der Verteidigung keine Anwendung.

Art 45b

Zum Schutz der Grundrechte und als Hilfsorgan des Bundestages bei der Ausübung der parlamentarischen Kontrolle wird ein Wehrbeauftragter des Bundestages berufen. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

اصل ۴۵ پ

- (۱) مجلس فدرال یک کمیسیون رسیدگی به شکایات تعیین می‌کند که بر اساس اصل ۱۷، مسئول بررسی عرایض و شکایات ارسال شده به مجلس فدرال است.
- (۲) اختیارات کمیسיוنی که مسئول بررسی شکایت‌هاست، توسط قانون فدرال تعیین می‌شود.

اصل ۴۵ ت: هیئت نظارت پارلمانی

- (۱) مجلس فدرال هیئتی را برای نظارت بر فعالیت‌های اطلاعاتی دولت فدرال تعیین می‌نماید.
- (۲) تفصیل آن را یک قانون فدرال معین می‌کند.

اصل ۴۶

- (۱) هیچگاه نمی‌توان نماینده‌ای را به علت رأی یا اظهار نظرش در صحن مجلس فدرال و یا در یکی از کمیسیون‌ها، تحت تعقیب قانونی و یا انضباطی قرار داد یا خارج از مجلس فدرال بازخواست نمود. این اصل شامل افتراهای توهین‌آمیز نمی‌شود.
- (۲) چنانچه یکی از نمایندگان مجلس مرتکب جرم قابل مجازاتی شود، می‌توان او را صرفاً با اجازه مجلس فدرال بازخواست و یا بازداشت کرد، مگر اینکه در حین ارتکاب جرم و یا روز بعد از آن بازداشت شده باشد.
- (۳) علاوه بر این، اجازه مجلس فدرال در مورد ایجاد هر محدودیتی در آزادی شخصی نمایندگان مجلس و یا آغاز یک روند دادرسی علیه آنها براساس اصل ۱۸، ضروری‌ست.

II. Der Bundestag

Art 45c

(1) Der Bundestag bestellt einen Petitionsausschuß, dem die Behandlung der nach Artikel 17 an den Bundestag gerichteten Bitten und Beschwerden obliegt.

(2) Die Befugnisse des Ausschusses zur Überprüfung von Beschwerden regelt ein Bundesgesetz.

Art 45d Parlamentarisches Kontrollgremium

(1) Der Bundestag bestellt ein Gremium zur Kontrolle der nachrichtendienstlichen Tätigkeit des Bundes.

(2) Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

Art 46

(1) Ein Abgeordneter darf zu keiner Zeit wegen seiner Abstimmung oder wegen einer Äußerung, die er im Bundestage oder in einem seiner Ausschüsse getan hat, gerichtlich oder dienstlich verfolgt oder sonst außerhalb des Bundestages zur Verantwortung gezogen werden. Dies gilt nicht für verleumderische Beleidigungen.

(2) Wegen einer mit Strafe bedrohten Handlung darf ein Abgeordneter nur mit Genehmigung des Bundestages zur Verantwortung gezogen oder verhaftet werden, es sei denn, daß er bei Begehung der Tat oder im Laufe des folgenden Tages festgenommen wird.

(3) Die Genehmigung des Bundestages ist ferner bei jeder anderen Beschränkung der persönlichen Freiheit eines Abgeordneten oder zur Einleitung eines Verfahrens gegen einen Abgeordneten gemäß Artikel 18 erforderlich.

(۴) هر گونه پیگرد کیفری و هر نوع رسیدگی قضایی مطابق با اصل ۱۸ علیه یکی از نمایندگان مجلس و هر گونه بازداشت یا محدود ساختن آزادی شخصی او باید در صورت درخواست مجلس فدرال متوقف گردد.

اصل ۴۷

نمایندگان حق دارند از شهادت دادن راجع به افرادی که واقعیتی را به آنها به عنوان نماینده بیان نموده‌اند و یا خود براساس همین ویژگی و در مقام نمایندگی واقعیتی را برای ایشان نقل کرده‌اند، و نیز از شهادت راجع به آن واقعیات امتناع ورزند. ضبط مکاتبات تا زمانی که این حق امتناع از شهادت، اعتبار داشته باشد، مجاز نیست.

اصل ۴۸

(۱) هر فردی که خود را در انتخابات مجلس فدرال نامزد می‌کند، حق دارد جهت کسب آمادگی لازم برای مبارزه انتخاباتی مرخصی بگیرد.

(۲) هیچ کس را نمی‌توان از پذیرش کرسی نمایندگی و یا انجام این شغل منع کرد. استعفاء و یا اخراج از کار به این علت ممنوع است.

(۳) نمایندگان از حق الزحمه مکفی برای تأمین کار مستقل خود برخوردار می‌شوند. آنها حق بهره‌مندی رایگان از تمام وسایط نقلیه دولتی را دارند. تفصیل آن را قانون فدرال تنظیم می‌کند.

اصل ۴۹ (ملغی شده است)

II. Der Bundestag

(4) Jedes Strafverfahren und jedes Verfahren gemäß Artikel 18 gegen einen Abgeordneten, jede Haft und jede sonstige Beschränkung seiner persönlichen Freiheit sind auf Verlangen des Bundestages auszusetzen.

Art 47

Die Abgeordneten sind berechtigt, über Personen, die ihnen in ihrer Eigenschaft als Abgeordnete oder denen sie in dieser Eigenschaft Tatsachen anvertraut haben, sowie über diese Tatsachen selbst das Zeugnis zu verweigern. Soweit dieses Zeugnisverweigerungsrecht reicht, ist die Beschlagnahme von Schriftstücken unzulässig.

Art 48

(1) Wer sich um einen Sitz im Bundestage bewirbt, hat Anspruch auf den zur Vorbereitung seiner Wahl erforderlichen Urlaub.

(2) Niemand darf gehindert werden, das Amt eines Abgeordneten zu übernehmen und auszuüben. Eine Kündigung oder Entlassung aus diesem Grunde ist unzulässig.

(3) Die Abgeordneten haben Anspruch auf eine angemessene, ihre Unabhängigkeit sichernde Entschädigung. Sie haben das Recht der freien Benutzung aller staatlichen Verkehrsmittel. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

Art 49 (weggefallen)

فصل چهارم: شورای فدرال

اصل ۵۰

ایالت‌ها در امر قانونگذاری و اداره دولت فدرال و در امور مربوط به اتحادیه اروپا، از طریق شورای فدرال مشارکت می‌کنند.

اصل ۵۱

- (۱) شورای فدرال متشکل از اعضاء دول ایالتی است که از طرف آن دول منصوب یا برکنار می‌شوند. سایر اعضاء این دولت‌ها می‌توانند به نیابت از اعضاء اصلی عمل نمایند.
- (۲) هر ایالتی دارای حداقل سه رأی است. ایالات با جمعیت بیش از دو میلیون نفر چهار رأی، بیش از شش میلیون نفر پنج رأی و بیش از هفت میلیون نفر شش رأی دارند.
- (۳) هر ایالتی می‌تواند تنها به اندازه آراء خود نماینده ارسال نمایند. آراء هر ایالت صرفاً می‌تواند به طور واحد و تنها توسط نمایندگان حاضر یا نمایان آنها ارائه شود.

اصل ۵۲

- (۱) شورای فدرال رئیس خود را برای یک سال انتخاب می‌کند.
- (۲) رئیس، شورای فدرال را به اجلاس فرا می‌خواند. وی باید شورا را فرا خواند اگر نمایندگان حداقل دو ایالت و یا دولت فدرال آن را تقاضا نمایند.
- (۳) شورای فدرال تصمیمات خود را حداقل با اکثریت آراء اتخاذ می‌کند. شورا دارای یک آئین‌نامه داخلی است. نشست‌ها علنی‌اند. حضور عموم می‌تواند منع گردد.

IV. Der Bundesrat

Art 50

Durch den Bundesrat wirken die Länder bei der Gesetzgebung und Verwaltung des Bundes und in Angelegenheiten der Europäischen Union mit.

Art 51

(1) Der Bundesrat besteht aus Mitgliedern der Regierungen der Länder, die sie bestellen und abberufen. Sie können durch andere Mitglieder ihrer Regierungen vertreten werden.

(2) Jedes Land hat mindestens drei Stimmen, Länder mit mehr als zwei Millionen Einwohnern haben vier, Länder mit mehr als sechs Millionen Einwohnern fünf, Länder mit mehr als sieben Millionen Einwohnern sechs Stimmen.

(3) Jedes Land kann so viele Mitglieder entsenden, wie es Stimmen hat. Die Stimmen eines Landes können nur einheitlich und nur durch anwesende Mitglieder oder deren Vertreter abgegeben werden.

Art 52

(1) Der Bundesrat wählt seinen Präsidenten auf ein Jahr.

(2) Der Präsident beruft den Bundesrat ein. Er hat ihn einzuberufen, wenn die Vertreter von mindestens zwei Ländern oder die Bundesregierung es verlangen.

(3) Der Bundesrat faßt seine Beschlüsse mit mindestens der Mehrheit seiner Stimmen. Er gibt sich eine Geschäftsordnung. Er verhandelt öffentlich. Die Öffentlichkeit kann ausgeschlossen werden.

فصل چهارم: شورای فدرال / فصل چهارم الف: کمیسیون مشترک

(۳ الف) شورای فدرال می‌تواند برای امور مربوط به اتحادیه اروپا یک اتاق [شعبه] امور اروپایی تشکیل دهد و تصمیم‌های آن را در حکم تصمیم‌های شورای فدرال بداند؛ تعداد آراء هر یک از ایالت‌ها که باید متفقاً اخذ شود، طبق اصل ۵۱ بند ۲ تعیین می‌گردد.

(۴) سایر اعضاء و یا نمایندگان دیگر دول ایالات می‌توانند به عضویت کمیته‌های شورای فدرال درآیند.

اصل ۵۳

اعضای دولت فدرال حق دارند و در صورت تقاضا مکلفند که در نشست‌های شورای فدرال و کمیته‌های آن شرکت جویند. نظر آنها باید هر زمان استماع شود. شورای فدرال باید مرتباً توسط دولت فدرال در جریان کارکردهای دولت قرار داده شود.

فصل چهارم الف: کمیسیون مشترک

اصل ۵۳ الف

(۱) کمیسیون مشترک از دو سوم نمایندگان مجلس فدرال و یک سوم اعضاء شورای فدرال تشکیل می‌گردد. نمایندگان، متناسب با بزرگی فراکسیون‌ها از طرف مجلس فدرال تعیین می‌شوند؛ نمایندگان نباید عضو دولت فدرال باشند. هر ایالتی از طریق نماینده انتصابی خود که عضو شورای فدرال است، حضور می‌یابد؛ این اعضاء تابع هیچ فرمانی نیستند. تشکیل کمیسیون مشترک و کارکردهای آن توسط آئین‌نامه‌ای تنظیم می‌گردد که مجلس فدرال آن را تصویب و شورای فدرال با آن موافقت نموده است.

IV. Der Bundesrat/ IV a. Gemeinsamer Ausschuß

(3a) Für Angelegenheiten der Europäischen Union kann der Bundesrat eine Europakammer bilden, deren Beschlüsse als Beschlüsse des Bundesrates gelten; die Anzahl der einheitlich abzugebenden Stimmen der Länder bestimmt sich nach Artikel 51 Abs. 2.

(4) Den Ausschüssen des Bundesrates können andere Mitglieder oder Beauftragte der Regierungen der Länder angehören.

Art 53

Die Mitglieder der Bundesregierung haben das Recht und auf Verlangen die Pflicht, an den Verhandlungen des Bundesrates und seiner Ausschüsse teilzunehmen. Sie müssen jederzeit gehört werden. Der Bundesrat ist von der Bundesregierung über die Führung der Geschäfte auf dem laufenden zu halten.

IV a. Gemeinsamer Ausschuß

Art 53a

(1) Der Gemeinsame Ausschuß besteht zu zwei Dritteln aus Abgeordneten des Bundestages, zu einem Drittel aus Mitgliedern des Bundesrates. Die Abgeordneten werden vom Bundestage entsprechend dem Stärkeverhältnis der Fraktionen bestimmt; sie dürfen nicht der Bundesregierung angehören. Jedes Land wird durch ein von ihm bestelltes Mitglied des Bundesrates vertreten; diese Mitglieder sind nicht an Weisungen gebunden. Die Bildung des Gemeinsamen Ausschusses und sein Verfahren werden durch eine Geschäftsordnung geregelt, die vom Bundestage zu beschließen ist und der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

فصل چهارم الف: کمیسیون مشترک / فصل پنجم: رئیس جمهور فدرال

(۲) دولت فدرال باید کمیسیون مشترک را در مورد برنامه‌های خود در وضعیت دفاعی در جریان بگذارد. حقوق مجلس فدرال و کمیته‌های آن بر اساس اصل ۴۳ بند ۱ محفوظ می‌ماند.

فصل پنجم: رئیس جمهوری فدرال

اصل ۵۴

(۱) رئیس جمهور فدرال بدون مذاکره توسط مجلس مشترک فدرال انتخاب می‌شود. هر فرد آلمانی که دارای حق انتخاب نمایندگان مجلس فدرال بوده و ۴۰ سال تمام داشته باشد، می‌تواند انتخاب شود.

(۲) دوره ریاست جمهوری فدرال پنج سال است. انتخاب مجدد تنها برای یک دوره متوالی قابل تمدید است.

(۳) مجلس مشترک فدرال متشکل است از اعضاء مجلس فدرال و به همان تعداد از اعضایی که از طرف مجالس نمایندگان ایالتی مطابق با قواعد انتخاب تناسبی، انتخاب شده‌اند.

(۴) مجلس مشترک حداکثر ۳۰ روز پیش از ختم دوره ریاست جمهوری فدرال و یا در صورت پایان یافتن زود هنگام آن، حداکثر ۳۰ روز پس از ختم دوره ریاست جمهوری تشکیل می‌گردد. مجلس مشترک را رئیس مجلس فدرال فرا می‌خواند.

(۵) پس از اتمام دوره قانون‌گذاری، موعد مورد اشاره در بند ۴ جمله ۱، از نخستین نشست مجلس فدرال آغاز می‌شود.

IV a. Gemeinsamer Ausschuß/ V. Der Bundespräsident

(2) Die Bundesregierung hat den Gemeinsamen Ausschuß über ihre Planungen für den Verteidigungsfall zu unterrichten. Die Rechte des Bundestages und seiner Ausschüsse nach Artikel 43 Abs. 1 bleiben unberührt.

V. Der Bundespräsident

Art 54

(1) Der Bundespräsident wird ohne Aussprache von der Bundesversammlung gewählt. Wählbar ist jeder Deutsche, der das Wahlrecht zum Bundestage besitzt und das vierzigste Lebensjahr vollendet hat.

(2) Das Amt des Bundespräsidenten dauert fünf Jahre. Anschließende Wiederwahl ist nur einmal zulässig.

(3) Die Bundesversammlung besteht aus den Mitgliedern des Bundestages und einer gleichen Anzahl von Mitgliedern, die von den Volksvertretungen der Länder nach den Grundsätzen der Verhältniswahl gewählt werden.

(4) Die Bundesversammlung tritt spätestens dreißig Tage vor Ablauf der Amtszeit des Bundespräsidenten, bei vorzeitiger Beendigung spätestens dreißig Tage nach diesem Zeitpunkt zusammen. Sie wird von dem Präsidenten des Bundestages einberufen.

(5) Nach Ablauf der Wahlperiode beginnt die Frist des Absatzes 4 Satz 1 mit dem ersten Zusammentritt des Bundestages.

فصل پنجم: رئیس جمهور فدرال

(۶) شخصی که اکثریت آراء اعضاء مجلس مشترک فدرال را کسب نماید، انتخاب می‌شود. هر گاه چنین اکثریتی در دو مرحله رأی‌گیری به‌دست نیاید، داوطلبی که بیشترین آراء را در مرحله بعدی کسب کند، انتخاب می‌گردد.

(۷) تفصیل آن به‌وسیله یک قانون فدرال تعیین می‌شود.

اصل ۵۵

(۱) رئیس جمهور فدرال نمی‌تواند عضو دولت یا یکی از ارگان‌های مقننه دولت فدرال یا یکی از ایالت‌ها باشد.

(۲) رئیس جمهور فدرال نمی‌تواند دارای سمت دیگری با دستمزد باشد، کار تجارتي، یا شغل دیگری را پیش ببرد و نیز در هیأت مدیره و یا هیأت نظارت شرکت‌های انتفاعی عضویت داشته باشد.

اصل ۵۶

رئیس جمهور هنگام احراز سمت ریاست جمهوری، در جلسه مشترک مجلس فدرال و شورای فدرال سوگند زیر را اداء می‌کند:

«سوگند یاد می‌کنم که نیروی خود را در خدمت رفاه ملت آلمان قرار دهم؛ منافعش را تقویت نمایم، مانع آسیب رسیدن به آن شوم، از قانون اساسی و قوانین فدراسیون حمایت و دفاع نمایم، مسئولیت‌م را وجداناً ایفاء و عدالت را در برابر همه اجرا نمایم. خداوند مرا در این راه عنایت نماید.»

سوگند می‌تواند بدون گواه مذهبی نیز اجرا شود.

V. Der Bundespräsident

(6) Gewählt ist, wer die Stimmen der Mehrheit der Mitglieder der Bundesversammlung erhält. Wird diese Mehrheit in zwei Wahlgängen von keinem Bewerber erreicht, so ist gewählt, wer in einem weiteren Wahlgang die meisten Stimmen auf sich vereinigt.

(7) Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

Art 55

(1) Der Bundespräsident darf weder der Regierung noch einer gesetzgebenden Körperschaft des Bundes oder eines Landes angehören.

(2) Der Bundespräsident darf kein anderes besoldetes Amt, kein Gewerbe und keinen Beruf ausüben und weder der Leitung noch dem Aufsichtsrat eines auf Erwerb gerichteten Unternehmens angehören.

Art 56

Der Bundespräsident leistet bei seinem Amtsantritt vor den versammelten Mitgliedern des Bundestages und des Bundesrates folgenden Eid:

"Ich schwöre, daß ich meine Kraft dem Wohle des deutschen Volkes widmen, seinen Nutzen mehren, Schaden von ihm wenden, das Grundgesetz und die Gesetze des Bundes wahren und verteidigen, meine Pflichten gewissenhaft erfüllen und Gerechtigkeit gegen jedermann üben werde. So wahr mir Gott helfe."

Der Eid kann auch ohne religiöse Beteuerung geleistet werden.

فصل پنجم: رئیس جمهور فدرال

اصل ۵۷

در صورت ایجاد موانعی در ایفاء مسئولیت رئیس جمهور یا کنارگیری زودهنگام او از این مقام، اختیارات و مسئولیت‌های او را رئیس شورای فدرال به عهده می‌گیرد.

اصل ۵۸

دستورها و فرامین رئیس جمهور جهت تنفیذ به امضاء متقابل صدر اعظم آلمان و یا وزیر مربوط فدرال نیاز دارد. انتصاب یا برکناری نخست وزیر فدرال، انحلال مجلس فدرال بر طبق اصل ۶۳ و درخواست رسمی بر اساس اصل ۶۹ بند ۳، شامل این قاعده نمی‌گردد.

اصل ۵۹

(۱) رئیس جمهور، نماینده دولت فدرال در سطح بین‌المللی است. وی به نمایندگی از دولت فدرال پیمان‌های آلمان با دول خارجی را امضاء می‌کند. او سفرای دولت‌های دیگر را به حضور می‌پذیرد و استوارنامه آنها را تأیید می‌کند.

(۲) قراردادهایی که روابط سیاسی فدراسیون را تنظیم می‌کنند، یا مربوط به موضوعات قانونگذاری فدرال می‌شوند، مستلزم موافقت یا مشارکت نهادها و سازمان‌های مسئول قانونگذار فدرال در چهارچوب یک قانون فدرال هستند. درباره قراردادهای اداری، مطابق مقررات مربوط به امور اداری فدرال عمل می‌شود.

اصل ۵۹ الف (ملغی شده است)

V. Der Bundespräsident

Art 57

Die Befugnisse des Bundespräsidenten werden im Falle seiner Verhinderung oder bei vorzeitiger Erledigung des Amtes durch den Präsidenten des Bundesrates wahrgenommen.

Art 58

Anordnungen und Verfügungen des Bundespräsidenten bedürfen zu ihrer Gültigkeit der Gegenzeichnung durch den Bundeskanzler oder durch den zuständigen Bundesminister. Dies gilt nicht für die Ernennung und Entlassung des Bundeskanzlers, die Auflösung des Bundestages gemäß Artikel 63 und das Ersuchen gemäß Artikel 69 Abs. 3.

Art 59

(1) Der Bundespräsident vertritt den Bund völkerrechtlich. Er schließt im Namen des Bundes die Verträge mit auswärtigen Staaten. Er beglaubigt und empfängt die Gesandten.

(2) Verträge, welche die politischen Beziehungen des Bundes regeln oder sich auf Gegenstände der Bundesgesetzgebung beziehen, bedürfen der Zustimmung oder der Mitwirkung der jeweils für die Bundesgesetzgebung zuständigen Körperschaften in der Form eines Bundesgesetzes. Für Verwaltungsabkommen gelten die Vorschriften über die Bundesverwaltung entsprechend.

Art 59a (weggefallen)

اصل ۶۰

- (۱) قضات فدرال، مأمورین دولت فدرال، افسران و درجه‌داران مادون در صورتی که قانون طور دیگر معین نساخته باشد، توسط رئیس جمهوری فدرال نصب و برکنار می‌شوند.
- (۲) وی [رئیس جمهوری فدرال] به نمایندگی از دولت فدرال در موارد استثنائی از حق عفو استفاده می‌کند.
- (۳) او می‌تواند این اختیارات را به ادارات دیگر تفویض نماید.
- (۴) بند ۲ الی ۴ اصل ۴۶ حسب مورد در مورد رئیس جمهور نیز اعمال می‌شوند.

اصل ۶۱

- (۱) مجلس فدرال یا شورای فدرال می‌تواند رئیس جمهور را به موجب تخطی عمدی از قانون اساسی یا هر قانون فدرال دیگری در پیشگاه دادگاه قانون اساسی فدرال متهم سازد. درخواست اقامه دعوا باید حداقل از طرف یک چهارم اعضاء مجلس فدرال یا یک چهارم آراء شورای فدرال صورت گیرد. تأیید اقامه دعوا مستلزم آراء اکثریت دو سوم اعضای مجلس فدرال و یا دو سوم آراء شورای فدرال است. یک مأمور از طرف نهاد شکایت‌کننده نماینده شاکی در دعوا خواهد بود.
- (۲) اگر دادگاه قانون اساسی فدرال تشخیص دهد که رئیس جمهور فدرال مرتکب نقض عمدی قانون اساسی یا هر قانون فدرال دیگری شده است، می‌تواند او را از مقامش عزل نماید. دادگاه قانون اساسی فدرال می‌تواند پس از اقامه دعوا با صدور دستور موقت او را از انجام تکالیف ریاست جمهوری منع کند.

V. Der Bundespräsident

Art 60

- (1) Der Bundespräsident ernennt und entläßt die Bundesrichter, die Bundesbeamten, die Offiziere und Unteroffiziere, soweit gesetzlich nichts anderes bestimmt ist.
- (2) Er übt im Einzelfalle für den Bund das Begnadigungsrecht aus.
- (3) Er kann diese Befugnisse auf andere Behörden übertragen.
- (4) Die Absätze 2 bis 4 des Artikels 46 finden auf den Bundespräsidenten entsprechende Anwendung.

Art 61

- (1) Der Bundestag oder der Bundesrat können den Bundespräsidenten wegen vorsätzlicher Verletzung des Grundgesetzes oder eines anderen Bundesgesetzes vor dem Bundesverfassungsgericht anklagen. Der Antrag auf Erhebung der Anklage muß von mindestens einem Viertel der Mitglieder des Bundestages oder einem Viertel der Stimmen des Bundesrates gestellt werden. Der Beschluß auf Erhebung der Anklage bedarf der Mehrheit von zwei Dritteln der Mitglieder des Bundestages oder von zwei Dritteln der Stimmen des Bundesrates. Die Anklage wird von einem Beauftragten der anklagenden Körperschaft vertreten.
- (2) Stellt das Bundesverfassungsgericht fest, daß der Bundespräsident einer vorsätzlichen Verletzung des Grundgesetzes oder eines anderen Bundesgesetzes schuldig ist, so kann es ihn des Amtes für verlustig erklären. Durch einstweilige Anordnung kann es nach der Erhebung der Anklage bestimmen, daß er an der Ausübung seines Amtes verhindert ist.

فصل ششم: دولت فدرال

اصل ۶۲

دولت فدرال مرکب است از صدراعظم فدرال و وزیران فدرال.

اصل ۶۳

(۱) صدراعظم فدرال بنا بر پیشنهاد رئیس جمهوری فدرال از طرف مجلس فدرال و بدون مذاکره انتخاب می‌شود.

(۲) کسی که اکثریت آراء اعضاء مجلس فدرال را کسب نماید، انتخاب می‌شود. شخص منتخب باید از جانب رئیس جمهوری منصوب گردد.

(۳) اگر شخص پیشنهادی انتخاب نشود، مجلس فدرال می‌تواند ظرف ۱۴ روز از تاریخ اخذ رأی، با بیش از نصف اعضاء خود، صدراعظم فدرال را برگزیند.

(۴) چنانچه در این مدت هیچ نامزدی انتخاب نشود، فوراً رأی‌گیری جدید صورت گرفته و هر کسی که رأی بیشتر را کسب کند، منتخب محسوب می‌شود. چنانچه شخص منتخب آراء اکثریت اعضاء مجلس فدرال را کسب نماید، رئیس جمهور باید او را ظرف هفت روز از تاریخ انتخاب منصوب نماید و اگر شخص منتخب چنین اکثریتی را کسب نکرده باشد، رئیس جمهور باید ظرف هفت روز، یا او را منصوب و یا آنکه مجلس فدرال را منحل نماید.

اصل ۶۴

(۱) وزیران دولت فدرال از طرف رئیس جمهور بر اساس پیشنهاد صدراعظم فدرال منصوب یا برکنار می‌شوند.

VI. Die Bundesregierung

Art 62

Die Bundesregierung besteht aus dem Bundeskanzler und aus den Bundesministern.

Art 63

(1) Der Bundeskanzler wird auf Vorschlag des Bundespräsidenten vom Bundestage ohne Aussprache gewählt.

(2) Gewählt ist, wer die Stimmen der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages auf sich vereinigt. Der Gewählte ist vom Bundespräsidenten zu ernennen.

(3) Wird der Vorgeschlagene nicht gewählt, so kann der Bundestag binnen vierzehn Tagen nach dem Wahlgang mit mehr als der Hälfte seiner Mitglieder einen Bundeskanzler wählen.

(4) Kommt eine Wahl innerhalb dieser Frist nicht zustande, so findet unverzüglich ein neuer Wahlgang statt, in dem gewählt ist, wer die meisten Stimmen erhält. Vereinigt der Gewählte die Stimmen der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages auf sich, so muß der Bundespräsident ihn binnen sieben Tagen nach der Wahl ernennen. Erreicht der Gewählte diese Mehrheit nicht, so hat der Bundespräsident binnen sieben Tagen entweder ihn zu ernennen oder den Bundestag aufzulösen.

Art 64

(1) Die Bundesminister werden auf Vorschlag des Bundeskanzlers vom Bundespräsidenten ernannt und entlassen.

فصل ششم: دولت فدرال

(۲) صدراعظم فدرال و وزیران فدرال هنگام احراز مقام خود سوگندی را که در اصل ۵۶ قید شده است، در برابر مجلس فدرال یاد می‌کنند.

اصل ۶۵

صدراعظم فدرال خط مشی سیاسی را تعیین می‌کند و مسئولیت آن را به عهده دارد. هر وزیر فدرال در چهارچوب این خط مشی در حوزه کاری خود مستقلاً و با مسئولیت خود عمل می‌کند. در مورد اختلاف نظر میان وزیران فدرال، دولت فدرال تصمیم می‌گیرد. صدراعظم فدرال امور دولت فدرال را طبق آیین‌نامه‌ای که به وسیله دولت فدرال تنظیم و از طرف رئیس جمهوری فدرال تصویب شده باشد، اداره می‌کند.

اصل ۶۵ الف

- (۱) وزیر دفاع فدرال اختیار فرماندهی نیروهای مسلح و هدایت عملیات ارتش را داراست.
- (۲) ملغی شده است.

اصل ۶۶

صدراعظم فدرال و وزیران فدرال نمی‌توانند دارای سمت دیگری با دستمزد باشند، کار تجارتي، یا شغل دیگری را پیش ببرند و نیز نمی‌توانند نه در هیأت مدیره و نه - بدون موافقت مجلس فدرال - در هیأت نظارت یک شرکت انتفاعی عضویت داشته باشند.

VI. Die Bundesregierung

(2) Der Bundeskanzler und die Bundesminister leisten bei der Amtsübernahme vor dem Bundestage den in Artikel 56 vorgesehenen Eid.

Art 65

Der Bundeskanzler bestimmt die Richtlinien der Politik und trägt dafür die Verantwortung. Innerhalb dieser Richtlinien leitet jeder Bundesminister seinen Geschäftsbereich selbständig und unter eigener Verantwortung. Über Meinungsverschiedenheiten zwischen den Bundesministern entscheidet die Bundesregierung. Der Bundeskanzler leitet ihre Geschäfte nach einer von der Bundesregierung beschlossenen und vom Bundespräsidenten genehmigten Geschäftsordnung.

Art 65a

(1) Der Bundesminister für Verteidigung hat die Befehls- und Kommandogewalt über die Streitkräfte.

(2) (weggefallen)

Art 66

Der Bundeskanzler und die Bundesminister dürfen kein anderes besoldetes Amt, kein Gewerbe und keinen Beruf ausüben und weder der Leitung noch ohne Zustimmung des Bundestages dem Aufsichtsrat eines auf Erwerb gerichteten Unternehmens angehören.

اصل ۶۷

- (۱) مجلس فدرال تنها در صورتی می‌تواند عدم اعتماد خود را نسبت به صدراعظم فدرال ابراز دارد که با اکثریت اعضاء خود جانشین او را تعیین و از رئیس جمهور برکناری صدراعظم را درخواست کند. رئیس جمهور باید مطابق این تقاضا شخص منتخب را منصوب کند.
- (۲) میان تقاضا و رأی گیری باید ۴۸ ساعت فاصله باشد.

اصل ۶۸

- (۱) اگر درخواست صدراعظم فدرال برای اخذ رأی اعتماد مجلس، اکثریت آراء مجلس فدرال را به دست نیآورد، رئیس جمهوری فدرال می‌تواند بر اساس پیشنهاد صدراعظم ظرف ۲۱ روز مجلس فدرال را منحل کند. هنگامی که مجلس فدرال با اکثریت آراء صدراعظم دیگری انتخاب کند، حق منحل ساختن [رئیس جمهور] منتفی می‌شود.
- (۲) بین درخواست و اخذ رأی باید ۴۸ ساعت فاصله باشد.

اصل ۶۹

- (۱) صدر اعظم فدرال یکی از وزیران فدرال را به عنوان معاون خود تعیین می‌کند.
- (۲) دوره تصدی صدراعظم فدرال یا وزیر فدرال در هر حال با تشکیل اولین مجلس فدرال جدید پایان می‌پذیرد. دوره تصدی وزیر فدرال علاوه بر آن، با هر خاتمه دوره تصدی‌گری صدراعظم فدرال پایان می‌یابد.

VI. Die Bundesregierung

Art 67

1) Der Bundestag kann dem Bundeskanzler das Mißtrauen nur dadurch aussprechen, daß er mit der Mehrheit seiner Mitglieder einen Nachfolger wählt und den Bundespräsidenten ersucht, den Bundeskanzler zu entlassen. Der Bundespräsident muß dem Ersuchen entsprechen und den Gewählten ernennen.

(2) Zwischen dem Antrage und der Wahl müssen achtundvierzig Stunden liegen.

Art 68

(1) Findet ein Antrag des Bundeskanzlers, ihm das Vertrauen auszusprechen, nicht die Zustimmung der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages, so kann der Bundespräsident auf Vorschlag des Bundeskanzlers binnen einundzwanzig Tagen den Bundestag auflösen. Das Recht zur Auflösung erlischt, sobald der Bundestag mit der Mehrheit seiner Mitglieder einen anderen Bundeskanzler wählt.

(2) Zwischen dem Antrage und der Abstimmung müssen achtundvierzig Stunden liegen.

Art 69

(1) Der Bundeskanzler ernennt einen Bundesminister zu seinem Stellvertreter.

(2) Das Amt des Bundeskanzlers oder eines Bundesministers endet in jedem Falle mit dem Zusammentritt eines neuen Bundestages, das Amt eines Bundesministers auch mit jeder anderen Erledigung des Amtes des Bundeskanzlers.

(۳) به درخواست رئیس جمهوری فدرال، صدراعظم فدرال و یا به درخواست صدراعظم فدرال یا رئیس جمهوری فدرال، یکی از وزراء فدرال مکلف است وظائف و امور را تا تعیین جانشینش انجام دهد.

فصل هفتم: قانون‌گذاری فدرال

اصل ۷۰

(۱) حدود صلاحیت قانون‌گذاری ایالت‌ها تا جایی‌ست که مطابق این قانون اساسی در صلاحیت قانون‌گذاری دولت فدرال قرار نداشته باشد.

(۲) تفکیک صلاحیت میان فدراسیون و ایالت‌ها مطابق مقررات این قانون اساسی در مورد قانون‌گذاری انحصاری و قانون‌گذاری غیر انحصاری صورت می‌گیرد.

اصل ۷۱

در حوزه قانون‌گذاری انحصاری فدراسیون، ایالت‌ها فقط زمانی و تا حدودی حق قانون‌گذاری دارند که این صلاحیت به موجب قانون فدرال به آنها تفویض شده باشد.

اصل ۷۲

(۱) در حوزه قانون‌گذاری غیرانحصاری [صلاحیت رغبتی]، ایالت‌ها تا زمانی و تنها تا حدودی حق وضع قانون دارند که فدراسیون از اختیارات قانون‌گذاری خود توسط قانون استفاده نکرده باشد.

VI. Die Bundesregierung/ VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(3) Auf Ersuchen des Bundespräsidenten ist der Bundeskanzler, auf Ersuchen des Bundeskanzlers oder des Bundespräsidenten ein Bundesminister verpflichtet, die Geschäfte bis zur Ernennung seines Nachfolgers weiterzuführen.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

Art 70

(1) Die Länder haben das Recht der Gesetzgebung, soweit dieses Grundgesetz nicht dem Bunde Gesetzgebungsbefugnisse verleiht.

(2) Die Abgrenzung der Zuständigkeit zwischen Bund und Ländern bemißt sich nach den Vorschriften dieses Grundgesetzes über die ausschließliche und die konkurrierende Gesetzgebung.

Art 71

Im Bereiche der ausschließlichen Gesetzgebung des Bundes haben die Länder die Befugnis zur Gesetzgebung nur, wenn und soweit sie hierzu in einem Bundesgesetze ausdrücklich ermächtigt werden.

Art 72

(1) Im Bereich der konkurrierenden Gesetzgebung haben die Länder die Befugnis zur Gesetzgebung, solange und soweit der Bund von seiner Gesetzgebungszuständigkeit nicht durch Gesetz Gebrauch gemacht hat.

(۲) فدراسیون در حوزه‌های مربوط به اصل ۷۴ بند ۱ شماره ۴، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۹ الف، ۲۰، ۲۲، ۲۵ و ۲۶ تا زمانی و تنها تا جایی حق وضع قانون را دارد که فراهم ساختن شرایط زندگی متعادل در قلمرو فدرال و یا نگهداری وحدت حقوقی و اقتصادی به نفع تمام کشور، وضع چنین قانون فدرالی را ضروری سازد.

(۳) اگر فدراسیون از اختیارات قانون‌گذاری خود استفاده نموده باشد، ایالات می‌توانند در حوزه‌های ذیل به وسیله قانون و در مغایرت با قوانین فدراسیون مقرراتی را تصویب نمایند:

۱. شکار (به استثناء حق صدور پروانه شکار)؛

۲. حفظ طبیعت و مراقبت اراضی طبیعی (به استثناء اصول کلی حفاظت طبیعت، و حق حفاظت انواع جانداران و یا حفاظت طبیعت دریایی)؛

۳. تقسیم اراضی؛

۴. برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (آمایش زمین)؛

۵. آبرسانی (به استثناء مقررات مربوط به مواد یا تأسیسات)؛

۶. پذیرش به دانشگاه‌ها و اخذ گواهی دانشگاهی.

قوانین فدرال در این حوزه‌ها حداقل شش ماه پس از اعلامشان، لازم‌الاجرا می‌شوند، مگر آنکه به گونه‌ای دیگر حکم شده و به تأیید شورای فدرال رسیده باشد. در مورد نسبت میان قانون فدراسیون و ایالت ذکر شده در جمه ۱، حسب مورد قانون متأخر نافذ است.

(۴) قانون‌گذار فدرال می‌تواند، در صورتی که بر اساس بند ۲ به مقررۀ دیگری نیاز نباشد، یک قانون ایالتی را جایگزین یک مقررۀ فدرالی نماید.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(2) Auf den Gebieten des Artikels 74 Abs. 1 Nr. 4, 7, 11, 13, 15, 19a, 20, 22, 25 und 26 hat der Bund das Gesetzgebungsrecht, wenn und soweit die Herstellung gleichwertiger Lebensverhältnisse im Bundesgebiet oder die Wahrung der Rechts- oder Wirtschaftseinheit im gesamtstaatlichen Interesse eine bundesgesetzliche Regelung erforderlich macht.

(3) Hat der Bund von seiner Gesetzgebungszuständigkeit Gebrauch gemacht, können die Länder durch Gesetz hiervon abweichende Regelungen treffen über:

1. das Jagdwesen (ohne das Recht der Jagdscheine);
2. den Naturschutz und die Landschaftspflege (ohne die allgemeinen Grundsätze des Naturschutzes, das Recht des Artenschutzes oder des Meeresnaturschutzes);
3. die Bodenverteilung;
4. die Raumordnung;
5. den Wasserhaushalt (ohne stoff- oder anlagenbezogene Regelungen);
6. die Hochschulzulassung und die Hochschulabschlüsse.

Bundesgesetze auf diesen Gebieten treten frühestens sechs Monate nach ihrer Verkündung in Kraft, soweit nicht mit Zustimmung des Bundesrates anderes bestimmt ist. Auf den Gebieten des Satzes 1 geht im Verhältnis von Bundes- und Landesrecht das jeweils spätere Gesetz vor.

(4) Durch Bundesgesetz kann bestimmt werden, daß eine bundesgesetzliche Regelung, für die eine Erforderlichkeit im Sinne des Absatzes 2 nicht mehr besteht, durch Landesrecht ersetzt werden kann.

اصل ۷۳

(۱) دولت فدرال دارای صلاحیت قانون‌گذاری انحصاری دربارهٔ مسائل ذیل است:

۱. مسائل مربوط به امور خارجه و همچنین امور دفاعی، شامل حفاظت افراد غیر نظامی؛

۲. تابعیت دولت فدرال؛

۳. آزادی اقامت و سکونت، امور گذرنامه و سند هویت، ثبت محل سکونت و صدور کارت شناسایی، مهاجرت به کشور و ترک آن و استرداد متهمین؛

۴. اصول ارزی، پول، سکه، مقیاس‌ها و اوزان و همچنین تعیین ساعت رسمی؛

۵. وحدت قلمرو گمرکی و بازرگانی، قراردادهای بازرگانی و کشتیرانی و آزادی حمل و نقل کالای تجارتي و تبادل اجناس و پرداخت‌ها با خارج در کنار حفاظت مرزی و گمرکی؛

۵ الف. حفاظت میراث فرهنگی آلمان از انتقال آنها به خارج؛

۶. ترابری هوایی؛

۶ الف. حمل و نقل با خطوط راه‌آهن که تماماً یا بیشترشان در مالکیت دولت فدرال (راه آهن فدرال) قرار دارند، ساخت و ساز، تعمیر و نگهداری و بهره‌برداری از خطوط ریلی راه آهن فدرال و اخذ عوارض برای استفاده از خطوط ریلی این راه آهن؛

۷. پست و مخابرات؛

۸. مناسبات حقوقی افرادی که در خدمت دولت فدرال و یا ادارات و مؤسسات حقوق عمومی وابسته به دولت فدرال قرار دارند؛

۹. حمایت حقوقی از مالکیت صنعتی و تجاری، حقوق مؤلف و حقوق طبع و نشر؛

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

Art 73

(1) Der Bund hat die ausschließliche Gesetzgebung über: 1.

die auswärtigen Angelegenheiten sowie die Verteidigung einschließlich des Schutzes der Zivilbevölkerung;

2. die Staatsangehörigkeit im Bunde;

3. die Freizügigkeit, das Paßwesen, das Melde- und Ausweiswesen, die Ein- und Auswanderung und die Auslieferung;

4. das Währungs-, Geld- und Münzwesen, Maße und Gewichte sowie die Zeitbestimmung;

5. die Einheit des Zoll- und Handelsgebietes, die Handels- und Schiffsverträge, die Freizügigkeit des Warenverkehrs und den Waren- und Zahlungsverkehr mit dem Auslande einschließlich des Zoll- und Grenzschutzes;

5a. den Schutz deutschen Kulturgutes gegen Abwanderung ins Ausland;

6. den Luftverkehr;

6a. den Verkehr von Eisenbahnen, die ganz oder mehrheitlich im Eigentum des Bundes stehen (Eisenbahnen des Bundes), den Bau, die Unterhaltung und das Betreiben von Schienenwegen der Eisenbahnen des Bundes sowie die Erhebung von Entgelten für die Benutzung dieser Schienenwege;

7. das Postwesen und die Telekommunikation;

8. die Rechtsverhältnisse der im Dienste des Bundes und der bundesunmittelbaren Körperschaften des öffentlichen Rechtes stehenden Personen;

9. den gewerblichen Rechtsschutz, das Urheberrecht und das Verlagsrecht;

۹ الف. دفع تهدید تروریسم بین‌المللی توسط اداره پلیس جنایی فدرال در مواردی که خطر فراایالتی وجود دارد و صلاحیت اداره پلیس ایالتی قابل تشخیص نیست و یا عالی‌ترین نهاد ایالتی درخواست عهده‌داری آن را کرده باشد؛

۱۰. همکاری فدراسیون و ایالت‌ها:

الف) در بخش پلیس جنایی

ب) در حمایت از مبانی نظام آزاد و دموکراتیک، موجودیت و امنیت دولت فدرال و یا یکی از ایالات (حفظ قانون اساسی) و

پ) محافظت در برابر فعالیت‌هایی که در قلمرو فدرال با استفاده از زور یا اقدام به تهیه مقدمات برای استفاده از زور، منافع خارجی جمهوری فدرال آلمان را تهدید کنند،

و همچنین تأسیس اداره پلیس جنایی فدرال و مبارزه با جرائم بین‌المللی؛

۱۱. آمارهای مربوط به امور فدرال؛

۱۲. حقوق مربوط به سلاح‌ها و مواد منفجره؛

۱۳. پرستاری معلولین جنگ و بازماندگان قربانیان جنگ و سرپرستی از زندانیان سابق جنگ؛

۱۴. تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، ساخت و ساز و بهره‌برداری از تأسیسات لازم به‌همین منظور، محافظت در برابر خطرات ناشی از استخراج انرژی هسته‌ای و یا تشعشعات یونی، و برطرف‌سازی مواد رادیواکتیو.

(۲) قوانین مورد اشاره بند ۱ شماره ۹ الف نیاز به موافقت شورای فدرال دارند.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

9a. die Abwehr von Gefahren des internationalen Terrorismus durch das Bundeskriminalpolizeiamt in Fällen, in denen eine länderübergreifende Gefahr vorliegt, die Zuständigkeit einer Landespolizeibehörde nicht erkennbar ist oder die oberste Landesbehörde um eine Übernahme ersucht;

10. die Zusammenarbeit des Bundes und der Länder

a) in der Kriminalpolizei,

b) zum Schutze der freiheitlichen demokratischen Grundordnung, des Bestandes und der Sicherheit des Bundes oder eines Landes (Verfassungsschutz) und

c) zum Schutze gegen Bestrebungen im Bundesgebiet, die durch Anwendung von Gewalt oder darauf gerichtete Vorbereitungshandlungen auswärtige Belange der Bundesrepublik Deutschland gefährden,

sowie die Einrichtung eines Bundeskriminalpolizeiamtes und die internationale Verbrechensbekämpfung;

11. die Statistik für Bundeszwecke;

12. das Waffen- und das Sprengstoffrecht;

13. die Versorgung der Kriegsbeschädigten und Kriegshinterbliebenen und die Fürsorge für die ehemaligen Kriegsgefangenen;

14. die Erzeugung und Nutzung der Kernenergie zu friedlichen Zwecken, die Errichtung und den Betrieb von Anlagen, die diesen Zwecken dienen, den Schutz gegen Gefahren, die bei Freiwerden von Kernenergie oder durch ionisierende Strahlen entstehen, und die Beseitigung radioaktiver Stoffe.

(2) Gesetze nach Absatz 1 Nr. 9a bedürfen der Zustimmung des Bundesrates.

اصل ۷۴

(۱) صلاحیت قانون‌گذاری غیرانحصاری [صلاحیت رغابتی] شامل حوزه‌های ذیل می‌شود:

۱. حقوق مدنی، حقوق کیفری، نظام قضایی، آئین دادرسی (بدون حق بازداشت موقت)، دادگستری، محضر و دفاتر ثبت اسناد رسمی و مشاوره حقوقی؛

۲. ثبت احوال؛

۳. قانون مربوط به باشگاه‌ها (انجمن‌ها)؛

۴. حق اقامت و سکنای اتباع خارجی؛

۵. (ملغی شده است)

۶. امور پناهندگان و تبعیدشدگان؛

۷. بیمه خدمات اجتماعی (به‌استثناء قوانین مربوط به خانه سالمندان)؛

۸. (ملغی شده است)

۹. خسارات جنگی و غرامت‌های آن [دیه]؛

۱۰. مراقبت از گورستان‌های نظامی و گورستان‌های قربانیان جنگ و قربانیان حکومت استبدادی؛

۱۱. حقوق اقتصادی (معادن، صنعت، اقتصاد انرژی، صنایع دستی، پیشه‌وری، بازرگانی، بانکداری، بازار سهام و بیمه‌های خصوصی) بدون قانون راجع به ساعات تعطیلی فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، سالن‌های سرگرمی، نمایش افراد، نمایشگاه‌های بزرگ و نمایشگاه‌هایی با امکان خرید و فروش، و بازارها؛

۱۲. حقوق کار از جمله اساس‌نامه مؤسسات، حمایت از کار و کاریابی، و همچنین بیمه‌های اجتماعی شامل بیمه بیکاری؛

۱۳. مقررات راجع به تأمین هزینه‌های دوره‌های آموزشی و حمایت از تحقیقات علمی؛

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

Art 74

(1) Die konkurrierende Gesetzgebung erstreckt sich auf folgende Gebiete:

1. das bürgerliche Recht, das Strafrecht, die Gerichtsverfassung, das gerichtliche Verfahren (ohne das Recht des Untersuchungshaftvollzugs), die Rechtsanwaltschaft, das Notariat und die Rechtsberatung;
2. das Personenstandswesen;
3. das Vereinsrecht;
4. das Aufenthalts- und Niederlassungsrecht der Ausländer;
5. (weggefallen)
6. die Angelegenheiten der Flüchtlinge und Vertriebenen;
7. die öffentliche Fürsorge (ohne das Heimrecht);
8. (weggefallen)
9. die Kriegsschäden und die Wiedergutmachung;
10. die Kriegsgräber und Gräber anderer Opfer des Krieges und Opfer von Gewaltherrschaft;
11. das Recht der Wirtschaft (Bergbau, Industrie, Energiewirtschaft, Handwerk, Gewerbe, Handel, Bank- und Börsenwesen, privatrechtliches Versicherungswesen) ohne das Recht des Ladenschlusses, der Gaststätten, der Spielhallen, der Schaulust von Personen, der Messen, der Ausstellungen und der Märkte;
12. das Arbeitsrecht einschließlich der Betriebsverfassung, des Arbeitsschutzes und der Arbeitsvermittlung sowie die Sozialversicherung einschließlich der Arbeitslosenversicherung;
13. die Regelung der Ausbildungsbeihilfen und die Förderung der wissenschaftlichen Forschung;

۱۴. حق مصادره تا جایی که مشمول اصول ۷۳ و ۷۴ شود؛
۱۵. انتقال ملک و زمین، منابع طبیعی و اسباب تولید صنعتی به مالکیت عمومی و یا به هر شکل دیگر اقتصاد جمعی؛
۱۶. حفاظت در برابر سوء استفاده از قدرت اقتصادی؛
۱۷. تشویق تولیدات کشاورزی و جنگلداری (به استثناء حق تثبیت اراضی)، حفاظت تغذیه، واردات و صادرات مواد کشاورزی و جنگلی، صید ماهی در دریای آزاد و آب‌های ساحلی و نگهبانی سواحل؛
۱۸. تبادل املاک در امور شهرسازی، قوانین راجع به اراضی (به استثناء قوانین راجع به سهم بهره‌برداری) حق یارانه مسکن، حق دریافت کمک برای بدهی‌های گذشته، پیش‌پرداخت برای ساختن مسکن، حق ساختن مسکن معدنچیان و حقوق محلات مسکونی معدنچیان؛
۱۹. اقدامات بر ضد بیماری‌های خطرناک یا مسری انسانی و حیوانی، جواز ورود به مشاغل پزشکی و پیشه‌های دیگر مربوط به معالجه و درمان، همچنین حقوق داروخانه‌ها، داروها، محصولات طبی، مواد درمانی، مواد بی‌حس‌کننده و مخدر و سموم.
- ۱۹ الف. تضمین اقتصادی بیمارستان‌ها و تنظیم قوانین خدمات بیمارستانی؛
۲۰. قوانین راجع به مواد غذایی و نیز حیواناتی که برای تولید آنها لازم باشند، مواد لذت‌بخش (مواد مکیف)، لوازم زندگی و علوفه و همچنین قوانین راجع به حفاظت از حمل و نقل بذرها و محصولات کشاورزی و جنگلی، حمایت از نباتات در مقابل امراض و آفات و نیز حمایت از حیوانات؛
۲۱. کشتیرانی در آب‌های آزاد و کشتیرانی ساحلی و نشانه‌گذاری‌های دریایی، کشتیرانی در آب‌های داخلی، خدمات هواشناسی و مسیرهای دریایی و راه‌های آبی داخلی که برای رفت و آمدهای عمومی استفاده می‌شوند؛

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

14. das Recht der Enteignung, soweit sie auf den Sachgebieten der Artikel 73 und 74 in Betracht kommt;

15. die Überführung von Grund und Boden, von Naturschätzen und Produktionsmitteln in Gemeineigentum oder in andere Formen der Gemeinwirtschaft;

16. die Verhütung des Mißbrauchs wirtschaftlicher Machtstellung;

17. die Förderung der land- und forstwirtschaftlichen Erzeugung (ohne das Recht der Flurbereinigung), die Sicherung der Ernährung, die Ein- und Ausfuhr land- und forstwirtschaftlicher Erzeugnisse, die Hochsee- und Küstenfischerei und den Küstenschutz;

18. den städtebaulichen Grundstücksverkehr, das Bodenrecht (ohne das Recht der Erschließungsbeiträge) und das Wohngeldrecht, das Altschuldenhilferecht, das Wohnungsbauprämienrecht, das Bergarbeiterwohnungsbaurecht und das Bergmannssiedlungsrecht;

19. Maßnahmen gegen gemeingefährliche oder übertragbare Krankheiten bei Menschen und Tieren, Zulassung zu ärztlichen und anderen Heilberufen und zum Heilgewerbe, sowie das Recht des Apothekenwesens, der Arzneien, der Medizinprodukte, der Heilmittel, der Betäubungsmittel und der Gifte;

19a. die wirtschaftliche Sicherung der Krankenhäuser und die Regelung der Krankenhauspflegesätze;

20. das Recht der Lebensmittel einschließlich der ihrer Gewinnung dienenden Tiere, das Recht der Genussmittel, Bedarfsgegenstände und Futtermittel sowie den Schutz beim Verkehr mit land- und forstwirtschaftlichem Saat- und Pflanzgut, den Schutz der Pflanzen gegen Krankheiten und Schädlinge sowie den Tierschutz;

21. die Hochsee- und Küstenschifffahrt sowie die Seezeichen, die Binnenschifffahrt, den Wetterdienst, die Seewasserstraßen und die dem allgemeinen Verkehr dienenden Binnenwasserstraßen;

فصل هفتم: قانون‌گذاری فدرال

۲۲. ترابری جاده‌ای، وسایط نقلیه، ساختن و نگاهداری شاهراه‌ها برای فاصله‌های طولانی و همچنین اخذ و توزیع شهریه‌ها به خاطر استفاده جاده‌های عمومی توسط وسایط نقلیه؛

۲۳. راه‌های ریلی که جزء راه‌آهن فدرال نباشد، به استثناء راه‌آهن‌های کوهستانی.

۲۴. مدیریت زباله، پاکیزه نگه‌داشتن هوا، جلوگیری از آلودگی صوتی (به‌استثناء حفاظت در برابر سر و صداهای معمولی)؛

۲۵. مسئولیت مدنی دولت؛

۲۶. کمک‌های پزشکی برای تولید نسل بشر، بررسی و تغییر مصنوعی اطلاعات ژنتیکی، و همچنین قوانین پیوند اندام‌ها، بافت‌ها و سلول‌ها؛

۲۷. وضعیت حقوقی و تکالیف کارمندان رسمی ایالت‌ها، بخش‌داری‌ها و سایر نهادها و مؤسسات حقوق عمومی و همچنین قضات در ایالت‌ها به‌استثناء امور راجع به ترفیع، موجب و مزایا؛

۲۸. امور مربوط به شکار؛

۲۹. حفاظت از طبیعت، مراقبت از اراضی طبیعی؛

۳۰. تقسیم زمین؛

۳۱. آمایش سرزمین (برنامهریزی شهری)؛

۳۲. منابع آب؛

۳۳. پذیرش در مؤسسات آموزش عالی و اعطاء درجه‌های دانشگاهی.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

22. den Straßenverkehr, das Kraftfahrwesen, den Bau und die Unterhaltung von Landstraßen für den Fernverkehr sowie die Erhebung und Verteilung von Gebühren oder Entgelten für die Benutzung öffentlicher Straßen mit Fahrzeugen;
23. die Schienenbahnen, die nicht Eisenbahnen des Bundes sind, mit Ausnahme der Bergbahnen;
24. die Abfallwirtschaft, die Luftreinhaltung und die Lärmbekämpfung (ohne Schutz vor verhaltensbezogenem Lärm);
25. die Staatshaftung;
26. die medizinisch unterstützte Erzeugung menschlichen Lebens, die Untersuchung und die künstliche Veränderung von Erbinformationen sowie Regelungen zur Transplantation von Organen, Geweben und Zellen;
27. die Statusrechte und -pflichten der Beamten der Länder, Gemeinden und anderen Körperschaften des öffentlichen Rechts sowie der Richter in den Ländern mit Ausnahme der Laufbahnen, Besoldung und Versorgung;
28. das Jagdwesen;
29. den Naturschutz und die Landschaftspflege;
30. die Bodenverteilung;
31. die Raumordnung;
32. den Wasserhaushalt;
33. die Hochschulzulassung und die Hochschulabschlüsse.

(۲) قوانین مبتنی بر بند ۱ شماره ۲۵ و ۲۷ به موافقت شورای فدرال نیاز دارند.

اصل ۷۴ الف و اصل ۷۵ (ملغی شده است)

اصل ۷۶

(۱) دولت فدرال، اعضاء مجلس فدرال و یا شورای فدرال، لوایح قوانین را به مجلس فدرال تقدیم می‌کنند.

(۲) لوایح دولت فدرال ابتدا باید به شورای فدرال تقدیم شوند. شورای فدرال می‌تواند ظرف شش هفته نظر خود را در مورد این لوایح ابراز نماید. اگر شورای فدرال به دلالتی مهم، به‌خصوص به علت حجم و گستردگی لایحه‌ای، خواهان تعویق مهلت زمانی شود، در آن صورت مهلت به نه هفته تمدید می‌شود. دولت فدرال می‌تواند لایحه‌ای را که استثنائاً در زمان تحویل به شورای فدرال، فوق العاده ضروری نامیده است، بعد از سه هفته، و اگر شورای فدرال درخواستی را مطابق جمله ۳ ارائه کرده باشد، بعد از شش هفته، به مجلس فدرال تقدیم نماید، حتی اگر دولت فدرال نظر شورای فدرال را هنوز دریافت نکرده باشد؛ دولت فدرال باید نظر شورای فدرال را بلافاصله پس از دریافت آن به مجلس فدرال ارائه دهد. در مورد لوایح اصلاح این قانون اساسی و یا انتقال حق حاکمیت بر اساس اصل ۲۳ یا اصل ۲۴، مهلت اعلام نظر نه هفته خواهد بود؛ جمله ۴ قابل اعمال نیست.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(2) Gesetze nach Absatz 1 Nr. 25 und 27 bedürfen der Zustimmung des Bundesrates.

Art 74a und 75 (weggefallen)

Art 76

(1) Gesetzesvorlagen werden beim Bundestage durch die Bundesregierung, aus der Mitte des Bundestages oder durch den Bundesrat eingebracht.

(2) Vorlagen der Bundesregierung sind zunächst dem Bundesrat zuzuleiten. Der Bundesrat ist berechtigt, innerhalb von sechs Wochen zu diesen Vorlagen Stellung zu nehmen. Verlangt er aus wichtigem Grunde, insbesondere mit Rücksicht auf den Umfang einer Vorlage, eine Fristverlängerung, so beträgt die Frist neun Wochen. Die Bundesregierung kann eine Vorlage, die sie bei der Zuleitung an den Bundesrat ausnahmsweise als besonders eilbedürftig bezeichnet hat, nach drei Wochen oder, wenn der Bundesrat ein Verlangen nach Satz 3 geäußert hat, nach sechs Wochen dem Bundestag zuleiten, auch wenn die Stellungnahme des Bundesrates noch nicht bei ihr eingegangen ist; sie hat die Stellungnahme des Bundesrates unverzüglich nach Eingang dem Bundestag nachzureichen. Bei Vorlagen zur Änderung dieses Grundgesetzes und zur Übertragung von Hoheitsrechten nach Artikel 23 oder Artikel 24 beträgt die Frist zur Stellungnahme neun Wochen; Satz 4 findet keine Anwendung.

(۳) لوایح شورای فدرال باید توسط دولت فدرال ظرف شش هفته به مجلس فدرال داده شوند. دولت فدرال باید در این مدت نظر خود را ارائه نماید. اگر دولت فدرال به دلایل مهم، به خصوص با توجه به حجم یک لایحه، خواهان تعویق مهلت زمانی شود، در آن صورت این مهلت به نه هفته تمدید می‌شود. در صورتی که شورای فدرال لایحه‌ای را استثنائاً فوق‌العاده ضروری بنامد، مهلت اظهارنظر سه هفته، و یا در صورتی که دولت فدرال درخواستی مطابق جمله ۳ ارائه داده باشد، مهلت برای اظهارنظر شش هفته خواهد بود. مهلت اظهارنظر در موارد لوایح مربوط به اصلاح این قانون اساسی و یا انتقال حقوق حاکمیت بر اساس ماده ۲۳ یا ماده ۲۴، نه هفته است؛ جمله ۴ قابل اعمال نیست. مجلس فدرال باید در زمان مناسب، لوایح را مورد بحث قرار داده و تصمیمی اتخاذ نماید.

اصل ۷۷

(۱) مجلس فدرال قوانین فدرال را تصویب می‌نماید. پس از آنکه قوانین توسط رئیس مجلس فدرال تأیید شدند، باید بدون تأخیر به شورای فدرال محول شوند.

(۲) شورای فدرال می‌تواند ظرف سه هفته پس از تاریخ وصول قانون تصویب شده تقاضا کند که کمیسیونی مرکب از اعضاء مجلس فدرال و اعضاء شورای فدرال جهت بررسی مشترک لوایح، تشکیل گردد. ترکیب و ترتیب کار این کمیسیون مبتنی بر آئین‌نامه‌ای است که مجلس فدرال تصویب و شورای فدرال آن را تأیید نموده باشد. اعضاء شورای فدرال در این کمیسیون تابع هیچ دستوری نیستند. هرگاه برای تصویب قانونی، موافقت شورای فدرال ضروری باشد، در آن صورت مجلس فدرال و دولت فدرال می‌توانند تشکیل کمیسیون را تقاضا کنند. اگر کمیسیون تغییری را در لایحه تصویب شده پیشنهاد کند، مجلس فدرال باید دوباره آن را تصویب نماید.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(3) Vorlagen des Bundesrates sind dem Bundestag durch die Bundesregierung innerhalb von sechs Wochen zuzuleiten. Sie soll hierbei ihre Auffassung darlegen. Verlangt sie aus wichtigem Grunde, insbesondere mit Rücksicht auf den Umfang einer Vorlage, eine Fristverlängerung, so beträgt die Frist neun Wochen. Wenn der Bundesrat eine Vorlage ausnahmsweise als besonders eilbedürftig bezeichnet hat, beträgt die Frist drei Wochen oder, wenn die Bundesregierung ein Verlangen nach Satz 3 geäußert hat, sechs Wochen. Bei Vorlagen zur Änderung dieses Grundgesetzes und zur Übertragung von Hoheitsrechten nach Artikel 23 oder Artikel 24 beträgt die Frist neun Wochen; Satz 4 findet keine Anwendung. Der Bundestag hat über die Vorlagen in angemessener Frist zu beraten und Beschluß zu fassen.

Art 77

(1) Die Bundesgesetze werden vom Bundestage beschlossen. Sie sind nach ihrer Annahme durch den Präsidenten des Bundestages unverzüglich dem Bundesrate zuzuleiten.

(2) Der Bundesrat kann binnen drei Wochen nach Eingang des Gesetzesbeschlusses verlangen, daß ein aus Mitgliedern des Bundestages und des Bundesrates für die gemeinsame Beratung von Vorlagen gebildeter Ausschuß einberufen wird. Die Zusammensetzung und das Verfahren dieses Ausschusses regelt eine Geschäftsordnung, die vom Bundestag beschlossen wird und der Zustimmung des Bundesrates bedarf. Die in diesen Ausschuß entsandten Mitglieder des Bundesrates sind nicht an Weisungen gebunden. Ist zu einem Gesetze die Zustimmung des Bundesrates erforderlich, so können auch der Bundestag und die Bundesregierung die Einberufung verlangen. Schlägt der Ausschuß eine Änderung des Gesetzesbeschlusses vor, so hat der Bundestag erneut Beschluß zu fassen.

(۲ الف) هرگاه موافقت شورای فدرال برای تصویب قانونی ضروری باشد، و اگر تقاضایی طبق بند ۲ جمله ۱ به عمل نیامده باشد و یا اگر روند بررسی بدون ارائه پیشنهاد برای تغییر پایان یافته باشد، در آن صورت شورای فدرال باید در یک موعد مناسب، راجع به موافقت خود تصمیم‌گیری نماید.

(۳) در مواردی که موافقت شورای فدرال برای قانونی ضروری نباشد، شورای فدرال می‌تواند پس از پایان روند رسیدگی اشاره شده در بند ۲، ظرف دو هفته علیه تصمیم مجلس فدرال مبنی بر تصویب یک قانون اعتراض نماید. مهلت اعتراض در حالت جمله آخر بند ۲ از زمان تصمیم مجدد مجلس فدرال آغاز می‌شود و در موارد دیگر با دریافت گزارش رئیس کمیسیون مورد نظر در بند ۲، مبنی بر آنکه پروسه بررسی کمیسیون خاتمه یافته است.

(۴) اگر اعتراضی با اکثریت آراء شورای فدرال تصویب شده باشد، می‌تواند توسط اکثریت آراء مجلس فدرال رد شود. و اگر شورای فدرال اعتراض را با اکثریت حداقل دو سوم آراء خود تأیید کند، رد آن از طرف مجلس فدرال مستلزم اکثریت دو سوم آراء، حداقل اکثریت اعضاء مجلس فدرال است.

اصل ۷۸

قانون مصوب مجلس فدرال زمانی حاصل می‌شود که شورای فدرال آن را تأیید کند، درخواستی را طبق بند ۲ اصل ۷۷ ارائه ننماید، در موعد مندرج در اصل ۷۷ بند ۳ اعتراضی نکند و یا اگر اعتراضی داشت، از اعتراض خود صرف نظر کرده و یا اعتراض با اکثریت مجلس فدرال رد شود.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(2a) Soweit zu einem Gesetz die Zustimmung des Bundesrates erforderlich ist, hat der Bundesrat, wenn ein Verlangen nach Absatz 2 Satz 1 nicht gestellt oder das Vermittlungsverfahren ohne einen Vorschlag zur Änderung des Gesetzesbeschlusses beendet ist, in angemessener Frist über die Zustimmung Beschluß zu fassen.

(3) Soweit zu einem Gesetze die Zustimmung des Bundesrates nicht erforderlich ist, kann der Bundesrat, wenn das Verfahren nach Absatz 2 beendet ist, gegen ein vom Bundestage beschlossenes Gesetz binnen zwei Wochen Einspruch einlegen. Die Einspruchsfrist beginnt im Falle des Absatzes 2 letzter Satz mit dem Eingange des vom Bundestage erneut gefaßten Beschlusses, in allen anderen Fällen mit dem Eingange der Mitteilung des Vorsitzenden des in Absatz 2 vorgesehenen Ausschusses, daß das Verfahren vor dem Ausschusse abgeschlossen ist.

(4) Wird der Einspruch mit der Mehrheit der Stimmen des Bundesrates beschlossen, so kann er durch Beschluß der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages zurückgewiesen werden. Hat der Bundesrat den Einspruch mit einer Mehrheit von mindestens zwei Dritteln seiner Stimmen beschlossen, so bedarf die Zurückweisung durch den Bundestag einer Mehrheit von zwei Dritteln, mindestens der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages.

Art 78

Ein vom Bundestage beschlossenes Gesetz kommt zustande, wenn der Bundesrat zustimmt, den Antrag gemäß Artikel 77 Abs. 2 nicht stellt, innerhalb der Frist des Artikels 77 Abs. 3 keinen Einspruch einlegt oder ihn zurücknimmt oder wenn der Einspruch vom Bundestage überstimmt wird.

اصل ۷۹

(۱) قانون اساسی صرفاً می‌تواند توسط قانونی تغییر یابد که نص آن را تغییر داده و یا چیزی بدان بی‌افزاید. در میثاق‌های بین‌المللی که موضوع آنها استقرار صلح، فراهم ساختن زمینه‌های صلح یا لغو مقررات حقوقی یک رژیم اشغالی باشد و یا به‌منظور دفاع از جمهوری فدرال طراحی شده باشد، کافی‌ست برای بیان آنکه قانون اساسی تعارضی با امضاء یا اجرای این میثاق‌ها ندارد، توضیحی محدود به همین مضمون در متن قانون اضافه شود.

(۲) چنین قانونی مستلزم رأی مثبت دو سوم اعضاء مجلس فدرال و دو سوم آراء شورای فدرال است.

(۳) اصلاح این قانون اساسی در موارد راجع به تقسیم دولت فدرال به ایالات، اصول مشارکت ایالات در امر قانونگذاری و یا اصول اساسی مندرج در اصل ۱ و ۲۰، ممنوع است.

اصل ۸۰

(۱) به حکم قانون می‌توان به دولت فدرال یا وزیر فدرال یا دول ایالات اختیار صدور آئین‌نامه‌ها را داد. بر این اساس باید محتوی، هدف، و میزان اختیارات تفویض شده در قانون پیش‌بینی شود. این مبنای حقوقی، باید در خود آئین‌نامه قید شود. هر گاه در قانونی پیش‌بینی شود که این صلاحیت قابل انتقال است، در آن صورت برای تفویض دوباره این صلاحیت نیز [ابتدا] صدور آئین‌نامه‌ای الزامی‌ست.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

Art 79

(1) Das Grundgesetz kann nur durch ein Gesetz geändert werden, das den Wortlaut des Grundgesetzes ausdrücklich ändert oder ergänzt. Bei völkerrechtlichen Verträgen, die eine Friedensregelung, die Vorbereitung einer Friedensregelung oder den Abbau einer besatzungsrechtlichen Ordnung zum Gegenstand haben oder der Verteidigung der Bundesrepublik zu dienen bestimmt sind, genügt zur Klarstellung, daß die Bestimmungen des Grundgesetzes dem Abschluß und dem Inkraftsetzen der Verträge nicht entgegenstehen, eine Ergänzung des Wortlautes des Grundgesetzes, die sich auf diese Klarstellung beschränkt.

(2) Ein solches Gesetz bedarf der Zustimmung von zwei Dritteln der Mitglieder des Bundestages und zwei Dritteln der Stimmen des Bundesrates.

(3) Eine Änderung dieses Grundgesetzes, durch welche die Gliederung des Bundes in Länder, die grundsätzliche Mitwirkung der Länder bei der Gesetzgebung oder die in den Artikeln 1 und 20 niedergelegten Grundsätze berührt werden, ist unzulässig.

Art 80

(1) Durch Gesetz können die Bundesregierung, ein Bundesminister oder die Landesregierungen ermächtigt werden, Rechtsverordnungen zu erlassen. Dabei müssen Inhalt, Zweck und Ausmaß der erteilten Ermächtigung im Gesetze bestimmt werden. Die Rechtsgrundlage ist in der Verordnung anzugeben. Ist durch Gesetz vorgesehen, daß eine Ermächtigung weiter übertragen werden kann, so bedarf es zur Übertragung der Ermächtigung einer Rechtsverordnung.

(۲) مصوبات ذیل نیازمند موافقت شورای فدرال‌اند مگر آنکه قانون فدرال به نحو دیگری مقرر کرده باشد: مصوبات دولت فدرال یا وزیر فدرال در مورد دریافت عوارض برای استفاده از خدمات پست و مخابرات، در مورد دریافت عوارض برای استفاده از تأسیسات راه‌آهن فدرال و یا در مورد احداث و بهره‌برداری خطوط راه‌آهن و همچنین مصوبات مبتنی بر قوانین فدرالی که به موافقت شورای فدرال نیاز دارند و یا مصوباتی که ایالت‌ها به نمایندگی از فدراسیون یا به‌عنوان وظیفه داخلی خود اجرا می‌کنند.

(۳) شورای فدرال می‌تواند اسناد مقدماتی را برای صدور آئین‌نامه‌هایی که موافقت بعدی شورا برای آنها ضروری‌ست، در اختیار دولت فدرال قرار دهد.

(۴) هرگاه به‌حکم قانون فدرال یا با اتکاء بر قوانین فدرال، دول ایالات صلاحیت صدور آئین‌نامه‌ها را داشته باشند، [مجلس] ایالت‌ها نیز این صلاحیت را می‌یابند که برای تعیین مقررات قانون وضع کنند. [اصطلاحاً قانون جایگزین آئین‌نامه *verordnungsvertretendes Landesgesetz*]

اصل ۸۰ الف

(۱) در صورتی که در این قانون اساسی و یا قانونی فدرال راجع به دفاع ملی و نیز حفاظت از افراد غیر نظامی، مقرر شده باشد که مقررات حقوقی صرفاً باید مطابق با ملاکات این اصل [۸۰ الف] اجرا شوند، در آن صورت کاربرد آن غیر از حالت دفاعی، تنها زمانی مجاز است که مجلس فدرال حالت بحران را تشخیص دهد یا با کاربرد آن به‌طور خاص موافقت کند. تشخیص حالت بحران و یا موافقت ویژه در موارد اصل ۱۲ الف بند ۵ جمله ۱ و بند ۶ جمله ۲ به تأیید اکثریت دو سوم آراء نیاز دارد.

(۲) در صورت تقاضای مجلس فدرال باید اقدامات مبتنی بر مقررات حقوقی مورد اشاره در بند ۱ متوقف گردند.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(2) Der Zustimmung des Bundesrates bedürfen, vorbehaltlich anderweitiger bundesgesetzlicher Regelung, Rechtsverordnungen der Bundesregierung oder eines Bundesministers über Grundsätze und Gebühren für die Benutzung der Einrichtungen des Postwesens und der Telekommunikation, über die Grundsätze der Erhebung des Entgelts für die Benutzung der Einrichtungen der Eisenbahnen des Bundes, über den Bau und Betrieb der Eisenbahnen, sowie Rechtsverordnungen auf Grund von Bundesgesetzen, die der Zustimmung des Bundesrates bedürfen oder die von den Ländern im Auftrage des Bundes oder als eigene Angelegenheit ausgeführt werden.

(3) Der Bundesrat kann der Bundesregierung Vorlagen für den Erlaß von Rechtsverordnungen zuleiten, die seiner Zustimmung bedürfen.

(4) Soweit durch Bundesgesetz oder auf Grund von Bundesgesetzen Landesregierungen ermächtigt werden, Rechtsverordnungen zu erlassen, sind die Länder zu einer Regelung auch durch Gesetz befugt.

Art 80a

(1) Ist in diesem Grundgesetz oder in einem Bundesgesetz über die Verteidigung einschließlich des Schutzes der Zivilbevölkerung bestimmt, daß Rechtsvorschriften nur nach Maßgabe dieses Artikels angewandt werden dürfen, so ist die Anwendung außer im Verteidigungsfalle nur zulässig, wenn der Bundestag den Eintritt des Spannungsfalles festgestellt oder wenn er der Anwendung besonders zugestimmt hat. Die Feststellung des Spannungsfalles und die besondere Zustimmung in den Fällen des Artikels 12a Abs. 5 Satz 1 und Abs. 6 Satz 2 bedürfen einer Mehrheit von zwei Dritteln der abgegebenen Stimmen.

(2) Maßnahmen auf Grund von Rechtsvorschriften nach Absatz 1 sind aufzuheben, wenn der Bundestag es verlangt.

(۳) صرف نظر از بند ۱، به‌کارگیری مقررات حقوقی از این دست می‌تواند براساس و یا مطابق با معیارهای تصمیماتی نیز صورت پذیرد که توسط یک نهاد بین‌المللی، در چهارچوب معاهده‌ای که به موافقت دولت فدرال رسیده است، اتخاذ شده باشد. اقدامات مطابق با این بند را می‌توان با رأی اکثریت اعضاء مجلس فدرال لغو کرد.

اصل ۸۱

(۱) اگر در ارتباط با اصل ۶۸، مجلس فدرال منحل نشود، رئیس جمهور فدرال می‌تواند به درخواست دولت فدرال و با موافقت شورای فدرال، حالت قانونگذاری اضطراری را برای لایحه قانونی‌ای اعلام کند که دولت فدرال آن را فوری خوانده اما شورای فدرال همچنان آن را رد کند. این امر در حالتی نیز قابل اجرا است که لایحه‌ای رد شود علیرغم آنکه صدراعظم فدرال، درخواست مطابق اصل ۶۸ را به آن ضمیمه کرده باشد.

(۲) هر گاه مجلس فدرال لایحه قانون را بعد از اعلام حالت اضطراری قانونگذاری مجدداً رد کند و یا آن را به صورتی که از نظر دولت فدرال غیر قابل قبول باشد، تأیید نماید، در صورتی که شورای فدرال با آن لایحه موافقت کند، تصویب شده تلقی می‌شود. به همین ترتیب عمل خواهد شد چنانچه لایحه قانونی مجلس فدرال ظرف چهار هفته پس از پیشنهاد مجدد آن، تصویب نشود.

(۳) در دوره صدارت صدراعظم فدرال، می‌تواند هر لایحه دیگری نیز که از طرف مجلس فدرال رد شده باشد، ظرف شش ماه پس از اولین اعلام حالت اضطراری قانونگذاری، طبق بندهای ۱ و ۲ به تصویب برسد. اعلام مجدد حالت اضطراری قانونگذاری پس از انقضاء موعد مقرر، در دوره خدمت همان صدر اعظم فدرال امکان‌پذیر نیست.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes

(3) Abweichend von Absatz 1 ist die Anwendung solcher Rechtsvorschriften auch auf der Grundlage und nach Maßgabe eines Beschlusses zulässig, der von einem internationalen Organ im Rahmen eines Bündnisvertrages mit Zustimmung der Bundesregierung gefaßt wird. Maßnahmen nach diesem Absatz sind aufzuheben, wenn der Bundestag es mit der Mehrheit seiner Mitglieder verlangt.

Art 81

(1) Wird im Falle des Artikels 68 der Bundestag nicht aufgelöst, so kann der Bundespräsident auf Antrag der Bundesregierung mit Zustimmung des Bundesrates für eine Gesetzesvorlage den Gesetzgebungsnotstand erklären, wenn der Bundestag sie ablehnt, obwohl die Bundesregierung sie als dringlich bezeichnet hat. Das gleiche gilt, wenn eine Gesetzesvorlage abgelehnt worden ist, obwohl der Bundeskanzler mit ihr den Antrag des Artikels 68 verbunden hatte.

(2) Lehnt der Bundestag die Gesetzesvorlage nach Erklärung des Gesetzgebungsnotstandes erneut ab oder nimmt er sie in einer für die Bundesregierung als unannehmbar bezeichneten Fassung an, so gilt das Gesetz als zustande gekommen, soweit der Bundesrat ihm zustimmt. Das gleiche gilt, wenn die Vorlage vom Bundestage nicht innerhalb von vier Wochen nach der erneuten Einbringung verabschiedet wird.

(3) Während der Amtszeit eines Bundeskanzlers kann auch jede andere vom Bundestage abgelehnte Gesetzesvorlage innerhalb einer Frist von sechs Monaten nach der ersten Erklärung des Gesetzgebungsnotstandes gemäß Absatz 1 und 2 verabschiedet werden. Nach Ablauf der Frist ist während der Amtszeit des gleichen Bundeskanzlers eine weitere Erklärung des Gesetzgebungsnotstandes unzulässig.

(۴) قانون اساسی را نه می‌توان توسط قانونی که بر اساس بند ۲ ایجاد شده است، تغییر داد و نه کلاً و یا قسملاً لغو یا معلق نمود.

اصل ۸۲

(۱) قوانینی که بر طبق مفاد این قانون اساسی تصویب شده‌اند، بعد از امضای متقابل رئیس‌جمهور تدوین و در نشریه قانون فدرال منتشر می‌شوند. آئین‌نامه‌ها نیز توسط مقام صادرکننده آنها تدوین، و چنانچه مقررات قانونی به نحو دیگری پیش‌بینی نکرده باشند، در نشریه قانون فدرال انتشار می‌یابند.

(۲) تاریخ لازم‌الاجرا شدن هر قانون و هر آئین‌نامه‌ای باید تصریح شود، در صورت فقدان چنین صراحتی، پس از سپری شدن چهارده روز تمام از تاریخ انتشار آن در نشریه قانون فدرال، لازم‌الاجرا می‌شود.

فصل هشتم: اجرای قوانین فدرال و مدیریت فدرال

اصل ۸۳

ایالت‌ها، قوانین فدرال را همچون امور داخلی خود اجرا می‌کنند، مگر آنکه این قانون حکم دیگری را مقرر یا امر دیگری را مجاز بداند.

VII. Die Gesetzgebung des Bundes/ VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

(4) Das Grundgesetz darf durch ein Gesetz, das nach Absatz 2 zustande kommt, weder geändert, noch ganz oder teilweise außer Kraft oder außer Anwendung gesetzt werden.

Art 82

(1) Die nach den Vorschriften dieses Grundgesetzes zustande gekommenen Gesetze werden vom Bundespräsidenten nach Gegenzeichnung ausgefertigt und im Bundesgesetzblatte verkündet. Rechtsverordnungen werden von der Stelle, die sie erläßt, ausgefertigt und vorbehaltlich anderweitiger gesetzlicher Regelung im Bundesgesetzblatte verkündet.

(2) Jedes Gesetz und jede Rechtsverordnung soll den Tag des Inkrafttretens bestimmen. Fehlt eine solche Bestimmung, so treten sie mit dem vierzehnten Tage nach Ablauf des Tages in Kraft, an dem das Bundesgesetzblatt ausgegeben worden ist.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

Art 83

Die Länder führen die Bundesgesetze als eigene Angelegenheit aus, soweit dieses Grundgesetz nichts anderes bestimmt oder zuläßt.

اصل ۸۴

(۱) تا زمانی که ایالت‌ها قوانین فدرال را به‌مثابه امور داخلی خود اجرا می‌کنند، خود نیز تشکیلات ادارات و رویه اداری را [در آن حیطه] تنظیم می‌نمایند. اگر قوانین فدرال طور دیگری مقرر کرده باشند، در آن صورت ایالت‌ها می‌توانند مقرراتی متفاوت از آن صادر نمایند. اگر ایالتی مقررات متفاوتی را بر اساس جمله ۲ تصویب نماید، و سپس مقررات حقوقی فدرال راجع به تشکیلات ادارات و رویه اداری ایالت‌ها صادر شود، این مقررات حقوقی حداقل شش ماه پس از اعلام‌شان، لازم‌الاجرا می‌شوند، آن‌هم در صورتی‌که شورای فدرال به گونه دیگری تصمیم نگرفته باشد. اصل ۷۲ بند ۳ جمله ۳ اینجا قابل اعمال است. دولت فدرال می‌تواند در موارد استثنائی، به دلیل نیازی ویژه به قوانین یکسان در سطح فدرال، رویه اداری را برای تمامی ایالت‌ها، بدون اختیار عدول، تنظیم نماید. این قوانین به موافقت شورای فدرال نیاز دارند. نمی‌توان به وسیله قانون فدرال وظائف را به بخش‌داری‌ها و اتحادیه‌های بخش‌داری منتقل ساخت.

(۲) دولت فدرال می‌تواند با موافقت شورای فدرال مقررات سراسری اداری وضع نماید.

(۳) دولت فدرال بر اجراء قانون‌مند قوانین فدرال از طرف ایالت‌ها نظارت می‌کند. دولت فدرال می‌تواند کارگزاری را بدین منظور به عالی‌ترین اداره ایالت بفرستد؛ با موافقت این ادارات و هرگاه این موافقت صورت نگیرد، با تأیید شورای فدرال، می‌توان کارگزارانی را به ادارات پائین‌دست نیز فرستاد.

(۴) هر گاه نواقصی که دولت فدرال حین بررسی اجراء قوانین فدرال در ایالت‌ها مشاهده کرده است، بر طرف نشوند، در آن صورت شورای فدرال بنا به درخواست دولت فدرال یا به درخواست دولت ایالات، راجع به نقض قانون توسط ایالت تصمیم می‌گیرد. علیه تصمیم شورای فدرال می‌توان به دادگاه قانون اساسی فدرال شکایت کرد.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

Art 84

(1) Führen die Länder die Bundesgesetze als eigene Angelegenheit aus, so regeln sie die Einrichtung der Behörden und das Verwaltungsverfahren. Wenn Bundesgesetze etwas anderes bestimmen, können die Länder davon abweichende Regelungen treffen. Hat ein Land eine abweichende Regelung nach Satz 2 getroffen, treten in diesem Land hierauf bezogene spätere bundesgesetzliche Regelungen der Einrichtung der Behörden und des Verwaltungsverfahrens frühestens sechs Monate nach ihrer Verkündung in Kraft, soweit nicht mit Zustimmung des Bundesrates anderes bestimmt ist. Artikel 72 Abs. 3 Satz 3 gilt entsprechend. In Ausnahmefällen kann der Bund wegen eines besonderen Bedürfnisses nach bundeseinheitlicher Regelung das Verwaltungsverfahren ohne Abweichungsmöglichkeit für die Länder regeln. Diese Gesetze bedürfen der Zustimmung des Bundesrates. Durch Bundesgesetz dürfen Gemeinden und Gemeindeverbänden Aufgaben nicht übertragen werden.

(2) Die Bundesregierung kann mit Zustimmung des Bundesrates allgemeine Verwaltungsvorschriften erlassen.

(3) Die Bundesregierung übt die Aufsicht darüber aus, daß die Länder die Bundesgesetze dem geltenden Rechte gemäß ausführen. Die Bundesregierung kann zu diesem Zwecke Beauftragte zu den obersten Landesbehörden entsenden, mit deren Zustimmung und, falls diese Zustimmung versagt wird, mit Zustimmung des Bundesrates auch zu den nachgeordneten Behörden.

(4) Werden Mängel, die die Bundesregierung bei der Ausführung der Bundesgesetze in den Ländern festgestellt hat, nicht beseitigt, so beschließt auf Antrag der Bundesregierung oder des Landes der Bundesrat, ob das Land das Recht verletzt hat. Gegen den Beschluß des Bundesrates kann das Bundesverfassungsgericht angerufen werden.

(۵) به حکم قانون فدرالی که نیازمند تأیید شورای فدرال است، می‌توان در موارد خاصی به دولت فدرال برای اجرای قوانین فدرال صلاحیت صدور فرامین انفرادی اعطا کرد. این فرامین باید خطاب به عالی‌ترین مقامات ایالت صادر شوند، به استثناء مواردی که دولت آنها را عاجل و ضروری می‌داند.

اصل ۸۵

(۱) هنگامی که ایالت‌ها قوانین فدرال را به نمایندگی از دولت فدرال اجرا می‌کنند، تشکیل ادارات لازم، در صورتی که قوانین فدرال با موافقت شورای فدرال تصمیم دیگری نگرفته باشند، به ایالات مربوط می‌شود. نمی‌توان توسط قانون فدرال، وظائف را به بخش‌ها و اتحادیه‌های بخش‌ها منتقل نمود.

(۲) دولت فدرال می‌تواند با موافقت شورای فدرال مقررات عمومی اداری صادر کند. دولت می‌تواند آموزش یکسان کارمندان رسمی دولت و مأموران را تنظیم نماید. رؤسای ادارات میانه باید با موافقت دولت فدرال منصوب شوند.

(۳) ادارات ایالتی تابع دستورهای ادارات عالی ذی‌صلاح فدرال هستند. این دستورها به استثناء مواقعی که از نظر دولت فوری تلقی می‌شود، باید خطاب به عالی‌ترین اداره ایالت صادر شوند. اجرای دستورها باید توسط عالی‌ترین ادارات ایالت صورت گیرد.

(۴) نظارت دولت فدرال شامل نظارت بر قانونی بودن و متناسب بودن اجراء دستورهاست. دولت فدرال می‌تواند برای انجام این منظور گزارش‌ها و مدارک پرونده‌ها را تقاضا کند و نماینده‌ای را به تمام ادارات ارسال نماید.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

(5) Der Bundesregierung kann durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, zur Ausführung von Bundesgesetzen die Befugnis verliehen werden, für besondere Fälle Einzelweisungen zu erteilen. Sie sind, außer wenn die Bundesregierung den Fall für dringlich erachtet, an die obersten Landesbehörden zu richten.

Art 85

(1) Führen die Länder die Bundesgesetze im Auftrage des Bundes aus, so bleibt die Einrichtung der Behörden Angelegenheit der Länder, soweit nicht Bundesgesetze mit Zustimmung des Bundesrates etwas anderes bestimmen. Durch Bundesgesetz dürfen Gemeinden und Gemeindeverbänden Aufgaben nicht übertragen werden.

(2) Die Bundesregierung kann mit Zustimmung des Bundesrates allgemeine Verwaltungsvorschriften erlassen. Sie kann die einheitliche Ausbildung der Beamten und Angestellten regeln. Die Leiter der Mittelbehörden sind mit ihrem Einvernehmen zu bestellen.

(3) Die Landesbehörden unterstehen den Weisungen der zuständigen obersten Bundesbehörden. Die Weisungen sind, außer wenn die Bundesregierung es für dringlich erachtet, an die obersten Landesbehörden zu richten. Der Vollzug der Weisung ist durch die obersten Landesbehörden sicherzustellen.

(4) Die Bundesaufsicht erstreckt sich auf Gesetzmäßigkeit und Zweckmäßigkeit der Ausführung. Die Bundesregierung kann zu diesem Zwecke Bericht und Vorlage der Akten verlangen und Beauftragte zu allen Behörden entsenden.

اصل ۸۶

چنانچه دولت فدرال قوانین را به وسیلهٔ ادارات دولتی خود یا توسط نهادهایی که بلاواسطه وابسته به دولت فدرال هستند و یا توسط مؤسسات حقوق عمومی اجراء می‌کند، در آن صورت دولت فدرال تا حدودی که قانون امر خاصی را مقرر نکرده باشد، مقررات کلی اداری صادر می‌کند. دولت [در همین راستا] به ایجاد ادارات، تا جایی که قانون به نحو دیگری پیش‌بینی نکرده باشد، مبادرت می‌ورزد.

اصل ۸۷

(۱) خدمات دیپلماتیک (برون مرزی)، ادارهٔ مالی فدرال و مطابق با معیارهای اصل ۸۹، ادارهٔ راه‌های آبی و کشتیرانی فدرال بر عهدهٔ دستگاه اداری دولت فدرال بوده و هر کدام دارای بخش اداری مستقلی هستند. می‌توان به‌محکم قانون فدرال ادارات مرزبانی فدرال ایجاد کرد، و یا اداراتی مرکزی برای ارتباطات و اطلاعات پلیس، برای پلیس جنایی و نیز اداراتی به‌منظور گردآوری اسناد با هدف حفاظت از قانون اساسی و حفاظت در برابر فعالیت‌های داخل قلمرو فدرال که از طریق کاربرد خشونت و یا آمادگی‌ها برای عملکرد خشونت‌بار، منافع خارجی جمهوری فدرال آلمان را مورد تهدید قرار می‌دهند.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

Art 86

Führt der Bund die Gesetze durch bundeseigene Verwaltung oder durch bundesunmittelbare Körperschaften oder Anstalten des öffentlichen Rechtes aus, so erläßt die Bundesregierung, soweit nicht das Gesetz Besonderes vorschreibt, die allgemeinen Verwaltungsvorschriften. Sie regelt, soweit das Gesetz nichts anderes bestimmt, die Einrichtung der Behörden.

Art 87

(1) In bundeseigener Verwaltung mit eigenem Verwaltungsunterbau werden geführt der Auswärtige Dienst, die Bundesfinanzverwaltung und nach Maßgabe des Artikels 89 die Verwaltung der Bundeswasserstraßen und der Schifffahrt. Durch Bundesgesetz können Bundesgrenzschutzbehörden, Zentralstellen für das polizeiliche Auskunfts- und Nachrichtenwesen, für die Kriminalpolizei und zur Sammlung von Unterlagen für Zwecke des Verfassungsschutzes und des Schutzes gegen Bestrebungen im Bundesgebiet, die durch Anwendung von Gewalt oder darauf gerichtete Vorbereitungshandlungen auswärtige Belange der Bundesrepublik Deutschland gefährden, eingerichtet werden.

(۲) مؤسسات بیمه اجتماعی که حدود صلاحیتشان از قلمرو یک ایالت فراتر رود، به مثابه مؤسسات حقوق عمومی وابسته به دولت فدرال تلقی می‌شوند. مؤسسات بیمه اجتماعی که حدود صلاحیت آنها فراتر از یک ایالت ولی نه بیشتر از سه ایالت باشد، چنانچه ایالت‌های شرکت کننده، ایالت ناظر را تعیین نموده باشند، برخلاف جمله ۱، به مثابه مؤسسات حقوق عمومی وابسته با ایالات تلقی می‌گردند.

(۳) علاوه بر آن می‌توان توسط قانون فدرال برای مسائلی که دولت فدرال راجع به آنها صلاحیت وضع قانون دارد، ادارات مستقل فدرال و نیز مؤسسات و شرکت‌های جدیدی را که بلاواسطه به دولت فدرال وابسته هستند، ایجاد کرد. هرگاه در حیطه صلاحیت قانون گذاری دولت فدرال، وظائف تازه‌ای پیش‌آید، می‌توان به اقتضاء ضرورت و فوریت، ادارات فدرال میانه و یا مادون را با موافقت شورای فدرال و اکثریت آراء اعضاء مجلس فدرال ایجاد کرد.

اصل ۸۷ الف

(۱) دولت فدرال، ارتش را برای دفاع ملی بسیج می‌کند. تعداد نیروها و ویژگی سازماندهی آن باید در برنامه بودجه تعیین شود.

(۲) غیر از مواقع دفاع، ارتش صرفاً زمانی می‌توان به‌کار گرفته شود که توسط این قانون اساسی صریحاً مجاز دانسته شده باشد.

(۳) ارتش در حالات دفاعی و حالات بحران، صلاحیت دارد که از تأسیسات غیر نظامی محافظت کرده و وظیفه کنترل ترافیک را، تا حدودی که این اقدامات مربوط به مأموریت دفاعی‌اش می‌شود، به عهده بگیرد. علاوه بر این، در حالات دفاعی و حالات بحران، می‌توان در راستای حمایت از اقدامات پلیس، محافظت تأسیسات غیرنظامی را به ارتش واگذار کرد؛ ارتش در این حالت با مقامات ذی‌صلاح تشریک مساعی می‌کند.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

(2) Als bundesunmittelbare Körperschaften des öffentlichen Rechtes werden diejenigen sozialen Versicherungsträger geführt, deren Zuständigkeitsbereich sich über das Gebiet eines Landes hinaus erstreckt. Soziale Versicherungsträger, deren Zuständigkeitsbereich sich über das Gebiet eines Landes, aber nicht über mehr als drei Länder hinaus erstreckt, werden abweichend von Satz 1 als landesunmittelbare Körperschaften des öffentlichen Rechtes geführt, wenn das aufsichtsführende Land durch die beteiligten Länder bestimmt ist.

(3) Außerdem können für Angelegenheiten, für die dem Bunde die Gesetzgebung zusteht, selbständige Bundesoberbehörden und neue bundesunmittelbare Körperschaften und Anstalten des öffentlichen Rechtes durch Bundesgesetz errichtet werden. Erwachsen dem Bunde auf Gebieten, für die ihm die Gesetzgebung zusteht, neue Aufgaben, so können bei dringendem Bedarf bundeseigene Mittel- und Unterbehörden mit Zustimmung des Bundesrates und der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages errichtet werden.

Art 87a

(1) Der Bund stellt Streitkräfte zur Verteidigung auf. Ihre zahlenmäßige Stärke und die Grundzüge ihrer Organisation müssen sich aus dem Haushaltsplan ergeben.

(2) Außer zur Verteidigung dürfen die Streitkräfte nur eingesetzt werden, soweit dieses Grundgesetz es ausdrücklich zuläßt.

(3) Die Streitkräfte haben im Verteidigungsfalle und im Spannungsfalle die Befugnis, zivile Objekte zu schützen und Aufgaben der Verkehrsregelung wahrzunehmen, soweit dies zur Erfüllung ihres Verteidigungsauftrages erforderlich ist. Außerdem kann den Streitkräften im Verteidigungsfalle und im Spannungsfalle der Schutz ziviler Objekte auch zur Unterstützung polizeilicher Maßnahmen übertragen werden; die Streitkräfte wirken dabei mit den zuständigen Behörden zusammen.

(۴) برای دفاع از خطری که موجودیت یا نظام بنیادین آزاد و دموکراتیک حکومت فدرال یا یکی از ایالات را تهدید کند، دولت فدرال می‌تواند در صورت فراهم بودن شرایط اصل ۹۱ بند ۲ و کافی نبودن نیروهای پلیس و مرزبانی فدرال، از نیروهای ارتش برای حمایت از پلیس و مرزبانی فدرال در حفاظت از تأسیسات غیر نظامی و مبارزه با شورشیان نظامی مسلح سازمان یافته، استفاده کند. اگر مجلس فدرال و یا شورای فدرال تقاضا کنند، باید فعالیت نیروهای ارتش متوقف شود.

اصل ۸۷ ب

(۱) دستگاه اداری ارتش فدرال در چهارچوب ادارات فدرال با زیرساخت اداری مختص به خود اداره می‌شود. این اداره به فعالیت‌های بخش کارمندان [کارگزینی] و فراهم کردن فوری مواد مورد نیاز نیروی‌های رزمی رسیدگی می‌نماید. وظیفه رسیدگی به آسیب‌دیدگان و امور ساختمانی را تنها می‌توان به‌محکم قانون فدرالی که به تأیید شورای فدرال رسیده باشد، به دستگاه اداری ارتش فدرال محول کرد. علاوه بر آن، هر قانون دیگری نیز که به دستگاه اداری ارتش فدرال اختیار دخالت در حقوق شخص ثالث را بدهد، به موافقت شورای فدرال نیاز دارد؛ این امر شامل قوانین مربوط امور استخدامی کارمندان [کارگزینی] نمی‌شود.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

(4) Zur Abwehr einer drohenden Gefahr für den Bestand oder die freiheitliche demokratische Grundordnung des Bundes oder eines Landes kann die Bundesregierung, wenn die Voraussetzungen des Artikels 91 Abs. 2 vorliegen und die Polizeikräfte sowie der Bundesgrenzschutz nicht ausreichen, Streitkräfte zur Unterstützung der Polizei und des Bundesgrenzschutzes beim Schutze von zivilen Objekten und bei der Bekämpfung organisierter und militärisch bewaffneter Aufständischer einsetzen. Der Einsatz von Streitkräften ist einzustellen, wenn der Bundestag oder der Bundesrat es verlangen.

Art 87b

(1) Die Bundeswehrverwaltung wird in bundeseigener Verwaltung mit eigenem Verwaltungsunterbau geführt. Sie dient den Aufgaben des Personalwesens und der unmittelbaren Deckung des Sachbedarfs der Streitkräfte. Aufgaben der Beschädigtenversorgung und des Bauwesens können der Bundeswehrverwaltung nur durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, übertragen werden. Der Zustimmung des Bundesrates bedürfen ferner Gesetze, soweit sie die Bundeswehrverwaltung zu Eingriffen in Rechte Dritter ermächtigen; das gilt nicht für Gesetze auf dem Gebiete des Personalwesens.

(۲) علاوه بر آن، قوانین فدرال مربوط به امور دفاع ملی که شامل سربازگیری و حفاظت از جمعیت غیر نظامی نیز می‌شوند، می‌توانند با موافقت شورای فدرال مقرر دارند که این امور کلاً یا جزئاً توسط خود دستگاه اداری فدرال با زیرساخت اداری مختص به خود یا توسط ایالت‌ها به نمایندگی از دولت فدرال انجام گیرد. چنانچه این قوانین توسط ایالت‌ها با درخواست دولت فدرال اجرا شوند، می‌توانند با موافقت شورای فدرال مقرر دارند که اختیاراتی که طبق اصل ۸۵ به دولت فدرال و یا به عالی‌ترین مقام ذی‌صلاح فدرال اعطاء شده‌اند، کلاً یا قسماً به مقامات عالی دیگر فدرال واگذار شوند؛ در ضمن، می‌توان مشخص ساخت که این مقامات برای صدور مقررات کلی اداری احتیاجی به موافقت شورای فدرال، آن‌گونه که در اصل ۸۵ بند ۲ جمله اول اشاره شده است، ندارند.

اصل ۸۷ پ

قوانینی که بر اساس اصل ۷۴ بند ۱ شماره ۱۴ وضع شده‌اند، می‌توانند مقرر دارند که با تقاضای فدراسیون و موافقت شورای فدرال، توسط ایالت‌ها اجرا شوند.

اصل ۸۷ ت

- (۱) مدیریت ترابری خطوط هوایی توسط دستگاه اداری دولت فدرال صورت می‌گیرد. وظائف امنیت پرواز را می‌توانند سازمان‌های امنیت هوایی خارجی نیز عهده‌دار شوند در صورتی که اجازه آن مطابق قوانین اتحادیه اروپا صادر شده باشد. تفصیل آن را قانون فدرال تنظیم می‌کند.
- (۲) توسط قانون فدرالی که نیاز به موافقت شورای فدرال دارد، می‌توان وظائف مدیریت ترابری هوایی را به عنوان مأموریت اداری، به ایالت‌ها واگذار نمود.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

(2) Im übrigen können Bundesgesetze, die der Verteidigung einschließlich des Wehersatzwesens und des Schutzes der Zivilbevölkerung dienen, mit Zustimmung des Bundesrates bestimmen, daß sie ganz oder teilweise in bundeseigener Verwaltung mit eigenem Verwaltungsunterbau oder von den Ländern im Auftrage des Bundes ausgeführt werden. Werden solche Gesetze von den Ländern im Auftrage des Bundes ausgeführt, so können sie mit Zustimmung des Bundesrates bestimmen, daß die der Bundesregierung und den zuständigen obersten Bundesbehörden auf Grund des Artikels 85 zustehenden Befugnisse ganz oder teilweise Bundesoberbehörden übertragen werden; dabei kann bestimmt werden, daß diese Behörden beim Erlass allgemeiner Verwaltungsvorschriften gemäß Artikel 85 Abs. 2 Satz 1 nicht der Zustimmung des Bundesrates bedürfen.

Art 87c

Gesetze, die auf Grund des Artikels 73 Abs. 1 Nr. 14 ergehen, können mit Zustimmung des Bundesrates bestimmen, daß sie von den Ländern im Auftrage des Bundes ausgeführt werden.

Art 87d

(1) Die Luftverkehrsverwaltung wird in Bundesverwaltung geführt. Aufgaben der Flugsicherung können auch durch ausländische Flugsicherungsorganisationen wahrgenommen werden, die nach Recht der Europäischen Gemeinschaft zugelassen sind. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

(2) Durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, können Aufgaben der Luftverkehrsverwaltung den Ländern als Auftragsverwaltung übertragen werden.

اصل ۸۷ ث

(۱) امور اداری ترابری راه‌آهن دولت فدرال، در ادارات فدرال مختص به خود انجام می‌شود. مسئولیت اداره ترابری راه‌آهن را می‌توان توسط قانون فدرال به ایالت‌ها به عنوان وظائف داخلی آنها واگذار کرد.

(۲) فدراسیون وظائف اداره ترابری راه‌آهن را که فراتر از حوزه راه‌آهن فدرال بوده و توسط قانون فدرال به وی واگذار شده است، به عهده می‌گیرد.

(۳) راه‌آهن فدرال به عنوان شرکت تجاری و طبق مقررات حقوق خصوصی اداره می‌شود. تا جایی که فعالیت‌های این شرکت تجاری مربوط به احداث، نگهداری و بهره‌برداری از خطوط ریلی شود، مالک این خطوط فدراسیون خواهد بود. فروش سهام فدراسیون به شرکت‌های موضوع جمله ۲ بر اساس قانون تعیین می‌شود؛ اکثریت سهام این شرکت نزد دولت فدرال باقی می‌ماند. تفصیل آن را قانون فدرال معین می‌کند.

(۴) فدراسیون تضمین می‌کند که منافع عمومی، به ویژه نیازهای حمل و نقل را، در جریان توسعه و نگهداری شبکه خطوط ریلی راه‌آهن فدرال و ارائه خدمات حمل و نقل در این شبکه، تا جایی که به انتقال مسافری در شبکه فاصله‌های نزدیک (شبکه‌های داخلی شهری) مربوط نمی‌شود، در نظر بگیرد. تفصیل آن را قانون فدرال معین می‌کند.

(۵) قوانین مذکور در بندهای ۱ الی ۴ به تأیید شورای فدرال نیاز دارند. علاوه بر این، موافقت شورای فدرال برای وضع قوانینی که انحلال، ادغام و تقسیم شرکت‌های راه‌آهن فدرال، انتقال خطوط ریلی راه‌آهن فدرال به اشخاص ثالث و یا تعطیلی خطوط راه‌آهن فدرال را مقرر می‌کنند و یا تأثیری بر خطوط راه‌آهن مسافری مسافت‌های نزدیک دارند، ضروری است.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

Art 87e

(1) Die Eisenbahnverkehrsverwaltung für Eisenbahnen des Bundes wird in bundeseigener Verwaltung geführt. Durch Bundesgesetz können Aufgaben der Eisenbahnverkehrsverwaltung den Ländern als eigene Angelegenheit übertragen werden.

(2) Der Bund nimmt die über den Bereich der Eisenbahnen des Bundes hinausgehenden Aufgaben der Eisenbahnverkehrsverwaltung wahr, die ihm durch Bundesgesetz übertragen werden.

(3) Eisenbahnen des Bundes werden als Wirtschaftsunternehmen in privat-rechtlicher Form geführt. Diese stehen im Eigentum des Bundes, soweit die Tätigkeit des Wirtschaftsunternehmens den Bau, die Unterhaltung und das Betreiben von Schienenwegen umfaßt. Die Veräußerung von Anteilen des Bundes an den Unternehmen nach Satz 2 erfolgt auf Grund eines Gesetzes; die Mehrheit der Anteile an diesen Unternehmen verbleibt beim Bund. Das Nähere wird durch Bundesgesetz geregelt.

(4) Der Bund gewährleistet, daß dem Wohl der Allgemeinheit, insbesondere den Verkehrsbedürfnissen, beim Ausbau und Erhalt des Schienennetzes der Eisenbahnen des Bundes sowie bei deren Verkehrsangeboten auf diesem Schienennetz, soweit diese nicht den Schienenpersonennahverkehr betreffen, Rechnung getragen wird. Das Nähere wird durch Bundesgesetz geregelt.

(5) Gesetze auf Grund der Absätze 1 bis 4 bedürfen der Zustimmung des Bundesrates. Der Zustimmung des Bundesrates bedürfen ferner Gesetze, die die Auflösung, die Verschmelzung und die Aufspaltung von Eisenbahnunternehmen des Bundes, die Übertragung von Schienenwegen der Eisenbahnen des Bundes an Dritte sowie die Stilllegung von Schienenwegen der Eisenbahnen des Bundes regeln oder Auswirkungen auf den Schienenpersonennahverkehr haben.

اصل ۸۷ ج

(۱) دولت فدرال بر اساس مفاد قانون فدرالی که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد، خدمات سراسری مناسب و کافی را در زمینه‌های پستی و ارتباطات مخابراتی تضمین می‌کند.

(۲) خدمات مورد اشاره در بند ۱، به عنوان فعالیت‌های اقتصادی حقوق خصوصی، توسط شرکت‌های ایجاد شده از صندوق مالی ویژه متعلق به اداره پست آلمان و دیگر عرضه‌کنندگان خصوصی تأمین می‌شوند. وظائف حاکمیت در زمینه خدمات پستی و ارتباطات مخابراتی توسط مقامات و ادارات فدرال اجرا می‌شود.

(۳) با حفظ بند ۲ جمله ۲، فدراسیون در چهارچوب حقوقی یک شخصیت حقوق عمومی دولتی فدرال، برخی وظائفی را که مربوط به شرکت‌های ایجاد شده از صندوق مالی ویژه متعلق به پست فدرالی آلمان هستند، مطابق قانون فدرال به عهده می‌گیرد.

اصل ۸۸

فدراسیون یک بانک ارز و صادرکننده پول [اسکناس] را به عنوان بانک فدرال ایجاد می‌کند. وظائف و اختیارات آن را می‌توان در چهارچوب اتحادیه اروپا به بانک مرکزی اروپا تفویض کرد که مستقل بوده و برای حفظ هدف اصلی ثبات قیمت‌ها متعهد است.

اصل ۸۹

(۱) فدراسیون مالک راه‌های آبی‌ای است که از زمان حکومت سابق "رایش" آلمان تا کنون موجود است.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

Art 87f

(1) Nach Maßgabe eines Bundesgesetzes, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, gewährleistet der Bund im Bereich des Postwesens und der Telekommunikation flächendeckend angemessene und ausreichende Dienstleistungen.

(2) Dienstleistungen im Sinne des Absatzes 1 werden als privatwirtschaftliche Tätigkeiten durch die aus dem Sondervermögen Deutsche Bundespost hervorgegangenen Unternehmen und durch andere private Anbieter erbracht. Hoheitsaufgaben im Bereich des Postwesens und der Telekommunikation werden in bundeseigener Verwaltung ausgeführt.

(3) Unbeschadet des Absatzes 2 Satz 2 führt der Bund in der Rechtsform einer bundesunmittelbaren Anstalt des öffentlichen Rechts einzelne Aufgaben in bezug auf die aus dem Sondervermögen Deutsche Bundespost hervorgegangenen Unternehmen nach Maßgabe eines Bundesgesetzes aus.

Art 88

Der Bund errichtet eine Währungs- und Notenbank als Bundesbank. Ihre Aufgaben und Befugnisse können im Rahmen der Europäischen Union der Europäischen Zentralbank übertragen werden, die unabhängig ist und dem vorrangigen Ziel der Sicherung der Preisstabilität verpflichtet.

Art 89

(1) Der Bund ist Eigentümer der bisherigen Reichswasserstraßen.

(۲) فدراسیون راه‌های آبی فدرال را به وسیله نهادهای خود اداره می‌کند. فدراسیون در حیطه کشتیرانی داخلی و کشتیرانی دریایی، وظائف دولتی‌ای را که فراتر از حدود یک ایالت بوده و توسط قانون به وی واگذار شده است، اجرا می‌کند. فدراسیون می‌تواند اداره راه‌های آبی فدرال را تا جایی که در قلمرو داخلی یک ایالت واقع است، در صورت تقاضا، به این ایالت به عنوان نماینده اجرایی خود، واگذار کند. هر گاه راه آبی از سرزمین چند ایالت بگذرد، فدراسیون می‌تواند ایالتی را که ایالات دیگر درخواست نموده‌اند، مأمور انجام وظائف بسازد.

(۳) در مورد اداره، گسترش و احداث راه‌های آبی جدید، باید نیازهای کشاورزی و آبرسانی با توافق ایالت‌ها مد نظر قرار گیرند.

اصل ۹۰

(۱) فدراسیون مالک بزرگراه‌ها و جاده‌های حکومت سابق «رایش» آلمان است.

(۲) ایالت‌ها و یا مؤسسات عمومی مستقل که بر اساس قانون ایالات صلاحیت یافته باشند، از طرف فدراسیون مأموریت اداره امور بزرگراه‌های فدرال و جاده‌های دیگر بین‌شهری فدرال را عهده‌دار می‌شوند.

(۳) بنا بر درخواست یک ایالت، فدراسیون می‌تواند، بزرگراه‌های فدرال و جاده‌های دیگر بین شهری فدرال را که در داخل آن ایالت قرار دارند، خود مستقیماً اداره کند.

اصل ۹۱

(۱) برای دفع تهدید خطری که متوجه موجودیت فدراسیون یا مبانی نظم آزاد دموکراتیک دولت فدرال یا یک ایالت باشد، هر ایالتی می‌تواند از نیروهای پلیس ایالت‌های دیگر و همچنین از نیروها و تجهیزات اداری سایر نهادها و مرزبانی فدرال درخواست کمک نماید.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung

(2) Der Bund verwaltet die Bundeswasserstraßen durch eigene Behörden. Er nimmt die über den Bereich eines Landes hinausgehenden staatlichen Aufgaben der Binnenschifffahrt und die Aufgaben der Seeschifffahrt wahr, die ihm durch Gesetz übertragen werden. Er kann die Verwaltung von Bundeswasserstraßen, soweit sie im Gebiete eines Landes liegen, diesem Lande auf Antrag als Auftragsverwaltung übertragen. Berührt eine Wasserstraße das Gebiet mehrerer Länder, so kann der Bund das Land beauftragen, für das die beteiligten Länder es beantragen.

(3) Bei der Verwaltung, dem Ausbau und dem Neubau von Wasserstraßen sind die Bedürfnisse der Landeskultur und der Wasserwirtschaft im Einvernehmen mit den Ländern zu wahren.

Art 90

(1) Der Bund ist Eigentümer der bisherigen Reichsautobahnen und Reichsstraßen.

(2) Die Länder oder die nach Landesrecht zuständigen Selbstverwaltungskörperschaften verwalten die Bundesautobahnen und sonstigen Bundesstraßen des Fernverkehrs im Auftrage des Bundes.

(3) Auf Antrag eines Landes kann der Bund Bundesautobahnen und sonstige Bundesstraßen des Fernverkehrs, soweit sie im Gebiet dieses Landes liegen, in bundeseigene Verwaltung übernehmen.

Art 91

(1) Zur Abwehr einer drohenden Gefahr für den Bestand oder die freiheitliche demokratische Grundordnung des Bundes oder eines Landes kann ein Land Polizeikräfte anderer Länder sowie Kräfte und Einrichtungen anderer Verwaltungen und des Bundesgrenzschutzes anfordern

(۲) هر گاه خطری ایالتی را تهدید کند و آن ایالت خود آماده یا در وضعیتی نباشد که با آن مبارزه کند، در آن صورت دولت فدرال می‌تواند نیروی پلیس ایالت مزبور و ایالت‌های دیگر را تحت فرمان خود درآورد و واحدهای مرزبانی فدرال را به‌کار گیرد. این حکم پس از رفع خطر و یا هر موقعی که شورای فدرال تقاضا کند، منتفی خواهد شد. در صورت گسترش تهدید به قلمرو بیش از یک ایالت، دولت فدرال می‌تواند، تا جایی که برای مبارزه مؤثر لازم باشد، دستورالعمل‌هایی برای دول ایالتی صادر نماید؛ مفاد جمله ۱ و ۲ به‌قوت خود باقی‌ست.

فصل هشتم الف: وظائف مشترک، همکاری‌های اداری

اصل ۹۱ الف

(۱) فدراسیون در اجراء وظائف ایالت‌ها در زمینه‌های ذیل همکاری می‌کند، با این شرط که این وظائف در کل برای همه مهم بوده و مشارکت فدراسیون جهت بهبود شرایط زندگی ضروری باشد (وظائف مشترک):

۱. بهبود ساختارهای اقتصادی منطقه ای،

۲. بهبود ساختارهای کشاورزی و حفاظت ساحلی.

(۲) توسط قانون فدرال و با موافقت شورای فدرال، وظائف مشترک و همچنین جزئیات هماهنگی بمنحو دقیق‌تری تعیین می‌شوند.

VIII. Die Ausführung der Bundesgesetze und die Bundesverwaltung/ VIIIa. Gemeinschaftsaufgaben, Verwaltungszusammenarbeit

(2) Ist das Land, in dem die Gefahr droht, nicht selbst zur Bekämpfung der Gefahr bereit oder in der Lage, so kann die Bundesregierung die Polizei in diesem Lande und die Polizeikräfte anderer Länder ihren Weisungen unterstellen sowie Einheiten des Bundesgrenzschutzes einsetzen. Die Anordnung ist nach Beseitigung der Gefahr, im übrigen jederzeit auf Verlangen des Bundesrates aufzuheben. Erstreckt sich die Gefahr auf das Gebiet mehr als eines Landes, so kann die Bundesregierung, soweit es zur wirksamen Bekämpfung erforderlich ist, den Landesregierungen Weisungen erteilen; Satz 1 und Satz 2 bleiben unberührt.

VIIIa. Gemeinschaftsaufgaben, Verwaltungszusammenarbeit

Art 91a

(1) Der Bund wirkt auf folgenden Gebieten bei der Erfüllung von Aufgaben der Länder mit, wenn diese Aufgaben für die Gesamtheit bedeutsam sind und die Mitwirkung des Bundes zur Verbesserung der Lebensverhältnisse erforderlich ist (Gemeinschaftsaufgaben):

1. Verbesserung der regionalen Wirtschaftsstruktur,
2. Verbesserung der Agrarstruktur und des Küstenschutzes.

(2) Durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates werden die Gemeinschaftsaufgaben sowie Einzelheiten der Koordinierung näher bestimmt.

(۳) فدراسیون در موارد بند ۱ شماره ۱ نیمی از هزینه را در هر ایالت به عهده می‌گیرد. در موارد بند ۱ شماره ۲ فدراسیون حداقل نیمی از هزینه‌ها را تقیل می‌کند؛ مشارکت همه ایالت‌ها باید یکسان باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. آماده ساختن وجوه، در برنامه بودجه فدرالی و ایالتی پیش‌بینی می‌شود.

اصل ۹۱ ب

(۱) فدراسیون و ایالت‌ها می‌توانند بر اساس توافقاتی در خصوص مواردی که اهمیت فرمانطقه‌ای دارند، جهت ارتقاء علوم، پژوهش و آموزش با یکدیگر همکاری کنند. در توافقاتی که موضوع آنها دانشگاه‌ها هستند، موافقت کلیه ایالات ضروری است. این امر شامل توافقات مربوط به ساختمان‌ها و امکانات پژوهشی از جمله تجهیزات بزرگ نمی‌شود.

(۲) دولت فدرال و ایالت‌ها می‌توانند بر اساس موافقت‌نامه‌هایی جهت تعیین کارایی نظام تحصیلاتی در مقیاس بین‌المللی و در تهیه گزارش‌ها و توصیه‌های مربوطه، همکاری کنند.

(۳) تخصیص هزینه در توافقات تعیین می‌گردد.

اصل ۹۱ پ

(۱) فدراسیون و ایالت‌ها می‌توانند در طراحی، تأسیس و بهره‌برداری از سیستم‌های فناوری اطلاعات که برای انجام وظائف آنها لازم باشد، همکاری کنند.

VIIIa. Gemeinschaftsaufgaben, Verwaltungszusammenarbeit

(3) Der Bund trägt in den Fällen des Absatzes 1 Nr. 1 die Hälfte der Ausgaben in jedem Land. In den Fällen des Absatzes 1 Nr. 2 trägt der Bund mindestens die Hälfte; die Beteiligung ist für alle Länder einheitlich festzusetzen. Das Nähere regelt das Gesetz. Die Bereitstellung der Mittel bleibt der Feststellung in den Haushaltsplänen des Bundes und der Länder vorbehalten.

Art 91b

(1) Bund und Länder können auf Grund von Vereinbarungen in Fällen überregionaler Bedeutung bei der Förderung von Wissenschaft, Forschung und Lehre zusammenwirken. Vereinbarungen, die im Schwerpunkt Hochschulen betreffen, bedürfen der Zustimmung aller Länder. Dies gilt nicht für Vereinbarungen über Forschungsbauten einschließlich Großgeräten.

(2) Bund und Länder können auf Grund von Vereinbarungen zur Feststellung der Leistungsfähigkeit des Bildungswesens im internationalen Vergleich und bei diesbezüglichen Berichten und Empfehlungen zusammenwirken.

(3) Die Kostentragung wird in der Vereinbarung geregelt.

Art 91c

(1) Bund und Länder können bei der Planung, der Errichtung und dem Betrieb der für ihre Aufgabenerfüllung benötigten informationstechnischen Systeme zusammenwirken.

(۲) دولت فدرال و ایالت‌ها می‌توانند براساس توافقاتی میان خود، الزامات ایمنی و استانداردهایی را که برای ارتباط بین سیستم‌های فناوری اطلاعاتی آنها لازم باشند، تعیین کنند. توافقات راجع به مبانی همکاری مورد اشاره در جمله ۱ می‌توانند برای هریک از وظائف بر اساس محتوا و مقدار، پیش‌بینی کنند که مقررات دقیق‌تری با تأیید اکثریت واجدین شرائط فدراسیون و ایالت‌ها به گونه‌ای که در خود توافق مقرر می‌گردد، لازم‌الاجرا شود. این توافقات به تأیید مجلس فدرال و مجالس ایالت‌های مربوطه نیاز دارند؛ حق فسخ این توافقات نمی‌تواند حذف شود. موافقتنامه‌ها تخصیص هزینه‌ها را نیز تنظیم می‌کنند.

(۳) علاوه بر آن ایالت‌ها می‌توانند در مورد بهره‌برداری مشترک از سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات و تأسیس نهادهای ویژه مربوط به آن، به توافق برسند.

(۴) فدراسیون، برای پیوند زدن شبکه‌های فن‌آوری اطلاعات فدراسیون و ایالت‌ها، یک شبکه ارتباطی برقرار می‌کند. جزئیات ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطی را قانون فدرال با موافقت شورای فدرال تنظیم می‌نماید.

اصل ۹۱ ت

دولت فدرال و ایالت‌ها می‌توانند به منظور تعیین و پیشبرد کارایی ادارات خود مطالعات تطبیقی انجام دهند و نتایج آن را منتشر نمایند.

اصل ۹۱ ث

(۱) برای اجرای قوانین فدرال در زمینه تأمینات اولیه برای جویندگان کار، دولت فدرال و ایالت‌ها و یا بخش‌داری‌ها و اتحادیه بخش‌داری‌ها که بر اساس قوانین ایالات مسئولیت دارند، قاعدتاً در نهادهای مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند.

VIIIa. Gemeinschaftsaufgaben, Verwaltungszusammenarbeit

(2) Bund und Länder können auf Grund von Vereinbarungen die für die Kommunikation zwischen ihren informationstechnischen Systemen notwendigen Standards und Sicherheitsanforderungen festlegen. Vereinbarungen über die Grundlagen der Zusammenarbeit nach Satz 1 können für einzelne nach Inhalt und Ausmaß bestimmte Aufgaben vorsehen, dass nähere Regelungen bei Zustimmung einer in der Vereinbarung zu bestimmenden qualifizierten Mehrheit für Bund und Länder in Kraft treten. Sie bedürfen der Zustimmung des Bundestages und der Volksvertretungen der beteiligten Länder; das Recht zur Kündigung dieser Vereinbarungen kann nicht ausgeschlossen werden. Die Vereinbarungen regeln auch die Kostentragung.

(3) Die Länder können darüber hinaus den gemeinschaftlichen Betrieb informationstechnischer Systeme sowie die Errichtung von dazu bestimmten Einrichtungen vereinbaren.

(4) Der Bund errichtet zur Verbindung der informationstechnischen Netze des Bundes und der Länder ein Verbindungsnetz. Das Nähere zur Errichtung und zum Betrieb des Verbindungsnetzes regelt ein Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates.

Art 91d

Bund und Länder können zur Feststellung und Förderung der Leistungsfähigkeit ihrer Verwaltungen Vergleichsstudien durchführen und die Ergebnisse veröffentlichen.

Art 91e

(1) Bei der Ausführung von Bundesgesetzen auf dem Gebiet der Grundsicherung für Arbeitsuchende wirken Bund und Länder oder die nach Landesrecht zuständigen Gemeinden und Gemeindeverbände in der Regel in gemeinsamen Einrichtungen zusammen.

- (۲) دولت فدرال می‌تواند به تعداد محدودی از بخش‌داری‌ها و اتحادیه‌های بخش‌داری‌ها به درخواست خود آنها و با موافقت عالی‌ترین مقام ایالت اجازه دهد که وظائف مورد اشاره در بند ۱ را به تنهایی اجرا نمایند. هزینه‌های لازم از جمله هزینه‌های اداری را دولت فدرال تا جایی که وظائف مربوط به اجرای قوانین مورد نظر در بند ۱ را به عهده دارد، تأمین می‌نماید.
- (۳) تفصیل آن را قانون فدرالی که نیاز به موافقت شورای فدرال دارد، تنظیم می‌کند.

فصل نهم: قوه قضائیه

اصل ۹۲

قوه قضایی بر عهده قضاات گذاشته شده است؛ این قوه به وسیله دادگاه قانون اساسی فدرال، دادگاه‌های فدرال که در این قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند و دادگاه‌های ایالت‌ها اجرا می‌شود.

اصل ۹۳

(۱) دادگاه قانون اساسی فدرال در این موارد تصمیم‌گیری می‌کند:

۱. تفسیر این قانون اساسی در زمینه اختلاف بر سر میزان حقوق و مسئولیت‌های عالی‌ترین ارگان‌های فدرال و یا نهاد مربوطه دیگری که بر اساس این قانون اساسی یا آیین نامه داخلی یکی از عالی‌ترین ارگان‌های فدرال، دارای حقوقی مختص به خود باشد؛

VIIIa. Gemeinschaftsaufgaben, Verwaltungszusammenarbeit/ IX. Die Rechtsprechung

(2) Der Bund kann zulassen, dass eine begrenzte Anzahl von Gemeinden und Gemeindeverbänden auf ihren Antrag und mit Zustimmung der obersten Landesbehörde die Aufgaben nach Absatz 1 allein wahrnimmt. Die notwendigen Ausgaben einschließlich der Verwaltungsausgaben trägt der Bund, soweit die Aufgaben bei einer Ausführung von Gesetzen nach Absatz 1 vom Bund wahrzunehmen sind.

(3) Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

IX. Die Rechtsprechung

Art 92

Die rechtsprechende Gewalt ist den Richtern anvertraut; sie wird durch das Bundesverfassungsgericht, durch die in diesem Grundgesetze vorgesehenen Bundesgerichte und durch die Gerichte der Länder ausgeübt.

Art 93

(1) Das Bundesverfassungsgericht entscheidet:

1. über die Auslegung dieses Grundgesetzes aus Anlaß von Streitigkeiten über den Umfang der Rechte und Pflichten eines obersten Bundesorgans oder anderer Beteiligter, die durch dieses Grundgesetz oder in der Geschäftsordnung eines obersten Bundesorgans mit eigenen Rechten ausgestattet sind;

۲. اختلاف نظر یا تردید راجع به تطابق شکلی و ماهوی قانون فدرال یا قانون ایالتی با این قانون اساسی یا راجع به سازگاری قانون ایالتی با قوانین دیگر فدرال، که به درخواست دولت فدرال، دولت یکی از ایالت‌ها و یا یک چهارم اعضای مجلس فدرال صورت می‌گیرد؛

۲ الف. اختلاف نظر در خصوص اینکه آیا یک قانون با الزامات اصل ۷۲ بند ۲ مطابقت دارد یا خیر، به درخواست شورای فدرال، دولت ایالت‌ها و یا مجلس ایالت‌ها؛

۳. اختلاف نظر راجع به حقوق و وظائف فدراسیون و ایالت‌ها به خصوص در مورد اجرای قانون فدرال توسط ایالت‌ها و درباره نظارت دولت فدرال؛

۴. سایر اختلافات در حیطه حقوق عمومی میان فدراسیون و ایالت‌ها، میان ایالت‌های مختلف و یا در داخل یک ایالت، در صورتی که مسیر قضائی دیگری وجود نداشته باشد؛

۴ الف. شکایات‌های مبتنی بر قانون اساسی که می‌تواند توسط هر شخصی ارائه شود که مدعی است، مقام دولتی یکی از حقوق بنیادین او و یا یکی از حقوق او را که در اصل ۲۰ بند ۴، و اصول ۳۳، ۳۸، ۱۰۱، ۱۰۳ و ۱۰۴ مندرج‌اند، نقض کرده است؛

۴ ب. شکایات مبتنی بر قانون اساسی از جانب بخش‌ها و اتحادیه بخش‌ها به‌خاطر نقض حق خودمختاری آنها مندرج در اصل ۲۸ توسط قانون؛ در مورد قوانین ایالتی اما زمانی این قاعده صدق می‌کند که اقامه شکایت به دادگاه قانون اساسی ایالتی امکان نداشته باشد؛

۴ پ. شکایات اتحادیه‌ها (انجمن‌ها) به‌خاطر به‌رسمیت نشناختن آنها به عنوان حزب برای شرکت در انتخابات مجلس فدرال؛

۵. سایر مواردی که این قانون اساسی پیش‌بینی کرده است.

IX. Die Rechtsprechung

2. bei Meinungsverschiedenheiten oder Zweifeln über die förmliche und sachliche Vereinbarkeit von Bundesrecht oder Landesrecht mit diesem Grundgesetze oder die Vereinbarkeit von Landesrecht mit sonstigem Bundesrechte auf Antrag der Bundesregierung, einer Landesregierung oder eines Viertels der Mitglieder des Bundestages;

2a. bei Meinungsverschiedenheiten, ob ein Gesetz den Voraussetzungen des Artikels 72 Abs. 2 entspricht, auf Antrag des Bundesrates, einer Landesregierung oder der Volksvertretung eines Landes;

3. bei Meinungsverschiedenheiten über Rechte und Pflichten des Bundes und der Länder, insbesondere bei der Ausführung von Bundesrecht durch die Länder und bei der Ausübung der Bundesaufsicht;

4. in anderen öffentlich-rechtlichen Streitigkeiten zwischen dem Bunde und den Ländern, zwischen verschiedenen Ländern oder innerhalb eines Landes, soweit nicht ein anderer Rechtsweg gegeben ist;

4a. über Verfassungsbeschwerden, die von jedermann mit der Behauptung erhoben werden können, durch die öffentliche Gewalt in einem seiner Grundrechte oder in einem seiner in Artikel 20 Abs. 4, 33, 38, 101, 103 und 104 enthaltenen Rechte verletzt zu sein;

4b. über Verfassungsbeschwerden von Gemeinden und Gemeindeverbänden wegen Verletzung des Rechts auf Selbstverwaltung nach Artikel 28 durch ein Gesetz, bei Landesgesetzen jedoch nur, soweit nicht Beschwerde beim Landesverfassungsgericht erhoben werden kann;

4c. über Beschwerden von Vereinigungen gegen ihre Nichtanerkennung als Partei für die Wahl zum Bundestag;

5. in den übrigen in diesem Grundgesetze vorgesehenen Fällen.

(۲) علاوه بر آن، دادگاه قانون اساسی به درخواست شورای فدرال، دولت و یا مجلس نمایندگان ایالات در مورد اینکه آیا مطابق اصل ۷۲ بند ۴ دیگر لزومی برای تنظیم قانون فدرال براساس اصل ۷۲ بند ۲ وجود ندارد و یا دیگر قانون فدرالی در موارد مربوط به اصل ۱۲۵ الف، بند ۲ جمله ۱ نمی‌توانسته وضع شود، تصمیم‌گیری می‌نماید. با تشخیص اینکه دیگر این ضرورت از بین رفته و یا دیگر قانون فدرال نمی‌توانسته صادر شود، قانون فدرال [دیگری] مطابق با اصل ۷۲ بند ۴ یا اصل ۱۲۵ الف، بند ۲ جمله ۲ جایگزین می‌شود. درخواست مذکور در جمله ۱ صرفاً زمانی قابل قبول است که لایحه‌ای مطابق با اصل ۷۲ بند ۴ یا اصل ۱۲۵ الف، بند ۲ جمله ۲ در مجلس فدرال رد شده یا به وسیله مجلس فدرال ظرف یک سال مورد بررسی قرار نگرفته و تصمیمی درباره آن اتخاذ نشده باشد و یا لایحه مربوطه در شورای فدرال رد شده باشد.

(۳) دادگاه قانون اساسی فدرال همچنین در خصوص سایر مواردی که به موجب قانون فدرال به آن واگذار شده است، رسیدگی می‌نماید.

اصل ۹۴

(۱) دادگاه قانون اساسی فدرال متشکل است از قضات فدرال و برخی اعضاء دیگر. نیمی از اعضاء دادگاه قانون اساسی فدرال از طرف مجلس فدرال و نیمی دیگر از جانب شورای فدرال انتخاب می‌شوند. آنها مجاز نیستند عضو مجلس فدرال، شورای فدرال، دولت فدرال و یا ارگان‌های مربوطه ایالات باشند.

(۲) قانون فدرال ساختار و روند کار دادگاه قانون اساسی فدرال را تنظیم نموده و تصریح می‌کند که تصمیمات آن در چه مواردی حکم قانون را دارند. قانون مزبور می‌تواند برای شکایت‌های مبتنی بر قانون اساسی رجوع به مراجع قضائی قبلی را به عنوان پیش‌شرط قرار داده و روند ویژه‌ای برای قبول دادخواست‌ها پیش‌بینی کند.

IX. Die Rechtsprechung

(2) Das Bundesverfassungsgericht entscheidet außerdem auf Antrag des Bundesrates, einer Landesregierung oder der Volksvertretung eines Landes, ob im Falle des Artikels 72 Abs. 4 die Erforderlichkeit für eine bundesgesetzliche Regelung nach Artikel 72 Abs. 2 nicht mehr besteht oder Bundesrecht in den Fällen des Artikels 125a Abs. 2 Satz 1 nicht mehr erlassen werden könnte. Die Feststellung, dass die Erforderlichkeit entfallen ist oder Bundesrecht nicht mehr erlassen werden könnte, ersetzt ein Bundesgesetz nach Artikel 72 Abs. 4 oder nach Artikel 125a Abs. 2 Satz 2. Der Antrag nach Satz 1 ist nur zulässig, wenn eine Gesetzesvorlage nach Artikel 72 Abs. 4 oder nach Artikel 125a Abs. 2 Satz 2 im Bundestag abgelehnt oder über sie nicht innerhalb eines Jahres beraten und Beschluss gefasst oder wenn eine entsprechende Gesetzesvorlage im Bundesrat abgelehnt worden ist.

(3) Das Bundesverfassungsgericht wird ferner in den ihm sonst durch Bundesgesetz zugewiesenen Fällen tätig.

Art 94

(1) Das Bundesverfassungsgericht besteht aus Bundesrichtern und anderen Mitgliedern. Die Mitglieder des Bundesverfassungsgerichtes werden je zur Hälfte vom Bundestage und vom Bundesrate gewählt. Sie dürfen weder dem Bundestage, dem Bundesrate, der Bundesregierung noch entsprechenden Organen eines Landes angehören.

(2) Ein Bundesgesetz regelt seine Verfassung und das Verfahren und bestimmt, in welchen Fällen seine Entscheidungen Gesetzeskraft haben. Es kann für Verfassungsbeschwerden die vorherige Erschöpfung des Rechtsweges zur Voraussetzung machen und ein besonderes Annahmeverfahren vorsehen.

اصل ۹۵

(۱) فدراسیون برای حوزه‌های صلاحیت عادی، اداری، مالی، کار و عدالت اجتماعی، عالی‌ترین دادگاه‌های فدرال را به شکل دادگاه اداری فدرال، دادگاه امور مالی فدرال، دادگاه کار فدرال و دادگاه اجتماعی فدرال تأسیس می‌کند.

(۲) درخصوص انتصاب قضات این دادگاه‌ها وزیر فدرال مسئول در حوزه مورد نظر، مشترکاً با یک کمیسیون گزینش قضات، مرکب از وزرای مسئول حوزه مورد نظر ایالت‌ها و به همان تعداد، اعضای منتخب از مجلس فدرال، تصمیم می‌گیرند.

(۳) به منظور حصول اطمینان از صدور احکام هماهنگ، هیئتی مشترک از دادگاه‌هایی که در بند ۱ اشاره شده است، تشکیل می‌گردد. تفصیل آن را قانون فدرال تنظیم می‌کند.

اصل ۹۶

(۱) فدراسیون می‌تواند برای امور مربوط به حقوق مالکیت صنعتی، دادگاه فدرالی را ایجاد نماید.

(۲) فدراسیون می‌تواند دادگاه‌های کیفری نظامی را برای نیروهای ارتش به مثابه دادگاه‌های فدرال تشکیل دهد. این دادگاه‌ها می‌توانند صلاحیت کیفری را تنها در حالات دفاعی و یا نسبت به اعضاء نیروهای ارتش که به خارج اعزام شده‌اند و یا در ناوهای جنگی خدمت می‌کنند، اعمال نمایند. تفصیل آن را قانون فدرال معین می‌کند. این دادگاه‌ها متعلق به حوزه صلاحیت وزیر دادگستری فدرال هستند. قضات دائمی رسمی باید واجد شرایط قضاوت باشند.

(۳) عالی‌ترین دادگاه کشور [دادگاه استیناف] برای دادگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ و ۲ دادگاه عالی فدرال است.

IX. Die Rechtsprechung

Art 95

(1) Für die Gebiete der ordentlichen, der Verwaltungs-, der Finanz-, der Arbeits- und der Sozialgerichtsbarkeit errichtet der Bund als oberste Gerichtshöfe den Bundesgerichtshof, das Bundesverwaltungsgericht, den Bundesfinanzhof, das Bundesarbeitsgericht und das Bundessozialgericht.

(2) Über die Berufung der Richter dieser Gerichte entscheidet der für das jeweilige Sachgebiet zuständige Bundesminister gemeinsam mit einem Richterwahlausschuß, der aus den für das jeweilige Sachgebiet zuständigen Ministern der Länder und einer gleichen Anzahl von Mitgliedern besteht, die vom Bundestage gewählt werden.

(3) Zur Wahrung der Einheitlichkeit der Rechtsprechung ist ein Gemeinsamer Senat der in Absatz 1 genannten Gerichte zu bilden. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

Art 96

(1) Der Bund kann für Angelegenheiten des gewerblichen Rechtsschutzes ein Bundesgericht errichten.

(2) Der Bund kann Wehrstraferichte für die Streitkräfte als Bundesgerichte errichten. Sie können die Straferichtsbarkeit nur im Verteidigungsfalle sowie über Angehörige der Streitkräfte ausüben, die in das Ausland entsandt oder an Bord von Kriegsschiffen eingeschifft sind. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz. Diese Gerichte gehören zum Geschäftsbereich des Bundesjustizministers. Ihre hauptamtlichen Richter müssen die Befähigung zum Richteramt haben.

(3) Oberster Gerichtshof für die in Absatz 1 und 2 genannten Gerichte ist der Bundesgerichtshof.

(۴) فدراسیون می‌تواند برای کارمندانی که با وی قرارداد کاری حقوق عمومی دارند، دادگاه‌های فدرالی را جهت رسیدگی به دعاوی انضباطی یا شکایات آنها، تشکیل دهد.

(۵) قانون فدرال با تأیید شورای فدرال می‌تواند برای رسیدگی کیفری در خصوص موارد ذیل، صلاحیت دادرسی دادگاه‌های فدرال را به دادگاه‌های ایالتی تفویض کند:

۱. نسل‌کشی (کشتار جمعی)؛

۲. جنایات بین‌المللی علیه بشریت؛

۳. جنایات جنگی؛

۴. اقدامات دیگری که می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملل مختلف را برهم بزنند و به همین منظور نیز صورت می‌گیرند (اصل ۲۶ بند ۱)؛

۵. حفظ کشور

اصل ۹۷

(۱) قضات مستقل بوده و تنها تابع قانونند.

(۲) نمی‌توان قضات دائمی را که مطابق برنامه و به صورت رسمی در مقام‌شان منصوب می‌شوند، علی‌رغم خواستشان و قبل از ختم دوره خدمت، معزول و یا دائماً یا موقتاً از کارشان برکنار و یا به مقام دیگری منصوب و یا بازنشسته کرد، مگر به حکم تصمیم قضایی و صرفاً به علل و به شکلی که قانون مشخص ساخته است. قانون می‌تواند حدود سنی را برای بازنشستگی قضاتی که مادام‌العمر منصوب شده‌اند، تعیین کند. در صورت تغییر در ساختار دادگاه‌ها و یا حوزه دادرسی‌شان، می‌توان قضات را به دادگاه دیگری انتقال داد و یا از کار خود برکنار کرد، مشروط به پرداخت حقوق کامل آنها.

IX. Die Rechtsprechung

(4) Der Bund kann für Personen, die zu ihm in einem öffentlich-rechtlichen Dienstverhältnis stehen, Bundesgerichte zur Entscheidung in Disziplinarverfahren und Beschwerdeverfahren errichten.

(5) Für Strafverfahren auf den folgenden Gebieten kann ein Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates vorsehen, dass Gerichte der Länder Gerichtsbarkeit des Bundes ausüben:

1. Völkermord;
2. völkerstrafrechtliche Verbrechen gegen die Menschlichkeit;
3. Kriegsverbrechen;
4. andere Handlungen, die geeignet sind und in der Absicht vorgenommen werden, das friedliche Zusammenleben der Völker zu stören (Artikel 26 Abs. 1);
5. Staatsschutz.

Art 97

(1) Die Richter sind unabhängig und nur dem Gesetze unterworfen.

(2) Die hauptamtlich und planmäßig endgültig angestellten Richter können wider ihren Willen nur kraft richterlicher Entscheidung und nur aus Gründen und unter den Formen, welche die Gesetze bestimmen, vor Ablauf ihrer Amtszeit entlassen oder dauernd oder zeitweise ihres Amtes enthoben oder an eine andere Stelle oder in den Ruhestand versetzt werden. Die Gesetzgebung kann Altersgrenzen festsetzen, bei deren Erreichung auf Lebenszeit angestellte Richter in den Ruhestand treten. Bei Veränderung der Einrichtung der Gerichte oder ihrer Bezirke können Richter an ein anderes Gericht versetzt oder aus dem Amte entfernt werden, jedoch nur unter Belassung des vollen Gehaltes.

اصل ۹۸

(۱) وضعیت حقوقی قضات فدرال باید توسط قانون ویژه فدرال تنظیم شود.

(۲) هر گاه قاضی فدرالی در مقام رسمی خود و یا خارج از مقام خود بر خلاف اصول قانون اساسی و یا نظم قانون اساسی یک ایالت عمل کند، دادگاه قانون اساسی فدرال می‌تواند بر اساس درخواست مجلس فدرال با اکثریت دوسوم آراء خود، قاضی مذکور را به مقام دیگری منصوب نماید و یا بازنشسته سازد. در صورت تخلف عمدی، می‌توان حکم عزل او را صادر کرد.

(۳) وضعیت حقوقی قضات در ایالت‌ها توسط قانون ویژه ایالت تنظیم می‌شود، مگر اینکه مطابق با اصل ۷۴ بند ۱ شماره ۲۷ به نحو دیگری تعیین شده باشد.

(۴) ایالت‌ها می‌توانند مقرر نمایند که انتصاب قضات در ایالات، بر اساس تصمیم وزیر دادگستری ایالت به اتفاق یک کمیسیون گزینش قضات، صورت گیرد.

(۵) ایالت‌ها می‌توانند در مورد قضات ایالتی، مقرراتی را مانند مفاد بند ۲ این اصل وضع کنند. قوانین اساسی جاری ایالتی، به‌قوت خود باقی می‌ماند. تصمیم‌گیری راجع به اتهامات علیه قضات در صلاحیت دادگاه قانون اساسی فدرال است.

اصل ۹۹

رسیدگی به اختلافات مبتنی بر قانون اساسی در داخل ایالت می‌تواند به‌موجب قانون ایالتی به دادگاه قانون اساسی فدرال واگذار شود، و تصمیم نهایی در موضوعاتی که به اعمال قانون ایالتی مربوط می‌شود به عالی‌ترین دادگاه‌های فدرال اشاره شده در اصل ۹۵ بند ۱ ارجاع داده شود.

IX. Die Rechtsprechung

Art 98

(1) Die Rechtsstellung der Bundesrichter ist durch besonderes Bundesgesetz zu regeln.

(2) Wenn ein Bundesrichter im Amte oder außerhalb des Amtes gegen die Grundsätze des Grundgesetzes oder gegen die verfassungsmäßige Ordnung eines Landes verstößt, so kann das Bundesverfassungsgericht mit Zweidrittelmehrheit auf Antrag des Bundestages anordnen, daß der Richter in ein anderes Amt oder in den Ruhestand zu versetzen ist. Im Falle eines vorsätzlichen Verstoßes kann auf Entlassung erkannt werden.

(3) Die Rechtsstellung der Richter in den Ländern ist durch besondere Landesgesetze zu regeln, soweit Artikel 74 Abs. 1 Nr. 27 nichts anderes bestimmt.

(4) Die Länder können bestimmen, daß über die Anstellung der Richter in den Ländern der Landesjustizminister gemeinsam mit einem Richterwahlausschuß entscheidet.

(5) Die Länder können für Landesrichter eine Absatz 2 entsprechende Regelung treffen. Geltendes Landesverfassungsrecht bleibt unberührt. Die Entscheidung über eine Richteranklage steht dem Bundesverfassungsgericht zu.

Art 99

Dem Bundesverfassungsgerichte kann durch Landesgesetz die Entscheidung von Verfassungsstreitigkeiten innerhalb eines Landes, den in Artikel 95 Abs. 1 genannten obersten Gerichtshöfen für den letzten Rechtszug die Entscheidung in solchen Sachen zugewiesen werden, bei denen es sich um die Anwendung von Landesrecht handelt.

اصل ۱۰۰

(۱) هرگاه دادگاهی، قانونی را در تناقض با قانون اساسی ببیند در حالی که حکم دادگاه به اعتبار آن قانون بستگی داشته باشد، باید روند رسیدگی را متوقف کند، و اگر مسأله مربوط به نقض قانون اساسی ایالتی باشد، تصمیم دادگاه ایالتی را که صلاحیت رسیدگی به اختلافات قانون اساسی را دارد، کسب نباید، و اگر موضوع مربوط به نقض این قانون اساسی باشد، تصمیم دادگاه قانون اساسی فدرال را جویا شود. این امر در موارد نقض این قانون اساسی توسط قانون ایالتی یا مغایرت یک قانون ایالتی با قانون فدرال نیز صدق می‌کند.

(۲) اگر در یک دعوی حقوقی تردید وجود داشته باشد که آیا یکی از قواعد حقوق بین‌الملل جزء حقوق فدرال است یا خیر، و آیا این مقرر مستقیماً حقوق و وظائفی را برای افراد تعیین می‌کند (اصل ۲۵)، در آن صورت دادگاه باید رأی دادگاه قانون اساسی فدرال را کسب نماید.

(۳) اگر دادگاه قانون اساسی ایالتی بخواهد تفسیری از قانون اساسی ارائه دهد که با حکم دادگاه قانون اساسی فدرال یا رأی دادگاه قانون اساسی ایالتی دیگر، مغایرت داشته باشد، باید رأی دادگاه قانون اساسی فدرال را تحصیل نماید.

اصل ۱۰۱

(۱) تشکیل دادگاه‌های استثنائی ممنوع است. هیچ فردی را نمی‌توان از رسیدگی توسط قاضی قانونی‌اش محروم ساخت.

(۲) دادگاه‌های ویژه برای موضوعات خاص را تنها می‌توان بر اساس قانون تشکیل داد.

IX. Die Rechtsprechung

Art 100

(1) Hält ein Gericht ein Gesetz, auf dessen Gültigkeit es bei der Entscheidung ankommt, für verfassungswidrig, so ist das Verfahren auszusetzen und, wenn es sich um die Verletzung der Verfassung eines Landes handelt, die Entscheidung des für Verfassungsstreitigkeiten zuständigen Gerichtes des Landes, wenn es sich um die Verletzung dieses Grundgesetzes handelt, die Entscheidung des Bundesverfassungsgerichtes einzuholen. Dies gilt auch, wenn es sich um die Verletzung dieses Grundgesetzes durch Landesrecht oder um die Unvereinbarkeit eines Landesgesetzes mit einem Bundesgesetze handelt.

(2) Ist in einem Rechtsstreite zweifelhaft, ob eine Regel des Völkerrechtes Bestandteil des Bundesrechtes ist und ob sie unmittelbar Rechte und Pflichten für den Einzelnen erzeugt (Artikel 25), so hat das Gericht die Entscheidung des Bundesverfassungsgerichtes einzuholen.

(3) Will das Verfassungsgericht eines Landes bei der Auslegung des Grundgesetzes von einer Entscheidung des Bundesverfassungsgerichtes oder des Verfassungsgerichtes eines anderen Landes abweichen, so hat das Verfassungsgericht die Entscheidung des Bundesverfassungsgerichtes einzuholen.

Art 101

(1) Ausnahmegerichte sind unzulässig. Niemand darf seinem gesetzlichen Richter entzogen werden.

(2) Gerichte für besondere Sachgebiete können nur durch Gesetz errichtet werden.

اصل ۱۰۲

مجازات اعدام لغو شده است.

اصل ۱۰۳

- (۱) هر فردی حق دارد که تظلماتش در دادگاه قانوناً استماع شود.
- (۲) هر عملی تنها زمانی مستوجب مجازات است که قبل از ارتکاب، قانوناً جرم شناخته شده باشد.
- (۳) طبق قوانین کیفری عمومی، هیچ فردی نباید برای عمل واحد، چند بار مجازات شود.

اصل ۱۰۴

- (۱) آزادی فرد صرفاً می‌تواند توسط قانون رسمی و تنها طبق آئین مندرج در آن قانون محدود گردد. اشخاص بازداشت شده نباید مورد آزار روحی یا جسمی قرار گیرند.
- (۲) تنها قاضی می‌تواند در مورد جواز و دوام محرومیت از آزادی افراد تصمیم بگیرد. برای هر بازداشت و حبسی که دستور قاضی را نداشته باشد، باید بدون تأخیر یک حکم قضائی صادر گردد. پلیس نمی‌تواند با صلاحیت و اختیار خود کسی را بیش از پایان یک روز بعد از دستگیری در بازداشتگاه نگه دارد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

IX. Die Rechtsprechung

Art 102

Die Todesstrafe ist abgeschafft.

Art 103

- (1) Vor Gericht hat jedermann Anspruch auf rechtliches Gehör.
- (2) Eine Tat kann nur bestraft werden, wenn die Strafbarkeit gesetzlich bestimmt war, bevor die Tat begangen wurde.
- (3) Niemand darf wegen derselben Tat auf Grund der allgemeinen Strafgesetze mehrmals bestraft werden.

Art 104

- (1) Die Freiheit der Person kann nur auf Grund eines förmlichen Gesetzes und nur unter Beachtung der darin vorgeschriebenen Formen beschränkt werden. Festgehaltene Personen dürfen weder seelisch noch körperlich mißhandelt werden.
- (2) Über die Zulässigkeit und Fortdauer einer Freiheitsentziehung hat nur der Richter zu entscheiden. Bei jeder nicht auf richterlicher Anordnung beruhenden Freiheitsentziehung ist unverzüglich eine richterliche Entscheidung herbeizuführen. Die Polizei darf aus eigener Machtvollkommenheit niemanden länger als bis zum Ende des Tages nach dem Ergreifen in eigenem Gewahrsam halten. Das Nähere ist gesetzlich zu regeln.

(۳) هر فردی که به دلیل مظنون بودن به ارتکاب فعل قابل مجازات موقتاً بازداشت شده است، باید حداکثر روز بعد از بازداشت نزد قاضی برده شود؛ قاضی باید دلیل بازداشت را ابلاغ و از او بازپرسی کند و به او فرصت ابراز اعتراض بدهد. قاضی باید بدون تأخیر یا حکم کتبی حبس او را با ذکر دلایل صادر نماید و یا دستور آزاد شدنش را بدهد.

(۴) هر گونه دستور قضایی مبنی بر حکم به محرومیت از آزادی یا ادامه چنین محرومیتی باید بدون تأخیر به اطلاع یکی از بستگان شخص بازداشت شده و یا یکی از افراد مورد اعتماد او برسد.

فصل دهم: نظام مالی

اصل ۱۰۴ الف

(۱) فدراسیون و ایالت‌ها باید به طور جداگانه هزینه‌های ناشی از انجام وظائف خود را تأمین کنند در صورتی‌که این قانون اساسی طور دیگری مشخص نساخته باشد.

(۲) هرگاه ایالت‌ها به نیابت از دولت فدرال عمل کنند، دولت فدرال هزینه‌های ناشی از آن را تأمین می‌کند.

(۳) قوانین فدرالی که متضمن خدمات مالی هستند و توسط ایالت‌ها اجرا می‌شوند، می‌توانند تعیین کنند که دولت فدرال این خدمات مالی را کلاً و یا جزئاً عهده‌دار شود. اگر قانونی تعیین کند که دولت فدرال باید نصف یا بیشتر هزینه را به عهده گیرد، در این صورت آن قانون به نمایندگی از دولت فدرال [توسط ایالات] اجرا می‌شود.

IX. Die Rechtsprechung/ X. Das Finanzwesen

(3) Jeder wegen des Verdachtes einer strafbaren Handlung vorläufig Festgenommene ist spätestens am Tage nach der Festnahme dem Richter vorzuführen, der ihm die Gründe der Festnahme mitzuteilen, ihn zu vernehmen und ihm Gelegenheit zu Einwendungen zu geben hat. Der Richter hat unverzüglich entweder einen mit Gründen versehenen schriftlichen Haftbefehl zu erlassen oder die Freilassung anzuordnen.

(4) Von jeder richterlichen Entscheidung über die Anordnung oder Fortdauer einer Freiheitsentziehung ist unverzüglich ein Angehöriger des Festgehaltenen oder eine Person seines Vertrauens zu benachrichtigen.

X. Das Finanzwesen

Art 104a

(1) Der Bund und die Länder tragen gesondert die Ausgaben, die sich aus der Wahrnehmung ihrer Aufgaben ergeben, soweit dieses Grundgesetz nichts anderes bestimmt.

(2) Handeln die Länder im Auftrage des Bundes, trägt der Bund die sich daraus ergebenden Ausgaben.

(3) Bundesgesetze, die Geldleistungen gewähren und von den Ländern ausgeführt werden, können bestimmen, daß die Geldleistungen ganz oder zum Teil vom Bund getragen werden. Bestimmt das Gesetz, daß der Bund die Hälfte der Ausgaben oder mehr trägt, wird es im Auftrage des Bundes durchgeführt.

(۴) آن دسته از قوانین فدرالی که تعهدات ایالت‌ها را در مورد ارائه خدمات مالی نقدی، خدمات مالی غیر نقدی، یا خدمات مشابه دیگری در برابر شخص ثالث تعیین می‌نمایند و توسط ایالت‌ها به عنوان وظائف مربوط به خود، یا طبق بند ۳ جمله ۲ به نمایندگی از دولت فدرال اجرا می‌شوند، باید از طرف شورای فدرال تأیید شوند در صورتی که هزینه‌های ناشی از آن به ایالت‌ها محول شده باشد.

(۵) دولت فدرال و ایالت‌ها هزینه‌های اداری ناشی از فعالیت مؤسسات و ادارات خود را تأمین کرده و در برابر یکدیگر برای برقراری یک اداره منظم مسئول هستند. تفصیل آن را قانون فدرالی که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد، تعیین می‌کند.

(۶) فدراسیون [دولت فدرال] و ایالت‌ها، بر اساس مسئولیت‌های داخلی دولتی و تقسیم وظائف، بار نقض تعهدات فراملی یا بین‌المللی آلمان را بدوش دارند. در موارد اصلاحات مالی فراایالتی توسط اتحادیه اروپا، فدراسیون و ایالت‌ها این مسئولیت را به نسبت ۱۵ به ۸۵ عهده‌دار می‌شوند. در این موارد مجموع ایالت‌ها بشکل حمایتی جمعاً ۳۵ درصد کل مسئولیت را طبق یک مکانیسم تقسیم عمومی بر عهده می‌گیرند؛ ۵۰ درصد کل مسئولیت به عهده ایالت‌هایی است که موجب بروز مشکلات شده اند، سهم هر ایالت بر اساس حجم وجوه دریافت شده تعیین می‌شود. تفصیل آن را قانون فدرال مستلزم موافقت شورای فدرال معین می‌کند.

اصل ۱۰۴ ب

(۱) فدراسیون می‌تواند، تا آنجا که این قانون اساسی به وی اختیارات قانونگذاری اعطاء کرده است، به ایالت‌ها به خاطر سرمایه‌گذاری‌های ویژه و حائز اهمیت ایالت‌ها و بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) مساعدت‌های مالی دهد، چنانچه این مساعدت‌ها:

۱. برای جلوگیری از اختلال در توازن کلی اقتصادی و یا

۲. برای برقراری توازن میان نیروهای مختلف اقتصادی در درون قلمرو فدرال و یا

X. Das Finanzwesen

(4) Bundesgesetze, die Pflichten der Länder zur Erbringung von Geldleistungen, geldwerten Sachleistungen oder vergleichbaren Dienstleistungen gegenüber Dritten begründen und von den Ländern als eigene Angelegenheit oder nach Absatz 3 Satz 2 im Auftrag des Bundes ausgeführt werden, bedürfen der Zustimmung des Bundesrates, wenn daraus entstehende Ausgaben von den Ländern zu tragen sind.

(5) Der Bund und die Länder tragen die bei ihren Behörden entstehenden Verwaltungsausgaben und haften im Verhältnis zueinander für eine ordnungsmäßige Verwaltung. Das Nähere bestimmt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

(6) Bund und Länder tragen nach der innerstaatlichen Zuständigkeits- und Aufgabenverteilung die Lasten einer Verletzung von supranationalen oder völkerrechtlichen Verpflichtungen Deutschlands. In Fällen länderübergreifender Finanzkorrekturen der Europäischen Union tragen Bund und Länder diese Lasten im Verhältnis 15 zu 85. Die Ländergesamtheit trägt in diesen Fällen solidarisch 35 vom Hundert der Gesamtlasten entsprechend einem allgemeinen Schlüssel; 50 vom Hundert der Gesamtlasten tragen die Länder, die die Lasten verursacht haben, anteilig entsprechend der Höhe der erhaltenen Mittel. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

Art 104b

(1) Der Bund kann, soweit dieses Grundgesetz ihm Gesetzgebungsbefugnisse verleiht, den Ländern Finanzhilfen für besonders bedeutsame Investitionen der Länder und der Gemeinden (Gemeindeverbände) gewähren, die 1.

zur Abwehr einer Störung des gesamtwirtschaftlichen Gleichgewichts oder

2. zum Ausgleich unterschiedlicher Wirtschaftskraft im Bundesgebiet oder

۳. برای تشویق رشد اقتصادی

ضروری باشد. در مغایرت با جمله ۱، دولت فدرال می‌تواند در صورت بروز بلایای طبیعی یا حالت‌های فوق‌العاده اضطراری که فراتر از کنترل دولت هستند و بر وضعیت مالی دولت به طور قابل ملاحظه‌ای تأثیر دارند، حتی بدون داشتن اختیارات قانونگذاری، کمک‌های مالی اعطاء کند.

(۲) تفصیل آن، به‌ویژه انواع سرمایه‌گذاری‌های مورد حمایت، توسط قانون فدرال که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد، و یا براساس قانون بودجه فدرال توسط توافقات اداری، معین می‌گردد. این وجوه باید محدودیت زمانی داشته باشد و در فواصل منظم، چگونگی استفاده از آنها بررسی گردد. پرداخت سالانه کمک‌های مالی باید در زمان مقرر به‌تناوب کاهش یابد.

(۳) در صورت تقاضا باید مجلس فدرال، دولت فدرال و شورای فدرال از اجرای اقدامات و پیشرفت‌های به دست آمده مطلع شوند.

اصل ۱۰۵

(۱) فدراسیون، اختیار انحصاری قانونگذاری را در امور گمرکی و انحصارات مالی دارا است.

(۲) فدراسیون دارای اختیار قانونگذاری غیرانحصاری (مشترک) راجع به سایر مالیات‌ها است چنانچه عواید حاصل از این مالیات‌ها کلاً یا قسمیاً به دولت فدرال بازگردد و یا شرایط مورد اشاره در اصل ۷۲ بند ۲ فراهم باشد.

(۲ الف) ایالت‌ها تا حدودی و تا زمانی دارای اختیارات قانونگذاری در مورد مالیات‌های محلی برای نگهداری و مصرف کالا هستند که آن مالیات‌ها همانند مالیات‌های مقرر قانونی فدرال نباشند. اختیار تعیین مقدار مالیات بر خرید املاک و مستغلات در دست ایالت‌هاست.

X. Das Finanzwesen

3. zur Förderung des wirtschaftlichen Wachstums erforderlich sind. Abweichend von Satz 1 kann der Bund im Falle von Naturkatastrophen oder außergewöhnlichen Notsituationen, die sich der Kontrolle des Staates entziehen und die staatliche Finanzlage erheblich beeinträchtigen, auch ohne Gesetzgebungsbefugnisse Finanzhilfen gewähren.

(2) Das Nähere, insbesondere die Arten der zu fördernden Investitionen, wird durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, oder auf Grund des Bundeshaushaltsgesetzes durch Verwaltungsvereinbarung geregelt. Die Mittel sind befristet zu gewähren und hinsichtlich ihrer Verwendung in regelmäßigen Zeitabständen zu überprüfen. Die Finanzhilfen sind im Zeitablauf mit fallenden Jahresbeträgen zu gestalten.

(3) Bundestag, Bundesregierung und Bundesrat sind auf Verlangen über die Durchführung der Maßnahmen und die erzielten Verbesserungen zu unterrichten.

Art 105

(1) Der Bund hat die ausschließliche Gesetzgebung über die Zölle und Finanzmonopole.

(2) Der Bund hat die konkurrierende Gesetzgebung über die übrigen Steuern, wenn ihm das Aufkommen dieser Steuern ganz oder zum Teil zusteht oder die Voraussetzungen des Artikels 72 Abs. 2 vorliegen.

(2a) Die Länder haben die Befugnis zur Gesetzgebung über die örtlichen Verbrauch- und Aufwandsteuern, solange und soweit sie nicht bundesgesetzlich geregelten Steuern gleichartig sind. Sie haben die Befugnis zur Bestimmung des Steuersatzes bei der Grunderwerbsteuer.

(۳) قوانین فدرال مربوط به مالیات‌هایی که عواید آن کلاً یا قسمیاً به ایالات یا بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) می‌رسد، مستلزم تأیید شورای فدرال هستند.

اصل ۱۰۶

(۱) درآمد حاصل از انحصارات مالی و وصول مالیات ذیل به فدراسیون تعلق می‌گیرد:

۱. پرداخت‌های گمرکی،

۲. آن قسمت از مالیات بر مصرف که طبق بند ۲ مختص ایالت‌ها نباشد یا طبق بند ۳ به فدراسیون و ایالت‌ها مشترکاً تعلق نداشته باشد و یا طبق بند ۶ به بخش‌داری‌ها متعلق نباشد،

۳. مالیات بر حمل و نقل جاده‌ای، مالیات بر وسایط نقلیه موتوری و سایر مالیات‌ها مربوط به ترابری با استفاده از وسایط نقلیه موتوری،

۴. مالیات بر جریان سرمایه، مالیات بر بیمه و مالیات بر سفته و برات،

۵. مالیات‌های ثابت (غیر مستمر) بر دارایی، و مالیات‌های تعدیلی که به منظور تأمین توازن مالیات‌های قانونی اخذ می‌گردد،

۶. مالیات‌های تکمیلی مرتبط با مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکت‌ها،

۷. مالیات‌های تعیین شده در چهارچوب اتحادیه اروپا.

(۲) درآمد حاصل از مالیات‌های ذیل متعلق به ایالت‌ها است:

۱. مالیات بر دارایی،

۲. مالیات بر ارث،

۳. مالیات بر معاملات تا جایی که بر اساس بند ۱ به فدراسیون و یا بر اساس بند ۳ به فدراسیون و ایالت‌ها به صورت مشترک تعلق نگیرد،

X. Das Finanzwesen

(3) Bundesgesetze über Steuern, deren Aufkommen den Ländern oder den Gemeinden (Gemeindeverbänden) ganz oder zum Teil zufließt, bedürfen der Zustimmung des Bundesrates.

Art 106

(1) Der Ertrag der Finanzmonopole und das Aufkommen der folgenden Steuern stehen dem Bund zu:

1. die Zölle,
2. die Verbrauchsteuern, soweit sie nicht nach Absatz 2 den Ländern, nach Absatz 3 Bund und Ländern gemeinsam oder nach Absatz 6 den Gemeinden zustehen,
3. die Straßengüterverkehrsteuer, die Kraftfahrzeugsteuer und sonstige auf motorisierte Verkehrsmittel bezogene Verkehrsteuern,
4. die Kapitalverkehrsteuern, die Versicherungsteuer und die Wechselsteuer,
5. die einmaligen Vermögensabgaben und die zur Durchführung des Lastenausgleichs erhobenen Ausgleichsabgaben,
6. die Ergänzungsabgabe zur Einkommensteuer und zur Körperschaftsteuer,
7. Abgaben im Rahmen der Europäischen Gemeinschaften.

(2) Das Aufkommen der folgenden Steuern steht den Ländern zu:

1. die Vermögensteuer,
2. die Erbschaftsteuer,
3. die Verkehrsteuern, soweit sie nicht nach Absatz 1 dem Bund oder nach Absatz 3 Bund und Ländern gemeinsam zustehen

۴. مالیات بر آبجو،

۵. مالیات بر قمارخانه ها [کازینو].

(۳) عواید حاصل از مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر ارزش افزوده مشترکاً متعلق به فدراسیون و ایالت‌ها است (مالیات مشترک)، در صورتی که طبق بند ۵ عواید حاصل از مالیات بر درآمد و طبق بند ۵ الف عواید حاصل از مالیات بر ارزش افزوده متعلق به بخش‌ها نباشد. دولت فدرال و ایالت‌ها در تقسیم عواید حاصل از مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکت‌ها به طور مساوی سهیم‌اند. سهم‌های فدراسیون و ایالت‌ها در عواید حاصل از مالیات بر ارزش افزوده توسط قانون فدرالی که مستلزم موافقت شورای فدرال است، مقرر می‌گردد. این مقررات بر اصول زیر استوار است:

۱. در چهارچوب درآمدهای جاری، فدراسیون و ایالت‌ها در حق برخورداری از درآمدهای جاری جهت تأمین هزینه‌های ضروری خود، برابر هستند. بدین منظور، میزان هزینه‌ها باید با در نظر گرفتن برنامه‌ریزی مالی چندساله تعیین شود.

۲. پوشش نیازهای فدراسیون و ایالت‌ها باید به گونه‌ای تعدیل شوند که توازی منصفانه تأمین گردد، از فشار مالی اضافی بر مالیات‌دهندگان اجتناب شود، و شرایط همسان زندگی در سراسر آلمان تضمین گردد.

علاوه بر آن در تعیین سهم فدراسیون و ایالت‌ها از مالیات بر ارزش افزوده، تقلیل مالیاتی در نظر گرفته می‌شود که برای ایالت‌ها از ۱ ژانویه سال ۱۹۹۶ با در نظر گرفتن حق فرزندان در قانون مالیات بر درآمد، تعیین شده است. تفصیل آن را قانون فدرال مطابق با جمله ۳ تعیین می‌کند.

X. Das Finanzwesen

4. die Biersteuer,

5. die Abgabe von Spielbanken.

(3) Das Aufkommen der Einkommensteuer, der Körperschaftsteuer und der Umsatzsteuer steht dem Bund und den Ländern gemeinsam zu (Gemeinschaftsteuern), soweit das Aufkommen der Einkommensteuer nicht nach Absatz 5 und das Aufkommen der Umsatzsteuer nicht nach Absatz 5a den Gemeinden zugewiesen wird. Am Aufkommen der Einkommensteuer und der Körperschaftsteuer sind der Bund und die Länder je zur Hälfte beteiligt. Die Anteile von Bund und Ländern an der Umsatzsteuer werden durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, festgesetzt. Bei der Festsetzung ist von folgenden Grundsätzen auszugehen:

1. Im Rahmen der laufenden Einnahmen haben der Bund und die Länder gleichmäßig Anspruch auf Deckung ihrer notwendigen Ausgaben. Dabei ist der Umfang der Ausgaben unter Berücksichtigung einer mehrjährigen Finanzplanung zu ermitteln.

2. Die Deckungsbedürfnisse des Bundes und der Länder sind so aufeinander abzustimmen, daß ein billiger Ausgleich erzielt, eine Überbelastung der Steuerpflichtigen vermieden und die Einheitlichkeit der Lebensverhältnisse im Bundesgebiet gewahrt wird.

Zusätzlich werden in die Festsetzung der Anteile von Bund und Ländern an der Umsatzsteuer Steuermindereinnahmen einbezogen, die den Ländern ab 1. Januar 1996 aus der Berücksichtigung von Kindern im Einkommensteuerrecht entstehen. Das Nähere bestimmt das Bundesgesetz nach Satz 3.

(۴) هر گاه نسبت میان درآمدها و هزینه‌های فدراسیون و ایالت‌ها به طور قابل توجهی تغییر یابد، در آن صورت سهم فدراسیون و ایالت‌ها در مالیات بر ارزش افزوده باید مجدداً تعیین شود؛ تقلیل مالیات بر درآمد که طبق بند ۳ جمله ۵ در تعیین سهم مالیات بر ارزش افزوده محاسبه می‌شود، در این مورد لحاظ نخواهد شد. اگر توسط قانون فدرال مخارج اضافی بر ایالت‌ها تحمیل شود و یا آنها از درآمدی محروم گردند، می‌توان این بار مالی را بر اساس قانون فدرالی که به تأیید شورای فدرال نیاز دارد، توسط تخصیص کمک‌های مالی فدرال نیز جبران کرد، با این شرط که محدود به زمان کوتاهی باشد. در این قانون باید اصول محاسبه تخصیص مالی مزبور و توزیع آن بین ایالت‌ها تعیین شود.

(۵) بخش‌ها قسمتی از عواید مالیات بر درآمد را دریافت می‌کنند، این سهم توسط ایالت‌ها به بخش‌های آنها بر اساس مقدار پرداخت مالیات بر درآمد ساکنانشان تعیین می‌شود. تفصیل آن را قانون فدرالی که به تأیید شورای فدرال نیاز دارد، تعیین می‌کند. این قانون می‌تواند به بخش‌ها صلاحیت دهد تا ضریب مالیاتی را برای سهم خود تعیین کنند.

(۵ اف) از ۱ ژانویه سال ۱۹۹۸ بخش‌ها [نیز] از درآمد حاصل از مالیات بر ارزش افزوده سهمی دریافت می‌کنند. ایالت‌ها این سهم را براساس شاخص منطقه‌ای و اقتصادی به بخش‌هایشان منتقل می‌کنند. تفصیل آن را قانون فدرالی که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد، تعیین می‌کند.

X. Das Finanzwesen

(4) Die Anteile von Bund und Ländern an der Umsatzsteuer sind neu festzusetzen, wenn sich das Verhältnis zwischen den Einnahmen und Ausgaben des Bundes und der Länder wesentlich anders entwickelt; Steuermindereinnahmen, die nach Absatz 3 Satz 5 in die Festsetzung der Umsatzsteueranteile zusätzlich einbezogen werden, bleiben hierbei unberücksichtigt. Werden den Ländern durch Bundesgesetz zusätzliche Ausgaben auferlegt oder Einnahmen entzogen, so kann die Mehrbelastung durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, auch mit Finanzausweisungen des Bundes ausgeglichen werden, wenn sie auf einen kurzen Zeitraum begrenzt ist. In dem Gesetz sind die Grundsätze für die Bemessung dieser Finanzausweisungen und für ihre Verteilung auf die Länder zu bestimmen.

(5) Die Gemeinden erhalten einen Anteil an dem Aufkommen der Einkommensteuer, der von den Ländern an ihre Gemeinden auf der Grundlage der Einkommensteuerleistungen ihrer Einwohner weiterzuleiten ist. Das Nähere bestimmt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf. Es kann bestimmen, daß die Gemeinden Hebesätze für den Gemeindeanteil festsetzen.

(5a) Die Gemeinden erhalten ab dem 1. Januar 1998 einen Anteil an dem Aufkommen der Umsatzsteuer. Er wird von den Ländern auf der Grundlage eines orts- und wirtschaftsbezogenen Schlüssels an ihre Gemeinden weitergeleitet. Das Nähere wird durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, bestimmt.

(۶) درآمد حاصل از مالیات بر املاک و مستغلات و مالیات بر صنایع داخلی و تجاری به بخش‌ها، و درآمد حاصل از مالیات محلی بر مصرف و نگهداری به بخش‌ها و یا بر طبق قوانین ایالتی به اتحادیه‌های بخش‌ها تعلق می‌گیرد. بخش‌ها مختار هستند تا ضریب مالیات بر املاک و مستغلات و مالیات بر صنایع داخلی و تجاری را در چهارچوب قانون تعیین نمایند. اگر ایالتی فاقد بخش باشد، در این صورت درآمد حاصل از مالیات بر املاک و مستغلات و مالیات بر صنایع داخلی و همچنین درآمد حاصل از مالیات محلی بر مصرف و نگهداری به خود ایالت تعلق می‌گیرد. فدراسیون و ایالت‌ها می‌توانند از طریق تخصیص هزینه‌ها در درآمد حاصل از مالیات بر صنایع داخلی و تجاری شریک شوند. تفصیل این نوع تخصیص هزینه را قانون فدرالی که به تأیید شورای فدرال نیاز دارد تعیین می‌کند. مطابق با اصول قانونگذاری ایالتی، می‌توانند مالیات بر املاک و مستغلات و مالیات بر صنایع داخلی و تجاری و همچنین سهم بخش‌ها در درآمد حاصل از مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده به عنوان شاخصی برای محاسبه میزان تخصیص هزینه‌ها در نظر گرفته شوند.

(۷) از سهم ایالت‌ها از مجموع درآمد کلی حاصل از مالیات‌های مشترک (میان فدراسیون و ایالات) درصدی که میزان آن در قوانین ایالتی تعیین شده است، به بخش‌دارای‌ها و اتحادیه‌های بخش‌داری‌ها تعلق می‌گیرد. علاوه بر این، قوانین ایالتی تعیین می‌کنند که آیا و تا چه میزان بخش‌دارای‌ها (و اتحادیه‌های بخش‌داری‌ها) از درآمد حاصل از مالیات‌های ایالتی برخوردار می‌شوند.

(۸) اگر دولت فدرال در ایالت‌ها یا بخش‌ها (یا اتحادیه‌های بخش‌ها) تأسیسات ویژه‌ای ایجاد نماید که مستقیماً باعث افزایش هزینه و یا کاهش درآمد در آن ایالات یا بخش‌ها (یا بخش‌داری‌ها) شود (بار مالی اضافه)، دولت فدرال خود غرامت لازم را، چنانچه و تا جایی که خود ایالت‌ها یا بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) توان پرداخت این هزینه‌های خاص را نداشته باشند، تأمین می‌کند. هزینه‌های ناشی از جبران خسارت شخص ثالث و یا منافع مالی که به دلیل ایجاد این تأسیسات ویژه به ایالت‌ها یا بخش‌ها (یا اتحادیه‌های بخش‌ها) وارد می‌شود، باید در میزان غرامت مد نظر قرار گیرند.

X. Das Finanzwesen

(6) Das Aufkommen der Grundsteuer und Gewerbesteuer steht den Gemeinden, das Aufkommen der örtlichen Verbrauch- und Aufwandsteuern steht den Gemeinden oder nach Maßgabe der Landesgesetzgebung den Gemeindeverbänden zu. Den Gemeinden ist das Recht einzuräumen, die Hebesätze der Grundsteuer und Gewerbesteuer im Rahmen der Gesetze festzusetzen. Bestehen in einem Land keine Gemeinden, so steht das Aufkommen der Grundsteuer und Gewerbesteuer sowie der örtlichen Verbrauch- und Aufwandsteuern dem Land zu. Bund und Länder können durch eine Umlage an dem Aufkommen der Gewerbesteuer beteiligt werden. Das Nähere über die Umlage bestimmt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf. Nach Maßgabe der Landesgesetzgebung können die Grundsteuer und Gewerbesteuer sowie der Gemeindeanteil vom Aufkommen der Einkommensteuer und der Umsatzsteuer als Bemessungsgrundlagen für Umlagen zugrunde gelegt werden.

(7) Von dem Länderanteil am Gesamtaufkommen der Gemeinschaftsteuern fließt den Gemeinden und Gemeindeverbänden insgesamt ein von der Landesgesetzgebung zu bestimmender Hundertsatz zu. Im übrigen bestimmt die Landesgesetzgebung, ob und inwieweit das Aufkommen der Landessteuern den Gemeinden (Gemeindeverbänden) zufließt.

(8) Veranlaßt der Bund in einzelnen Ländern oder Gemeinden (Gemeindeverbänden) besondere Einrichtungen, die diesen Ländern oder Gemeinden (Gemeindeverbänden) unmittelbar Mehrausgaben oder Mindereinnahmen (Sonderbelastungen) verursachen, gewährt der Bund den erforderlichen Ausgleich, wenn und soweit den Ländern oder Gemeinden (Gemeindeverbänden) nicht zugemutet werden kann, die Sonderbelastungen zu tragen. Entschädigungsleistungen Dritter und finanzielle Vorteile, die diesen Ländern oder Gemeinden (Gemeindeverbänden) als Folge der Einrichtungen erwachsen, werden bei dem Ausgleich berücksichtigt.

(۹) در این اصل، درآمدها و هزینه‌های بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) به مثابه درآمدها و هزینه‌های ایالت‌ها تلقی شده‌اند.

اصل ۱۰۶ الف

از ۱ ژانویه سال ۱۹۹۶ بخشی از درآمدهای مالیاتی فدرال به ایالت‌ها برای حمل و نقل عمومی در مسافت‌های کوتاه تعلق می‌گیرد. تفصیل آن را قانون فدرال با موافقت شورای فدرال معین می‌کند. مبلغ مورد نظر در جمله ۱ در محاسبه ظرفیت مالی طبق اصل ۱۰۷ بند ۲ مد نظر قرار نمی‌گیرد.

اصل ۱۰۶ ب

از ۱ ژوئیه سال ۲۰۰۹، به دلیل انتقال مالیات بر وسائل نقلیه موتوری به فدراسیون، بخشی از درآمدهای مالیاتی فدرال در اختیار ایالت‌ها قرار می‌گیرد. تفصیل آن را قانون فدرالی که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد، معین می‌کند.

اصل ۱۰۷

(۱) عواید حاصل از مالیات‌های ایالتی و سهم ایالت‌ها از مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکت‌ها تا حدودی که این مالیات‌ها به وسیله نهادهای (مالیاتی) در داخل هر ایالتی وصول می‌شود (عایدات محلی)، به همان ایالت تعلق می‌گیرد. قانون فدرالی که مستلزم موافقت شورای فدرال است، باید برای مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر دستمزدها و راجع به تحدید و نحوه و میزان تخصیص عایدات محلی، مقررات مفصل‌تری را وضع نماید. این قانون می‌تواند مقرراتی را نیز راجع به تحدید و نحوه و میزان تخصیص عواید محلی حاصل از سایر مالیات‌ها وضع کند.

X. Das Finanzwesen

(9) Als Einnahmen und Ausgaben der Länder im Sinne dieses Artikels gelten auch die Einnahmen und Ausgaben der Gemeinden (Gemeindeverbände).

Art 106a

Den Ländern steht ab 1. Januar 1996 für den öffentlichen Personennahverkehr ein Betrag aus dem Steueraufkommen des Bundes zu. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf. Der Betrag nach Satz 1 bleibt bei der Bemessung der Finanzkraft nach Artikel 107 Abs. 2 unberücksichtigt.

Art 106b

Den Ländern steht ab dem 1. Juli 2009 infolge der Übertragung der Kraftfahrzeugsteuer auf den Bund ein Betrag aus dem Steueraufkommen des Bundes zu. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

Art 107

(1) Das Aufkommen der Landessteuern und der Länderanteil am Aufkommen der Einkommensteuer und der Körperschaftsteuer stehen den einzelnen Ländern insoweit zu, als die Steuern von den Finanzbehörden in ihrem Gebiet vereinnahmt werden (örtliches Aufkommen). Durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, sind für die Körperschaftsteuer und die Lohnsteuer nähere Bestimmungen über die Abgrenzung sowie über Art und Umfang der Zerlegung des örtlichen Aufkommens zu treffen. Das Gesetz kann auch Bestimmungen über die Abgrenzung und Zerlegung des örtlichen Aufkommens anderer Steuern treffen.

سهم ایالت‌ها از درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده در هر ایالتی متناسب با تعداد جمعیت تعیین می‌شود؛ بر اساس قانون فدرالی که مستلزم موافقت شورای فدرال است می‌توان برای ایالت‌هایی که عواید آنها از مالیات‌های ایالتی، از مالیات بر درآمد و از مالیات بر شرکت‌ها و طبق اصل ۱۰۶ ب نسبت به جمعیتشان (به طور سرانه)، پایین‌تر از میزان متوسط تمام ایالت‌ها قرار داشته باشد سهمی را به عنوان سهم مکمل، حداکثر تا یک چهارم سهم ایالت، پیش‌بینی کرد؛ در مورد مالیات بر خرید املاک و مستغلات، توانایی مالیاتی باید در نظر گرفته شود.

(۲) قانون باید تضمین نماید که میان توان مالی ایالت‌ها توازن منطقه‌ای برقرار شود؛ برای این منظور باید توان مالی و نیاز مالی بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) لحاظ گردد. شرایط لازم برای تقاضای ایجاد توازن در ایالت‌هایی که مستحق برقراری چنین توازن هستند و نیز شرایط لازم برای پرداخت هزینه‌های توازن در ایالت‌هایی که مسئولیت ایجاد توازن را دارند و همچنین مقیاس تعیین مقدار پرداخت‌ها برای ایجاد توازن، باید در قانون تصریح شود. قانون همچنین می‌تواند مقرر کند که فدراسیون تخصیص‌هایی را از طریق صندوق دارایی فدرال به ایالت‌هایی که از نظر مالی ضعیف هستند، به منظور تکمیل احتیاجات عمومی مالی آنها، (تخصیص‌های تکمیلی) ارائه دهد.

اصل ۱۰۸

(۱) امور گمرکی، انحصارات مالی، مالیات بر مصرف که تابع مقررات قانونگذاری فدرال است، از جمله مالیات بر ارزش افزوده و واردات، مالیات بر وسایط نقلیه موتوری و سایر مالیات حمل و نقل مربوط به وسایط نقلیه موتوری از ۱ ژوئیه سال ۲۰۰۹ و همچنین مالیات‌های مقرر در چهارچوب جوامع اروپا توسط نهادهای مالی فدرال اداره خواهند شد. ساختار این ادارات توسط قانون فدرال تنظیم می‌شود. چنانچه ادارات میانی تشکیل شده باشد، مدیران آنها پس از مشورت با دولت‌های ایالات مربوطه منصوب خواهند شد.

X. Das Finanzwesen

Der Länderanteil am Aufkommen der Umsatzsteuer steht den einzelnen Ländern nach Maßgabe ihrer Einwohnerzahl zu; für einen Teil, höchstens jedoch für ein Viertel dieses Länderanteils, können durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, Ergänzungsanteile für die Länder vorgesehen werden, deren Einnahmen aus den Landessteuern, aus der Einkommensteuer und der Körperschaftsteuer und nach Artikel 106b je Einwohner unter dem Durchschnitt der Länder liegen; bei der Grunderwerbsteuer ist die Steuerkraft einzubeziehen.

(2) Durch das Gesetz ist sicherzustellen, daß die unterschiedliche Finanzkraft der Länder angemessen ausgeglichen wird; hierbei sind die Finanzkraft und der Finanzbedarf der Gemeinden (Gemeindeverbände) zu berücksichtigen. Die Voraussetzungen für die Ausgleichsansprüche der ausgleichsberechtigten Länder und für die Ausgleichsverbindlichkeiten der ausgleichspflichtigen Länder sowie die Maßstäbe für die Höhe der Ausgleichsleistungen sind in dem Gesetz zu bestimmen. Es kann auch bestimmen, daß der Bund aus seinen Mitteln leistungsschwachen Ländern Zuweisungen zur ergänzenden Deckung ihres allgemeinen Finanzbedarfs (Ergänzungszuweisungen) gewährt.

Art 108

(1) Zölle, Finanzmonopole, die bundesgesetzlich geregelten Verbrauchsteuern einschließlich der Einfuhrumsatzsteuer, die Kraftfahrzeugsteuer und sonstige auf motorisierte Verkehrsmittel bezogene Verkehrsteuern ab dem 1. Juli 2009 sowie die Abgaben im Rahmen der Europäischen Gemeinschaften werden durch Bundesfinanzbehörden verwaltet. Der Aufbau dieser Behörden wird durch Bundesgesetz geregelt. Soweit Mittelbehörden eingerichtet sind, werden deren Leiter im Benehmen mit den Landesregierungen bestellt.

(۲) اداره سایر مالیات‌ها بر عهده مقامات مالی ایالتی‌ست. ساختار سازمانی این ادارات و آموزش یکسان مأموران را می‌توان توسط قانون فدرال با موافقت شورای فدرال تنظیم کرد. چنانچه ادارات میانی تشکیل شده باشند، مدیران این ادارات با موافقت دولت فدرال منصوب خواهند شد.

(۳) هر گاه ادارات مالی ایالتی، امور مالیات‌هایی را اداره کنند که کلاً یا قسمی به بودجه فدراسیون ریخته می‌شود، در آن صورت این ادارات به نمایندگی از دولت فدرال عمل می‌کنند. بندهای ۳ و ۴ اصل ۸۵ زمانی قابل اعمال است که دولت فدرال جایگزین وزیر امور مالی فدرال شود.

(۴) توسط قانون فدرالی که نیاز به توافق شورای فدرال دارد، می‌توان مقرر کرد که مدیریت مالیات‌ها با همکاری ادارات مالیاتی ایالت‌ها و فدراسیون، و مدیریت مالیات‌هایی که ذیل بند ۱ قرار می‌گیرند، توسط ادارات مالیاتی ایالت‌ها، و مدیریت مالیات‌های دیگر توسط ادارات مالیاتی فدراسیون، صورت گیرد، البته مشروط به آنکه و تا جایی که بدین وسیله اجرای قوانین مالیاتی به طور قابل توجهی بهبود یا سهولت یابد. مسئولیت مدیریت مالیات‌هایی که عوائد آنها تنها به بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) تعلق می‌گیرند، می‌تواند از عهده ادارات مالی ایالت‌ها سلب و کلاً و یا جزئیاً به بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) منتقل گردد.

(۵) روند اجرایی ادارات مالی فدرال را قانون فدرال معین می‌کند. روند اجرایی ادارات مالی ایالت‌ها و همچنین، در موارد بند ۴ جمله ۲، روند اجرایی بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) را می‌توان به وسیله قانون فدرال با موافقت شورای فدرال تنظیم کرد.

(۶) صلاحیت قضایی دادگاه‌های مالی را قانون فدرال به طور یکسان تعیین خواهد کرد.

(۷) دولت فدرال می‌تواند مقررات عمومی اداری را صادر نماید، این مقررات در مواردی که مدیریت اداری در اختیار مقامات مالی ایالت‌ها یا بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) قرار دارد به تأیید شورای فدرال نیازمند است.

X. Das Finanzwesen

(2) Die übrigen Steuern werden durch Landesfinanzbehörden verwaltet. Der Aufbau dieser Behörden und die einheitliche Ausbildung der Beamten können durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates geregelt werden. Soweit Mittelbehörden eingerichtet sind, werden deren Leiter im Einvernehmen mit der Bundesregierung bestellt.

(3) Verwalten die Landesfinanzbehörden Steuern, die ganz oder zum Teil dem Bund zufließen, so werden sie im Auftrage des Bundes tätig. Artikel 85 Abs. 3 und 4 gilt mit der Maßgabe, daß an die Stelle der Bundesregierung der Bundesminister der Finanzen tritt.

(4) Durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, kann bei der Verwaltung von Steuern ein Zusammenwirken von Bundes- und Landesfinanzbehörden sowie für Steuern, die unter Absatz 1 fallen, die Verwaltung durch Landesfinanzbehörden und für andere Steuern die Verwaltung durch Bundesfinanzbehörden vorgesehen werden, wenn und soweit dadurch der Vollzug der Steuergesetze erheblich verbessert oder erleichtert wird. Für die den Gemeinden (Gemeindeverbänden) allein zufließenden Steuern kann die den Landesfinanzbehörden zustehende Verwaltung durch die Länder ganz oder zum Teil den Gemeinden (Gemeindeverbänden) übertragen werden.

(5) Das von den Bundesfinanzbehörden anzuwendende Verfahren wird durch Bundesgesetz geregelt. Das von den Landesfinanzbehörden und in den Fällen des Absatzes 4 Satz 2 von den Gemeinden (Gemeindeverbänden) anzuwendende Verfahren kann durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates geregelt werden.

(6) Die Finanzgerichtsbarkeit wird durch Bundesgesetz einheitlich geregelt.

(7) Die Bundesregierung kann allgemeine Verwaltungsvorschriften erlassen, und zwar mit Zustimmung des Bundesrates, soweit die Verwaltung den Landesfinanzbehörden oder Gemeinden (Gemeindeverbänden) obliegt.

اصل ۱۰۹

(۱) دولت فدرال و ایالت‌ها دارای مدیریت بودجه مستقل و جداگانه هستند.

(۲) دولت فدرال و ایالت‌ها به طور مشترک تعهدات جمهوری فدرال آلمان را که ناشی از معاهدات جامعه اروپا بر اساس ماده ۱۰۴ پیمان تأسیس جامعه اروپا راجع به رعایت نظم و انضباط بودجه است، به عهده می‌گیرند، و در این راستا از الزامات تعادل و توازن اقتصاد کلان پیروی می‌کنند.

(۳) بودجه دولت فدرال و ایالت‌ها اساساً باید بدون استفاده از اعتبارات، متوازن گردد. دولت فدرال و ایالت‌ها می‌توانند با در نظر گرفتن تغییرات صعودی یا رکودی منظم، در حالاتی که جریان چرخه اقتصادی از روند معمول خارج می‌شود، مقرراتی را وضع نمایند و یا برای مواجهه با بلایای طبیعی و یا شرایط ویژه اضطراری که فراتر از کنترل دولت هستند و بر وضعیت مالی دولت تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارند، مقرراتی استثنائی تصویب نمایند. برای این استثنائات باید مقرراتی مناسب جهت بازپرداخت پیش‌بینی گردد. جزئیات دقیق‌تر بودجه فدرال مطابق با اصل ۱۱۵ تنظیم می‌شود، با این شرط که اگر درآمدهای حاصل از اعتبارات بیشتر از ۰٫۳۵ درصد تولید جزئی ناخالص داخلی نباشد، جمله ۱ رعایت گردد. ایالت‌ها، جزئیات دقیق‌تر بودجه‌های خود را در چهارچوب صلاحیت قانون اساسی خود مقرر می‌کنند، با این شرط که شرایط جمله ۱ صرفاً زمانی رعایت شود که هیچ درآمد حاصله‌ای از اعتبارات پذیرفته نباشد.

(۴) توسط قانون فدرال که نیاز به موافقت شورای فدرال دارد می‌توان اصول قابل اجرای مشترکی را میان فدراسیون و ایالت‌ها برای قانون بودجه، برای مدیریت بودجه متناسب با الگوهای اقتصادی و برای یک برنامه مالی چند ساله، وضع نمود.

X. Das Finanzwesen

Art 109

(1) Bund und Länder sind in ihrer Haushaltswirtschaft selbständig und voneinander unabhängig.

(2) Bund und Länder erfüllen gemeinsam die Verpflichtungen der Bundesrepublik Deutschland aus Rechtsakten der Europäischen Gemeinschaft auf Grund des Artikels 104 des Vertrags zur Gründung der Europäischen Gemeinschaft zur Einhaltung der Haushaltsdisziplin und tragen in diesem Rahmen den Erfordernissen des gesamtwirtschaftlichen Gleichgewichts Rechnung.

(3) Die Haushalte von Bund und Ländern sind grundsätzlich ohne Einnahmen aus Krediten auszugleichen. Bund und Länder können Regelungen zur im Auf- und Abschwung symmetrischen Berücksichtigung der Auswirkungen einer von der Normallage abweichenden konjunkturellen Entwicklung sowie eine Ausnahmeregelung für Naturkatastrophen oder außergewöhnliche Notsituationen, die sich der Kontrolle des Staates entziehen und die staatliche Finanzlage erheblich beeinträchtigen, vorsehen. Für die Ausnahmeregelung ist eine entsprechende Tilgungsregelung vorzusehen. Die nähere Ausgestaltung regelt für den Haushalt des Bundes Artikel 115 mit der Maßgabe, dass Satz 1 entsprochen ist, wenn die Einnahmen aus Krediten 0,35 vom Hundert im Verhältnis zum nominalen Bruttoinlandsprodukt nicht überschreiten. Die nähere Ausgestaltung für die Haushalte der Länder regeln diese im Rahmen ihrer verfassungsrechtlichen Kompetenzen mit der Maßgabe, dass Satz 1 nur dann entsprochen ist, wenn keine Einnahmen aus Krediten zugelassen werden.

(4) Durch Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, können für Bund und Länder gemeinsam geltende Grundsätze für das Haushaltsrecht, für eine konjunkturgerechte Haushaltswirtschaft und für eine mehrjährige Finanzplanung aufgestellt werden.

(۵) سهم فدراسیون و ایالت‌ها در تحریم‌ها و ضمانت‌های اجرائی وضع شده از طرف جامعه اروپا در رابطه با مفاد ماده ۱۰۴ پیمان تأسیس جامعه اروپا درباره رعایت نظم و انضباط بودجه، به نسبت ۶۵ به ۳۵ درصد است. مجموع ایالت‌ها متفقاً ۳۵ درصد بار منتسب به ایالت‌ها را با توجه به جمعیت خود به عهده می‌گیرند، ۶۵ درصد باقیمانده بار منتسب به ایالت‌ها، به دوش ایالت‌ها با توجه به سهم‌شان در نقض مقررات گذاشته می‌شود. تفصیل آن را قانون فدرالی که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد، معین می‌کند.

اصل ۱۰۹ الف

برای جلوگیری از فوریت‌های پیش‌بینی نشده در برنامه بودجه، قانون فدرالی که نیاز به موافقت شورای فدرال دارد، موارد ذیل را تنظیم خواهد کرد:

۱. نظارت مستمر بر پیاده‌سازی برنامه بودجه فدراسیون و ایالت‌ها توسط نهاد مشترک (شورای ثبات دهنده)،

۲. شرایط و روندی که برای تشخیص خطر وضعیت اضطراری بودجه لازم است،

۳. اصول استقرار و پیاده‌سازی برنامه‌های اصلاحی برای جلوگیری از بروز وضعیت اضطراری در بودجه.

تصمیم‌های شورای ثبات دهنده و اسناد مشورتی آنها باید منتشر شوند.

X. Das Finanzwesen

(5) Sanktionsmaßnahmen der Europäischen Gemeinschaft im Zusammenhang mit den Bestimmungen in Artikel 104 des Vertrags zur Gründung der Europäischen Gemeinschaft zur Einhaltung der Haushaltsdisziplin tragen Bund und Länder im Verhältnis 65 zu 35. Die Ländergesamtheit trägt solidarisch 35 vom Hundert der auf die Länder entfallenden Lasten entsprechend ihrer Einwohnerzahl; 65 vom Hundert der auf die Länder entfallenden Lasten tragen die Länder entsprechend ihrem Verursachungsbeitrag. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

Art 109a

Zur Vermeidung von Haushaltsnotlagen regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf, 1.

die fortlaufende Überwachung der Haushaltswirtschaft von Bund und Ländern durch ein gemeinsames Gremium (Stabilitätsrat),

2. die Voraussetzungen und das Verfahren zur Feststellung einer drohenden Haushaltsnotlage,

3. die Grundsätze zur Aufstellung und Durchführung von Sanierungsprogrammen zur Vermeidung von Haushaltsnotlagen.

Die Beschlüsse des Stabilitätsrats und die zugrunde liegenden Beratungsunterlagen sind zu veröffentlichen.

اصل ۱۱۰

(۱) تمام عواید و مخارج دولت فدرال باید در برنامه بودجه ذکر گردد؛ در مورد شرکت‌های فدرال و صندوق‌های دارایی ویژه صرفاً باید وجوه واریز شده به و یا برداشت شده از آنها، قید شوند. عواید و مخارج در برنامه بودجه باید متوازن باشند.

(۲) برنامه بودجه برای یک یا چند سال مالی، هر سالی به‌طور جداگانه، توسط قانون برنامه بودجه، قبل از شروع اولین سال مالی تدوین می‌شود. قانون می‌تواند پیش‌بینی نماید که قسمت‌های مختلفی از برنامه بودجه در محدوده‌های زمانی متفاوت و برای سال‌های مالی جداگانه، قابل اجرا باشد.

(۳) لوایح قانونی موضوع بند ۲ جمله ۱ و همچنین لوایح اصلاح برنامه بودجه و قانون آن، باید همزمان با ارائه آنها به شورای فدرال به مجلس فدرال نیز ارسال شوند؛ شورای فدرال می‌تواند ظرف شش هفته و در مورد لوایح اصلاحی، ظرف سه هفته نظرش را ابراز نماید.

(۴) در قانون بودجه تنها می‌توان مقرراتی را درج نمود که راجع به درآمدها و هزینه‌های دولت فدرال باشد و به دوره زمانی محدود شود که قانون بودجه برای آن تدوین شده است. قانون بودجه می‌تواند پیش‌بینی کند که مقررات مذکور تنها با وضع و اعلام قانون بودجه بعدی و یا در صورت کسب اختیار مبنی بر اصل ۱۱۵، دیرتر از موعد، از اعتبار ساقط شود.

Art 110

(1) Alle Einnahmen und Ausgaben des Bundes sind in den Haushaltsplan einzustellen; bei Bundesbetrieben und bei Sondervermögen brauchen nur die Zuführungen oder die Ablieferungen eingestellt zu werden. Der Haushaltsplan ist in Einnahme und Ausgabe auszugleichen.

(2) Der Haushaltsplan wird für ein oder mehrere Rechnungsjahre, nach Jahren getrennt, vor Beginn des ersten Rechnungsjahres durch das Haushaltsgesetz festgestellt. Für Teile des Haushaltsplanes kann vorgesehen werden, daß sie für unterschiedliche Zeiträume, nach Rechnungsjahren getrennt, gelten.

(3) Die Gesetzesvorlage nach Absatz 2 Satz 1 sowie Vorlagen zur Änderung des Haushaltsgesetzes und des Haushaltsplanes werden gleichzeitig mit der Zuleitung an den Bundesrat beim Bundestage eingebracht; der Bundesrat ist berechtigt, innerhalb von sechs Wochen, bei Änderungsvorlagen innerhalb von drei Wochen, zu den Vorlagen Stellung zu nehmen.

(4) In das Haushaltsgesetz dürfen nur Vorschriften aufgenommen werden, die sich auf die Einnahmen und die Ausgaben des Bundes und auf den Zeitraum beziehen, für den das Haushaltsgesetz beschlossen wird. Das Haushaltsgesetz kann vorschreiben, daß die Vorschriften erst mit der Verkündung des nächsten Haushaltsgesetzes oder bei Ermächtigung nach Artikel 115 zu einem späteren Zeitpunkt außer Kraft treten.

اصل ۱۱۱

(۱) هرگاه تا پایان سال مالی برنامه بودجه سال آینده توسط قانون تعیین نشده باشد، در آن صورت دولت فدرال می‌تواند تا لازم‌الاجرا شدن چنین قانونی، تمام هزینه‌های ضروری ذیل را پرداخت کند:

(الف) برای حفظ مؤسسات قانونی و اجرای تدابیری که به موجب قانون مقرر شده‌اند،

(ب) برای انجام تعهدات دولت فدرال که مبنای قانونی دارند،

(پ) برای تعقیب پروژه‌های ساختمانی و تدارکاتی و سایر خدمات یا ادامه پرداخت کمک‌ها به این منظور، مشروط بر اینکه پرداخت مبالغ در برنامه بودجه سال قبل تصویب شده باشد.

(۲) هرگاه درآمد حاصل از مالیات‌هایی که در قانون خاصی مقرر شده‌اند، عوارض یا سایر منابع و یا سود سرمایه‌های ذخیره شده (در حال گردش)، کفاف مخارج مذکور در بند ۱ را ننماید، دولت فدرال می‌تواند وجوهی را که برای حفظ و تداوم مدیریت اقتصادی ضروری‌ست، تا حداکثر یک چهارم مبلغ نهایی برنامه بودجه سال گذشته، قرض بگیرد.

اصل ۱۱۲

هزینه‌های بیشتر و یا خارج از برنامه بودجه، به تأیید وزیر مالیه فدرال نیاز دارند. این موافقت تنها می‌تواند در مورد نیازهای غیرمنتظره و اجتناب‌ناپذیر صادر شود. تفصیل آن را قانون فدرال معین می‌کند.

X. Das Finanzwesen

Art 111

(1) Ist bis zum Schluß eines Rechnungsjahres der Haushaltsplan für das folgende Jahr nicht durch Gesetz festgestellt, so ist bis zu seinem Inkrafttreten die Bundesregierung ermächtigt, alle Ausgaben zu leisten, die nötig sind,

a) um gesetzlich bestehende Einrichtungen zu erhalten und gesetzlich beschlossene Maßnahmen durchzuführen,

b) um die rechtlich begründeten Verpflichtungen des Bundes zu erfüllen,

c) um Bauten, Beschaffungen und sonstige Leistungen fortzusetzen oder Beihilfen für diese Zwecke weiter zu gewähren, sofern durch den Haushaltsplan eines Vorjahres bereits Beträge bewilligt worden sind.

(2) Soweit nicht auf besonderem Gesetze beruhende Einnahmen aus Steuern, Abgaben und sonstigen Quellen oder die Betriebsmittlrücklage die Ausgaben unter Absatz 1 decken, darf die Bundesregierung die zur Aufrechterhaltung der Wirtschaftsführung erforderlichen Mittel bis zur Höhe eines Viertels der Endsumme des abgelaufenen Haushaltsplanes im Wege des Kredits flüssig machen.

Art 112

Überplanmäßige und außerplanmäßige Ausgaben bedürfen der Zustimmung des Bundesministers der Finanzen. Sie darf nur im Falle eines unvorhergesehenen und unabweisbaren Bedürfnisses erteilt werden. Näheres kann durch Bundesgesetz bestimmt werden.

اصل ۱۱۳

(۱) قوانینی که بر هزینه‌های پیشنهادی دولت فدرال در برنامه بودجه بی‌افزایند یا هزینه‌های تازه‌ای دربرداشته باشند یا در آینده موجب آن شوند، به موافقت دولت فدرال نیاز دارند. این امر در مورد قوانینی که شامل کاهش درآمد هستند و یا در آینده منجر به چنین کاهشی می‌شوند، نیز صدق می‌کند. دولت فدرال می‌تواند تقاضا نماید که مجلس فدرال تصمیم‌گیری در مورد چنین قوانینی را به تعویق بی‌اندازد. در این صورت دولت فدرال باید ظرف شش هفته نظر خود را به مجلس فدرال اعلام نماید.

(۲) دولت فدرال می‌تواند ظرف چهار هفته پس از آنکه مجلس فدرال چنین قانونی را تصویب کرد، از مجلس فدرال تقاضای تجدید نظر بنماید.

(۳) اگر قانونی طبق اصل ۷۸ تصویب شده باشد، دولت فدرال تنها می‌تواند ظرف شش هفته و صرفاً در صورتی آن را رد کند که رویه مذکور در بند ۱، جمله ۳ و ۴ و یا بند ۲ را پیش‌گرفته باشد. پس از ختم این مهلت، موافقت دولت فدرال اعلام شده تلقی می‌گردد.

اصل ۱۱۴

(۱) وزیر مالیه فدرال باید جهت رفع مسئولیت دولت فدرال، در مورد تمام درآمدها و هزینه‌ها و همچنین در مورد دارایی‌ها و بدهی‌های دولت در جریان سال مالی آینده به مجلس فدرال و شورای فدرال صورت‌حساب ارائه دهد.

X. Das Finanzwesen

Art 113

(1) Gesetze, welche die von der Bundesregierung vorgeschlagenen Ausgaben des Haushaltsplanes erhöhen oder neue Ausgaben in sich schließen oder für die Zukunft mit sich bringen, bedürfen der Zustimmung der Bundesregierung. Das gleiche gilt für Gesetze, die Einnahmeminderungen in sich schließen oder für die Zukunft mit sich bringen. Die Bundesregierung kann verlangen, daß der Bundestag die Beschlußfassung über solche Gesetze aussetzt. In diesem Fall hat die Bundesregierung innerhalb von sechs Wochen dem Bundestage eine Stellungnahme zuzuleiten.

(2) Die Bundesregierung kann innerhalb von vier Wochen, nachdem der Bundestag das Gesetz beschlossen hat, verlangen, daß der Bundestag erneut Beschluß faßt.

(3) Ist das Gesetz nach Artikel 78 zustande gekommen, kann die Bundesregierung ihre Zustimmung nur innerhalb von sechs Wochen und nur dann versagen, wenn sie vorher das Verfahren nach Absatz 1 Satz 3 und 4 oder nach Absatz 2 eingeleitet hat. Nach Ablauf dieser Frist gilt die Zustimmung als erteilt.

Art 114

(1) Der Bundesminister der Finanzen hat dem Bundestage und dem Bundesrate über alle Einnahmen und Ausgaben sowie über das Vermögen und die Schulden im Laufe des nächsten Rechnungsjahres zur Entlastung der Bundesregierung Rechnung zu legen.

(۲) دیوان محاسبات فدرال که اعضاء آن دارای استقلال قضایی هستند، صورت حساب مزبور و نیز متوازن و به صرفه بودن مدیریت بودجه و مدیریت اقتصادی را بررسی می کند. این دیوان باید هر ساله علاوه بر دولت فدرال، مستقیماً به مجلس فدرال و شورای فدرال نیز گزارش دهد. افزون بر این، صلاحیت های دیوان محاسبات فدرال توسط قانون فدرال تنظیم می گردد.

اصل ۱۱۵

(۱) دریافت قرض و یا قبول ضمان، تعهدات و یا سایر تضمیناتی که می توانند موجب افزایش مخارج در سال های مالی پیش رو شوند، نیازمند مجوز قانون فدرالی هستند که میزان مبالغ مذکور را مشخصاً قید و یا به شکل قابل محاسبه، ذکر کرده باشد.

(۲) درآمدها و هزینه ها اصولاً باید بدون استفاده از درآمدهای حاصل از اعتبارات متوازن شوند. این اصل رعایت شده است چنانچه درآمد حاصل از اعتبارات بیشتر از ۰٫۳۵ درصد تولید جزئی ناخالص داخلی نباشد. به علاوه باید تأثیرات حرکت غیر عادی چرخه اقتصادی را بر بودجه در دوران رکود و رونق آن، به شکل متقارن (سیمتریکی) مورد توجه قرار داد. میزان انحراف استقراض های واقعی از بالاترین میزان مجاز مورد اشاره در جمله های ۱ الی ۳، در یک حساب کنترل ثبت می شود؛ بدهی هایی را که از مرز ۱٫۵ درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی تجاوز کنند، باید با چرخه اقتصادی تقلیل داد. تفصیل آن، به خصوص تسویه درآمدها و هزینه ها از طریق معاملات مالی و روش محاسبه بالاترین سطح مجاز استقراض خالص سالانه با توجه به چرخه اقتصادی بر اساس یک روند تسویه چرخه اقتصادی و همچنین کنترل و توازن در تفاوت میان استقراض واقعی و مرز تعیین شده، توسط قانون فدرال تعیین می شود. در موارد مواجهه با بلایای طبیعی و یا شرائط اضطراری فوق العاده که فراتر از کنترل دولت هستند و بر وضعیت مالی دولت تأثیر قابل ملاحظه ای می گذارند، می توان به موجب تصمیم اکثریت اعضاء مجلس فدرال، از این مرز مجاز برای اخذ اعتبارات فراتر رفت. یک جدول بازپرداخت اقساط باید به تصمیم مجلس ضمیمه گردد. بازپرداخت اقراض مورد اشاره در جمله ۶ باید در یک محدوده زمانی مناسب انجام گیرد.

X. Das Finanzwesen

(2) Der Bundesrechnungshof, dessen Mitglieder richterliche Unabhängigkeit besitzen, prüft die Rechnung sowie die Wirtschaftlichkeit und Ordnungsmäßigkeit der Haushalts- und Wirtschaftsführung. Er hat außer der Bundesregierung unmittelbar dem Bundestage und dem Bundesrate jährlich zu berichten. Im übrigen werden die Befugnisse des Bundesrechnungshofes durch Bundesgesetz geregelt.

Art 115

(1) Die Aufnahme von Krediten sowie die Übernahme von Bürgschaften, Garantien oder sonstigen Gewährleistungen, die zu Ausgaben in künftigen Rechnungsjahren führen können, bedürfen einer der Höhe nach bestimmten oder bestimmbaren Ermächtigung durch Bundesgesetz.

(2) Einnahmen und Ausgaben sind grundsätzlich ohne Einnahmen aus Krediten auszugleichen. Diesem Grundsatz ist entsprochen, wenn die Einnahmen aus Krediten 0,35 vom Hundert im Verhältnis zum nominalen Bruttoinlandsprodukt nicht überschreiten. Zusätzlich sind bei einer von der Normallage abweichenden konjunkturellen Entwicklung die Auswirkungen auf den Haushalt im Auf- und Abschwung symmetrisch zu berücksichtigen. Abweichungen der tatsächlichen Kreditaufnahme von der nach den Sätzen 1 bis 3 zulässigen Kreditobergrenze werden auf einem Kontrollkonto erfasst; Belastungen, die den Schwellenwert von 1,5 vom Hundert im Verhältnis zum nominalen Bruttoinlandsprodukt überschreiten, sind konjunkturgerecht zurückzuführen. Näheres, insbesondere die Bereinigung der Einnahmen und Ausgaben um finanzielle Transaktionen und das Verfahren zur Berechnung der Obergrenze der jährlichen Nettokreditaufnahme unter Berücksichtigung der konjunkturellen Entwicklung auf der Grundlage eines Konjunkturbereinigungsverfahrens sowie die Kontrolle und den Ausgleich von Abweichungen der tatsächlichen Kreditaufnahme von der Regelgrenze, regelt ein Bundesgesetz.

در موارد مواجهه با بلایای طبیعی و یا شرائط اضطراری فوق العاده که فراتر از کنترل دولت هستند و بر وضعیت مالی دولت تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارند، می‌توان به‌موجب تصمیم اکثریت اعضاء مجلس فدرال، از این مرز مجاز برای اخذ اعتبارات فراتر رفت. یک جدول بازپرداخت اقساط باید به تصمیم مجلس ضمیمه گردد. بازپرداخت اقراض مورد اشاره در جمله ۶ باید در یک محدوده زمانی مناسب انجام گیرد.

فصل دهم الف: وضعیت دفاعی

اصل ۱۱۵ الف

(۱) تشخیص این که قلمرو فدرال مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است و یا خطر فوری چنین حمله‌ای وجود دارد، با مجلس فدرال است که باید به تأیید شورای فدرال برسد. این تشخیص به درخواست دولت فدرال صورت می‌گیرد و به اکثریت دو سوم آراء اخذ شده و حداقل اکثریت اعضاء مجلس فدرال نیاز دارد.

(۲) اگر شرایط موجود الزاماً اقدامی فوری را اقتضاء کند ولی برای نشست به موقع مجلس فدرال موانع غیر قابل حلی وجود داشته باشد و یا مجلس فدرال به حد نصاب نرسد، در این صورت تشخیص این امر به عهده کمیته مشترک با اکثریت دو سوم آراء مأخوذه و حداقل اکثریت اعضاء کمیته خواهد بود.

(۳) تشخیص مزبور از طرف رئیس‌جمهور فدرال طبق اصل ۸۲ در روزنامه رسمی فدرال اعلام می‌گردد. اگر انجام این امر به موقع ممکن نباشد، باید اعلام از طریق دیگر صورت گیرد؛ اعلام در روزنامه رسمی فدرال باید متعاقباً در اولین فرصت به عمل آید.

X. Das Finanzwesen/ Xa. Verteidigungsfall

Im Falle von Naturkatastrophen oder außergewöhnlichen Notsituationen, die sich der Kontrolle des Staates entziehen und die staatliche Finanzlage erheblich beeinträchtigen, können diese Kreditobergrenzen auf Grund eines Beschlusses der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages überschritten werden. Der Beschluss ist mit einem Tilgungsplan zu verbinden. Die Rückführung der nach Satz 6 aufgenommenen Kredite hat binnen eines angemessenen Zeitraumes zu erfolgen.

X a. Verteidigungsfall

Art 115a

(1) Die Feststellung, daß das Bundesgebiet mit Waffengewalt angegriffen wird oder ein solcher Angriff unmittelbar droht (Verteidigungsfall), trifft der Bundestag mit Zustimmung des Bundesrates. Die Feststellung erfolgt auf Antrag der Bundesregierung und bedarf einer Mehrheit von zwei Dritteln der abgegebenen Stimmen, mindestens der Mehrheit der Mitglieder des Bundestages.

(2) Erfordert die Lage unabweisbar ein sofortiges Handeln und stehen einem rechtzeitigen Zusammentritt des Bundestages unüberwindliche Hindernisse entgegen oder ist er nicht beschlußfähig, so trifft der Gemeinsame Ausschuß diese Feststellung mit einer Mehrheit von zwei Dritteln der abgegebenen Stimmen, mindestens der Mehrheit seiner Mitglieder.

(3) Die Feststellung wird vom Bundespräsidenten gemäß Artikel 82 im Bundesgesetzblatte verkündet. Ist dies nicht rechtzeitig möglich, so erfolgt die Verkündung in anderer Weise; sie ist im Bundesgesetzblatte nachzuholen, sobald die Umstände es zulassen.

(۴) اگر قلمرو فدرال مورد حمله مسلحانه قرار گیرد و ارگان‌های ذی‌صلاح فدرال نتوانند فوراً مطابق بند ۱ جمله ۱ تشخیص وضعیت دفاعی را اعلام نمایند، در این صورت تشخیص این وضعیت از زمان آغاز حمله تأیید و اعلام شده تلقی می‌گردد. رئیس‌جمهور زمان آن را در اولین فرصت ممکن اعلام می‌نماید.

(۵) اگر تشخیص وجود وضعیت دفاعی رسماً اعلام شود و قلمرو فدرال مورد حمله مسلحانه قرار گیرد، رئیس‌جمهور فدرال می‌تواند براساس حقوق بین‌الملل، اعلامیه‌هایی را راجع به وجود وضعیت دفاعی با موافقت مجلس فدرال صادر نماید. در شرایط بند ۲ کمیته مشترک جایگزین مجلس فدرال می‌شود.

اصل ۱۱۵ ب

با اعلام رسمی وضعیت دفاعی، صلاحیت دستور و فرماندهی نیروهای مسلح به صدراعظم منتقل می‌شود.

اصل ۱۱۵ پ

(۱) دولت فدرال در وضعیت دفاعی، حتی در موضوعاتی که در صلاحیت قانون‌گذاری ایالت هاست، دارای صلاحیت قانون‌گذاری غیرانحصاری [صلاحیت رغابتی] است. این قوانین مستلزم موافقت شورای فدرال هستند.

(۲) تا جایی که شرایط موجود در وضعیت دفاعی ایجاب کنند، می‌توان در حالت دفاع به وسیله قانون فدرال :

۱. جبران خسارت اموالی را که مغایر با اصل ۱۴ بند ۳ جمله ۲ مصادره شده‌اند، موقتاً تعیین کرد،

Xa. Verteidigungsfall

(4) Wird das Bundesgebiet mit Waffengewalt angegriffen und sind die zuständigen Bundesorgane außerstande, sofort die Feststellung nach Absatz 1 Satz 1 zu treffen, so gilt diese Feststellung als getroffen und als zu dem Zeitpunkt verkündet, in dem der Angriff begonnen hat. Der Bundespräsident gibt diesen Zeitpunkt bekannt, sobald die Umstände es zulassen.

(5) Ist die Feststellung des Verteidigungsfalles verkündet und wird das Bundesgebiet mit Waffengewalt angegriffen, so kann der Bundespräsident völkerrechtliche Erklärungen über das Bestehen des Verteidigungsfalles mit Zustimmung des Bundestages abgeben. Unter den Voraussetzungen des Absatzes 2 tritt an die Stelle des Bundestages der Gemeinsame Ausschuß.

Art 115b

Mit der Verkündung des Verteidigungsfalles geht die Befehls- und Kommandogewalt über die Streitkräfte auf den Bundeskanzler über.

Art 115c

(1) Der Bund hat für den Verteidigungsfall das Recht der konkurrierenden Gesetzgebung auch auf den Sachgebieten, die zur Gesetzgebungszuständigkeit der Länder gehören. Diese Gesetze bedürfen der Zustimmung des Bundesrates.

(2) Soweit es die Verhältnisse während des Verteidigungsfalles erfordern, kann durch Bundesgesetz für den Verteidigungsfall

1. bei Enteignungen abweichend von Artikel 14 Abs. 3 Satz 2 die Entschädigung vorläufig geregelt werden,

۲. برای بازداشت موقت مدتی را مغایر با مهلت ذکر شده در اصل ۱۰۴ بند ۲ جمله ۳ و بند ۳ جمله ۱، که البته بیشتر از چهار روز نباشد، تعیین نمود ولی تنها در مواردی که هیچ قاضی نتواند در مهلتی که برای شرایط عادی پیش‌بینی شده است، اقدامی انجام دهد.

(۳) هرگاه برای دفع حمله در حال وقوع یا تهدید حمله قریب‌الوقوع لازم به نظر آید، می‌توان توسط قانون فدرال با موافقت شورای فدرال، ادارات و نظام مالی فدراسیون و ایالت‌ها را در وضعیت دفاعی مغایر با مفاد فصل هشتم، هشتم الف و دهم مدیریت کرد، مشروط بر اینکه شرایط حیاتی ایالت‌ها، بخش‌ها و اتحادیه‌های بخش‌ها، به خصوص از نظر مالی، تضمین گردد.

(۴) قوانین فدرال موضوع بندهای ۱ و ۲ شماره ۱ می‌توانند جهت فراهم کردن شرایط اجرایی لازم، حتی قبل از وقوع وضعیت دفاعی اعمال شوند.

اصل ۱۱۵ ت

(۱) در خصوص قانونگذاری انحصاری فدرال در وضعیت دفاعی، متفاوت با اصل ۷۶ بند ۲، اصل ۷۷ بند ۱ جمله ۲ و بند ۲ الی ۴، اصل ۷۸، اصل ۸۲ بند ۱، مقررات بندهای ۲ و ۳ اجرا می‌شوند.

(۲) لوایح دولت فدرال که از طرف خود دولت به عنوان لوایح فوری توصیف شده‌اند، باید همزمان با ارائه به مجلس فدرال، به شورای فدرال نیز ارسال شوند. مجلس فدرال و شورای فدرال بلافاصله به طور مشترک این لوایح را بررسی می‌نمایند. هر گاه برای تصویب قانونی موافقت شورای فدرال لازم باشد، کسب اکثریت آراء این شورا برای وضع این قانون الزامی‌ست. تفصیل آن را آئین‌نامه‌ای تنظیم می‌کند که توسط مجلس فدرال تصویب شده و شورای فدرال آن را تأیید کرده باشد.

Xa. Verteidigungsfall

2. für Freiheitsentziehungen eine von Artikel 104 Abs. 2 Satz 3 und Abs. 3 Satz 1 abweichende Frist, höchstens jedoch eine solche von vier Tagen, für den Fall festgesetzt werden, daß ein Richter nicht innerhalb der für Normalzeiten geltenden Frist tätig werden konnte.

(3) Soweit es zur Abwehr eines gegenwärtigen oder unmittelbar drohenden Angriffs erforderlich ist, kann für den Verteidigungsfall durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates die Verwaltung und das Finanzwesen des Bundes und der Länder abweichend von den Abschnitten VIII, VIIIa und X geregelt werden, wobei die Lebensfähigkeit der Länder, Gemeinden und Gemeindeverbände, insbesondere auch in finanzieller Hinsicht, zu wahren ist.

(4) Bundesgesetze nach den Absätzen 1 und 2 Nr. 1 dürfen zur Vorbereitung ihres Vollzuges schon vor Eintritt des Verteidigungsfalles angewandt werden.

Art 115d

(1) Für die Gesetzgebung des Bundes gilt im Verteidigungsfalle abweichend von Artikel 76 Abs. 2, Artikel 77 Abs. 1 Satz 2 und Abs. 2 bis 4, Artikel 78 und Artikel 82 Abs. 1 die Regelung der Absätze 2 und 3.

(2) Gesetzesvorlagen der Bundesregierung, die sie als dringlich bezeichnet, sind gleichzeitig mit der Einbringung beim Bundestage dem Bundesrate zuzuleiten. Bundestag und Bundesrat beraten diese Vorlagen unverzüglich gemeinsam. Soweit zu einem Gesetze die Zustimmung des Bundesrates erforderlich ist, bedarf es zum Zustandekommen des Gesetzes der Zustimmung der Mehrheit seiner Stimmen. Das Nähere regelt eine Geschäftsordnung, die vom Bundestage beschlossen wird und der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

(۳) برای اعلام رسمی و انتشار این قوانین، اصل ۱۱۵ الف بند ۳ جمله ۲ به نحو مقتضی اعمال می‌شود.

اصل ۱۱۵ ث

(۱) هرگاه در وضعیت دفاعی کمیته مشترک با اکثریت دو سوم آراء اخذ شده و حداقل با اکثریت اعضاء خود تشخیص دهد که برای تشکیل به موقع جلسه مجلس فدرال موانع غیر قابل عبوری وجود دارند یا این که مجلس فدرال به حد نصاب نمی‌رسد، کمیته مشترک، جایگزین مجلس فدرال و شورای فدرال شده و اختیارات آنها را به عنوان ارگانی واحد به عهده می‌گیرد.

(۲) قوانین مصوب کمیته مشترک نمی‌توانند قانون اساسی را اصلاح و یا مقررات آن را کلاً یا قسماً لغو و یا بی‌اثر کنند. کمیته مشترک صلاحیت ندارد قوانینی را در موضوعات مذکور در اصل ۲۳ بند ۱ جمله ۲، اصل ۲۴ بند ۱ یا اصل ۲۹، صادر نماید.

اصل ۱۱۵ ج

(۱) دولت فدرال می‌تواند در وضعیت دفاعی و به اقتضاء شرایط:

۱. از نیروهای مرزبانی فدرال در سرتاسر قلمرو فدرال استفاده کند؛

۲. دستورالعمل‌هایی را نه تنها به ادارات فدرال بلکه همچنین به دولت‌های ایالتی و اگر فوریتی را تشخیص دهد، به مقامات اداری ایالتی صادر نماید و این اختیار را به افرادی از اعضاء دول ایالات، که خود تعیین می‌کنند، واگذار نماید.

Xa. Verteidigungsfall

(3) Für die Verkündung der Gesetze gilt Artikel 115a Abs. 3 Satz 2 entsprechend.

Art 115e

(1) Stellt der Gemeinsame Ausschuß im Verteidigungsfalle mit einer Mehrheit von zwei Dritteln der abgegebenen Stimmen, mindestens mit der Mehrheit seiner Mitglieder fest, daß dem rechtzeitigen Zusammentritt des Bundestages unüberwindliche Hindernisse entgegenstehen oder daß dieser nicht beschlußfähig ist, so hat der Gemeinsame Ausschuß die Stellung von Bundestag und Bundesrat und nimmt deren Rechte einheitlich wahr.

(2) Durch ein Gesetz des Gemeinsamen Ausschusses darf das Grundgesetz weder geändert noch ganz oder teilweise außer Kraft oder außer Anwendung gesetzt werden. Zum Erlaß von Gesetzen nach Artikel 23 Abs. 1 Satz 2, Artikel 24 Abs. 1 oder Artikel 29 ist der Gemeinsame Ausschuß nicht befugt.

Art 115f

(1) Die Bundesregierung kann im Verteidigungsfalle, soweit es die Verhältnisse erfordern,

1. den Bundesgrenzschutz im gesamten Bundesgebiete einsetzen;
2. außer der Bundesverwaltung auch den Landesregierungen und, wenn sie es für dringlich erachtet, den Landesbehörden Weisungen erteilen und diese Befugnis auf von ihr zu bestimmende Mitglieder der Landesregierungen übertragen.

(۲) مجلس فدرال، شورای فدرال و کمیته مشترک باید بلافاصله از اقداماتی که بر اساس بند ۱ اتخاذ شده‌اند، مطلع شوند.

اصل ۱۱۵ چ

جایگاه قانونی و انجام وظائفی که به موجب قانون اساسی برای دادگاه قانون اساسی فدرال و قضات آن مقرر شده است، نمی‌تواند مورد خدشه قرارگیرد. قانون دادگاه قانون اساسی فدرال را می‌توان به وسیله قانون کمیته مشترک تنها تا حدودی تغییر داد که به اعتقاد خود دادگاه قانون اساسی فدرال، برای حفظ کارایی دادگاه، لازم باشد. تا وضع چنین قانونی، دادگاه قانون اساسی فدرال می‌تواند تدابیر لازم را برای حفظ کارایی خود اتخاذ نماید. دادگاه قانون اساسی فدرال تصمیم‌های مبتنی بر جملات ۲ و ۳ را با اکثریت قضات حاضر اتخاذ می‌نماید.

اصل ۱۱۵ ح

(۱) دوره قانون‌گذاری مجلس فدرال و یا مجالس ایالت‌ها که اتمام قانونی آنها در زمان وضعیت دفاعی است، شش ماه بعد از سپری شدن وضعیت دفاعی به پایان می‌رسد. دوران تصدی رئیس‌جمهور فدرال که در حین وضعیت دفاعی منقضی شود و یا در صورت برگزینی زود هنگام او از مقامش، دوره اجرای وظائف او توسط رئیس مجلس فدرال در این حالت، نه ماه پس از سپری شدن وضعیت دفاعی به پایان می‌رسد. دوران خدمت عضو دادگاه فدرال قانون اساسی که در حین وضعیت دفاعی منقضی گردد، شش ماه پس از سپری شدن وضعیت دفاعی به پایان می‌رسد.

Xa. Verteidigungsfall

(2) Bundestag, Bundesrat und der Gemeinsame Ausschuß sind unverzüglich von den nach Absatz 1 getroffenen Maßnahmen zu unterrichten.

Art 115g

Die verfassungsmäßige Stellung und die Erfüllung der verfassungsmäßigen Aufgaben des Bundesverfassungsgerichtes und seiner Richter dürfen nicht beeinträchtigt werden. Das Gesetz über das Bundesverfassungsgericht darf durch ein Gesetz des Gemeinsamen Ausschusses nur insoweit geändert werden, als dies auch nach Auffassung des Bundesverfassungsgerichtes zur Aufrechterhaltung der Funktionsfähigkeit des Gerichtes erforderlich ist. Bis zum Erlaß eines solchen Gesetzes kann das Bundesverfassungsgericht die zur Erhaltung der Arbeitsfähigkeit des Gerichtes erforderlichen Maßnahmen treffen. Beschlüsse nach Satz 2 und Satz 3 faßt das Bundesverfassungsgericht mit der Mehrheit der anwesenden Richter.

Art 115h

(1) Während des Verteidigungsfalles ablaufende Wahlperioden des Bundestages oder der Volksvertretungen der Länder enden sechs Monate nach Beendigung des Verteidigungsfalles. Die im Verteidigungsfalle ablaufende Amtszeit des Bundespräsidenten sowie bei vorzeitiger Erledigung seines Amtes die Wahrnehmung seiner Befugnisse durch den Präsidenten des Bundesrates enden neun Monate nach Beendigung des Verteidigungsfalles. Die im Verteidigungsfalle ablaufende Amtszeit eines Mitgliedes des Bundesverfassungsgerichtes endet sechs Monate nach Beendigung des Verteidigungsfalles.

- (۲) در صورت لزوم انتخاب صدراعظم جدید توسط کمیته مشترک، این کمیته صدراعظم جدید را با اکثریت اعضاء خود برمیگزیند؛ رئیس جمهور نامزد پیشنهادی خود را به کمیته مشترک ارائه می دهد. کمیته مشترک می تواند رأی عدم اعتماد خود به صدراعظم را تنها از طریق انتخاب جانشین او با اکثریت دو سوم اعضاء خود، اعلام نماید.
- (۳) انحلال مجلس فدرال در زمان برقراری وضعیت دفاعی امکان پذیر نیست.

اصل ۱۱۵ خ

- (۱) هرگاه نهادهای ذیصلاح فدرال نتوانند تدابیر لازم را برای دفع خطر اتخاذ نمایند، و چنانچه وضعیت موجود الزاماً اقدام فوری و مستقلی را در نقاط مختلف قلمرو فدرال ایجاب نماید، دولت های ایالتی و یا مقامات و یا مأمورین تعیین شده از طرف آنها این اختیار را دارند که در حوزه صلاحیت خود، تدابیر اشاره شده در اصل ۱۱۵ و بند ۱ این اصل را اتخاذ نمایند.
- (۲) دولت فدرال، و تا جایی که مربوط به ادارات ایالتی و ادارات تابع فدرال باشد، نخست وزیران ایالت ها نیز، می توانند تدابیر مورد اشاره در بند ۱ را هر زمان لغو کنند.

اصل ۱۱۵ د

- (۱) قوانین صادر شده براساس اصول ۱۱۵ پ، ۱۱۵ ث و ۱۱۵ چ و نیز مقررات و آئین نامه هایی که بر اساس این قوانین صادر شوند، در طول زمان اعتبار خود، اجرای سایر قوانین مغایر با خود را معلق می سازند. این قاعده شامل قوانین و مقررات سابقه ای که بر اساس اصول ۱۱۵ پ، ۱۱۵ ث و ۱۱۵ چ به تصویب رسیده اند، نمی شود.

Xa. Verteidigungsfall

(2) Wird eine Neuwahl des Bundeskanzlers durch den Gemeinsamen Ausschuß erforderlich, so wählt dieser einen neuen Bundeskanzler mit der Mehrheit seiner Mitglieder; der Bundespräsident macht dem Gemeinsamen Ausschuß einen Vorschlag. Der Gemeinsame Ausschuß kann dem Bundeskanzler das Mißtrauen nur dadurch aussprechen, daß er mit der Mehrheit von zwei Dritteln seiner Mitglieder einen Nachfolger wählt.

(3) Für die Dauer des Verteidigungsfalles ist die Auflösung des Bundestages ausgeschlossen.

Art 115i

(1) Sind die zuständigen Bundesorgane außerstande, die notwendigen Maßnahmen zur Abwehr der Gefahr zu treffen, und erfordert die Lage unabweisbar ein sofortiges selbständiges Handeln in einzelnen Teilen des Bundesgebietes, so sind die Landesregierungen oder die von ihnen bestimmten Behörden oder Beauftragten befugt, für ihren Zuständigkeitsbereich Maßnahmen im Sinne des Artikels 115f Abs. 1 zu treffen.

(2) Maßnahmen nach Absatz 1 können durch die Bundesregierung, im Verhältnis zu Landesbehörden und nachgeordneten Bundesbehörden auch durch die Ministerpräsidenten der Länder, jederzeit aufgehoben werden.

Art 115k

(1) Für die Dauer ihrer Anwendbarkeit setzen Gesetze nach den Artikeln 115c, 115e und 115g und Rechtsverordnungen, die auf Grund solcher Gesetze ergehen, entgegenstehendes Recht außer Anwendung. Dies gilt nicht gegenüber früherem Recht, das auf Grund der Artikel 115c, 115e und 115g erlassen worden ist.

(۲) قوانینی که توسط کمیته مشترک تصویب شده‌اند و مقررات و آئین‌نامه‌هایی که بر اساس چنین قوانینی صادر شده‌اند، اعتبار خود را حداکثر شش ماه پس از پایان وضعیت دفاعی از دست می‌دهند.

(۳) قوانینی که مقرراتشان متفاوت با مفاد اصول ۹۱ الف، ۹۱ ب، ۱۰۴ الف، ۱۰۶ و ۱۰۷ باشند، حداکثر تا پایان دومین سال مالی پس از اتمام وضعیت دفاعی اعتبار خواهند داشت. بعد از سپری شدن وضعیت دفاعی می‌توان این قوانین را به وسیله قانون فدرال با موافقت شورای فدرال، به‌منظور بازگشت به مقررات فصول هشتم الف و دهم، اصلاح نمود.

اصل ۱۱۵ ذ

(۱) مجلس فدرال می‌تواند در هر زمان با موافقت شورای فدرال قوانین مصوب کمیته مشترک را لغو نماید. شورای فدرال می‌تواند از مجلس فدرال درخواست اتخاذ چنین تصمیمی را بنماید. سایر تدابیر اتخاذ شده از طرف کمیته مشترک و یا دولت فدرال برای دفع خطر باید، چنانچه مجلس فدرال و شورای فدرال تصمیم بگیرند، لغو شوند.

(۲) مجلس فدرال می‌تواند در هر زمان با موافقت شورای فدرال، در تصمیمی که توسط رئیس جمهور فدرال ابلاغ می‌شود، خاتمه وضعیت دفاعی را اعلام نماید. شورای فدرال می‌تواند از مجلس فدرال درخواست اتخاذ چنین تصمیمی را بنماید. چنانچه شرایط لازم برای تشخیص و اعلام وضعیت دفاعی دیگر وجود نداشته باشد باید خاتمه آن بلافاصله اعلام شود.

(۳) درباره انعقاد معاهده صلح، قانون فدرال تصمیم می‌گیرد.

Xa. Verteidigungsfall

(2) Gesetze, die der Gemeinsame Ausschuß beschlossen hat, und Rechtsverordnungen, die auf Grund solcher Gesetze ergangen sind, treten spätestens sechs Monate nach Beendigung des Verteidigungsfalles außer Kraft.

(3) Gesetze, die von den Artikeln 91a, 91b, 104a, 106 und 107 abweichende Regelungen enthalten, gelten längstens bis zum Ende des zweiten Rechnungsjahres, das auf die Beendigung des Verteidigungsfalles folgt. Sie können nach Beendigung des Verteidigungsfalles durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates geändert werden, um zu der Regelung gemäß den Abschnitten VIIIa und X überzuleiten.

Art 115I

(1) Der Bundestag kann jederzeit mit Zustimmung des Bundesrates Gesetze des Gemeinsamen Ausschusses aufheben. Der Bundesrat kann verlangen, daß der Bundestag hierüber beschließt. Sonstige zur Abwehr der Gefahr getroffene Maßnahmen des Gemeinsamen Ausschusses oder der Bundesregierung sind aufzuheben, wenn der Bundestag und der Bundesrat es beschließen.

(2) Der Bundestag kann mit Zustimmung des Bundesrates jederzeit durch einen vom Bundespräsidenten zu verkündenden Beschluß den Verteidigungsfall für beendet erklären. Der Bundesrat kann verlangen, daß der Bundestag hierüber beschließt. Der Verteidigungsfall ist unverzüglich für beendet zu erklären, wenn die Voraussetzungen für seine Feststellung nicht mehr gegeben sind.

(3) Über den Friedensschluß wird durch Bundesgesetz entschieden.

فصل یازدهم: مقررات انتقالی و نهایی

اصل ۱۱۶

(۱) از نظر این قانون اساسی، فرد آلمانی کسی است که دارای تابعیت آلمان است و یا به‌عنوان پناهنده و یا تبعید شده از نژاد آلمانی و یا به‌عنوان همسر یا فرزند آنها، دارای اجازه ورود به خاک "رایش" آلمان، با مرزهای رسمی‌اش در زمان ۳۱ دسامبر ۱۹۳۷، بوده است، مشروط بر آنکه ترتیب دیگری توسط قانون مقرر نشده باشد.

(۲) اتباع سابق آلمان که بین ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ و ۸ مه ۱۹۴۵ به دلایل سیاسی یا نژادی یا مذهبی از تابعیت خود محروم شده‌اند و فرزندان آنها، در صورت درخواست، مجدداً تابعیت آلمانی دریافت می‌کنند. این افراد اگر بعد از ۸ مه ۱۹۴۵ در سرزمین آلمان مستقر شده و مخالفتی ابراز نکرده باشند، به مثابه افرادی که سلب تابعیت شده‌اند، تلقی نمی‌گردند.

اصل ۱۱۷

(۱) قوانین و مقرراتی که مغایر اصل ۳ بند ۲ باشند، تا زمان اصلاح آنها طبق مقررات این قانون اساسی، دارای اعتبار خواهند بود، البته نه بیشتر از تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۵۳.

(۲) قوانینی که حق آزادی اقامت و سکونت را به دلیل کمبود فعلی مسکن محدود می‌سازند، تا زمان لغو آنها توسط قانون فدرال معتبر می‌مانند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 116

(1) Deutscher im Sinne dieses Grundgesetzes ist vorbehaltlich anderweitiger gesetzlicher Regelung, wer die deutsche Staatsangehörigkeit besitzt oder als Flüchtling oder Vertriebener deutscher Volkszugehörigkeit oder als dessen Ehegatte oder Abkömmling in dem Gebiete des Deutschen Reiches nach dem Stande vom 31. Dezember 1937 Aufnahme gefunden hat.

(2) Frühere deutsche Staatsangehörige, denen zwischen dem 30. Januar 1933 und dem 8. Mai 1945 die Staatsangehörigkeit aus politischen, rassischen oder religiösen Gründen entzogen worden ist, und ihre Abkömmlinge sind auf Antrag wieder einzubürgern. Sie gelten als nicht ausgebürgert, sofern sie nach dem 8. Mai 1945 ihren Wohnsitz in Deutschland genommen haben und nicht einen entgegengesetzten Willen zum Ausdruck gebracht haben.

Art 117

(1) Das dem Artikel 3 Abs. 2 entgegenstehende Recht bleibt bis zu seiner Anpassung an diese Bestimmung des Grundgesetzes in Kraft, jedoch nicht länger als bis zum 31. März 1953.

(2) Gesetze, die das Recht der Freizügigkeit mit Rücksicht auf die gegenwärtige Raumnot einschränken, bleiben bis zu ihrer Aufhebung durch Bundesgesetz in Kraft.

اصل ۱۱۸

تقسیم‌بندی جدید قلمروهای ایالت‌های بادن (Baden)، وورتمبرگ بادن (Württemberg) و بادن (Baden) و وورتمبرگ هوهن سولرن (Württemberg-Hohenzollern) می‌تواند برخلاف مقررات اصل ۲۹، با موافقت ایالت‌های مورد نظر صورت گیرد. چنانچه توافقی حاصل نشود، تقسیم‌بندی جدید توسط قانون فدرالی که متضمن همه‌پرسی است، تنظیم می‌گردد.

اصل ۱۱۸ الف

تقسیم‌بندی جدید قلمروهای ایالت‌های برلین (Berlin) و براندنبورگ (Brandenburg) می‌تواند بر خلاف مقررات اصل ۲۹، با مشارکت رأی‌دهندگان آنها و توافق بین دو ایالت صورت گیرد.

اصل ۱۱۹

دولت فدرال می‌تواند تا زمان وضع قانون راجع به مسائل مربوط به پناهندگان و تبعیدشدگان، خصوصاً در مورد تقسیم آنها در میان ایالت‌ها، با موافقت شورای فدرال، مصوباتی را که دارای اثر قانونی هستند، صادر نماید. می‌توان برای حالات ویژه به دولت فدرال این صلاحیت را داد تا دستورالعمل‌های جداگانه‌ای صادر نماید. دستورالعمل‌ها باید، به استثناء مواقعی که تأخیر در آنها موجب خطر می‌شود، خطاب به عالی‌ترین مقام ایالت صادر شود.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 118

Die Neugliederung in dem die Länder Baden, Württemberg-Baden und Württemberg-Hohenzollern umfassenden Gebiete kann abweichend von den Vorschriften des Artikels 29 durch Vereinbarung der beteiligten Länder erfolgen. Kommt eine Vereinbarung nicht zustande, so wird die Neugliederung durch Bundesgesetz geregelt, das eine Volksbefragung vorsehen muß.

Art 118a

Die Neugliederung in dem die Länder Berlin und Brandenburg umfassenden Gebiet kann abweichend von den Vorschriften des Artikels 29 unter Beteiligung ihrer Wahlberechtigten durch Vereinbarung beider Länder erfolgen.

Art 119

In Angelegenheiten der Flüchtlinge und Vertriebenen, insbesondere zu ihrer Verteilung auf die Länder, kann bis zu einer bundesgesetzlichen Regelung die Bundesregierung mit Zustimmung des Bundesrates Verordnungen mit Gesetzeskraft erlassen. Für besondere Fälle kann dabei die Bundesregierung ermächtigt werden, Einzelweisungen zu erteilen. Die Weisungen sind außer bei Gefahr im Verzuge an die obersten Landesbehörden zu richten.

اصل ۱۲۰

(۱) فدراسیون هزینه‌های ناشی از اشغال سرزمین و نیز سایر هزینه‌های داخلی و خارجی ناشی از جنگ را بر اساس مقررات قوانین فدرال به‌عهده می‌گیرد. تا جایی که مسائل مربوط به هزینه‌های ناشی از جنگ تا قبل از ۱ اکتبر ۱۹۶۹ توسط قوانین فدرال تنظیم شده باشند، فدراسیون و ایالت‌ها هزینه را در تناسب مقرر شده توسط این قوانین فدرال، به‌عهده می‌گیرند. آن دسته از هزینه‌های ناشی از جنگ که توسط قوانین فدرال نه تنظیم شده‌اند و نه تنظیم می‌شوند، و تا قبل از ۱ اکتبر ۱۹۶۵ از طرف ایالت‌ها، بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) و یا سایر نهادهای مسئول که وظائف ایالت‌ها یا بخش‌ها را انجام می‌دهند، تأمین شده باشند، بعد از این تاریخ نیز به‌عهده دولت فدرال نخواهد بود. فدراسیون همچنین مساعدت‌های مالی برای هزینه‌های بیمه‌های اجتماعی، از جمله بیمه بیکاری و کمک‌هزینه بیکاری را تقبل می‌کند. تقسیم هزینه‌های ناشی از جنگ بین فدراسیون و ایالت‌ها مطابق با مفاد این بند، بر مقررات قانونی مطالبه غرامت در رابطه با آثار جنگ تأثیر نمی‌گذارد.

(۲) به محض آنکه فدراسیون مسئولیت مخارج را عهده دار شود، درآمدها به او واگذار می‌گردد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 120

(1) Der Bund trägt die Aufwendungen für Besatzungskosten und die sonstigen inneren und äußeren Kriegsfolgelasten nach näherer Bestimmung von Bundesgesetzen. Soweit diese Kriegsfolgelasten bis zum 1. Oktober 1969 durch Bundesgesetze geregelt worden sind, tragen Bund und Länder im Verhältnis zueinander die Aufwendungen nach Maßgabe dieser Bundesgesetze. Soweit Aufwendungen für Kriegsfolgelasten, die in Bundesgesetzen weder geregelt worden sind noch geregelt werden, bis zum 1. Oktober 1965 von den Ländern, Gemeinden

(Gemeindeverbänden) oder sonstigen Aufgabenträgern, die Aufgaben von Ländern oder Gemeinden erfüllen, erbracht worden sind, ist der Bund zur Übernahme von Aufwendungen dieser Art auch nach diesem Zeitpunkt nicht verpflichtet. Der Bund trägt die Zuschüsse zu den Lasten der Sozialversicherung mit Einschluß der Arbeitslosenversicherung und der Arbeitslosenhilfe. Die durch diesen Absatz geregelte Verteilung der Kriegsfolgelasten auf Bund und Länder läßt die gesetzliche Regelung von Entschädigungsansprüchen für Kriegsfolgen unberührt.

(2) Die Einnahmen gehen auf den Bund zu demselben Zeitpunkte über, an dem der Bund die Ausgaben übernimmt.

اصل ۱۲۰ الف

- (۱) با تأیید شورای فدرال می‌توان در قوانین راجع به اجرای تعدیل هزینه‌ها تعیین نمود که اعمال آنها در حوزه تعادل منافع بعضاً توسط فدراسیون و بعضاً توسط ایالات به‌نمایدگی از فدراسیون صورت گیرد و نیز می‌توان تعیین نمود که اختیاراتی که در این راستا بر اساس اصل ۸۵ به دولت فدرال و مقامات عالی ذیصلاح فدرال محول شده است، کلاً یا بعضاً به اداره تعدیل هزینه‌های فدرال واگذار گردد. اداره تعدیل هزینه‌های فدرال برای اعمال این اختیارات نیازی به موافقت شورای فدرال ندارد؛ جز در موارد ضروری، باید دستورالعمل‌های آن خطاب به عالی‌ترین ادارات ایالت (ادارات تعدیل هزینه‌های ایالتی) صادر شوند.
- (۲) اصل ۸۷ بند ۳ جمله ۲ به‌قوت خود باقی است.

اصل ۱۲۱

از نظر این قانون اساسی، اکثریت اعضاء مجلس فدرال و مجمع فدرال همان اکثریت اعضاء قانونی آنها است.

اصل ۱۲۲

- (۱) پس از تشکیل مجلس فدرال، قوانین تنها توسط قوه مقننه‌ای که این قانون اساسی به رسمیت شناخته است، وضع می‌گردند.
- (۲) نهادها و مؤسسات تقنینی و نهادها و مؤسسات مشاور در امر قانونگذاری که صلاحیت آنها بر اساس بند ۱ پایان می‌پذیرد، از همان تاریخ منحل محسوب می‌شوند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 120a

(1) Die Gesetze, die der Durchführung des Lastenausgleichs dienen, können mit Zustimmung des Bundesrates bestimmen, daß sie auf dem Gebiete der Ausgleichsleistungen teils durch den Bund, teils im Auftrage des Bundes durch die Länder ausgeführt werden und daß die der Bundesregierung und den zuständigen obersten Bundesbehörden auf Grund des Artikels 85 insoweit zustehenden Befugnisse ganz oder teilweise dem Bundesausgleichsamt übertragen werden. Das Bundesausgleichsamt bedarf bei Ausübung dieser Befugnisse nicht der Zustimmung des Bundesrates; seine Weisungen sind, abgesehen von den Fällen der Dringlichkeit, an die obersten Landesbehörden (Landesausgleichsämtler) zu richten.

(2) Artikel 87 Abs. 3 Satz 2 bleibt unberührt.

Art 121

Mehrheit der Mitglieder des Bundestages und der Bundesversammlung im Sinne dieses Grundgesetzes ist die Mehrheit ihrer gesetzlichen Mitgliederzahl.

Art 122

(1) Vom Zusammentritt des Bundestages an werden die Gesetze ausschließlich von den in diesem Grundgesetze anerkannten gesetzgebenden Gewalten beschlossen.

(2) Gesetzgebende und bei der Gesetzgebung beratend mitwirkende Körperschaften, deren Zuständigkeit nach Absatz 1 endet, sind mit diesem Zeitpunkt aufgelöst.

اصل ۱۲۳

(۱) مصوباتی که پیش از تشکیل اولین جلسهٔ مجلس فدرال معتبر بوده‌اند، تا جایی که منافی قانون اساسی نباشند، معتبر باقی می‌مانند.

(۲) عهدنامه‌های منعقد شده توسط دولت رایش آلمان راجع به موضوعاتی که براساس این قانون اساسی، در حیطهٔ صلاحیت قانون‌گذاری ایالات قرار می‌گیرند، چنانچه طبق اصول کلی حقوقی معتبر بوده و خواهند بود، با شرط حفظ حقوق و رعایت اعتراض طرفین معاهده، تا زمانی معتبر و نافذ باقی می‌مانند که معاهدات رسمی جدیدی توسط مقامات ذی‌صلاح به موجب این قانون اساسی منعقد شوند و یا تا زمانی که این معاهدات براساس مقررات محتوایی خود، به گونهٔ دیگری خاتمه یابند.

اصل ۱۲۴

مصوباتی که مشمول صلاحیت قانونگذاری انحصاری فدراسیون می‌شوند، در محدوده‌ای که قابل اعمال هستند به مصوبات فدرال تبدیل می‌شوند.

اصل ۱۲۵

مصوبات متعلق به حوزهٔ صلاحیت قانونگذاری غیرانحصاری [صلاحیت رغابتی] فدراسیون در محدوده‌ای که قابل اعمال هستند، به مصوبات فدرال تبدیل می‌شوند،

۱. چنانچه در یک یا چند منطقهٔ اشغالی به‌شکل واحد اعمال شوند،

۲. چنانچه شامل مصوباتی شوند که مطابق آن، مصوبات سابق دولت رایش آلمان بعد از تاریخ ۸ مه ۱۹۴۵ اصلاح شده‌اند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 123

(1) Recht aus der Zeit vor dem Zusammentritt des Bundestages gilt fort, soweit es dem Grundgesetze nicht widerspricht.

(2) Die vom Deutschen Reich abgeschlossenen Staatsverträge, die sich auf Gegenstände beziehen, für die nach diesem Grundgesetze die Landesgesetzgebung zuständig ist, bleiben, wenn sie nach allgemeinen Rechtsgrundsätzen gültig sind und fortgelten, unter Vorbehalt aller Rechte und Einwendungen der Beteiligten in Kraft, bis neue Staatsverträge durch die nach diesem Grundgesetze zuständigen Stellen abgeschlossen werden oder ihre Beendigung auf Grund der in ihnen enthaltenen Bestimmungen anderweitig erfolgt.

Art 124

Recht, das Gegenstände der ausschließlichen Gesetzgebung des Bundes betrifft, wird innerhalb seines Geltungsbereiches Bundesrecht.

Art 125

Recht, das Gegenstände der konkurrierenden Gesetzgebung des Bundes betrifft, wird innerhalb seines Geltungsbereiches Bundesrecht,

1. soweit es innerhalb einer oder mehrerer Besatzungszonen einheitlich gilt,
2. soweit es sich um Recht handelt, durch das nach dem 8. Mai 1945 früheres Reichsrecht abgeändert worden ist.

اصل ۱۲۵ الف

(۱) مصوباتی که به عنوان مصوبات فدرال صادر شده‌اند، اما به دلیل تغییر اصل ۷۴ بند ۱، و یا به دلیل الحاق اصل ۸۴ بند ۱ جمله ۷، اصل ۸۵ بند ۱ جمله ۲ یا اصل ۱۰۵ بند ۲ الف جمله ۲ و یا به دلیل لغو اصول ۷۴ الف، ۷۵ یا ۹۸ بند ۳ جمله ۲، دیگر نتوانند به عنوان مصوبات فدرال به تصویب برسند، به عنوان مصوبات فدرال معتبر باقی می‌مانند. مصوبات ایالتی می‌توانند جانشین آن شوند.

(۲) مصوباتی که بر اساس اصل ۷۲ بند ۲ سابق، طبق نسخه‌ای که تا ۱۵ نوامبر سال ۱۹۹۴ معتبر بوده است، صادر شده‌اند، اما به دلیل اصلاح اصل ۷۲ بند ۲ دیگر نمی‌توانند به عنوان مصوبات فدرال به تصویب برسند، به عنوان مصوبات فدرال معتبر باقی می‌مانند. قانون فدرال می‌تواند مقرر دارد که مصوبات ایالتی جایگزین آنها شوند.

(۳) مصوباتی که به عنوان مصوبات ایالتی وضع شده‌اند، اما به دلیل اصلاح اصل ۷۳ دیگر نمی‌توانند به عنوان مصوبات ایالتی تصویب شوند، به عنوان مصوبات ایالتی معتبر باقی می‌مانند. مصوبات فدرال می‌توانند جایگزین آنها شوند.

اصل ۱۲۵ ب

(۱) مصوباتی که بر اساس اصل ۷۵ سابق، طبق نسخه‌ای که تا ۱ سپتامبر سال ۲۰۰۶ معتبر بوده است، صادر شده‌اند و می‌توانستند پس از آن تاریخ نیز به عنوان مصوبات فدرال به تصویب برسند، به عنوان مصوبات فدرال معتبر باقی می‌مانند. در این راستا اختیارات و تعهدات ایالت‌ها در امر قانونگذاری به شکل سابق به قوت خود باقی‌ست. ایالت‌ها می‌توانند در موضوعات مذکور در اصل ۷۲ بند ۳ جمله ۱ مقرراتی مغایر با این قاعده وضع کنند، اما در موضوعات مذکور در اصل ۷۲ بند ۳ جمله ۱ شماره ۲، ۵ و ۶ فقط در صورتی و تا حدودی که فدراسیون حداکثر بعد از ۱ سپتامبر ۲۰۰۶ از اختیارات قانونگذاری خود استفاده نموده باشد، در موارد مذکور در شماره ۲ و ۵ حداکثر بعد از ۱ ژانویه ۲۰۱۰، و در مورد شماره ۶ حد اکثر بعد از ۱ اوت ۲۰۰۸.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 125a

(1) Recht, das als Bundesrecht erlassen worden ist, aber wegen der Änderung des Artikels 74 Abs. 1, der Einfügung des Artikels 84 Abs. 1 Satz 7, des Artikels 85 Abs. 1 Satz 2 oder des Artikels 105 Abs. 2a Satz 2 oder wegen der Aufhebung der Artikel 74a, 75 oder 98 Abs. 3 Satz 2 nicht mehr als Bundesrecht erlassen werden könnte, gilt als Bundesrecht fort. Es kann durch Landesrecht ersetzt werden.

(2) Recht, das auf Grund des Artikels 72 Abs. 2 in der bis zum 15. November 1994 geltenden Fassung erlassen worden ist, aber wegen Änderung des Artikels 72 Abs. 2 nicht mehr als Bundesrecht erlassen werden könnte, gilt als Bundesrecht fort. Durch Bundesgesetz kann bestimmt werden, dass es durch Landesrecht ersetzt werden kann.

(3) Recht, das als Landesrecht erlassen worden ist, aber wegen Änderung des Artikels 73 nicht mehr als Landesrecht erlassen werden könnte, gilt als Landesrecht fort. Es kann durch Bundesrecht ersetzt werden.

Art 125b

(1) Recht, das auf Grund des Artikels 75 in der bis zum 1. September 2006 geltenden Fassung erlassen worden ist und das auch nach diesem Zeitpunkt als Bundesrecht erlassen werden könnte, gilt als Bundesrecht fort. Befugnisse und Verpflichtungen der Länder zur Gesetzgebung bleiben insoweit bestehen. Auf den in Artikel 72 Abs. 3 Satz 1 genannten Gebieten können die Länder von diesem Recht abweichende Regelungen treffen, auf den Gebieten des Artikels 72 Abs. 3 Satz 1 Nr. 2, 5 und 6 jedoch erst, wenn und soweit der Bund ab dem 1. September 2006 von seiner Gesetzgebungszuständigkeit Gebrauch gemacht hat, in den Fällen der Nummern 2 und 5 spätestens ab dem 1. Januar 2010, im Falle der Nummer 6 spätestens ab dem 1. August 2008.

(۲) ایالت‌ها می‌توانند، متفاوت با مقررات حقوقی فدرال مصوب بر اساس اصل ۸۴ بند ۱ سابق، طبق نسخه‌ای که قبل از ۱ سپتامبر سال ۲۰۰۶ نافذ بوده است، مقررات دیگری را وضع کنند، و نیز متفاوت با مقررات رویه‌های اداری قبل از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸، اما تنها در صورتی که مقررات رویه‌های اداری مندرج در قانون مربوطه فدرال بعد از ۱ سپتامبر سال ۲۰۰۶ تغییر یافته باشند.

اصل ۱۲۵ پ

(۱) مصوباتی که بر اساس اصل ۹۱ الف بند ۲ در راستای بند ۱ شماره ۱، طبق نسخه‌ای که تا ۱ سپتامبر ۲۰۰۶ معتبر بوده است، صادر شده‌اند، تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۶ معتبر باقی می‌مانند.

(۲) مقررات راجع به تأمین مالی امور ایاب و ذهاب بخش‌ها و نیز حمایت از مساکن اجتماعی که بر اساس اصل ۱۰۴ الف بند ۴ سابق، طبق نسخه‌ای که تا ۱ سپتامبر سال ۲۰۰۶ معتبر بوده است، وضع شده‌اند، تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶ معتبر باقی می‌مانند. مقررات مصوب در حوزه تأمین مالی امور ایاب و ذهاب بخش‌ها که در راستای برنامه‌های ویژه پیش‌بینی شده در ماده ۶ بند ۱ قانون «تأمین مالی امور ایاب و ذهاب بخش‌ها» وضع شده‌اند و نیز سایر مقررات وضع شده بر اساس ماده ۱۰۴ الف بند ۴ سابق، طبق نسخه‌ای که تا ۱ سپتامبر سال ۲۰۰۶ معتبر بوده است، تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۹ معتبر باقی خواهند ماند مگر آنکه تاریخ نزدیک‌تری برای انقضاء آنها معین شده باشد و یا در آینده معین شود.

اصل ۱۲۶

دادگاه قانون اساسی فدرال در مورد اختلافات راجع به تداوم اعتبار یک قانون به عنوان قانون فدرال، تصمیم می‌گیرد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(2) Von bundesgesetzlichen Regelungen, die auf Grund des Artikels 84 Abs. 1 in der vor dem 1. September 2006 geltenden Fassung erlassen worden sind, können die Länder abweichende Regelungen treffen, von Regelungen des Verwaltungsverfahrens bis zum 31. Dezember 2008 aber nur dann, wenn ab dem 1. September 2006 in dem jeweiligen Bundesgesetz Regelungen des Verwaltungsverfahrens geändert worden sind.

Art 125c

(1) Recht, das auf Grund des Artikels 91a Abs. 2 in Verbindung mit Abs. 1 Nr. 1 in der bis zum 1. September 2006 geltenden Fassung erlassen worden ist, gilt bis zum 31. Dezember 2006 fort.

(2) Die nach Artikel 104a Abs. 4 in der bis zum 1. September 2006 geltenden Fassung in den Bereichen der Gemeindeverkehrsfinanzierung und der sozialen Wohnraumförderung geschaffenen Regelungen gelten bis zum 31. Dezember 2006 fort. Die im Bereich der Gemeindeverkehrsfinanzierung für die besonderen Programme nach § 6 Abs. 1 des Gemeindeverkehrsfinanzierungsgesetzes sowie die sonstigen nach Artikel 104a Abs. 4 in der bis zum 1. September 2006 geltenden Fassung geschaffenen Regelungen gelten bis zum 31. Dezember 2019 fort, soweit nicht ein früherer Zeitpunkt für das Außerkrafttreten bestimmt ist oder wird.

Art 126

Meinungsverschiedenheiten über das Fortgelten von Recht als Bundesrecht entscheidet das Bundesverfassungsgericht.

اصل ۱۲۷

دولت فدرال می‌تواند در موافقت با دولت‌های ایالات سهیم، قانون اداره منطقه مشترک اقتصادی را تا آنجا که بر اساس اصل ۱۲۴ و یا ۱۲۵ هنوز به‌عنوان مصوبه فدرال معتبر باشد، ظرف یک سال پس از اعلام رسمی این قانون اساسی در ایالت‌های بادن (Baden)، برلین بزرگ (Groß-Berlin)، راینلاند فالتز (Rheinland-Pfalz) و ورتمبرگ هوهن سولرن (Württemberg-Hohenzollern)، لازم‌الاجرا نماید.

اصل ۱۲۸

چنانچه قانونی که همچنان معتبر شناخته شده است، اختیار صدور دستورالعمل‌هایی را در راستای مفاد اصل ۸۵ بند ۵ پیش‌بینی کند، این اختیارات تا تعیین مقررات قانونی بعدی به قوت خود باقی می‌مانند.

اصل ۱۲۹

(۱) چنانچه در مقررات قانونی که به عنوان مصوبات فدرال همچنان معتبر و جاری‌اند، صلاحیتی جهت صدور مقررات قانونی و یا آئین‌نامه‌ها و مقررات کلی اداری و یا جهت انجام اعمال اداری، تفویض شده باشد، این صلاحیت به مقاماتی که از این پس مسئول امور مربوطه هستند، منتقل می‌شود. در موارد تردید، دولت فدرال با موافقت شورای فدرال تصمیم می‌گیرد؛ تصمیمات مزبور باید منتشر شوند.

(۲) چنانچه مقررات قانونی‌ای که به عنوان مصوبات ایالتی همچنان معتبر و جاری‌اند، متضمن چنین تفویض اختیاراتی باشند، اختیارات مذکور به مقاماتی که طبق مصوبات ایالتی مسئول شناخته می‌شوند، منتقل می‌گردد.

(۳) چنانچه مقررات قانونی موضوع بندهای ۱ و ۲ اختیاراتی را جهت اصلاح یا تکمیل خود و یا جهت صدور مقررات حقوقی به جای قوانین تفویض نمایند، اختیارات مزبور بدین ترتیب بی‌اعتبار می‌گردند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 127

Die Bundesregierung kann mit Zustimmung der Regierungen der beteiligten Länder Recht der Verwaltung des Vereinigten Wirtschaftsgebietes, soweit es nach Artikel 124 oder 125 als Bundesrecht fortgilt, innerhalb eines Jahres nach Verkündung dieses Grundgesetzes in den Ländern Baden, Groß-Berlin, Rheinland-Pfalz und Württemberg-Hohenzollern in Kraft setzen.

Art 128

Soweit fortgeltendes Recht Weisungsrechte im Sinne des Artikels 84 Abs. 5 vorsieht, bleiben sie bis zu einer anderweitigen gesetzlichen Regelung bestehen.

Art 129

(1) Soweit in Rechtsvorschriften, die als Bundesrecht fortgelten, eine Ermächtigung zum Erlasse von Rechtsverordnungen oder allgemeinen Verwaltungsvorschriften sowie zur Vornahme von Verwaltungsakten enthalten ist, geht sie auf die nunmehr sachlich zuständigen Stellen über. In Zweifelsfällen entscheidet die Bundesregierung im Einvernehmen mit dem Bundesrate; die Entscheidung ist zu veröffentlichen.

(2) Soweit in Rechtsvorschriften, die als Landesrecht fortgelten, eine solche Ermächtigung enthalten ist, wird sie von den nach Landesrecht zuständigen Stellen ausgeübt.

(3) Soweit Rechtsvorschriften im Sinne der Absätze 1 und 2 zu ihrer Änderung oder Ergänzung oder zum Erlaß von Rechtsvorschriften an Stelle von Gesetzen ermächtigen, sind diese Ermächtigungen erloschen.

(۴) چنانچه مقررات قانونی متضمن ارجاعاتی به مقرراتی باشند که دیگر معتبر نیستند و یا به دستگاه‌هایی که دیگر موجودیت ندارند، مفاد بندهای ۱ و ۲ حسب مورد اعمال می‌شوند.

اصل ۱۳۰

(۱) نهادهای اداری و مؤسسات دیگری که در خدمت ادارات دولتی یا قضایی هستند و بر مصوبات ایالتی یا معاهدات رسمی بین ایالات ابتناء ندارند، و همچنین اتحادیه شرکت‌های راه‌آهن جنوب غربی آلمان و شورای اداری برای خدمات پست و مخابرات منطقه اشغالی فرانسه، تحت نظارت دولت فدرال قرار دارند. دولت فدرال با موافقت شورای فدرال انتقال، انحلال یا تصفیه آنها را مقرر می‌نماید.

(۲) عالی‌ترین آمر انضباطی در مورد کارکنان این ادارات و مؤسسات، وزیر مربوطه فدرال است.

(۳) مؤسسات و شرکت‌های حقوق عمومی که مستقیماً تابع ایالات و یا مبتنی بر معاهدات رسمی بین ایالات نباشند، تحت نظارت عالی‌ترین مقام مسئول فدرال قرار دارند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(4) Die Vorschriften der Absätze 1 und 2 gelten entsprechend, soweit in Rechtsvorschriften auf nicht mehr geltende Vorschriften oder nicht mehr bestehende Einrichtungen verwiesen ist.

Art 130

(1) Verwaltungsorgane und sonstige der öffentlichen Verwaltung oder Rechtspflege dienende Einrichtungen, die nicht auf Landesrecht oder Staatsverträgen zwischen Ländern beruhen, sowie die Betriebsvereinigung der südwestdeutschen Eisenbahnen und der Verwaltungsrat für das Post- und Fernmeldewesen für das französische Besatzungsgebiet unterstehen der Bundesregierung. Diese regelt mit Zustimmung des Bundesrates die Überführung, Auflösung oder Abwicklung.

(2) Oberster Disziplinarvorgesetzter der Angehörigen dieser Verwaltungen und Einrichtungen ist der zuständige Bundesminister.

(3) Nicht landesunmittelbare und nicht auf Staatsverträgen zwischen den Ländern beruhende Körperschaften und Anstalten des öffentlichen Rechtes unterstehen der Aufsicht der zuständigen obersten Bundesbehörde.

اصل ۱۳۱

قوانین فدرال باید وضعیت قانونی افراد، از جمله پناهندگان و تبعیدشدگانی را تعیین نمایند که در تاریخ ۸ مه سال ۱۹۴۵ در خدمت مشاغل دولتی بوده و به دلائلی غیر از مقررات عمومی کارمندان رسمی یا قراردادی (پیمانی) از کار خود برکنار شده‌اند و تاکنون اصلاً و یا متناسب با موقعیت شغلی سابق خود، استخدام نشده باشند. این موضوع برحسب شرایط شامل حال افراد، از جمله پناهندگان و تبعیدشدگانی نیز می‌گردد که در تاریخ ۸ مه سال ۱۹۴۵ مستحق دریافت مستمری بوده‌اند ولی اکنون به دلائلی غیر از مقررات عمومی کارمندان رسمی یا قراردادی (پیمانی) هیچ گونه مستمری و یا مستمری متناسبی دریافت نمی‌کنند. تا لازم‌الاجرا شدن قانون فدرال نمی‌توان هیچ ادعای حقوقی را در این زمینه مطرح کرد، مگر آنکه قوانین ایالتی امر دیگری را مقرر کرده باشند.

اصل ۱۳۲

(۱) آن دسته از کارمندان رسمی و قضاتی که در زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون اساسی در مقام خود مادام‌العمر منصوب بوده ولی فاقد صلاحیت شخصی یا حرفه‌ای لازم برای آن سمت باشند، می‌توانند ظرف شش ماه پس از اولین نشست مجلس فدرال، بازنشسته یا منتظر خدمت شوند و یا به سمت دیگری با حق‌الزحمه پائین‌تر منتقل گردند. این حکم حسب مورد شامل کارمندان غیررسمی با قرارداد پیمانی دائمی نیز می‌شود. در مورد کارمندانی که دارای قرارداد پیمانی غیردائمی (قابل فسخ) هستند، می‌توان مهلت فسخی را که فراتر از مواعد فسخ ذکر شده در قرارداد پیمانیست، طی همین مهلت مذکور (ظرف شش ماه پس از اولین نشست مجلس فدرال) لغو نمود.

(۲) این مقررات در مورد کارکنان مشاغل دولتی که مشمول مقررات «رهایی از ناسیونال سوسیالیسم و میلیتاریسم» نمی‌شوند و یا به عنوان قربانیان رژیم ناسیونال سوسیالیسم شناخته شده‌اند، اعمال نمی‌گردد، مگر به دلائل مهمی که مربوط به شخص آنها باشد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 131

Die Rechtsverhältnisse von Personen einschließlich der Flüchtlinge und Vertriebenen, die am 8. Mai 1945 im öffentlichen Dienste standen, aus anderen als beamten- oder tarifrechtlichen Gründen ausgeschieden sind und bisher nicht oder nicht ihrer früheren Stellung entsprechend verwendet werden, sind durch Bundesgesetz zu regeln. Entsprechendes gilt für Personen einschließlich der Flüchtlinge und Vertriebenen, die am 8. Mai 1945 versorgungsberechtigt waren und aus anderen als beamten- oder tarifrechtlichen Gründen keine oder keine entsprechende Versorgung mehr erhalten. Bis zum Inkrafttreten des Bundesgesetzes können vorbehaltlich anderweitiger landesrechtlicher Regelung Rechtsansprüche nicht geltend gemacht werden.

Art 132

(1) Beamte und Richter, die im Zeitpunkte des Inkrafttretens dieses Grundgesetzes auf Lebenszeit angestellt sind, können binnen sechs Monaten nach dem ersten Zusammentritt des Bundestages in den Ruhestand oder Wartestand oder in ein Amt mit niedrigerem Dienst Einkommen versetzt werden, wenn ihnen die persönliche oder fachliche Eignung für ihr Amt fehlt. Auf Angestellte, die in einem unkündbaren Dienstverhältnis stehen, findet diese Vorschrift entsprechende Anwendung. Bei Angestellten, deren Dienstverhältnis kündbar ist, können über die tarifmäßige Regelung hinausgehende Kündigungsfristen innerhalb der gleichen Frist aufgehoben werden.

(2) Diese Bestimmung findet keine Anwendung auf Angehörige des öffentlichen Dienstes, die von den Vorschriften über die "Befreiung von Nationalsozialismus und Militarismus" nicht betroffen oder die anerkannte Verfolgte des Nationalsozialismus sind, sofern nicht ein wichtiger Grund in ihrer Person vorliegt.

(۳) افرادی که مشمول این اصل می‌شوند می‌توانند بر اساس اصل ۱۹ بند ۴، به دادگاه‌های ذیصلاح مراجعه کنند.

(۴) دولت فدرال تفصیل این اصل را به موجب بخشنامه‌ای که نیاز به تأیید شورای فدرال دارد، تنظیم می‌نماید.

اصل ۱۳۳

دولت فدرال حقوق و تعهدات دستگاه اداری منطقه مشترک اقتصادی را به عهده می‌گیرد.

اصل ۱۳۴

(۱) اموال رایش (آلمان سابق) علی‌القاعده به اموال فدرال تبدیل می‌شود.

(۲) آن قسم از اموالی که بر اساس هدف اولیه خود عمدتاً برای اجرای وظائف اداری‌ای در نظر گرفته شده بوده‌اند که اکنون طبق این قانون اساسی دیگر جزو وظائف اداری فدراسیون محسوب نمی‌شوند، باید بدون عوض به مقاماتی انتقال یابد که در حال حاضر این وظائف را بر عهده دارند، و آن قسم از اموالی که بر اساس کاربرد کنونی و نه صرفاً موقت خود، برای وظائف اداری‌ای استفاده می‌شوند که اکنون طبق این قانون اساسی در حوزه صلاحیت اداری ایالات قرار دارند، باید به ایالات منتقل شوند. فدراسیون می‌تواند اموال دیگری را نیز به ایالات منتقل نماید.

(۳) اموالی را که ایالات و بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) بدون عوض در اختیار رایش (آلمان سابق) گذاشته بوده‌اند مجدداً دارایی ایالات و بخش‌ها (اتحادیه‌ای بخش‌ها) محسوب می‌شود، البته تاجایی که فدراسیون برای انجام وظائف اداری خود به آنها احتیاج نداشته باشد.

(۴) تفصیل آن را قانون فدرالی که نیاز به تأیید شورای فدرال دارد، تعیین می‌کند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(3) Den Betroffenen steht der Rechtsweg gemäß Artikel 19 Abs. 4 offen.

(4) Das Nähere bestimmt eine Verordnung der Bundesregierung, die der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

Art 133

Der Bund tritt in die Rechte und Pflichten der Verwaltung des Vereinigten Wirtschaftsgebietes ein.

Art 134

(1) Das Vermögen des Reiches wird grundsätzlich Bundesvermögen.

(2) Soweit es nach seiner ursprünglichen Zweckbestimmung überwiegend für Verwaltungsaufgaben bestimmt war, die nach diesem Grundgesetze nicht Verwaltungsaufgaben des Bundes sind, ist es unentgeltlich auf die nunmehr zuständigen Aufgabenträger und, soweit es nach seiner gegenwärtigen, nicht nur vorübergehenden Benutzung Verwaltungsaufgaben dient, die nach diesem Grundgesetze nunmehr von den Ländern zu erfüllen sind, auf die Länder zu übertragen. Der Bund kann auch sonstiges Vermögen den Ländern übertragen.

(3) Vermögen, das dem Reich von den Ländern und Gemeinden (Gemeindeverbänden) unentgeltlich zur Verfügung gestellt wurde, wird wiederum Vermögen der Länder und Gemeinden (Gemeindeverbände), soweit es nicht der Bund für eigene Verwaltungsaufgaben benötigt.

(4) Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

اصل ۱۳۵

(۱) چنانچه بعد از ۸ مه سال ۱۹۴۵ و قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون اساسی قسمتی از خاک ایالتی به ایالت دیگری منتقل شده باشد، اموال موجود در این ناحیه از ایالتی که سابقاً متعلق به آن بوده است، به ایالتی که اکنون به آن تعلق دارد، منتقل می‌گردد.

(۲) اموال ایالاتی که دیگر موجودیت ندارند، و نیز اموال مؤسسات و شرکت‌های حقوق عمومی که دیگر وجود ندارند، تا حدودی که بر اساس هدف اولیه خود عمدتاً برای اجرای وظائف اداری در نظر گرفته شده بوده‌اند و یا براساس کاربرد کنونی و نه صرفاً موقت خود، برای وظائف اداری استفاده می‌شوند، به ایالات یا دستگاه‌ها یا مؤسسات حقوق عمومی‌ای انتقال می‌یابند که از این پس عهده‌دار این وظائف هستند.

(۳) اموال غیرمنقول ایالاتی که دیگر وجود ندارند و متعلقات آن، تا جایی که مشمول اموال موضوع بند ۱ نباشند، به ایالتی انتقال می‌یابند که اکنون در آن واقع شده‌اند.

(۴) چنانچه منافع عمده فدراسیون یا منافع ویژه ناحیه‌ای ایجاب کند، می‌توان توسط قانون فدرال مقرراتی متفاوت با بندهای ۱ الی ۳ تصویب نمود.

(۵) سایر آثار حقوقی مربوط به جانشینی در مالکیت و اختلاف نظرها در این مورد، تا جایی که پیش از اول ژانویه سال ۱۹۵۲ براساس توافقاتی میان ایالت‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های حقوق عمومی ذی‌نفع حل‌وفصل نشده باشد، به‌موجب قانون فدرالی که نیاز به تأیید شورای فدرال دارد، تنظیم می‌شود.

(۶) سهام ایالت سابق "پروس" در مؤسسات تابع حقوق خصوصی، به فدراسیون انتقال می‌یابد. تفصیل آن، که می‌تواند بر خلاف مفاد این بند نیز باشد، به‌موجب قانون فدرال تنظیم می‌گردد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 135

(1) Hat sich nach dem 8. Mai 1945 bis zum Inkrafttreten dieses Grundgesetzes die Landeszugehörigkeit eines Gebietes geändert, so steht in diesem Gebiete das Vermögen des Landes, dem das Gebiet angehört hat, dem Lande zu, dem es jetzt angehört.

(2) Das Vermögen nicht mehr bestehender Länder und nicht mehr bestehender anderer Körperschaften und Anstalten des öffentlichen Rechtes geht, soweit es nach seiner ursprünglichen Zweckbestimmung überwiegend für Verwaltungsaufgaben bestimmt war, oder nach seiner gegenwärtigen, nicht nur vorübergehenden Benutzung überwiegend Verwaltungsaufgaben dient, auf das Land oder die Körperschaft oder Anstalt des öffentlichen Rechtes über, die nunmehr diese Aufgaben erfüllen.

(3) Grundvermögen nicht mehr bestehender Länder geht einschließlich des Zubehörs, soweit es nicht bereits zu Vermögen im Sinne des Absatzes 1 gehört, auf das Land über, in dessen Gebiet es belegen ist.

(4) Sofern ein überwiegendes Interesse des Bundes oder das besondere Interesse eines Gebietes es erfordert, kann durch Bundesgesetz eine von den Absätzen 1 bis 3 abweichende Regelung getroffen werden.

(5) Im übrigen wird die Rechtsnachfolge und die Auseinandersetzung, soweit sie nicht bis zum 1. Januar 1952 durch Vereinbarung zwischen den beteiligten Ländern oder Körperschaften oder Anstalten des öffentlichen Rechtes erfolgt, durch Bundesgesetz geregelt, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

(6) Beteiligungen des ehemaligen Landes Preußen an Unternehmen des privaten Rechtes gehen auf den Bund über. Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das auch Abweichendes bestimmen kann.

(۷) چنانچه اموالی که طبق بندهای ۱ الی ۳ به ایالات یا مؤسسات و شرکت‌های حقوق عمومی تعلق می‌گیرند، توسط اشخاصی که بعداً به‌موجب قانون ایالتی یا با اتکاء به قانون ایالتی یا به گونه‌ای دیگر مجاز دانسته شده‌اند، پس از اجرای قانون اساسی به تصرف درآیند، انتقال مالکیت قبل از زمان تصرف انجام شده تلقی می‌گردد.

اصل ۱۳۵ الف

(۱) براساس صلاحیتی که به‌موجب اصل ۱۳۴ بند ۴ و اصل ۱۳۵ بند ۵ برای قانون‌گذاری دولت فدرال محفوظ است، می‌توان تعیین نمود که اجرای امور زیر کلاً و یا جزئاً متوقف شوند:

۱. تعهدات رایش (دولت سابق آلمان) و تعهدات ایالت سابق پروس یا تعهدات سایر مؤسسات و شرکت‌های حقوق عمومی که دیگر وجود خارجی ندارند،

۲. تعهدات فدراسیون یا سایر مؤسسات یا شرکت‌های حقوق عمومی در راستای انتقال اموال مندرج در اصول ۸۹ و ۹۰ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و نیز تعهدات شخصیت‌های حقوقی مزبور، که بر اقدامات شخصیت‌های حقوقی موضوع شماره ۱ مبتنی‌اند،

۳. تعهدات ایالات یا بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) ناشی از تدابیر شخصیت‌های حقوقی مزبور، که پیش از ۱ اوت ۱۹۴۵ جهت اجرای دستورات دول اشغالگر و یا جهت رفع فوریت جنگی، در چهارچوب وظائف اداری دولت رایش یا تفویض شده از طرف رایش، اتخاذ شده بوده‌اند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(7) Soweit über Vermögen, das einem Lande oder einer Körperschaft oder Anstalt des öffentlichen Rechtes nach den Absätzen 1 bis 3 zufallen würde, von dem danach Berechtigten durch ein Landesgesetz, auf Grund eines Landesgesetzes oder in anderer Weise bei Inkrafttreten des Grundgesetzes verfügt worden war, gilt der Vermögensübergang als vor der Verfügung erfolgt.

Art 135a

(1) Durch die in Artikel 134 Abs. 4 und Artikel 135 Abs. 5 vorbehaltene Gesetzgebung des Bundes kann auch bestimmt werden, daß nicht oder nicht in voller Höhe zu erfüllen sind 1.

Verbindlichkeiten des Reiches sowie Verbindlichkeiten des ehemaligen Landes Preußen und sonstiger nicht mehr bestehender Körperschaften und Anstalten des öffentlichen Rechts,

2. Verbindlichkeiten des Bundes oder anderer Körperschaften und Anstalten des öffentlichen Rechts, welche mit dem Übergang von Vermögenswerten nach Artikel 89, 90, 134 und 135 im Zusammenhang stehen, und Verbindlichkeiten dieser Rechtsträger, die auf Maßnahmen der in Nummer 1 bezeichneten Rechtsträger beruhen,

3. Verbindlichkeiten der Länder und Gemeinden (Gemeindeverbände), die aus Maßnahmen entstanden sind, welche diese Rechtsträger vor dem 1. August 1945 zur Durchführung von Anordnungen der Besatzungsmächte oder zur Beseitigung eines kriegsbedingten Notstandes im Rahmen dem Reich obliegender oder vom Reich übertragener Verwaltungsaufgaben getroffen haben.

(۲) مفاد بند ۱ در مورد تعهدات جمهوری دموکراتیک آلمان یا شخصیت‌های حقوقی مسئول آن، همچنین تعهدات دولت فدرال و یا سایر مؤسسات و شرکت‌های حقوق عمومی که به انتقال اموال جمهوری دموکراتیک آلمان به فدراسیون، ایالت‌ها و بخش‌ها مربوط می‌شوند، و نیز در مورد تعهداتی که برخاسته از اقدامات جمهوری دموکراتیک آلمان یا شخصیت‌های حقوقی مسئول است، اعمال می‌گردد.

اصل ۱۳۶

(۱) شورای فدرال برای نخستین بار در اولین روز نشست مجلس فدرال تشکیل می‌شود.
(۲) تا انتخاب اولین رئیس‌جمهور فدرال، اختیارات او را رئیس شورای فدرال اجرا می‌کند. او حق انحلال مجلس فدرال را ندارد.

اصل ۱۳۷

(۱) می‌توان به‌موجب قانون حق نامزد شدن در انتخابات را برای کارمندان رسمی، سایر کارمندان بخش خدمات عمومی، سربازان تمام‌وقت، سربازان داوطلب پارموقت و نیز قضات فدراسیون، ایالت‌ها و بخش‌ها، محدود ساخت.
(۲) انتخاب اولین دوره مجلس فدرال و اولین مجمع فدرال و اولین رئیس‌جمهور فدرال، براساس قانون انتخابات مصوب شورای پارلمانی، برگزار می‌شود.
(۳) اختیاراتی که به‌موجب اصل ۴۱ بند ۲ به دادگاه قانون اساسی فدرال تفویض شده است، تا زمان تأسیس این دادگاه برعهده دادگاه عالی آلمان در منطقه مشترک اقتصادی خواهد بود که براساس آیین دادرسی خود رسیدگی می‌نماید.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(2) Absatz 1 findet entsprechende Anwendung auf Verbindlichkeiten der Deutschen Demokratischen Republik oder ihrer Rechtsträger sowie auf Verbindlichkeiten des Bundes oder anderer Körperschaften und Anstalten des öffentlichen Rechts, die mit dem Übergang von Vermögenswerten der Deutschen Demokratischen Republik auf Bund, Länder und Gemeinden im Zusammenhang stehen, und auf Verbindlichkeiten, die auf Maßnahmen der Deutschen Demokratischen Republik oder ihrer Rechtsträger beruhen.

Art 136

(1) Der Bundesrat tritt erstmalig am Tage des ersten Zusammentrittes des Bundestages zusammen.

(2) Bis zur Wahl des ersten Bundespräsidenten werden dessen Befugnisse von dem Präsidenten des Bundesrates ausgeübt. Das Recht der Auflösung des Bundestages steht ihm nicht zu.

Art 137

(1) Die Wählbarkeit von Beamten, Angestellten des öffentlichen Dienstes, Berufssoldaten, freiwilligen Soldaten auf Zeit und Richtern im Bund, in den Ländern und den Gemeinden kann gesetzlich beschränkt werden.

(2) Für die Wahl des ersten Bundestages, der ersten Bundesversammlung und des ersten Bundespräsidenten der Bundesrepublik gilt das vom Parlamentarischen Rat zu beschließende Wahlgesetz.

(3) Die dem Bundesverfassungsgerichte gemäß Artikel 41 Abs. 2 zustehende Befugnis wird bis zu seiner Errichtung von dem Deutschen Obergericht für das Vereinigte Wirtschaftsgebiet wahrgenommen, das nach Maßgabe seiner Verfahrensordnung entscheidet.

اصل ۱۳۸

تغییر در ساختار فعلی دفاتر اسناد رسمی موجود در ایالت‌های بادن (Baden)، باواریا (Bayern)، وورتمبرگ‌بادن (Württemberg-Baden) و وورتمبرگ هوهن‌زلرن (Württemberg-Hohenzollern) مستلزم موافقت دولت‌های این ایالات است.

اصل ۱۳۹

مقررات حقوقی تصویب شده برای «رهایی مردم آلمان از ناسیونال سوسیالیسم و ملیتاریسم» [نظام فاشیستی زمان هیتلر]، توسط مفاد این قانون اساسی تغییر نمی‌یابد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 138

Änderungen der Einrichtungen des jetzt bestehenden Notariats in den Ländern Baden, Bayern, Württemberg-Baden und Württemberg-Hohenzollern bedürfen der Zustimmung der Regierungen dieser Länder.

Art 139

Die zur "Befreiung des deutschen Volkes vom Nationalsozialismus und Militarismus" erlassenen Rechtsvorschriften werden von den Bestimmungen dieses Grundgesetzes nicht berührt.

فصل یازدهم: مقررات انتقالی و نهایی

اصل ۱۴۰

مفاد اصول ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۱ قانون اساسی آلمان مصوب ۱۱ اوت ۱۹۱۹، از اجزاء این قانون اساسی محسوب می‌شوند.

پانویس:

توضیح غیر رسمی: اصول ملحق شده از قانون اساسی آلمان مصوب ۱۱ اوت ۱۹۱۹ - همچنین منتشر شده با شماره انتشار ۲-۱۰۰ (نگاه شود تحت نام اختصاری WRV - قانون اساسی وایمر) - به قرار ذیل است:

اصل ۱۳۶

- (۱) حقوق و تکالیف مدنی و شهروندی با اعمال حق آزادی مذهب، مقید و یا محدود نمی‌شوند.
- (۲) برخورداری از حقوق مدنی و شهروندی و دسترسی به مشاغل عمومی، مستقل از اعتقادات مذهبی است.
- (۳) هیچکس مجبور به آشکار ساختن عقاید دینی خود نیست. مقامات دولتی تنها تا جایی می‌توانند راجع به تعلقات فرقه‌ای و مذهبی افراد سؤال کنند که به واسطه این اعتقادات، حقوق و یا تکالیفی بر افراد مترتب گردد و یا برآوردهای آماری قانونی ایجاد نماید.
- (۴) هیچکس را نمی‌توان به انجام فعالیت کلیسایی یا مراسم مذهبی یا شرکت در عبادات مذهبی و یا اداء سوگندی مذهبی، مجبور ساخت.

اصل ۱۳۷

- (۱) کلیسای رسمی وجود ندارد [مذهب رسمی کلیسایی وجود ندارد].
- (۲) آزادی تجمع در مجامع و انجمن‌های مذهبی تضمین می‌گردد. اتحاد انجمن‌های مذهبی در داخل قلمرو رایش (آلمان) تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست.
- (۳) مجامع مذهبی امور خود را مستقلاً و در چهارچوب قانونی مطرح برای همه، اداره و مدیریت می‌کنند. اعطاء مناصب در این مجامع توسط خود آنها، بدون دخالت و همکاری دولت یا نهادهای مدنی، صورت می‌گیرد.
- (۴) مجامع مذهبی اهلیت حقوقی خود را بر اساس مقررات عمومی قانون مدنی، کسب می‌کنند.
- (۵) مجامع مذهبی‌ای که تاکنون به عنوان مؤسسات حقوق عمومی محسوب می‌شده‌اند، زین پس نیز این‌گونه به‌شمار می‌آیند. سایر مجامع مذهبی نیز در صورت تقاضا، از این حق برخوردار خواهند شد، مشروط بر این‌که اساسنامه و تعداد اعضا، تداوم آنان را تضمین نماید. چنانچه تعدادی از این مجامع مذهبی تابع حقوق عمومی، به صورت انجمن واحدی درآیند، این انجمن نیز به منزله یک مؤسسه تابع حقوق عمومی محسوب می‌شود.
- (۶) مجامع مذهبی‌ای که در شمار مؤسسات حقوق عمومی هستند، مجازند بر اساس فهرست مالیاتی شهروندان و متناسب با موازین مصوبات ایالتی، مالیات دریافت کنند.
- (۷) انجمن‌ها و اتحادیه‌هایی که هدفشان پرورش جمعی جهان‌بینی مشخصی است، از موقعیتی برابر با مجامع مذهبی برخوردارند.
- (۸) چنانچه اجراء مقررات مزبور نیازمند قواعد دیگری باشد، تصویب آنها بر عهده قوه مقننه ایالات خواهد بود.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 140

Die Bestimmungen der Artikel 136, 137, 138, 139 und 141 der deutschen Verfassung vom 11. August 1919 sind Bestandteil dieses Grundgesetzes.

Fußnote (+++ Nichtamtlicher Hinweis:

Die aufgeführten Artikel der deutschen Verfassung vom 11.8.1919 - ebenfalls abgedruckt unter der FNA Nr. 100-2 (siehe juris-Abk: WRV) - lauten wie folgt:

Art. 136

(1) Die bürgerlichen und staatsbürgerlichen Rechte und Pflichten werden durch die Ausübung der Religionsfreiheit weder bedingt noch beschränkt.

(2) Der Genuß bürgerlicher und staatsbürgerlicher Rechte sowie die Zulassung zu öffentlichen Ämtern sind unabhängig von dem religiösen Bekenntnis.

(3) Niemand ist verpflichtet, seine religiöse Überzeugung zu offenbaren. Die Behörden haben nur soweit das Recht, nach der Zugehörigkeit zu einer Religionsgesellschaft zu fragen, als davon Rechte und Pflichten abhängen oder eine gesetzlich angeordnete statistische Erhebung dies erfordert.

(4) Niemand darf zu einer kirchlichen Handlung oder Feierlichkeit oder zur Teilnahme an religiösen Übungen oder zur Benutzung einer religiösen Eidesform gezwungen werden.

Art. 137

(1) Es besteht keine Staatskirche.

(2) Die Freiheit der Vereinigung zu Religionsgesellschaften wird gewährleistet. Der Zusammenschluß von Religionsgesellschaften innerhalb des Reichsgebiets unterliegt keinen Beschränkungen.

(3) Jede Religionsgesellschaft ordnet und verwaltet ihre Angelegenheiten selbständig innerhalb der Schranken des für alle geltenden Gesetzes. Sie verleiht ihre Ämter ohne Mitwirkung des Staates oder der bürgerlichen Gemeinde.

(4) Religionsgesellschaften erwerben die Rechtsfähigkeit nach den allgemeinen Vorschriften des bürgerlichen Rechtes.

(5) Die Religionsgesellschaften bleiben Körperschaften des öffentlichen Rechtes, soweit sie solche bisher waren. Anderen Religionsgesellschaften sind auf ihren Antrag gleiche Rechte zu gewähren, wenn sie durch ihre Verfassung und die Zahl ihrer Mitglieder die Gewähr der Dauer bieten. Schließen sich mehrere derartige öffentlich-rechtliche Religionsgesellschaften zu einem Verbands zusammen, so ist auch dieser Verband eine öffentlich-rechtliche Körperschaft.

(6) Die Religionsgesellschaften, welche Körperschaften des öffentlichen Rechtes sind, sind berechtigt, auf Grund der bürgerlichen Steuerlisten nach Maßgabe der landesrechtlichen Bestimmungen Steuern zu erheben.

(7) Den Religionsgesellschaften werden die Vereinigungen gleichgestellt, die sich die gemeinschaftliche Pflege einer Weltanschauung zur Aufgabe machen.

(8) Soweit die Durchführung dieser Bestimmungen eine weitere Regelung erfordert, liegt diese der Landesgesetzgebung ob.

اصل ۱۳۸

(۱) کمک‌های دولتی به مجامع مذهبی که طبق قانون، قرارداد یا عناوین حقوقی خاص مقرر شده بوده‌اند، توسط قوانین ایالتی لغو و جایگزین می‌شوند. اصول آن را دولت رایش (آلمان) تعیین می‌نماید.

(۲) حق مالکیت و دیگر حقوق مجامع و انجمن‌های مذهبی بر تأسیسات، بنیادها و سایر دارایی‌هایشان که به اجراء عبادات، تعلیم و تربیت، و امور خیریه اختصاص داده شده‌اند، تضمین می‌گردد.

اصل ۱۳۹

روزهای یکشنبه و ایام تعطیل رسمی به منزله روزهای فراغت از کار و ارتقاء معنوی، قانوناً تضمین می‌شوند.

اصل ۱۴۱

تا جایی که نیاز به انجام مراسم عبادات مذهبی و مراقبت روحی در میان نظامیان، و یا در بیمارستان‌ها، زندان‌ها یا مؤسسات عمومی ایجاب نماید، مجامع مذهبی اجازه اداء مراسم دینی را دارند، مشروط بر اینکه از هرگونه اجباری اجتناب گردد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art. 138

(1) Die auf Gesetz, Vertrag oder besonderen Rechtstiteln beruhenden Staatsleistungen an die Religionsgesellschaften werden durch die Landesgesetzgebung abgelöst. Die Grundsätze hierfür stellt das Reich auf.

(2) Das Eigentum und andere Rechte der Religionsgesellschaften und religiösen Vereine an ihren für Kultus-, Unterrichts- und Wohltätigkeitszwecke bestimmten Anstalten, Stiftungen und sonstigen Vermögen werden gewährleistet.

Art. 139

Der Sonntag und die staatlich anerkannten Feiertage bleiben als Tage der Arbeitsruhe und der seelischen Erhebung gesetzlich geschützt.

Art. 141

Soweit das Bedürfnis nach Gottesdienst und Seelsorge im Heer, in Krankenhäusern, Strafanstalten oder sonstigen öffentlichen Anstalten besteht, sind die Religionsgesellschaften zur Vornahme religiöser Handlungen zuzulassen, wobei jeder Zwang fernzuhalten ist.+++)

اصل ۱۴۱

جمله ۱ بند ۳ اصل ۷ شامل ایالتی نمی‌شود که در آنجا در تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۴۹ قانون ایالتی دیگری جاری بوده است.

اصل ۱۴۲

با عزل نظر از مفاد اصل ۳۱، مفاد قوانین اساسی ایالت‌ها تا جایی که مطابق با اصول ۱ الی ۱۸ این قانون اساسی حق‌های بنیادن را تضمین نمایند، معتبر باقی می‌مانند.

اصل ۱۴۲ الف (ملغی شده است)

اصل ۱۴۳

(۱) قوانین در قلمرو مذکور در اصل ۳ پیمان اتحاد، می‌توانند حداکثر تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۲ با مفاد این قانون اساسی مغایرت داشته باشند، تا حدود و تا زمانی که به دلیل وجود شرائط متفاوت، انطباق کامل با نظام قانون اساسی حاضر هنوز ممکن نباشد. قوانین مغایر نباید اصل ۱۹ بند ۲ را نقض نمایند، و باید با اصول مندرج در اصل ۷۹ بند ۳ سازگار باشند.

(۲) مغایرت با مفاد فصول دوم، هشتم، هشتم الف، نهم، دهم و یازدهم حد اکثر تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۵ پذیرفته می‌شود.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 141

Artikel 7 Abs. 3 Satz 1 findet keine Anwendung in einem Lande, in dem am 1. Januar 1949 eine andere landesrechtliche Regelung bestand.

Art 142

Ungeachtet der Vorschrift des Artikels 31 bleiben Bestimmungen der Landesverfassungen auch insoweit in Kraft, als sie in Übereinstimmung mit den Artikeln 1 bis 18 dieses Grundgesetzes Grundrechte gewährleisten.

Art 142a (weggefallen)

Art 143

(1) Recht in dem in Artikel 3 des Einigungsvertrags genannten Gebiet kann längstens bis zum 31. Dezember 1992 von Bestimmungen dieses Grundgesetzes abweichen, soweit und solange infolge der unterschiedlichen Verhältnisse die völlige Anpassung an die grundgesetzliche Ordnung noch nicht erreicht werden kann. Abweichungen dürfen nicht gegen Artikel 19 Abs. 2 verstoßen und müssen mit den in Artikel 79 Abs. 3 genannten Grundsätzen vereinbar sein.

(2) Abweichungen von den Abschnitten II, VIII, VIIIa, IX, X und XI sind längstens bis zum 31. Dezember 1995 zulässig.

(۳) صرف نظر از بند ۱ و ۲، اصل ۴۱ پیمان اتحاد و قواعد اجرایی آن تا جایی که مقرر نمایند که تعدی به اموال موجود در منطقه مذکور در اصل ۳ این پیمان، غیر قابل بازگشت است، معتبر می‌مانند.

اصل ۱۴۳ الف

(۱) صلاحیت قانون‌گذاری انحصاری در تمام امور ناشی از تغییر کاربری راه‌آهن‌های فدرال، که مستقیماً توسط فدراسیون اداره می‌شده‌اند، به شرکت‌های اقتصادی متعلق به فدراسیون است. مفاد اصل ۸۷ ب بند ۵ حسب مورد قابل اجراء خواهد بود. کارمندان رسمی راه‌آهن‌های فدرال می‌توانند به‌موجب قانون با حفظ موقعیت حقوقی خود و مسئولیت کارفرما، در یکی از راه‌آهن‌های فدراسیون که تابع حقوق خصوصی هستند، مشغول به خدمت شوند.

(۲) فدراسیون قوانین موضوع بند ۱ را اجراء می‌کند.

(۳) انجام وظائف در حیطه خدمات خطوط راه‌آهن مسافری شهری که تا کنون در شمار خطوط راه‌آهن فدرال بوده‌اند، تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۵ بر عهده فدراسیون قرار دارد. این قاعده حسب مورد درباره وظائف اداره حمل و نقل راه‌آهن نیز صدق می‌کند. تفصیل آن را قانونی که نیاز به موافقت شورای فدرال دارد، تعیین می‌نماید.

اصل ۱۴۳ ب

(۱) صندوق مالی اختصاصی متعلق به پست آلمان فدرال (Sondervermögen Deutsche Bundespost)، مطابق با موازین قانون فدرال، به شرکت‌هایی که تابع حقوق خصوصی هستند، تغییر می‌یابد. فدراسیون در تمام امور ناشی از آن صلاحیت قانون‌گذاری انحصاری دارد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(3) Unabhängig von Absatz 1 und 2 haben Artikel 41 des Einigungsvertrags und Regelungen zu seiner Durchführung auch insoweit Bestand, als sie vorsehen, daß Eingriffe in das Eigentum auf dem in Artikel 3 dieses Vertrags genannten Gebiet nicht mehr rückgängig gemacht werden.

Art 143a

(1) Der Bund hat die ausschließliche Gesetzgebung über alle Angelegenheiten, die sich aus der Umwandlung der in bundeseigener Verwaltung geführten Bundeseisenbahnen in Wirtschaftsunternehmen ergeben. Artikel 87e Abs. 5 findet entsprechende Anwendung. Beamte der Bundeseisenbahnen können durch Gesetz unter Wahrung ihrer Rechtsstellung und der Verantwortung des Dienstherrn einer privatrechtlich organisierten Eisenbahn des Bundes zur Dienstleistung zugewiesen werden.

(2) Gesetze nach Absatz 1 führt der Bund aus.

(3) Die Erfüllung der Aufgaben im Bereich des Schienenpersonennahverkehrs der bisherigen Bundeseisenbahnen ist bis zum 31. Dezember 1995 Sache des Bundes. Dies gilt auch für die entsprechenden Aufgaben der Eisenbahnverkehrsverwaltung. Das Nähere wird durch Bundesgesetz geregelt, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

Art 143b

(1) Das Sondervermögen Deutsche Bundespost wird nach Maßgabe eines Bundesgesetzes in Unternehmen privater Rechtsform umgewandelt. Der Bund hat die ausschließliche Gesetzgebung über alle sich hieraus ergebenden Angelegenheiten.

(۲) می‌توان حقوق انحصاری متعلق به فدراسیون قبل از تغییر کاربری را، به موجب قانون فدرال برای یک دوره انتقالی به شرکت‌هایی که جایگزین پست فدرال POSTDIENST (خدمات پستی) و TELEKOM (تله کام) شده‌اند، واگذار نمود. دولت فدرال اجازه دارد اکثریت سهم خود را در شرکتی که جایگزین پست آلمان فدرال POTDIENST شده است، حداقل پنج سال بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون بفروشد. این امر مستلزم تصویب قانون فدرالی است که به موافقت شورای فدرال نیاز دارد.

(۳) کارمندان رسمی دولت فدرال که در خدمت پست آلمان فدرال بوده‌اند، با حفظ موقعیت حقوقی خود و مسئولیت کارفرما در شرکت‌های خصوصی جایگزین، استخدام خواهند شد. این شرکت‌ها دارای اختیارات کارفرمای سابق خواهند بود. تفصیل آن را قانون فدرال معین می‌کند.

اصل ۱۴۳ پ

(۱) ایالت‌ها از ۱ ژانویه سال ۲۰۰۷ تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۹ سالانه وجوهی را از بودجه فدراسیون به دلایل زیر دریافت می‌کنند: به دلیل لغو وظائف مشترک جهت توسعه و تأسیس جدید دانشگاه‌ها، از جمله بیمارستان‌های دانشگاهی و برنامه‌ریزی آموزشی و همچنین به دلیل لغو کمک مالی برای توسعه شبکه ترافیکی بخش‌ها و به دلیل لغو سرمایه‌گذاری فدراسیون در توسعه مسکن اجتماعی. این وجوه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۳، براساس میانگین حمایت مالی فدراسیون در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، محاسبه خواهد شد.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(2) Die vor der Umwandlung bestehenden ausschließlichen Rechte des Bundes können durch Bundesgesetz für eine Übergangszeit den aus der Deutschen Bundespost POSTDIENST und der Deutschen Bundespost TELEKOM hervorgegangenen Unternehmen verliehen werden. Die Kapitalmehrheit am Nachfolgeunternehmen der Deutschen Bundespost POSTDIENST darf der Bund frühestens fünf Jahre nach Inkrafttreten des Gesetzes aufgeben. Dazu bedarf es eines Bundesgesetzes mit Zustimmung des Bundesrates.

(3) Die bei der Deutschen Bundespost tätigen Bundesbeamten werden unter Wahrung ihrer Rechtsstellung und der Verantwortung des Dienstherrn bei den privaten Unternehmen beschäftigt. Die Unternehmen üben Dienstherrnenbefugnisse aus. Das Nähere bestimmt ein Bundesgesetz.

Art 143c

(1) Den Ländern stehen ab dem 1. Januar 2007 bis zum 31. Dezember 2019 für den durch die Abschaffung der Gemeinschaftsaufgaben Ausbau und Neubau von Hochschulen einschließlich Hochschulkliniken und Bildungsplanung sowie für den durch die Abschaffung der Finanzhilfen zur Verbesserung der Verkehrsverhältnisse der Gemeinden und zur sozialen Wohnraumförderung bedingten Wegfall der Finanzierungsanteile des Bundes jährlich Beträge aus dem Haushalt des Bundes zu. Bis zum 31. Dezember 2013 werden diese Beträge aus dem Durchschnitt der Finanzierungsanteile des Bundes im Referenzzeitraum 2000 bis 2008 ermittelt.

(۲) تا قبل از ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۳ وجوه مالی مورد اشاره در بند ۱ بین ایالت‌ها به قرار ذیل توزیع می‌شود:

۱. مبالغی به عنوان وجوه ثابت سالانه که مقدار آن با توجه به سهم متوسط هر ایالت طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ محاسبه می‌شود؛

۲. مبالغی که به‌طور کاربردی، مرتبط با حیطه وظایف هر کدام از ایالات در سرمایه‌گذاری‌های مشترک سابق، محاسبه می‌شود.

(۳) دولت فدرال و ایالت‌ها تا پایان سال ۲۰۱۳ بررسی می‌کنند که چه میزان از وجوهی که طبق بند ۱ به ایالات اختصاص یافته، همچنان برای اجرای وظائف آنها مناسب و ضروری است. از ۱ ژانویه سال ۲۰۱۴ شرط معطوف به هدف بودن (کاربردی بودن) مذکور در بند ۲ شماره ۲ برای وجوه مالی تعیین شده در بند ۱ لغو می‌شود؛ شرط ارتباط وجوه مالی تخصیص یافته با اهداف سرمایه‌گذاری به‌قوت خود باقی است. توافقات پیمان همبستگی ۲ تغییری نمی‌کند.

(۴) تفصیل آن را قانون فدرالی که مستلزم موافقت شورای فدرال است، تنظیم می‌نماید.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(2) Die Beträge nach Absatz 1 werden auf die Länder bis zum 31. Dezember 2013 wie folgt verteilt:

1. als jährliche Festbeträge, deren Höhe sich nach dem Durchschnittsanteil eines jeden Landes im Zeitraum 2000 bis 2003 errechnet;

2. jeweils zweckgebunden an den Aufgabenbereich der bisherigen Mischfinanzierungen.

(3) Bund und Länder überprüfen bis Ende 2013, in welcher Höhe die den Ländern nach Absatz 1 zugewiesenen Finanzierungsmittel zur Aufgabenerfüllung der Länder noch angemessen und erforderlich sind. Ab dem 1. Januar 2014 entfällt die nach Absatz 2 Nr. 2 vorgesehene Zweckbindung der nach Absatz 1 zugewiesenen Finanzierungsmittel; die investive Zweckbindung des Mittelvolumens bleibt bestehen. Die Vereinbarungen aus dem Solidarpakt II bleiben unberührt.

(4) Das Nähere regelt ein Bundesgesetz, das der Zustimmung des Bundesrates bedarf.

اصل ۱۴۳ ت

(۱) اصول ۱۰۹ و ۱۱۵ با محتوایی که در نسخه پیش از ۳۱ ژوئیه سال ۲۰۰۹ معتبر بوده است، برای آخرین بار در بودجه سال مالی ۲۰۱۰ اعمال می‌شوند. اصول ۱۰۹ و ۱۱۵ با محتوایی که در نسخه بعد از ۱ اوت سال ۲۰۰۹ معتبر است برای نخستین بار در بودجه سال مالی ۲۰۱۱ اعمال می‌شوند؛ مجوزهای اعتباری موجود در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۰ برای صندوق‌های دارایی ویژه‌ای که سابقاً تأسیس شده‌اند، محفوظ باقی می‌مانند. ایالت‌ها می‌توانند از ۱ ژانویه سال ۲۰۱۱ تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۹ مطابق با مقررات حقوقی ایالتی لازم‌الاجزاء خود از مفاد اصل ۱۰۹ بند ۳ عدول نمایند. بودجه ایالت‌ها باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که در سال مالی ۲۰۲۰ الزامات مندرج در اصل ۱۰۹ بند ۳ جمله ۵ برآورده گردد. فدراسیون می‌تواند از ۱ ژانویه ۲۰۱۱ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ از مفاد اصل ۱۱۵ بند ۲ جمله ۲ عدول نماید. اقدامات لازم برای کاهش کسری‌های موجود، باید از سال مالی ۲۰۱۱ آغاز شود. بودجه‌های سالانه باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شوند که در سال مالی ۲۰۱۶ الزامات اصل ۱۱۵ بند ۲ جمله ۲ برآورده شود؛ تفصیل آن را قانون فدرال معین می‌کند.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

Art 143d

(1) Artikel 109 und 115 in der bis zum 31. Juli 2009 geltenden Fassung sind letztmals auf das Haushaltsjahr 2010 anzuwenden. Artikel 109 und 115 in der ab dem 1. August 2009 geltenden Fassung sind erstmals für das Haushaltsjahr 2011 anzuwenden; am 31. Dezember 2010 bestehende Kreditermächtigungen für bereits eingerichtete Sondervermögen bleiben unberührt. Die Länder dürfen im Zeitraum vom 1. Januar 2011 bis zum 31. Dezember 2019 nach Maßgabe der geltenden landesrechtlichen Regelungen von den Vorgaben des Artikels 109 Absatz 3 abweichen. Die Haushalte der Länder sind so aufzustellen, dass im Haushaltsjahr 2020 die Vorgabe aus Artikel 109 Absatz 3 Satz 5 erfüllt wird. Der Bund kann im Zeitraum vom 1. Januar 2011 bis zum 31. Dezember 2015 von der Vorgabe des Artikels 115 Absatz 2 Satz 2 abweichen. Mit dem Abbau des bestehenden Defizits soll im Haushaltsjahr 2011 begonnen werden. Die jährlichen Haushalte sind so aufzustellen, dass im Haushaltsjahr 2016 die Vorgabe aus Artikel 115 Absatz 2 Satz 2 erfüllt wird; das Nähere regelt ein Bundesgesetz.

(۲) به منظور کمک برای رعایت مفاد اصل ۱۰۹ بند ۳ از ۱ ژانویه ۲۰۲۰، به ایالت‌های برلین، برمن، زارلند، زاکسن آنهالت و شلسویگ هولشتاین، طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ وجوهی تحت عنوان معاضدت‌های استحکامی، به میزان مجموعاً ۸۰۰ میلیون یورو از بودجهٔ فدرال اعطاء می‌شود. از این مبلغ سهم برمن ۳۰۰ میلیون یورو، زارلند ۲۶۰ میلیون یورو، و برلین، زاکسن آنهالت و شلسویگ هولشتاین هر کدام ۸۰ میلیون یورو خواهد بود. این کمک‌ها بر اساس توافق‌نامهٔ اداری مطابق با مفاد قانون فدرالی که نیاز به موافقت شورای فدرال دارد، توزیع می‌گردد. پرداخت این کمک‌ها مستلزم تقلیل کامل کسری‌های مالی تا پایان سال ۲۰۲۰ است. تفصیل آن، به‌ویژه مراحل سالانهٔ کاهش کسری‌های مالی، نظارت بر روند کاهش کسری مالی توسط شورای ثبات و همچنین ضمانت اجرای عدم رعایت مراحل کاهش، به‌موجب توافق‌نامه‌های اداری و قانون فدرالی که مستلزم تأیید شورای فدرال است، تعیین می‌شود. اعطاء همزمان معاضدت‌های استحکامی و کمک‌های مالی جهت اصلاح و بازسازی (Sanierungshilfen) به دلیل بحران شدید بودجه، ممنوع است.

(۳) دولت فدرال و ایالت‌ها هر کدام نیمی از هزینه‌های مالی ناشی از اعطاء معاضدت‌های استحکامی را تأمین می‌کنند، بدین نحو که ایالت‌ها آن را از سهم مالیات بر ارزش افزودهٔ خود می‌پردازند. تفصیل آن را قانون فدرال با تأیید شورای فدرال تنظیم می‌نماید.

اصل ۱۴۴

(۱) این قانون اساسی مستلزم تصویب از جانب مجالس نمایندگان دو سوم از ایالت‌هایی است که قرار است در وهلهٔ نخست در آنجا به اجرا گذاشته شود.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(2) Als Hilfe zur Einhaltung der Vorgaben des Artikels 109 Absatz 3 ab dem 1. Januar 2020 können den Ländern Berlin, Bremen, Saarland, Sachsen-Anhalt und Schleswig-Holstein für den Zeitraum 2011 bis 2019 Konsolidierungshilfen aus dem Haushalt des Bundes in Höhe von insgesamt 800 Millionen Euro jährlich gewährt werden. Davon entfallen auf Bremen 300 Millionen Euro, auf das Saarland 260 Millionen Euro und auf Berlin, Sachsen-Anhalt und Schleswig-Holstein jeweils 80 Millionen Euro. Die Hilfen werden auf der Grundlage einer Verwaltungsvereinbarung nach Maßgabe eines Bundesgesetzes mit Zustimmung des Bundesrates geleistet. Die Gewährung der Hilfen setzt einen vollständigen Abbau der Finanzierungsdefizite bis zum Jahresende 2020 voraus. Das Nähere, insbesondere die jährlichen Abbauschritte der Finanzierungsdefizite, die Überwachung des Abbaus der Finanzierungsdefizite durch den Stabilitätsrat sowie die Konsequenzen im Falle der Nichteinhaltung der Abbauschritte, wird durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates und durch Verwaltungsvereinbarung geregelt. Die gleichzeitige Gewährung der Konsolidierungshilfen und Sanierungshilfen auf Grund einer extremen Haushaltsnotlage ist ausgeschlossen.

(3) Die sich aus der Gewährung der Konsolidierungshilfen ergebende Finanzierungslast wird hälftig von Bund und Ländern, von letzteren aus ihrem Umsatzsteueranteil, getragen. Das Nähere wird durch Bundesgesetz mit Zustimmung des Bundesrates geregelt.

Art 144

(1) Dieses Grundgesetz bedarf der Annahme durch die Volksvertretungen in zwei Dritteln der deutschen Länder, in denen es zunächst gelten soll.

(۲) چنانچه اجراء این قانون اساسی در یکی از ایالات مذکور در اصل ۲۳ و یا در بخشی از این ایالت‌ها با محدودیت‌هایی مواجه باشد، آن ایالت یا بخش می‌تواند نمایندگانی را طبق اصل ۳۸ به مجلس فدرال و طبق اصل ۵۰ به شورای فدرال ارسال نماید.

اصل ۱۴۵

- (۱) شورای پارلمانی در جلسه‌ای عمومی با مشارکت نمایندگان برلین بزرگ پذیرش تصویب این قانون اساسی را تأیید نموده، آن را تنظیم ساخته و اعلام می‌دارد.
- (۲) این قانون اساسی با سپری شدن روز اعلام رسمی آن، لازم‌الاجرا می‌شود.
- (۳) متن آن باید در روزنامه رسمی فدرال منتشر گردد.

اصل ۱۴۶

این قانون اساسی که بعد از دستیابی به وحدت و آزادی آلمان برای تمام ملت آلمان اعتبار دارد، زمانی ملغی خواهد شد که قانون اساسی دیگری با آراء آزاد مردم آلمان تصویب شود.

XI. Übergangs- und Schlußbestimmungen

(2) Soweit die Anwendung dieses Grundgesetzes in einem der in Artikel 23 aufgeführten Länder oder in einem Teile eines dieser Länder Beschränkungen unterliegt, hat das Land oder der Teil des Landes das Recht, gemäß Artikel 38 Vertreter in den Bundestag und gemäß Artikel 50 Vertreter in den Bundesrat zu entsenden.

Art 145

(1) Der Parlamentarische Rat stellt in öffentlicher Sitzung unter Mitwirkung der Abgeordneten Groß-Berlins die Annahme dieses Grundgesetzes fest, fertigt es aus und verkündet es.

(2) Dieses Grundgesetz tritt mit Ablauf des Tages der Verkündung in Kraft.

(3) Es ist im Bundesgesetzblatte zu veröffentlichen.

Art 146

Dieses Grundgesetz, das nach Vollendung der Einheit und Freiheit Deutschlands für das gesamte deutsche Volk gilt, verliert seine Gültigkeit an dem Tage, an dem eine Verfassung in Kraft tritt, die von dem deutschen Volke in freier Entscheidung beschlossen worden ist.

ضمیمه: پیمان اتحاد

- پیمان اتحاد منعقد شده در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۹۰ || ۸۸۹، ۸۹۰-۸۹۲، - معیارهای ذیل را معین می‌کند:

اصل ۳

لازم‌الاجرا شدن قانون اساسی

پس از الحاق رسمی آلمان، قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان طبق نسخه منتشر شده در روزنامه رسمی آلمان، بخش سوم، شماره ۱۰۰-۱، که آخرین بار در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۸۳ اصلاح شده است (روزنامه رسمی آلمان I، ص ۱۴۸۱)، در ایالات‌های براندنبورگ، مکلنبورگ-فورپومرن، زاکسن، زاکسن-آنهالت و تورینگن و در آن بخشی از ایالت برلین که در آن این قانون اساسی تا کنون اجرا نمی‌شده است، با تغییرات ناشی از اصل ۴ به مرحله اجرا در می‌آید، تا جایی که در این پیمان امر دیگری تعیین نشده باشد.

اصل ۴

تغییرات قانون اساسی ناشی از الحاق

...(تغییر یافته‌اند: مقدمه، اصول ۲۳، ۵۱، ۱۳۵ الف، ۱۴۳، ۱۴۶)

اصل ۵

اصلاحات آینده قانون اساسی

دولت‌های طرفین پیمان، به نهادهای قانونگذاری آلمان متحد توصیه می‌کنند که این نهادها ظرف دو سال سؤالات مطرح را که ناشی از اتحاد آلمان بوده و راجع به اصلاح و یا تکمیل قانون اساسی هستند، مورد بررسی قرار دهند، به خصوص:

- با توجه به مناسبات میان فدراسیون و ایالت‌ها بر اساس تصمیم مشترک نخست‌وزیران مورخ ۵ ژوئیه سال ۱۹۹۰،

Anhang

Anhang EV

- EinigVtr v. 31.8.1990 II 889, 890 - 892, -

sieht folgende Maßgaben vor:

Artikel 3

Inkrafttreten des Grundgesetzes

Mit dem Wirksamwerden des Beitritts tritt das Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland in der im Bundesgesetzblatt Teil III, Gliederungsnummer 100-1, veröffentlichten bereinigten Fassung, zuletzt geändert durch Gesetz vom 21. Dezember 1983 (BGBl. I S. 1481), in den Ländern Brandenburg, Mecklenburg-Vorpommern, Sachsen, Sachsen-Anhalt und Thüringen sowie in dem Teil des Landes Berlin, in dem es bisher nicht galt, mit den sich aus Artikel 4 ergebenden Änderungen in Kraft, soweit in diesem Vertrag nichts anderes bestimmt ist.

Artikel 4

Beitrittsbedingte Änderungen des Grundgesetzes

... (betroffen: Präambel, Art. 23, 51, 135a, 143, 146)

Artikel 5

Künftige Verfassungsänderungen

Die Regierungen der beiden Vertragsparteien empfehlen den gesetzgebenden Körperschaften des vereinten Deutschlands, sich innerhalb von zwei Jahren mit den im Zusammenhang mit der deutschen Einigung aufgeworfenen Fragen zur Änderung oder Ergänzung des Grundgesetzes zu befassen, insbesondere

- in bezug auf das Verhältnis zwischen Bund und Ländern entsprechend dem Gemeinsamen Beschluß der Ministerpräsidenten vom 5. Juli 1990,

- راجع به امکان تقسیم‌بندی جدید منطقه برلین / براندنبورگ مغایر با مفاد اصل ۲۹ قانون اساسی، بر مبنای توافقات ایالت‌های سهیم،
- با تأمل در مورد تصریح اهداف دولت در قانون اساسی، و
- با توجه به مسأله اعمال اصل ۱۴۶ قانون اساسی و برگزاری همه‌پرسی در چهارچوب آن.

اصل ۶

استثنائات

اصل ۱۳۱ قانون اساسی در مناطق مذکور در اصل ۳، عجالاً اعمال نمی‌گردد.

اصل ۷

حقوق مالیه

(۱) حقوق مالی جمهوری فدرال آلمان در سرزمین‌های مذکور در اصل ۳ نیز اعمال می‌گردد، مشروط بر آنکه در این پیمان طور دیگری مقرر نشده باشد.

(۲) تخصیص درآمدهای مالیاتی بین دولت فدرال، ایالت‌ها و بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) در نواحی مذکور در اصل ۳، مطابق با مفاد اصل ۱۰۶ قانون اساسی صورت می‌گیرد، با این شرایط که:

۱. تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۴، بند ۳ جمله ۴ و بند ۴ اعمال نگردد؛

۲. تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۶، ایالت‌ها، سهم بخش‌ها را در مالیات بر درآمد طبق اصل ۱۰۶ بند ۵ قانون اساسی نه بر اساس میزان مالیات بر درآمد ساکنان بلکه با توجه به جمعیت بخش‌ها تخصیص دهند؛

Anhang

- in bezug auf die Möglichkeit einer Neugliederung für den Raum Berlin/Brandenburg abweichend von den Vorschriften des Artikels 29 des Grundgesetzes durch Vereinbarung der beteiligten Länder,
- mit den Überlegungen zur Aufnahme von Staatszielbestimmungen in das Grundgesetz sowie
- mit der Frage der Anwendung des Artikels 146 des Grundgesetzes und in deren Rahmen einer Volksabstimmung.

Artikel 6

Ausnahmebestimmung

Artikel 131 des Grundgesetzes wird in dem in Artikel 3 genannten Gebiet vorerst nicht in Kraft gesetzt.

Artikel 7

Finanzverfassung

(1) Die Finanzverfassung der Bundesrepublik Deutschland wird auf das in Artikel 3 genannte Gebiet erstreckt, soweit in diesem Vertrag nichts anderes bestimmt ist.

(2) Für die Verteilung des Steueraufkommens auf den Bund sowie auf die Länder und Gemeinden (Gemeindeverbände) in dem in Artikel 3 genannten Gebiet gelten die Bestimmungen des Artikels 106 des Grundgesetzes mit der Maßgabe, daß

1. bis zum 31. Dezember 1994 Absatz 3 Satz 4 und Absatz 4 keine Anwendung finden;

2. bis zum 31. Dezember 1996 der Anteil der Gemeinden an dem Aufkommen der Einkommensteuer nach Artikel 106 Abs. 5 des Grundgesetzes von den Ländern an die Gemeinden nicht auf der Grundlage der Einkommensteuerleistung ihrer Einwohner, sondern nach der Einwohnerzahl der Gemeinden weitergeleitet wird;

۳. بخش‌ها (اتحادیه‌های بخش‌ها) تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴، برخلاف اصل ۱۰۶ بند ۷ قانون اساسی، سالانه حداقل ۲۰ درصد از سهم ایالات از مجموع عواید حاصل از مالیات مشترک و از مجموع عواید مالیاتی ایالات، و نیز طبق بند ۵ شماره ۱، سالانه ۴۰ درصد از سهم ایالات از وجوه صندوق "وحدت آلمان"، دریافت کنند.

(۳) اصل ۱۰۷ قانون اساسی با این شرط در سرزمین‌های مذکور در اصل ۳ اعمال می‌شود که تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۴، مفاد بند ۱ جمله ۴ بین ایالت‌های سابق جمهوری فدرال آلمان و ایالت‌های موجود در سرزمین‌های موضوع اصل ۳، اجرا نشود و یک توازن مالی سراسری بین ایالت‌های آلمان (اصل ۱۰۷ بند ۲ قانون اساسی) به عمل نیاید. سهم ایالت‌ها در سرتاسر آلمان از مالیات بر ارزش افزوده به گونه‌ای بین شرق و غرب تقسیم می‌گردد که در انتها در ایالات براندنبورگ، مکلنبورگ-فورپومرن، زاکسن، زاکسن آنهالت و تورینگن در سال‌های

۱۹۹۱ ۵۵ درصد

۱۹۹۲ ۶۰ درصد

۱۹۹۳ ۶۵ درصد

۱۹۹۴ ۷۵ درصد

از سهم میانگین مالیات بر ارزش افزوده برای هر فرد در ایالات بادن وورتمبرگ، بایرن، برمن، هسن، هامبورگ، نیدرزاکسن، نوردراین وستفالن، راین لند فالتز، زارلند و شلسویگ هولشتاین باشد. سهم ایالت برلین فعلاً با توجه به جمعیت آن محاسبه می‌شود. مقررات این بند باید برای سال ۱۹۹۳ با توجه به شرائط موجود آن زمان مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.

Anhang

3. bis zum 31. Dezember 1994 abweichend von Artikel 106 Abs. 7 des Grundgesetzes den Gemeinden (Gemeindeverbänden) von dem Länderanteil am Gesamtaufkommen der Gemeinschaftssteuern und dem gesamten Aufkommen der Landessteuern ein jährlicher Anteil von mindestens 20 vom Hundert sowie vom Länderanteil aus den Mitteln des Fonds "Deutsche Einheit" nach Absatz 5 Nr. 1 ein jährlicher Anteil von 40 vom Hundert zufließt.

(3) Artikel 107 des Grundgesetzes gilt in dem in Artikel 3 genannten Gebiet mit der Maßgabe, daß bis zum 31. Dezember 1994 zwischen den bisherigen Ländern der Bundesrepublik Deutschland und den Ländern in dem in Artikel 3 genannten Gebiet die Regelung des Absatzes 1 Satz 4 nicht angewendet wird und ein gesamtdeutscher Länderfinanzausgleich (Artikel 107 Abs. 2 des Grundgesetzes) nicht stattfindet. Der gesamtdeutsche Länderanteil an der Umsatzsteuer wird so in einen Ost- und Westanteil aufgeteilt, daß im Ergebnis der durchschnittliche Umsatzsteueranteil pro Einwohner in den Ländern Brandenburg, Mecklenburg-Vorpommern, Sachsen, Sachsen-Anhalt und Thüringen in den Jahren

1991 55 vom Hundert

1992 60 vom Hundert

1993 65 vom Hundert

1994 70 vom Hundert

des durchschnittlichen Umsatzsteueranteils pro Einwohner in den Ländern Baden-Württemberg, Bayern, Bremen, Hessen, Hamburg, Niedersachsen, Nordrhein-Westfalen, Rheinland-Pfalz, Saarland und Schleswig-Holstein beträgt. Der Anteil des Landes Berlin wird vorab nach der Einwohnerzahl berechnet. Die Regelungen dieses Absatzes werden für 1993 in Ansehung der dann vorhandenen Gegebenheiten überprüft.

(۴) نواحی مذکور در اصل ۳، از ۱ ژانویه سال ۱۹۹۱ مشمول مقررات اصول ۹۱ الف، ۹۱ ب و ۱۰۴ الف بند ۳ و ۴ قانون اساسی، و نیز مشمول مقررات اجرایی این پیمان می‌شوند.

(۵) پس از برقراری اتحاد دو آلمان معاضدت‌های سالیانه از صندوق "اتحاد آلمان"

۱. تا میزان ۸۵ درصد به عنوان حمایت‌های ویژه به ایالات براندنبورگ، مکلنبورگ-فورپومرن، زاکسن، زاکسن آنهالت و تورینگن، و نیز ایالت برلین به‌منظور رفع نیازهای مالی آنها تعلق می‌گیرد و در هر یک از این ایالات نسبت به جمعیت آنها، به استثناء جمعیت برلین غربی، توزیع می‌گردد، و نیز

۲. تا میزان ۱۵ درصد صرف ایفاء وظائف عمومی کلیدی در ایالات مذکور می‌شود.

(۶) در صورت تغییر بنیادین شرائط موجود، امکان اعطاء کمک‌های بیشتر به‌منظور برقراری توازنی نسبی در توان مالی ایالات مذکور در اصل ۳، توسط فدراسیون و ایالات به‌طور مشترک بررسی می‌شود.

Anhang

(4) Das in Artikel 3 genannte Gebiet wird in die Regelungen der Artikel 91a, 91b und 104a Abs. 3 und 4 des Grundgesetzes einschließlich der hierzu ergangenen Ausführungsbestimmungen nach Maßgabe dieses Vertrags mit Wirkung vom 1. Januar 1991 einbezogen.

(5) Nach Herstellung der deutschen Einheit werden die jährlichen Leistungen des Fonds "Deutsche Einheit" 1.

zu 85 vom Hundert als besondere Unterstützung den Ländern Brandenburg, Mecklenburg-Vorpommern, Sachsen, Sachsen-Anhalt und Thüringen sowie dem Land Berlin zur Deckung ihres allgemeinen Finanzbedarfs gewährt und auf diese Länder im Verhältnis ihrer Einwohnerzahl ohne Berücksichtigung der Einwohnerzahl von Berlin (West) verteilt sowie

2. zu 15 vom Hundert zur Erfüllung zentraler öffentlicher Aufgaben auf dem Gebiet der vorgenannten Länder verwendet.

(6) Bei grundlegender Veränderung der Gegebenheiten werden die Möglichkeiten weiterer Hilfe zum angemessenen Ausgleich der Finanzkraft für die Länder in dem in Artikel 3 genannten Gebiet von Bund und Ländern gemeinsam geprüft.